



جلد اول



آموزش ترجمه و معارف سوره های:

حمد، توحید، کافرون، فلق، ناس، جمعه، صف و تغابن

■ به همراه آموزش صرف مقدماتی ■



عنوان قراردادی: قرآن - فارسی - عربی - برگزیده

Qur'an. Persian - Arabic. Selection

عنوان و نام پدیدآور: آموزش مسیحات / تهیه و تنظیم مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت (ع) صباح تابعان وحی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲ ج.

شابک: دوره: ۱-۴۸۸-۴۲۲-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۱: ۶-۴۶۷-۴۲۲-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۲: ۳-۴۸۴-۴۲۲-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: بالای عنوان: آموزش ترجمه و معارف قرآن کریم.

موضوع: قرآن - برگزیده ها -- ترجمه ها

موضوع: Qur'an .Selections --Translations

موضوع: قرآن -- ترجمه -- راهنمای آموزشی

موضوع: Qur'an -- Translating -- Study and teaching

موضوع: قرآن -- صرف و نحو -- راهنمای آموزشی

موضوع: Koran -- Grammar -- Study and teaching

شناسه افزوده: سازمان اوقاف و امور خیریه. سازمان چاپ و انتشارات

شناسه افزوده: Endowment and Charity Affairs. Organization Printing & Publishing

شناسه افزوده: مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت (ع) صباح تابعان وحی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ م/۷۸ ۵۹/۹ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۷۵۶۰۴



مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت (ع) صباح تابعان وحی
SABAH
Sabah Cultural Institute of Quran and Etrat



سازمان اوقاف و امور خیریه
مرکز امور قرآنی

جلد اول

تهیه و تنظیم: مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت ع صباح تابعان وحی

www.ehowzeh.com

- ویراستار: مهدی صباغی • مدیر هنری: امید رستمی • با همکاری: سید محمد ابطحی کاشانی و قاسم نورا حمدی
- نوبت چاپ: اول • شمارگان: ۱۵۰۰ جلد • قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان • ناشر: سازمان اوقاف و امور خیریه
- مرکز پخش: شهر مقدس قم، خیابان شهدا، کوچه ۲۴ (ممتاز)، نبش فرعی سوم، ساختمان نورالثقلین

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۰۶۳ • پایگاه اینترنتی: www.shop.salamquran.ir

کلیه حقوق معنوی این اثر، متعلق به مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت ع صباح تابعان وحی است.

آموزش ترجمه و معارف قرآن کریم



جلد اول

آموزش ترجمه و معارف سوره‌های:

حمد، توحید، کافرون، فلق، ناس، جمعه، صف و تغابن

به همراه آموزش صرف مقدماتی

فهرست مطالب

۶۲	درس هفتم: سوره مبارک جمعه / ۲	۱	پیشگفتار
	(آیات سوم تا پنجم)		
۶۴	تمرین ترجمه	۲	مقدمه
۶۶	زبان قرآن: فعل ماضی	۸	درس اول: سوره مبارک حمد
۶۸	تمرین زبان قرآن	۱۰	تمرین ترجمه
۷۰	درس هشتم: سوره مبارک جمعه / ۳	۱۲	زبان قرآن: انواع کلمه
	(آیات ششم تا هشتم)	۱۵	تمرین زبان قرآن
۷۲	تمرین ترجمه	۱۶	معارف سوره حمد
۷۴	زبان قرآن: فعل مضارع و مستقبل	۱۸	درس دوم: سوره مبارک توحید
۷۷	تمرین زبان قرآن	۲۰	تمرین ترجمه
۷۸	درس نهم: سوره مبارک جمعه / ۴	۲۱	زبان قرآن: کلمات هم خانواده و هم وزن
	(آیات نهم تا یازدهم)	۲۳	تمرین زبان قرآن
۸۰	تمرین ترجمه	۲۴	معارف سوره توحید
۸۲	زبان قرآن: فعل ثلاثی مزید	۲۶	درس سوم: سوره مبارک کافرون
۸۵	تمرین زبان قرآن	۲۸	تمرین ترجمه
۸۶	معارف سوره جمعه	۲۹	زبان قرآن: اسم مذکر و مؤنث
۹۰	درس دهم: سوره مبارک صف / ۱	۳۱	تمرین زبان قرآن
	(آیات اول تا چهارم)	۳۲	معارف سوره کافرون
۹۲	تمرین ترجمه	۳۴	درس چهارم: سوره مبارک فلق
۹۴	زبان قرآن: انواع کاربرد فعل ماضی و مضارع	۳۶	تمرین ترجمه
۹۷	تمرین زبان قرآن	۳۷	زبان قرآن: اسم مفرد، مثنی و جمع
۱۰۰	درس یازدهم: سوره مبارک صف / ۲	۴۰	تمرین زبان قرآن
	(آیات پنجم تا ششم)	۴۲	معارف سوره فلق
۱۰۲	تمرین ترجمه	۴۴	درس پنجم: سوره مبارک ناس
۱۰۴	زبان قرآن: معلوم و مجهول	۴۶	تمرین ترجمه
۱۰۷	تمرین زبان قرآن	۴۷	زبان قرآن: ضمیر
۱۰۸	درس دوازدهم: سوره مبارک صف / ۳	۵۰	تمرین زبان قرآن
	(آیات هفتم تا نهم)	۵۱	معارف سوره ناس
۱۱۰	تمرین ترجمه	۵۴	درس ششم: سوره مبارک جمعه / ۱
۱۱۲	زبان قرآن: نفی، جزم و نصب		(آیات اول تا دوم)
۱۱۵	تمرین زبان قرآن	۵۶	تمرین ترجمه
۱۱۶	درس سیزدهم: سوره مبارک صف / ۴	۵۸	زبان قرآن: اسم اشاره
	(آیات دهم تا دوازدهم)	۶۱	تمرین زبان قرآن
۱۱۸	تمرین ترجمه		

۱۷۸	درس بیستم: سوره مبارک تغابن / ۶ (آیات شانزدهم تا هجدهم)
۱۸۰	تمرین ترجمه
۱۸۲	زبان قرآن: یافتن معنای کلمه
۱۸۵	تمرین زبان قرآن
۱۸۷	معارف سوره تغابن
۱۹۲	پیوست اول: منابع و مأخذ
۱۹۵	پیوست دوم: راهنمای لغات درس
۱۹۸	پیوست سوم: راهنمای جدول تحلیل فعل
۲۰۰	پیوست چهارم: جدول افعال
۲۰۱	ابواب ثلاثی مجرد
۲۰۲	ابواب ثلاثی مزید
۲۰۵	افعال معتل
۲۰۷	پیوست پنجم: لغتنامه
۲۱۶	پیوست ششم: نمودار زبان قرآن

۱۲۰	زبان قرآن: امر، نهی و تأکید
۱۲۲	تمرین زبان قرآن
۱۲۴	درس چهاردهم: سوره مبارک صف / ۵ (آیات سیزدهم تا چهاردهم)
۱۲۶	تمرین ترجمه
۱۲۸	زبان قرآن: ادغام و تخفیف همزه
۱۳۱	تمرین زبان قرآن
۱۳۲	معارف سوره صف
۱۳۶	درس پانزدهم: سوره مبارک تغابن / ۱ (آیات اول تا چهارم)
۱۳۸	تمرین ترجمه
۱۴۰	زبان قرآن: اعلال و ابدال
۱۴۲	تمرین زبان قرآن
۱۴۴	درس شانزدهم: سوره مبارک تغابن / ۲ (آیات پنجم تا هفتم)
۱۴۶	تمرین ترجمه
۱۴۸	زبان قرآن: مصدر
۱۵۰	تمرین زبان قرآن
۱۵۲	درس هفدهم: سوره مبارک تغابن / ۳ (آیات هشتم تا دهم)
۱۵۴	تمرین ترجمه
۱۵۶	زبان قرآن: اسم فاعل، مفعول، مبالغه و صفت مشبّهه
۱۶۰	تمرین زبان قرآن
۱۶۲	درس هجدهم: سوره مبارک تغابن / ۴ (آیات یازدهم تا سیزدهم)
۱۶۴	تمرین ترجمه
۱۶۶	زبان قرآن: اسم تفضیل، زمان، مکان و آلت
۱۶۹	تمرین زبان قرآن
۱۷۰	درس نوزدهم: سوره مبارک تغابن / ۵ (آیات چهاردهم تا پانزدهم)
۱۷۲	تمرین ترجمه
۱۷۴	زبان قرآن: معرفه و نکره و اسم موصول
۱۷۷	تمرین زبان قرآن



تقدیم بہ قاری قرآن کربلا
شبیہ ترین خلق و خلق و منطق بہ رسول خدا ﷺ
حضرت علی بن حسین بن علی علیہ السلام



پیشگفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَالِمِينَ • الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ • مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ • إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ • صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ • غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

در بدو ورود به حوزه علمیه، قرآن کریم، اولین کتابی بود که فراگرفتیم. حدود دو ماه، تمام قرآن را خواندیم، به طوری که پس از آن، بدون نیاز به ترجمه، آن را قرائت کرده، از معارفش بهره می‌گرفتیم. در سال ۱۳۹۲، طرحی را آغاز کردیم تا مشابه آنچه در حوزه آموخته بودیم، به دانشجویان و جوانان ارائه دهیم، پس از کسب تجربه، رشته ترجمه و معارف قرآن کریم را در دو سطح برنامه‌ریزی کردیم. سطح یک این رشته، شامل مجموعه آموزش مسبحات می‌شود. این مجموعه دوجلدی، دربرگیرنده آموزش ترجمه و معارف یازده سوره از قرآن مجید (حمد، چهارقل و مسبحات) به همراه یک دوره مقدماتی ادبیات عرب است. سطح یک به عنوان مقدمه، قبل از ورود به قرآن ارائه می‌گردد و پس از آن، در سطح دو، تمام قرآن - از ابتدا تا انتها - تعلیم داده می‌شود.

فرایند تألیف این کتاب‌های آموزشی، حدود دو سال و نیم به طول انجامیده و در این مدت، بارها مورد تدریس آزمایشی قرار گرفته است.

از کسانی که مشوق و راهنمای ما بودند قدردانی می‌کنیم، به خصوص از حجج اسلام، اساتید بزرگوار (به ترتیب الفبا): حاجی ابوالقاسم، صبحی، صفار هرنندی، قاسمیان و کفیل؛ همچنین از حجت الاسلام نظری که در بخش «معارف سوره» و جناب آقای دکتر ذوقی که در بخش «زبان قرآن» از نظراتشان استفاده کرده‌ایم. از ریاست محترم مرکز قرآنی سازمان اوقاف و امور خیریه، جناب حجت الاسلام و المسلمین سید مصطفی حسینی، به سبب مساعدتی که در چاپ این مجموعه داشته‌اند، بسیار سپاسگزاریم.

مغفرت و رضوان الهی را برای امام راحل رحمته الله علیه و پیروان شهیدش و تمام خادمان قرآن آرزو می‌کنیم و از ذات اقدس الهی، علو درجات را برای معلم عزیز، سیدهادی محدث خواستاریم. ان شاء الله خداوند ما را قدردان نعمت رهبری امام خامنه‌ای قرار دهد و این انقلاب را به انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برساند و ما را در زمره یاران شهید آن بزرگوار ثبت بگرداند.

مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت عجل الله تعالی فرجه الشریف صباح تابعان وحی

پاییز سال ۱۳۹۷ - شهر مقدس قم



مقدمه

مجموعه دو جلدی آموزش مسَبَّحات^۱، دربردارنده چهار درس (هرجلد، بیست درس) است. جلد اول شامل سور مبارک حمد، توحید، کافرون، فلق، ناس، جمعه، صف و تغابن به همراه صرف مقدماتی و جلد دوم شامل سور مبارک حدید، حشر و اعلیٰ به همراه نحو مقدماتی است. این مجموعه در بخش‌های زیر تدوین شده است:

۱. آیات و لغات ۲. تمرین ترجمه ۳. زبان قرآن
۴. تمرین زبان قرآن ۵. معارف سوره

آیات و لغات

در هر درس، آیاتی از سوره‌های اشاره‌شده، به همراه لغات و اصطلاحات آن بیان گردیده و در مجموع دو جلد، حدود نهمصد لغت آشنا، جدید و اصطلاح آموزش داده شده است. معنای لغات با توجه به ترجمه‌ای رایج صورت‌گرفته و بعضاً در مواردی که نظر متفاوتی داشتیم، توضیحاتی آمده است. نوع شرح لغات در جلد اول، با توجه به سطح معلومات عربی فراگیر، تغییراتی می‌یابد که شرح آن در پیوست ۲: راهنمای لغات درس و نیز تمام لغات کتاب در پیوست ۵: لغتنامه آمده است.

تمرین ترجمه

پس از یادگیری کلمات درس، تمرین‌هایی با هدف ایجاد مهارت ترجمه در نظر گرفته شده است. هدف این بخش، آموزش ترجمه تحت‌اللفظی است و در مواردی که فهم ترجمه کلمه به کلمه دشوار باشد، به ترجمه روان پرداخته می‌شود. این بخش شامل تمرین واژه و تمرین عبارت است. تمرین واژه برای یادگیری کلمات مفرد و تمرین عبارت برای یادگیری ترجمه جملات کوتاه طراحی شده‌اند. سؤالات تمرین عبارت از تقطیع آیات درس به دست آمده‌اند.

زبان قرآن

پس از آیات و لغات، نوبت به ادبیات عربی - که به آن زبان قرآن می‌گوییم - می‌رسد؛ اهداف این بخش عبارت‌اند از:

- ارائه کاربردی زبان عربی، به جای آموزش قواعد دشوار و غیر مأنوس؛
- سعی در به‌کارگیری کلمات قرآن و سوره‌های کتاب در مثال‌ها؛
- تکیه بر قواعدی که در سوره‌های کتاب استعمال شده‌اند؛
- تقویت مهارت فهم متن قرآن کریم - از نظر ادبی - به جای مهارت ایجاد متن عربی؛
- ایجاد مهارت استفاده از کتاب‌های لغتِ آسان در جلد اول و کتاب‌های اعراب قرآن در جلد دوم؛
- استفاده از نمودارها و جدول‌های راهنما به جای حفظ قواعد.

زبان قرآن جلد اول، مربوط به علم صرف و زبان قرآن جلد دوم، مربوط به علم نحو است. ترتیب عناوین این بخش،

۱. به شش سوره از قرآن کریم که با فعل تسبیح آغاز می‌شوند، مُسَبَّحات گفته می‌شود؛ که عبارت‌اند از: حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن و اعلیٰ.

با کتب معتبر صرف و نحو تفاوت دارد.

در جلد اول، پس از مقدمات، بخشی از بحث اسم، که در فعل هم کاربرد دارد، آمده است، در نُه درس بعدی، بحث فعل و در چهار درس بعد از آن، بحث اسم خاتمه می‌یابد. درس آخر نیز، یافتن معنای لغت را بیان می‌کند.

در جلد دوم: پس از مقدمات نحو، در بخش اول، ارکان و قیود جملات ساده و در بخش دوم، جملات غیرساده تحلیل شده‌اند؛ بخش اول شامل آشنایی با ارکان جمله اسمیه و فعلیه و قیود جرّی، نصبی و توابع و بخش دوم شامل نواسخ و اسلوب‌های شرط، حصر، ندا، حذف و جابه‌جایی می‌شود.

در پایان هر جلد، گزیده‌ای از زبان قرآن کل کتاب، در قالب نمودار آمده است.

🔗 تمرین زبان قرآن

برای ایجاد مهارت‌های زبان قرآن در هر درس، تمرین‌هایی با رویکرد عدم حفظ قواعد، طراحی شده است. مجموع سوره‌های کتاب، حدود یک‌چهارم حجم قرآن را دارد. در تمرین‌های زبان قرآن، تقریباً تمام فعل‌ها و بسیاری از اسامی مشتق سوره‌های کتاب، تحلیل و تمرین می‌گردند و در جلد دوم نیز آیات درس (بسته به سطح معلومات) ترکیب می‌شوند.

سعی ما بر این بوده که در طول تحصیل فراگیر، ذهن او منحصر در سوره‌های کتاب باشد؛ یعنی نحو را در همان آیه‌ای نشان او دهیم که قبلاً صرف مفردات آن را آموخته و صرف را در جملاتی به او یاد دهیم که قبلاً بر ترجمه لغات آن مسلط شده است. این محدودیت میدان تمرین، موجب شد در هر بحث صرف و نحو، ابتدا به سوره‌های کتاب مراجعه کنیم و تا آن‌جا که ممکن بود، تمرین‌ها را از همین سوره‌ها انتخاب کنیم. این محدودیت میدان تمرین، موجب تسلط پایدار فراگیر می‌شود، به طوری که با ورود به سطح دو، سنگینی بار صرف و نحو از دوش او برداشته شده، می‌تواند عمده وقت خود را به مباحث علمی و تفسیری اختصاص دهد.

🔗 معارف سوره

در پایان هر سوره، مختصری از سیمای هدایتی آن سوره، در قالب ترجمه توضیحی بیان شده است. در تدوین این بخش از تفاسیر گوناگونی استفاده شده؛ اما در نهایت متن روانی تولید شده تا مخاطب گامی فراتر از آنچه در ترجمه تحت اللفظی آموخته، بردارد. این متن، در عین روانی، بسیاری از نکات تفسیری را در خود جای داده که برای اهل فن قابل استفاده است. در جلد دوم، استنادات و استدلالات بیشتری در پاورقی این بخش، برای اساتید آورده شده است.

در این بخش، از تفاسیر معتبری (چون المیزان) استفاده کرده‌ایم و همچنین از مباحث تدبری استاد صبحی بهره فراوانی گرفته‌ایم؛ اما در نهایت معارف سوره‌های این کتاب را یک نوع برداشت توضیحی از آیات قرآن می‌دانیم و هیچ ادعایی نسبت به تطابق کامل آن با مفاد آیات شریف نداریم؛ از این رو شایسته است اساتید گرامی، احتیاط لازم را در بیان این محتوا رعایت نمایند.

دقت داشته باشید مهارت ترجمه و ادبیات، برای انس ما با این کتاب الهی و عمل عالمانه به آن است و نباید اشتغال به فنون ترجمه و لغت، هدف اصلی قرار گیرد.

مخاطبان این کتاب چه کسانی هستند؟

مخاطبان این کتاب، باید از ویژگی‌های زیر برخوردار باشند:

❦ روخوانی قرآن کریم

برای ورود به این کتاب، نیازی به مهارت کامل روان‌خوانی و تجوید نیست. افرادی که در روان‌خوانی یا تجوید، مشکل دارند، می‌توانند آیات درس را همراه ترتیل‌قاریان کشورمان، همخوانی و تکرار کنند و در موارد ابهام، از اساتید کمک بگیرند. ناگفته نماند که شناخت کلمه و معنای آن، سهم بسزایی در مهارت روان‌خوانی دارد.

❦ آشنایی با کتاب‌های عربی راهنمایی و دبیرستان

مخاطبان این کتاب افرادی‌اند که عربی دبیرستان را گذرانده‌اند؛ اما چیز زیادی یاد نگرفته‌اند؛ برای مثال نمی‌توانند سیغه چهاردهم ماضی باب تفعیل از «علم» را به سرعت بگویند؛ اما معنای «ذَهَبَ = رفت» و «ذَهَبْتُ = رفتم» را می‌دانند. زبان قرآن این کتاب از سطح صفر آغاز شده است؛ اما شیب مطالب برای افرادی که هیچ‌گونه سابقه عربی ندارند، تند است؛ این فراگیران باید کتاب را نزد استاد مجرب بیاموزند تا در موارد لزوم، از تمرین‌های تکمیلی، استفاده کنند.

مخاطبان این کتاب چه کسانی نیستند؟

افرادی با ویژگی‌های زیر، نمی‌توانند از این کتاب به طور کافی بهره ببرند:

❦ عدم توانایی روخوانی قرآن کریم

افرادی که در روخوانی قرآن کریم مشکل جدی دارند، باید قبل از این کتاب، روخوانی قرآن کریم را فراگیرند.

❦ عدم علاقه به قواعد زبان عربی

زبان قرآن با دروس رایج زبان عرب، دو مقوله بسیار متفاوت است. همه علاقه‌مندان به اسلام، دوستدار فراگیری زبان وحی هستند؛ اما برخی افراد، علاقه‌ای به یادگیری اصول و قواعد عربی ندارند. در این کتاب سعی شده است تا زبان قرآن به صورت کاربردی ارائه شود؛ اما بحث‌های ادبی کتاب، دارای وزن قابل توجهی است که مخاطب باید با آن آشنا گردد!

❦ تسلط بالا بر ترجمه قرآن و ادبیات عرب

این کتاب، به کسانی که بر عربی دبیرستان و کاربرد آن در قرآن مسلط‌اند و از طرفی دست‌کم ۸۰ درصد کلمات قرآن کریم را بلدند، توصیه نمی‌شود، به این معنا که این افراد می‌توانند به صورت خودخوان، کتاب را خوانده، با موفقیت در آزمون‌های مربوطه، وارد سطح دو شوند.

۱. به افرادی که به یادگیری زبان قرآن علاقه ندارند، دوره سه‌جلدی آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن کریم، تألیف آقایان: محدّث، صفّار هرنندی و علامی را توصیه می‌کنیم. تکیه این دوره سه‌جلدی بر آموزش ترجمه است و زبان قرآن به صورت خفیف آموزش داده می‌شود.

تجربه تدریس آزمایشی این مجموعه، نشان می‌دهد افرادی که تحصیلات عالی مرتبط با قرآن داشتند یا کسانی که برخی کتب عربی حوزه را خوانده بودند، از تعلیم این کتاب بی‌نیاز نبوده و استقبال نسبتاً خوبی هم از کتاب داشته‌اند.

چرا کتاب جدیدی تألیف شد؟^۱

با وجود کتاب‌های متعدد آموزش مفاهیم قرآن کریم، این سؤال مطرح می‌شود: چرا کتاب جدیدی تألیف شد؟ می‌توان این مجموعه را با کتاب‌های موجود - که از بیان نام‌شان معذوریم - در شاخص‌های زیر مقایسه کرد:

سوره‌محور بودن

در برخی کتاب‌های آموزش ترجمه و مفاهیم، روند درس‌ها از لغات پرتکرار به لغات کم‌تکرار است. در هر درس، آیات مختلفی از سوره‌های گوناگون آورده می‌شود و ملاک انتخاب آیات، وجود کلمات مشابه در آن‌هاست. بعضاً با تلاش بیشتر مؤلفان، این آیات موضوع واحدی دارند؛ مثلاً نشانه‌های قیامت یا ولایت در قرآن و در پایان هر درس، توضیحی درباره معارف آیات درس آورده می‌شود.

انسجام آیاتی که در هر یک از سوره‌های قرآن کریم وجود دارد و معارفی را که آیات یک‌سوره منتقل می‌کنند، نمی‌توان با آیاتی که به‌زعم بشر، موضوع واحد دارند مقایسه کرد.

پس از یادگیری این کتاب، برترین راه تثبیت دروس، قرائت این سوره در زندگی روزمره است؛ اما چه روالی برای تثبیت یادگیری سایر کتاب‌های موجود وجود دارد؟ آیا فراگیران کتاب‌هایی که سوره‌محور نیستند، پس از پایان تحصیل، آن درس‌ها را مرور می‌کنند؟ برخی برای حل این مشکل، روش‌هایی همچون جعبه‌های لایت‌نر را مطرح کرده‌اند که نمی‌دانیم درباره این کتاب‌ها موفق بوده یا نه؛ اما با فرض سوره‌محور بودن کتاب، نیازی به این کار نیست.

این کتاب تمام قرآن نیست!

در برخی کتب، درس‌ها از لغات پرتکرار به کم‌تکرار تنظیم شده تا بیشترین لغت آموزش داده شود و برخی دیگر با هدف آموزش تمام (نزدیک به تمام) کلمات قرآن است، مخاطب را بیش از یک سال مشغول آموزش می‌کنند. ما بر این باوریم دوره موفق آن است که قرآن کریم را به صورت ترتیبی، از ابتدا تا انتها آموزش دهد و بعید است کتابی بتواند با ارائه روش‌ها و لغات، توانایی فهم کل قرآن را به کسی عطا کند؛ از این رو برای ما اهمیتی ندارد که پس از پایان این کتاب، ۴۰ درصد لغات قرآن کریم تعلیم داده شده است یا ۸۰ درصد؛ چراکه در سطح بعد، قرار است کل قرآن کریم آموزش داده شود و آنچه اهمیت دارد این است که این کتاب، مقدمه خوبی برای ورود به قرآن کریم باشد.

ادبیات عرب برای فهم قرآن

شیوه کتاب‌های ترجمه و مفاهیم قرآن کریم در زبان عربی، انواع مختلفی دارد که به برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

- برخی کتب، به مقدار بسیار اندکی از ادبیات عرب بسنده کرده‌اند، به طوری که هیچ پیش‌نیازی برای ورود به این کتاب‌ها احتیاج نیست. فراگیران این کتاب‌ها مجبورند لغات بیشتری را حفظ کنند؛ چراکه با قواعد

۱. این بخش از مقدمه، بیشتر برای اساتید و دست‌اندرکاران فعالیت‌های قرآنی نگاشته شده است.

ساخت لغت آشنا نیستند. ما به دو دلیل این شیوه را اختیار نکردیم:

- اغلب جامعه هدف ما، تحصیلات حداقلی دیپلم را دارا هستند و با ادبیات عرب، آشنایی کلی دارند.

- انتظار ما این است که اکثر فراگیران این سطح، وارد سطح بعد شوند که به زبان عرب نیاز دارند.

- برخی کتب، صرفاً عناوین ادبیات عرب را در درس‌ها آورده‌اند، با همان فروع و مثال‌های معروف که در کتب معروف حوزوی موجود است؛ نه از مثال‌های خود آیات استفاده کاملی شده و نه فروع زائد حذف گردیده است؛ البته از آیات و روایات هم در تمارین استفاده کرده‌اند. گاه احساس می‌شود مطالب فهم قرآن و ادبیات عرب در این کتاب‌ها، ارتباطی به هم ندارند و صرفاً مطالب صرفی و نحوی بین درس‌ها تقسیم شده‌اند. با نظر به مشکلات فوق، بخش زبان قرآن با ویژگی‌هایی که در بخش ساختار کتاب گفته شد، تدوین گردیده است.

حقوق معنوی

با توجه به مالکیت معنوی مؤلفان و ناشران محترم این کتاب‌ها، استفاده از منابع الکترونیک آن‌ها یا تولید بسته‌های چندرسانه‌ای آموزشی بر مبنای کتاب‌هاشان و... با محدودیت‌هایی همراه است. کلیه حقوق معنوی و فایل‌های الکترونیک این کتاب متعلق به مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت ع صباح تابعان وحی است. چاپ این کتاب توسط سایر ناشران بدون اجازه رسمی جایز نیست و پیگرد قانونی دارد.

پرینت و فتوکپی بخشی از کتاب با ذکر منبع و مشروط بر این‌که موجب تحریف یا توهین به کتاب نگردد، جایز و مأجور است ان شاء الله.



کتاب ناظر به کتب قبل

برای استفاده از تجربیات سایر کتاب‌های ترجمه و مفاهیم قرآن کریم، مطالعات اجمالی درباره تعدادی از این کتاب‌ها صورت گرفته است تا از ایده‌ها و نکات مناسب آن‌ها در این کتاب استفاده شود.

در پایان از تمام اساتید و فراگیران این مجموعه درخواست داریم، ما را از نظر ارزشمند خود بهره‌مند سازند و این خادمان قرآن را از دعای خیر خود محروم نکنند.

مدیر تألیف مجموعه دو جلدی آموزش مسبّحات

شهر مقدس قم - پاییز سال ۱۳۹۷

- 
- انجام امور زیر در بخش آیات هر درس لازم است، سه مورد اول، قبل از شروع درس و مورد آخر، پس از پایان درس انجام می شود:
۱. قرائت صحیح آیات توسط فراگیران؛
 ۲. مشخص کردن کلمات جدید توسط فراگیران؛
 ۳. سعی در ترجمه آیات، قبل از یادگیری کلمات درس؛
 ۴. نوشتن ترجمه هر آیه، پس از یادگیری کامل درس و حل تمارین آن.
- 



سوره
مبارک
حماد

سورة الفاتحة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ②
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ③ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ④
 إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ⑤
 أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ⑥
 صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ⑦
 غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ⑧

۱. بِ: به، با، به سبب،^۵ نسبت به **إِسْمِ**: نام **الله**: خدا، خداوند.
۲. رَبِّ: پروردگار،^۷ پرورش دهنده، مالک و مدبّر.
۴. مَالِكِ: مالک، صاحب **وَ**: و.
۶. مُسْتَقِيمِ: مستقیم، راست. **۷. غَيْرِ**: به جز.

جدید

۱. رَحْمَن: رحمان،^۸ بخشنده **رَحِيمِ**: مهربان
۲. حَمْد: ستایش، ستایش کردن **لِ**: برای، به،^۹ برای اینکه^{۱۰}
- عَالَمِينَ**: جهانیان، جهان‌ها
۴. یَوْم: روز، دوره،^{۱۱} مرحله **دین**:^{۱۲} جزا، دین، آیین
۵. **إِيَّاكَ**، تو **نَعْبُدُ**: عبادت می‌کنیم، بندگی می‌کنیم،

می‌پرستیم **نَسْتَعِينُ**: به کمک می‌گیریم، کمک می‌خواهیم **إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**: تو را به کمک می‌گیریم، از تو کمک می‌خواهیم. **۶. اِهْدِ**: هدایت کن **نا**: ما **صِرَاط**: راه.

۷. الَّذِينَ: کسانی که، آنان که، که **أَنْعَمْتَ**: نعمت دادی **عَلَى**: بر، برعهده^{۱۳} **هُمْ**: آن‌ها، آنان، **شان** **مَغْضُوب**:^{۱۴} غضب شده، مورد غضب **لَا**: {حرف نفی}، نه، **نیست ضَالِّينَ**: گمراهان **مَغْضُوب عَلَيْهِمْ**: غضب شده بر آن‌ها، مورد غضب شدگان، مورد خشم شدگان.

۱. هرگاه (ل) بر سر اسم «ال» در بیاید، «الف»، حذف می‌شود؛ مانند: ﴿لِ+الْإِنْسَانِ=لِلْإِنْسَانِ﴾ در آیه شریف ﴿كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ﴾ (حشر: ۱۶)؛ اما اگر (ل) به «الله» اضافه شود، «الف و لام» حذف می‌شوند؛ مانند ﴿لِ+الله=لِلَّهِ﴾.

۲. در قرآن‌های به خط عثمان ظه گاه «الف» به صورت «» نوشته می‌شود؛ مانند «الْعَالَمِينَ» که به صورت «الْعَالَمِينَ» کتابت شده است.

۳. «عَلَيْهِمْ=عَلَى+هُم».

۴. **برای استاد**: این آیه شریف، دو گونه ترجمه می‌شود: ترجمه اول، سخن از این است که نعمت داده شدگان، «مورد غضب» و «گمراه» نیستند؛ یعنی این دو صفت از «مُنْعَمِينَ»، نفی شده است: «نعمت داده شدگانی که مغضوب و گمراه نشدند»؛ ولی ترجمه دوم، «مُنْعَمِينَ»، «مورد غضب شدگان» و «گمراهان» را سه گروه جدا از هم می‌داند: «[خدایا] ما را در زمره مُنْعَمِينَ قرار بده، نه مغضوبین و نه ضالّین». (رک: فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۳)

۵. ﴿وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ﴾. (جمعة: ۷)

۶. ﴿وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾. (جمعة: ۷)

۷. **برای استاد**: «پروردگار» و «پرورش دهنده» مناسب ریشه «ربو» بوده و معنای دقیق «رَبِّ» نیستند؛ اما با توجه به اصول آموزشی کتاب، بیان شده‌اند.

۸. **برای استاد**: مجمع‌البیان، «رَحْمَن» را اسم علم خداوند می‌داند؛ طبق این نظر، ترجمه فارسی برای این لغت وجود ندارد. (رک: مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۹۳)

۹. ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ﴾. (صف: ۵)

۱۰. ﴿هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾. (حدید: ۹)

۱۱. ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾. (حدید: ۴)

۱۲. ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِي دِينٌ﴾. (کافرون: ۶) «دین» به معنای «جزا» معمولاً با «یوم» همراه می‌شود؛ مانند: ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾. (فاتحه: ۴)

۱۳. ﴿فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾. (تغابن: ۱۲)

۱۴. **برای استاد**: «مَغْضُوب»، به تنهایی استعمال ندارد؛ زیرا فعل آن با «عَلَى» متعدی می‌شود و اسم مفعول آن «مَغْضُوب عَلَى» است. برای سهولت در فهم، این کلمه به تنهایی معنا شده است.

تمرین ترجمه

۱. تمرین واژه

۱. ترجمه کلمه **رَبِّ** کدام است؟

<input type="checkbox"/>	ج. صاحب	<input type="checkbox"/>	ب. پروردگار
--------------------------	---------	--------------------------	-------------
۲. در آیه **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**، معنای کلمه **العالمین** کدام است؟

<input type="checkbox"/>	ج. هر دو	<input type="checkbox"/>	ب. جهانیان
--------------------------	----------	--------------------------	------------
۳. در آیه **مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ**، معنای کلمه **دین** کدام است؟

<input type="checkbox"/>	ج. هر دو	<input type="checkbox"/>	ب. جزا
--------------------------	----------	--------------------------	--------
۴. ترجمه کلمه **إِنَّا** کدام گزینه است؟

<input type="checkbox"/>	ج. فقط تو	<input type="checkbox"/>	ب. تو
--------------------------	-----------	--------------------------	-------
۵. ترجمه کلمه **نَسْتَعِينُ** کدام گزینه است؟

<input type="checkbox"/>	ج. کمک خواسته‌ایم	<input type="checkbox"/>	ب. می‌پرستیم
--------------------------	-------------------	--------------------------	--------------
۶. گزینه مناسب برای جای خالی کدام است؟
«إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ = ما را به راه راست»

<input type="checkbox"/>	ج. هر دو گزینه	<input type="checkbox"/>	ب. بینا کن
--------------------------	----------------	--------------------------	------------
۷. معنای «مورد خشم واقع شدگان» کدام است؟

<input type="checkbox"/>	ج. المَغضُوب عَلَیْهِمْ	<input type="checkbox"/>	ب. أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ
--------------------------	-------------------------	--------------------------	--------------------------
۸. «گمراهان» معنای کدام کلمه است؟

<input type="checkbox"/>	ج. ضالِّین	<input type="checkbox"/>	ب. ذالِّین
--------------------------	------------	--------------------------	------------

۲. تمرین عبارت

۱. **بِسْمِ اللَّهِ**

<input type="checkbox"/>	ج. به نام خدای بخشنده مهربان	<input type="checkbox"/>	ب. برای خداوند متعال
--------------------------	------------------------------	--------------------------	----------------------
۲. **الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

<input type="checkbox"/>	ج. بخشنده مهربان	<input type="checkbox"/>	ب. [خدای] بخشنده، مهربان است.
--------------------------	------------------	--------------------------	-------------------------------
۳. **الْحَمْدُ لِلَّهِ**

<input type="checkbox"/>	ج. ستایش خدا را	<input type="checkbox"/>	ب. خداوند را ستایش کن
--------------------------	-----------------	--------------------------	-----------------------

۴. ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

- ا. مالک و مدبّر جهانیان ب. پروردگار جهان‌ها ج. هر دو مورد

۵. ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾

- ا. پادشاه روز دینداری ب. صاحب روز جزا ج. صاحب همه آیین‌ها

۶. ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾

- ا. تو را می‌پرستیم و تو به ما کمک می‌کنی
ب. تو را می‌پرستیم و تو را به کمک می‌گیریم
ج. فقط او را می‌پرستیم و فقط از او استعانت می‌جوییم

۷. ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾

- ا. هدایت راه راست با تو است
ب. ما به راه راست هدایت می‌شویم
ج. ما را به راه راست هدایت کن

۸. ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾

- ا. راه کسانی که نعمت‌های عالی دارند
ب. راه کسانی که نعمت‌های شان برای تو است
ج. راه کسانی که نعمت دادی بر (به) ایشان

۹. ﴿الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾

- ا. کسانی که نعمت تو بر آن‌هاست و غضب بر آن‌ها نیست
ب. کسانی که نعمت دادی برای شان به جز [کسانی که] غضب شده بر آن‌ها
ج. تنها کسانی در نعمت‌اند که بر آنان غضب نکرده‌ای

۱۰. بسیاری از ترجمه‌های قرآن آیه ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ را به صورت «فقط تو را می‌پرستیم و فقط از تو کمک می‌خواهیم» گفته‌اند، علت اضافه شدن واژه «فقط» را در این ترجمه‌ها بررسی کنید (سؤال امتیازی).

۱۱. با مراجعه به ترجمه مرحوم آیه‌الله مشکینی، ترجمه رَبِّ الْعَالَمِينَ و تفاوت آن با چند ترجمه مشهور دیگر را بررسی کنید (سؤال امتیازی).



انواع کلمه

آشنایی با علم صرف

هدف ما از یادگیری ادبیات عرب، فهم قرآن کریم و روایات حضرات معصومین علیهم السلام است. ادبیات عرب، شامل علوم متعددی از جمله علم صرف و علم نحو است. علم صرف، ساختار کلمه (قبل از ورود به جمله) و تغییرات آن را بررسی می‌کند.

اساس بخش زبان قرآن در این کتاب (جلد اول آموزش مسبّحات)، آموزش مقدماتی بخشی از علم صرف است که به شناخت معنا و ساختار کلمه منجر می‌شود. زبان قرآن جلد دوم کتاب، به آموزش مقدماتی علم نحو می‌پردازد.

تعریف فعل، اسم و حرف

دسته اول:	دسته دوم:	دسته سوم:
نَعْبُدُ = بندگی می‌کنیم	الله = خدا	بِ = به
أَنْعَمْتُ = نعمت دادی	رَجِيمٌ = مهربان ^۲	لِ = برای
يَعْلَمُ = می‌داند	عِبَادَةٌ = بندگی کردن	لَا = نه
إِهْدِ = هدایت کن	إِيَّاكَ = تو	

دسته اول: این کلمات بیانگر انجام کاری هستند و زمان خاصی هم دارند؛ مثلاً کلمه نَعْبُدُ بیانگر عبادت کردن در زمان حال، کلمه أَنْعَمْتُ بیانگر نعمت دادن در گذشته، کلمه يَعْلَمُ بیانگر حالت دانستن در زمان حال و کلمه إِهْدِ بیانگر طلب و درخواست هدایت کردن در آینده^۲ است. به این‌گونه کلمات فعل می‌گوییم.

به کلمه‌ای که معنای مستقلی^۴ (واقع شدن کار یا حالتی) در زمان خاصی دارد، «فعل» می‌گوییم.

۱. اگر روی حرفی حرکتی وجود نداشت به منزله ساکن بودن آن حرف است: «نَعْبُدُ = نَعْبُدُ».

۲. برای استاد: ممکن است برای فراگیران سؤال شود که «مهربان»، صفت است، نه اسم، این ابهام ناشی از مفاهیم اسم و صفت در زبان فارسی است.

۳. در فعل امر، زمان محقق شدن آنچه انسان طلب می‌کند، بعد از طلب کردن است و در نتیجه زمان آینده بر آن اطلاق می‌شود.

۴. مفهوم «معنای مستقل» در تعریف دسته سوم مشخص خواهد شد.



دسته دوم: این کلمات برای نامیدن یا وصف کردن شخص، شیء یا خصوصیتی به کار می‌روند. **الله** نام مبارک خداوند است؛ **مالک** برای موجودی است که دارنده چیزی باشد و **ایّاک** برای نامیدن شخص مخاطب است. به این‌گونه کلمات **اسم** می‌گوییم.

به کلمه‌ای که معنای مستقلی (بدون زمان) دارد، «اسم» می‌گوییم.

دسته سوم: این کلمات به خودی خود معنای واضحی ندارند. کلمه **بِه** به تنهایی چه معنایی دارد؟ اگر بگوییم معنایش «با» یا «به» است دوباره سؤال می‌کنیم، با چه؟ به چه چیزی؟ معنای این کلمات کنار کلمات دیگر مشخص می‌شود. وقتی می‌گوییم **بِسْمِ اللَّهِ** معنای **بِه** فهمیده می‌شود. اصطلاحاً گفته می‌شود این دسته از کلمات **معنای مستقلی** ندارند، برخلاف فعل و اسم که معنای شان به کلمه دیگری وابسته نیست و **مستقل** هستند. به این‌گونه کلمات **حرف** می‌گوییم.

به کلمه‌ای که معنای مستقلی ندارد، «حرف» می‌گوییم.

سؤال: **رَبِّ الْعَالَمِينَ** چه نوع کلمه‌ای (فعل، اسم یا حرف) است؟

جواب: عبارت **رَبِّ الْعَالَمِينَ** ترکیبی از سه کلمه **رَبِّ**، **الو** و **عَالَمِينَ** است و تقسیم‌بندی بیان شده در این درس مربوط به کلمات مفرد است نه ترکیباتی که از چند کلمه تشکیل شده‌اند.

توجه: حرکت حرف آخر افعال، غالباً، مشخص است؛ برای مثال حرکت آخر در **أَنْعَمْتَ**، فتحه و در **نَعْبُدُ**، ضمه است؛ اما حرکت حرف آخر اسمی، معمولاً متغیّر است و براساس نقش آن‌ها در جمله، مشخص می‌شود. به حرکت آخر **رَبِّ** در آیات زیر، توجه کنید:

أ. **إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ** (مائده: ۲۸)

ب. **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** (حمد: ۱)

ج. **هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ** (أنعام: ۱۶۴)

از این رو، اسم‌هایی که حرکت آخر آن‌ها در جمله مشخص می‌شود، در لغات درس، بدون حرکت آخر ذکر شده‌اند.^۲

تشخیص فعل، اسم و حرف

برای شناخت و فهم معنای کلمات قرآن کریم، ابتدا لازم است نوع کلمه، اعم از فعل، اسم یا حرف را تشخیص دهیم و پس از آن با معلوماتی که در درس‌های آینده فرامی‌گیریم معنای آن‌ها را به دست آوریم. راه اول تشخیص نوع کلمه براساس معنای آن است؛ برای مثال می‌گوییم کلمه «**حمد** = ستایش» معنای مستقلی دارد، پس حرف نیست و معنایش هم زمان خاصی ندارد؛ در نتیجه اسم است.

۱. این حروف با حروف الفبای عربی (أ. ب. ت. ث. ...) متفاوت است. به حروف الفبا، **حروف مبانی** و به این حروف، **حروف معانی** گفته می‌شود.

۲. **بیشتر بدانیم:** حرکت حرف آخر در برخی اسم‌ها، قیل و بعد از ورود به جمله، ثابت و مشخص است؛ مانند: «**إِيَّاكَ**».

راه دوم تشخیص نوع کلمه، براساس علائم است. این راه در جایی که معنا را ندانیم مفید است، برخی از این علائم عبارتند از:

علائم فعل

وارد شدن بعضی حروف، از جمله: **قَد و لَمْ** در ابتدای آن؛ مانند: **تَعْلَمُونَ** در ﴿قَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ﴾ (صَف: ۵).

علائم اسم

۱. **الف و لام:** اگر اول کلمه‌ای الف و لام بیاید، اسم است؛ مانند: **الْحَمْد** در ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (حمد: ۱).
۲. **جَز:** اگر آخر کلمه‌ای جَز (کسره) بگیرد، اسم است؛ مانند: **مَالِك** در ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ (حمد: ۴).
۳. **تنوین:** اگر آخر کلمه‌ای تنوین^۲ بیاید، اسم است؛ مانند: **أَحَدٌ** در ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ (توحید: ۱).
۴. **جمع و مثنی:** اگر کلمه‌ای مثنی یا جمع باشد، اسم است؛ مانند: **الضَّالِّينَ** در ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ (حمد: ۷).
۵. **اضافه:** اگر کلمه‌ای مضاف واقع شود؛ اسم است؛ مانند: **يَوْمٍ** در ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ (حمد: ۴).

علائم حرف

علامت حرف، نپذیرفتن علائم فعل و اسم است.

۱. برای آشنایی با مفاهیم جمع و اضافه برای شناخت این علائم لازم است، شما می‌توانید این مفاهیم را به صورت اجمالی و در قالب مثال بیان کنید.
۲. بیشتر بدانیم: تنوین، نون ساکنی (ن) است که آخر کلمه تلفظ شده اما نوشته نمی‌شود. در این کتاب حرکات «تَ» را مشابه «تِ» در نظر می‌گیریم.

تمرین زبان قرآن

۱. در جدول زیر، نوع کلمه (فعل، اسم یا حرف) و علامت ظاهری آن را مشخص کنید (در برخی علائم از استاد کمک بگیرید)

ش	کلمه	فعل	اسم	حرف	علامت
۱	بِ			*	
۲	اِسْمِ				
۳	رَحِيمِ				
۴	حَمْدِ				
۵	لِ			*	
۶	عَالَمِينَ				
۷	مَالِكِ		*		
۸	يَوْمِ				
۹	دِينِ				
۱۰	إِيَّاكَ		*		
۱۱	نَعْبُدُ	*			
۱۲	نَسْتَعِينُ				
۱۳	اِهْدِ	*			
۱۴	نَا				
۱۵	صِرَاطِ				
۱۶	مُسْتَقِيمِ				
۱۷	أَنْعَمْتَ	*			
۱۸	عَلَيَّ				
۱۹	مَغْضُوبِ				
۲۰	وَ				
۲۱	ضَالِّينَ				

معارف سوره حمد

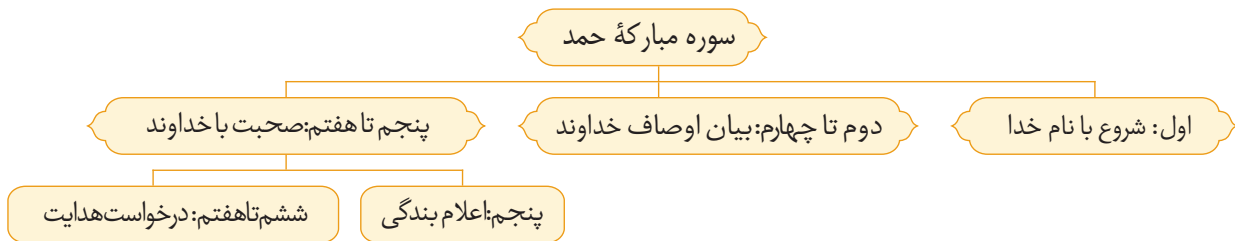
❦ فضیلت سوره

در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ می‌خوانیم که خداوند متعال به ایشان خطاب می‌فرماید: «به امت تو گنجی از گنج‌های عرشم را عطا کرده‌ام که آن سوره فاتحه‌الکتاب است.»^۱

❦ نقشه سوره

آیه اول با نام خداوند آغاز می‌گردد و بعد از آن، سوره به دو بخش کلی تقسیم می‌شود: بخش اول شامل آیه‌های دوم تا چهارم بوده و معرفی خداوند را دربر دارد؛ حمد و رحمت الهی و مالکیت روز جزا در این آیات مطرح شده‌است.

بخش دوم زبان ما بندگان با خداست که پس از اعلام بندگی و طلب کمک، درخواست هدایت به راه مستقیم داریم.



❦ بیان سوره

همیشه اولین سخن از اهمیت فراوانی برخوردار است. خداوند متعال، کتابش را با این سوره افتتاح کرده است و ما هم نماز و سخن با خدا را، با این سوره شروع می‌کنیم.

«الله» دربرگیرنده تمام صفات خداوند است که پس از آن، دو صفت «رَحْمَان» و «رَحِيم» آمده تا به طور خاص به این دو صفت توجه شود. رحمان به «رحمت گسترده خداوند» اشاره دارد که فراگیر است و مؤمنان و کافران از آن بهره می‌گیرند. نعمت‌هایی همچون خورشید و باران یا فراتر از آن‌ها نعمت انبیای الهی و کتب آسمانی مظهر رحمانیت خداوند هستند که همه انسان‌ها و حتی سایر موجودات از آن‌ها استفاده می‌کنند.

رحیم به معنای «رحمت خاص خداوند» است که فقط شامل مؤمنان می‌شود. افرادی که به درستی از رحمانیت خداوند استفاده نکنند به رحمت خاص خداوند نمی‌رسند. مؤمنان کسانی هستند که از رحمت گسترده خداوند برای رشد و کمال خود استفاده کرده و در راهی قرار گرفته‌اند که رحیمیت خداوند هم شامل آن‌ها شود.

قرآن کریم از بزرگ‌ترین نشانه‌های رحمت گسترده خداوند است که برای هدایت همه مردم نازل شده است؛ از این رو قرائت

۱. «وَأَعْطَيْتُ أُمَّتَكَ كَنْزًا مِنْ كُنُوزِ عَرْشِي فَاتِحَةَ الْكِتَابِ.» (تفسیر نورالتقلین، ج ۱، ص ۴).

هرسوره را با استعانت از خداوند رحمان آغاز کرده، توفیق عمل به سوره و کسب رحیمیت او را خواستاریم ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾.

با نگرش به جهان شگفت‌انگیز، زبان به ستایش بازمی‌شود، دوباره نیک می‌نگریم؛ هرچه ستایش هست برای خداست؛ همان خدایی که پرورش دهنده و رشددهنده تمام موجودات است ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾.

دست رحمت رحمانیه او بر همه موجودات کشیده شده و خوشا به حال بندگان که از این رحمت رحمانیه استفاده کرده و به رحمت خاص و رحیمیه او رسیده‌اند ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾.

او مالک واقعی روز قیامت است؛ درحقیقت، فقط او مالک دنیا و آخرت است. در دنیا برخی بندگان فراموش کرده‌اند که خداوند، مالک اصلی است. در قیامت، که روز اعطای جزای نیک و بد است، برای همگان روشن می‌شود که مالک اصلی، کیست ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾.

چنین خدایی داریم! خود را به رحمتگری معرفی کرده و تکامل ما را به عهده گرفته و جزای آخرت ما به دست اوست. می‌خواهم مستقیم با چنین خدایی صحبت کنم...

خدایا! می‌دانیم که منشأ تمام مهربانی‌هایی؛ پس فقط برای تو کار می‌کنیم و با همه وجود بندگی تو را فریاد می‌زنیم. ما در مسیر بندگی، محتاج کمکی و فقط از تو کمک می‌خواهیم ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾.

بندگی کردن و کمک خواستن از من، دستگیری و هدایت هم از تو. من را به راه راست و دور از کجی‌ها ببر ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾.

راه مستقیم، همان راهی است که بندگان خوب در آن قرار دارند و نعمت‌های تو برایشان معلوم است؛ پس مرا با ایشان همراه کن.

خدایا! از مسلک دشمنان و کسانی که مردم را به گمراهی می‌کشند به تو پناه می‌برم، اینها مورد غضب تو هستند. از تو می‌خواهم مرا از غافلان گمراه قرار ندهی؛ البته اینان غضب شده نیستند، اما راه بندگی را گم کرده‌اند و با تو کار ندارند ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾.



سورة مبارک اخلاص

سُورَةُ الْاٰخِلَاصِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ ۱ اللّٰهُ الصَّمَدُ ۲ لَمْ یَلِدْ
 وَلَمْ یُولَدْ ۳ وَلَمْ یَكُنْ لَهُۥ ۲ کُفُوًا ۳ اَحَدٌ ۴

۱. قُلْ: بگو هُوَ: او، آن أَحَد: یکتا، یگانه، (هیچ) کس.^۵

۲. صَمَد: بی نیاز، مقصود.

۳. لَمْ: (حرف نفی) یَلِدُ: می زاید، تولید می کند یُولَدْ:

زائیده می شود، تولد می یابد لَمْ یَلِدُ: نزائیده، کسی از

او متولد نشده لَمْ یُولَدْ: زائیده نشده، تولد نیافته.

۴. یَكُونُ: هست، است؛ هُـ: او، آن، شش کُفُوًا: همتا، همانند لَمْ یَكُنْ: نیست،^۶ نبود.

۱. برای استاد: طبق نظر مشهور، «هُوَ» ضمیر شأن است (رک: مستندات ترجمه قرآن، ص ۷۹۴)؛ اما برای سهولت در آموزش، آن را به صورت «او» ترجمه می کنیم. در جلد دوم، ترجمه این آیه، بحث می شود.

۲. گاه حرف «لِ» که به معنای «برای» است به صورت «لِ» نوشته می شود؛ مانند: «لَهُ».

۳. معمولاً به آخر اسمی که تنوین نصب دارد، یک «الف» اضافه می شود؛ مانند: کُفُوًا، قَرَضًا و حَسَنًا. (رک: معجم الإعراب و الإملاء، ص ۲۰)

۴. اصل کلمه «أَخَدٌ» است که برای نشان دان و وجوب قلب در حالت اتصال به بعد به شکل «أَخَدٌ» نوشته شده است.

۵. کلمه «أَخَدٌ» در جمله های منفی، معمولاً معنای «هیچ کس» دارد؛ مانند آیه آخر سوره مبارک توحید. (رک: قاموس، ج ۱، ص ۳۴)

برای استاد: کلمه «أحد» در آیه اول و آخر سوره توحید، جناس دارند.

۶. برای استاد: برگرفته از ترجمه روان جاوید نوشته محمد ثقفی تهرانی.

۷. بیشتر بدانیم: کلمه «كُفُوًا» به صورت «كُفُوًا» و «كُفُوًا» نیز خوانده می شود (قاموس قرآن، ج ۶، ص ۱۲۱) این کلمه در فارسی، تغییر کرده به صورت «كُفُوًا» به کار می رود؛ برای مثال می گوئیم: «زن و شوهر باید کفو یکدیگر باشند».

۸. در اصل «لَمْ یَكُونُ» بوده که به «لَمْ یَكُنْ» تبدیل شده است. علت این تغییر در درس های بعد گفته خواهد شد.

۹. برای استاد: آمدن «لَمْ» بر سرفعل مضارع، معنای آن را ماضی می کند؛ اما با توجه به اینکه این فعل، در وصف خداوند متعال به کار رفته، ترجمه آن به صورت «نیست» بهتر است.

تمرین ترجمه

ا. تمرین واژه

۱. ترجمه **صَمَد** کدام نیست؟

- ا. بی همتا ب. بی نیاز ج. مقصود

۲. کدام گزینه معنای نفی ندارد؟

- ا. لا ب. لَیْ ج. لَمْ

۳. کدام گزینه معنای متفاوتی دارد؟

- ا. هُوَ ب. هُمُ ج. هُ

۴. گزینه مناسب را برای جای خالی انتخاب کنید؟ «لَمْ یَكُنْ لَهُ کُفُوًا أَحَدٌ» = هیچ کس برای او نیست»

- ا. همتا ب. شریک ج. همکار

۵. معنای درست **أَحَد** در آیه زیر کدام است؟

﴿وَلَمْ یَكُنْ لَهُ کُفُوًا أَحَدٌ﴾

- ا. یکتا ب. هیچ کس ج. هر دو

ب. تمرین عبارت

۱. ﴿هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾

- ا. او خدای یکتاست ب. او به تنهایی خداست ج. خدای او، یگانه است

۲. ﴿الله الصَّمَدُ﴾

- ا. خداوند بی نیاز است ب. خداوند مقصود [همه موجودات] است ج. هر دو گزینه

۳. ﴿لَمْ یَلِدْ﴾

- ا. زاییده نشده است ب. هرگز نمی زاید ج. نزاییده است

۴. ﴿لَمْ یُولَدْ﴾

- ا. زاییده نشده است ب. کسی از او متولد نشده است ج. ولدی (فرزندی) ندارد

۵. ﴿لَمْ یَكُنْ لَهُ کُفُوًا أَحَدٌ﴾^۱

- ا. به غیر او، کسی [برای بندگانش] کافی نیست ب. نیست برای او همتا، او یکتاست
 ج. نیست برایش همتا، کسی

۱. می توانید «أَحَد» را قبل از «كُفُوًا» و در ابتدای جمله، ترجمه کنید.



کلمات هم خانواده و هم وزن

کلمات هم خانواده

به کلمات زیر توجه کنید. چه شباهتی بین کلمات دسته اول می بینید؟ بین کلمات دسته دوم و سوم چطور؟

دسته اول:	دسته دوم:	دسته سوم:
بخشنده	دانا	آزمایش
بخشودگی	دانش	آزمون
بخشایش	کاردان	آزمایشگاه

«بخش» در کلمات دسته اول و «دان» و «آزم» در دسته های دوم و سوم تکرار شده اند. کلمات هر دسته را هم خانواده می نامیم.

در زبان عربی نیز کلمات هم خانواده وجود دارد. **رَحْمَةٌ، رَحْمَانٌ و رَحِيمٌ** هم خانواده هستند و حروف «رحم» در آن ها تکرار شده است که به آن ها حروف اصلی می گوییم.

به حروفی که در تمام کلمات هم جنس تکرار می شوند، «ریشه یا حروف اصلی» می گوییم.

به حروف غیر از حروف اصلی کلمه، «حروف زائد» می گوییم.

در جدول زیر، سه دسته از کلمات هم جنس آمده اند. به حروف اصلی و زائد هر دسته توجه کنید.

دسته اول	حروف اصلی	حروف زائد	دسته دوم	اصلی	زائد	دسته سوم	اصلی	زائد
رَحْمَةٌ	رحم	ة	عَالَمِينَ	علم	ا-ی-ن	كُبْرَىٰ	کبر	ی (ا)
رَحْمَانٌ	رحم	ا-ن	عَالِمٍ	علم	ا	مُتَكَبِّرًا	کبر	م-ت-ب
رَحِيمٌ	رحم	ی	عَلِيمٍ	علم	ی	كَبِيرٍ	کبر	ی

حروف اصلی کلمه، غالباً سه حرف است؛ کلماتی هم وجود دارند که ۴ یا ۵ حرف اصلی دارند؛ مانند **يُوسُوفُ** که از چهار حرف اصلی «وسوس» تشکیل شده است. تشخیص حروف اصلی از زائد، قاعده مشخصی ندارد و یکی از راه های یافتن آن، استفاده از لغتنامه ها است.

۱. حرف مشدّد به منزله دو حرف حساب می شود: «مُتَكَبِّرًا = مُتَكَبِّرٌ».

🔗 کلمات هم وزن

در جدول قبل، به کلمات ردیف آخر توجه کنید: **رَجِيم**، **عَلِيم** و **كَبِير**. این کلمات با وزن و آهنگ یکسانی تلفظ می‌شوند؛ هرچند حروف اصلی آن‌ها متفاوت است، حروف زائد و حرکات حروف در آن‌ها یکسان است و اصطلاحاً به این کلمات **هم وزن** می‌گوییم.

به کلماتی که حرکات حروف و حروف زائد در آن‌ها یکسان باشد، «کلمات هم وزن» می‌گوییم.

هردسته از کلمات جدول زیر، مجموعه‌ای از کلمات هم وزن را تشکیل می‌دهند.

دسته اول:	حروف اصلی	حروف زائد	دسته دوم:	اصلی	زائد	دسته سوم:	اصلی	زائد
عالم	علم	ا	خَییر	خبر	ی	یَعْلَمُ	علم	ی
ظاهر	ظهر	ا	بَصیر	بصر	ی	یَعْمَلُ	عمل	ی
باطن	بطن	ا	عَلیم	علم	ی	یَجْمَعُ	جمع	ی

🔗 وزن کلمه

برای تشخیص وزن کلمات و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، از روش زیر استفاده می‌کنیم:

حروف «ف ع ل» را به ترتیب جایگزین حروف اصلی کلمه می‌کنیم؛ مثلاً در کلمه **ظاهر**، «ف» را به جای «ظ»، «ع» را به جای «ه» و «ل» را به جای «ر» می‌گذاریم و کلمه ظاهر به کلمه **فاعِل** تبدیل می‌شود. اگر از ما بپرسند: وزن کلمه **ظاهر** چیست؟ می‌گوییم: **فاعِل**.

دسته اول از کلمات بالا دارای وزن **فاعِل** و دسته دوم دارای وزن **فَعیل** و دسته سوم دارای وزن **یَفْعَلُ** هستند.

توجه: برای حروف (مانند **پ، ل و...**)، بحث حروف اصلی و زائد و وزن مطرح نیست.^۱

۱. برای استاد: در حروف و اسامی مبنی (غیر متصرف)، بحث «ریشه» و «وزن» مطرح نمی‌شود.

تمرین زبان قرآن

۱. در جدول کلمات زیر، پس از مشخص نمودن نوع کلمه (با توجه به معنای کلمه)، ریشه و وزن آن را بنویسید.

ش	کلمه	فعل	اسم	حرف	ریشه	وزن
۱	رَحْمَان				رحم	
۲	رَحِيم					فَعِيل
۳	حَمْد				حمد	
۴	عَالَمِينَ				علم	
۵	مَالِك		*			فَاعِل
۶	يَوْم		*			
۷					دين	فِعْلٌ
۸	نَعْبُدُ	*			عبد	
۹	صِرَاط		*		صرط	
۱۰	أَنْعَمْتَ	*			نعم	
۱۱	مَغْضُوب					مَفْعُول
۱۲	صَمَد					
۱۳	كُفُو					
۱۴	لَمْ					

۲. در کلمات مشخص شده، کدام یک از علائم فعل، اسم یا حرف وجود دارد؟

﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾. (توحید: ۴)

۳. چند آیه از سوره مبارک تغابن، آخرین کلمه اش بر وزن **فَعِيل** است؟

۴. به دو عبارت **الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** و **اللَّهُ الصَّمَدُ** توجه کنید، چرا عبارت اول را به صورت «بخشنده مهربان» و عبارت دوم را در

قالب یک جمله و به صورت «خداوند بی نیاز است» ترجمه کردیم؟ (امتیازی)

۱. در عربی سه حالت «هُوَ» و «هِيَ» و «ذَلِكَ» را به صورت مَدّی و به ترتیب به شکل «او»، «ای» و «آ» تلفظ می کنند؛ مثلاً در فارسی کلمات «دین» و «دین» معانی و تلفظ متفاوتی دارند؛ اما در عربی هر دو کلمه به صورت «دین» خوانده می شوند. گفتنی است معادل واژه «وام، بدهی» در عربی، «دین» است.

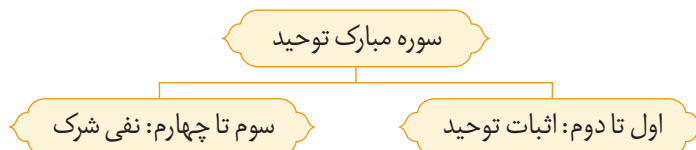
معارف سوره توحید

فضیلت سوره

در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، خواندن سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را بعد از هر نماز ترک نکند؛ زیرا هرکس آن را بخواند، خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او جمع می‌کند و خودش و پدر و مادر و فرزندان را می‌آمزد.»^۱

نقشه سوره

این سوره در چهار آیه به معرفی خداوند متعال می‌پردازد. در آیات اول و دوم، یکتایی و بی‌نیازی خداوند بیان می‌شود و در آیات سوم و چهارم دو عقیده شرک‌آلود نفی می‌گردد؛ به این ترتیب توحید الهی با دو اثبات و دو نفی، مطرح می‌شود.



بیان سوره^۲

اعتقاد صحیح به خداوند متعال، موجب تصحیح باورها و رفتارهای ماست. ریشه هر گناه در شرک است؛ کسی که برای به دست آوردن هوس‌های خود، دست به دامن غیرخدا می‌شود، دروغ می‌گوید، رشوه می‌دهد، تهمت می‌زند، به خودش اجازه می‌دهد خارج از محدوده‌ای که خدا برایش مشخص کرده غضبش را خالی کند و... درحقیقت همه مشکلاتش، ریشه در شرک دارد.

این سوره با **قُلْ** آغاز می‌گردد؛ یعنی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داده می‌شود تا خداوند را به مردم معرفی کند. این معرفی نامه کوتاه و عمیق تا روز قیامت منبع شناخت خداوند است.

معرفی خداوند با احدیت و یکتایی او آغاز می‌شود. خداوند یکی است و حدّ و مرزی ندارد؛ حتی نمی‌توان خداوند دیگری در ذهن تصور کرد؛ چه برسد به اینکه وجود داشته باشد **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ**.

خداوند به کسی محتاج نیست و نیاز تمام موجودات را برآورده می‌کند **اللَّهُ الصَّمَدُ**.

در دو آیه قبل، دو شأن از خداوند متعال مطرح شد و در آیات بعد، دو چیز از خداوند نفی می‌شود.

۱. «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْعُ أَنْ يَقْرَأَ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ بَقَوْلِ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَإِنَّهُ مَنْ قَرَأَهَا جُمِعَ لَهُ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَغَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِوَالِدَيْهِ وَمَا وَكَلَدَ.»
(البرهان ج ۵، ص ۷۹۳)

۲. در معارف سور مبارک توحید، فلق و ناس، اقتباس‌ها و برداشت‌هایی از کتاب «فهم زبان قرآن» صورت گرفته است.

چیزی از او متولد نشده است، او نسل و امتدادی ندارد؛ بلکه خود، انتهای همه چیز است. او از کسی متولد نشده و از جایی ظهور نکرده است. او خود، آغاز همه چیز است؛ همچنین هیچ شریکی در طول خداوند و قبل و بعد از او نیست ﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾. هیچ کس، همتای او نیست؛ همه موجودات مخلوقات او هستند و تحت قدرت او، به هستی خود ادامه می دهند. هیچ شریکی در عرض او وجود ندارد ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾.



سوره
مبارک
کافرون

آشنا

۱. کَافِرُونَ: کافران، افراد کافر.

۳. عَابِدُونَ: عبادت‌کنندگان، پرستش‌کنندگان.

۴. عَابِدٍ: عبادت‌کننده، پرستش‌کننده.

جدید

۱. يَا أَيُّهَا: ای.

۲. أَعْبُدُ: عبادت می‌کنم، بندگی می‌کنم، می‌پرستم ما: آنچه

هر چه، چه چیزی؟^۴ (حرف نفی)^۵ تَعْبُدُونَ: عبادت می‌کنید، بندگی می‌کنید، می‌پرستید.

۳. أَنْتُمْ: شما.

۴. أَنَا: من عَبَدْتُمْ: عبادت کردید، بندگی کردید، پرستیدید.

۶. كُمْ: شما، تان ی: من، م.

سورة الكافرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۱ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۲
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۳ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ۴
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۵ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ۶

۱. الف در «أنا»، در حالت وصل خوانده نمی‌شود و در حالت وقف خوانده می‌شود. به حرکت بالای این الف در رسم‌الخط عثمان ظه توجه کنید.

۲. اصل این کلمه «عَبَدْتُمْ» است و تشدید «ت» برای نشان دادن «ادغام تجویدی» است. این ادغام با ادغامی که در آینده می‌آموزیم تفاوت‌هایی دارد.

۳. «دین» در اصل، «دینی» بوده که «ی» آن حذف و کسره آخر (دین)، جایگزین آن شده است.

۴. ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ﴾. (حدید: ۸)

۵. ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾. (تغابن: ۱۱)

۶. این «ی» به دو شکل کاربرد دارد: «ی» یا «ی».

تمرین ترجمه

ا. تمرین واژه

۱. کدام گزینه «پرستش کننده» متفاوتی دارد (فاعل «پرستیدن» در کدام گزینه متفاوت است)؟

ا. أَعْبُدُ ب. تَعْبُدُونَ ج. عَبَدْتُمْ

۲. کدام گزینه در زبان فارسی به معنای «من» نیست؟

ا. أَنَا ب. أَنْتُمْ ج. أَنَا

ب. تمرین عبارت

۱. ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾

ا. بگو: ای مردان کافر
 ج. بگو: ای افراد کافر

۲. ﴿لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾

ا. مانند بندگی کردن شما، بندگی نمی‌کنم
 ج. پرستش نمی‌کنم آنچه می‌پرستید

۳. ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ﴾

ا. و شما بنده [خدا] اید همان طور که من بنده‌ام
 ج. و شما پرستش‌کننده آنچه من می‌پرستم، نیستید

۴. ﴿وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ﴾

ا. و نه من عبادت‌کننده‌ام [برای] آنچه پرستیدید
 ج. هرگز معبودان (بتان) شما را پرستش نخواهم کرد

۵. ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ﴾

ا. [مسئولیت] دین شما با خودتان است
 ج. جزای شما، برای خودتان

۶. ﴿لِي دِينِ (دینی)﴾

ا. دین (واقعی)، از آن من است
 ب. برای من است، دین من
 ج. هر دو گزینه



اسم مذکر و مؤنث

تعریف اسم مذکر و مؤنث

به این جمله توجه کنید: «این شخص باایمان است».

آیا از جمله بالا، می‌توان فهمید شخص باایمان، مرد است یا زن؟ خیر! در زبان فارسی، در بسیاری از موارد، بین اسامی و صفات مذکر و مؤنث تفاوت وجود ندارد؛ اما در زبان عربی بین اسامی مذکر و مؤنث، تفاوت‌هایی وجود دارد؛ به مثال‌های زیر توجه کنید:

- **مؤمن** (مرد باایمان)، **صالح** (مرد شایسته)، **رَجُل** (مرد)، **جَمَل** (شتر نر)
- **مؤمّنة** (زن باایمان)، **صالحه** (زن شایسته)، **امْرَأَة** (زن)، **نَاقَة** (شتر ماده)

اسامی گروه اول برای جنس نر از انسان یا حیوان به کار می‌رود که به آن‌ها، **اسم مُذَكَّر** می‌گوییم.

اسامی گروه دوم برای جنس ماده از انسان یا حیوان به کار می‌رود که به آن‌ها، **اسم مؤنث** می‌گوییم.

توجه: تقسیم مذکر و مؤنث در عربی، به مذکر و مؤنث حقیقی از انسان و حیوان محدود نیست؛ بلکه بسیاری از اشیا هم مجازاً، مذکر یا مؤنث فرض می‌شوند؛ برای مثال «**أرض** = زمین» مؤنث و «**قمر** = ماه» مذکر است.

علامت تأنیث

سؤال: آیا برای تشخیص تذکیر و تأنیث، غیر از بررسی معنا، علامت ظاهری در کلمه (علامت لفظی) وجود دارد؟
جواب: اسم مذکر علامتی ندارد اما چند علامت تأنیث وجود دارد که غالباً (نه همیشه!) نشان مؤنث بودن کلمه‌اند. علامت تأنیث عبارت‌اند از:

۱. «**ة**»: تاء که به آخر اسم ملحق می‌شود.
۲. «**ی**»: الف مقصوره (الف کوچکی که بر کرسی یاء نوشته می‌شود) که به آخر اسم ملحق می‌شود؛ مانند: **ذِکْرِی**، **کُبْرِی**.
۳. «**اء**»: الف ممدوده که به آخر اسم ملحق می‌شود؛ مانند: **زَکْرِبَاء**، «**بِیضاء** = سفید».

توجه: تاء گرد (ة) با حرف هاء (ه) که در آخر کلمه می‌آید، تفاوت دارد؛ از این رو کلمه‌ای مانند «**إله** = معبود» علامت تأنیث ندارد.

انواع مذکر و مؤنث

دانستیم که تمام اسامی از نظر معنا (اعم از حقیقی یا مجازی)، به دو دسته **مذکر و مؤنث** تقسیم می‌شوند؛ همچنین

می‌توان اسامی را از نظر لفظ به دو دسته بدون علامت تأنیث یا با علامت تأنیث تقسیم کرد. جدول زیر، انواع اسم را با توجه به این دو تقسیم‌بندی نشان می‌دهد:

لفظ			
با علامت تأنیث	بدون علامت تأنیث		
مؤنث لفظی	مذکر	مذکر	معنا
مؤنث لفظی - معنوی	مؤنث معنوی	مؤنث	

مذکر: اسم مذکری که علامت تأنیث ندارد؛ مانند: **أَحْمَدُ، مُؤْمِنٌ، قَمَرٌ و صِرَاطٌ.**

مؤنث لفظی: اسم مذکری که علامت تأنیث دارد. علامت تأنیث لفظی در این کلمات، نشان از معنای مؤنث نبوده و معانی دیگری دارد. در جمله با این کلمات، معامله مذکر می‌شود؛ مانند: **رَکْرِبَاءٌ، طَلْحَةُ** و «عَلَامَةٌ» = بسیار بسیار دانا».

مؤنث معنوی: اسم مؤنثی که علامت تأنیث ندارد؛ مانند: **مَرِيْمٌ، أَرْضٌ = زمین، يَدٌ = دست، نَفْسٌ = جان، خود» و «رُسُلٌ = رسولان».**

مؤنث لفظی - معنوی: اسم مؤنثی که علامت تأنیث دارد؛ مانند: **فَاطِمَةُ، اِمْرَأَةٌ = زن، صَحْرَاءٌ = بیابان خشک، تِجَارَةٌ.** توجه: رفتار با اسم مذکر و مؤنث، در جمله متفاوت است؛ به این معنا که ضمیر، اسم اشاره، نحوه جمع بستن، به کاربردن فعل و صفت و... برای اسامی مؤنث (مؤنث معنوی و مؤنث لفظی - معنوی) و مذکر (مذکر و مؤنث لفظی) تفاوت دارند که گفته خواهد شد.

سؤال: با توجه به اینکه مؤنث معنوی، هیچ‌یک از علائم تأنیث را ندارد، راه تشخیص آن چیست؟

جواب: می‌توان از یکی از روش‌های زیر، برای تشخیص مؤنث معنوی استفاده کرد:

- مؤنث معنوی علی‌رغم اینکه علامت تأنیث ندارد، جمله با آن، غالباً معامله مؤنث می‌شود.
- برخی اسامی به صورت قاعده‌مند مؤنث معنوی هستند.^۲
- درنهایت می‌توان به لغتنامه مراجعه کرد.

۱. **برای استاد:** «ة» در این کلمه معنای مبالغه دارد و این کلمه برای مذکر و مؤنث استفاده می‌شود. برخی بر این باورند که «ة» در «نَفَاثَةٌ» نیز همین‌طور است.

(رک: ترجمه بهرام‌پور، سوره مبارک فلق)

۲. برخی اقسام مؤنث معنوی عبارت‌اند از:

- برخی اسامی زنان و برخی اسامی مختص به زنان؛ مانند: «زَيْنَبٌ، مَرِيْمٌ» و «أُمٌّ، أُخْتُ».
- جمع‌های مکسر؛ مانند: «أُمُورٌ: جِ أُمْرٌ»، در آیه **﴿إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾**. (حدید: ۵)
- جمع‌های مؤنث سالم؛ مانند: «جَنَّاتٌ: جِ جَنَّةٌ»، در آیه **﴿جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾**. (صَف: ۱۲)
- اعضای زوج انسان؛ مانند: «يَدٌ»: در آیه **﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ﴾**. (مائدة: ۶۴)

تمرین زبان قرآن

۱. با توجه به آیات سوره مبارک کافرون، افعال و اسم‌هایی را که حروف اصلی آن‌ها «عبد» است بنویسید.
۲. مذکر و مؤنث بودن کلمات جدول زیر را مشخص کنید.

ش	کلمه	مذکر		مؤنث	
		مذکر	مؤلفی	مؤ معنوی	مؤ لفظی - معنوی
۱	رُئِلَ			*	
۲	أَحْمَدُ ﷺ	*			
۳	زَكَرِيَّا				
۴	إِلَه				
۵	مَالِك				
۶	نَفَاثَةٌ (زن جادوگر)				
۷	يَد				

۳. در جدول زیر، پس از مشخص کردن نوع کلمه (با توجه به معنا)، ریشه و وزن آن را بنویسید.

ش	کلمه	فعل	اسم	حرف	ریشه	وزن
۱	أَعْبُدُ				عبد	
۲	تَعْبُدُونَ				عبد	
۳	عَبَدْتُمْ				عبد	
۴	كَافِرُونَ					
۵	عَابِدُونَ				عبد	
۶	عَابِدٍ				عبد	

۴. علائم فعل، اسم و حرف را در کلمات سؤال قبل بررسی کنید.

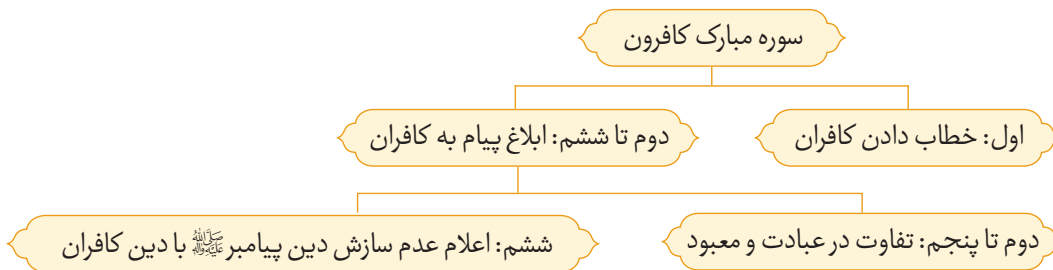
معارف سوره کافرون

فضیلت سوره

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «کسی که سوره کافرون را بخواند، گویی ربع قرآن را خوانده و شیاطین طغیانگر از او دور می شوند و از شرک پاک می گردد و از دلهره روز قیامت در امان خواهد بود.»^۱

نقشه سوره

در آیه اول، کافران مورد خطاب قرار می گیرند. در آیات دوم تا انتهای سوره، پیام خداوند به کافران گفته می شود که شامل دو قسمت است: در قسمت اول - که شامل آیات دوم تا پنجم است - هرگونه اشتراکی میان معبود پیامبر اکرم ﷺ و کافران نفی می شود و در قسمت دوم که در آیه ششم آمده عدم سازش دین اسلام با آیین مشرکان و کافران اعلام می گردد.



بیان سوره

سرزمین وحی، که روزی مرکز تبلیغ دین ابراهیمی بوده، اکنون به بازار شرک و خرافه تبدیل شده است و مشرکان خدایان ساختگی را شریک **الله** می دانند. آن ها به گمان خود، هم بنده **الله** هستند و هم بنده بت ها. درحقیقت مشرکانی که به یگانگی **الله** اعتقاد ندارند، هیچ اعتقادی به **الله** ندارند؛ چرا که اعتقاد به خداوند بدون وحدانیت و یگانگی او، امری خیالی و دور از واقعیت است.

در این شرایط، پیامبری از نسل ابراهیم خلیل علیه السلام برانگیخته شده تا دین خالص را برپا کند. مشرکان، تمام هستی خود را در خطر می بینند و از طرفی توانایی مقابله فکری با منطق روشن پیامبر صلی الله علیه و آله را ندارند.

مشرکان به پیامبر پیشنهاد سازش می دهند. آن ها گمان می کنند پرستش **الله** نقطه مشترک آن ها و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. آن ها تفاوت چندانی میان آیین خود و دین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله احساس نمی کنند.

سوره مبارک کافرون نازل می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مسجد الحرام می رود و سران قریش را کافر خطاب می کند ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا

۱. «مَنْ قَرَأَ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ فَكَأَنَّهَا قَرَأَ رُبْعَ الْقُرْآنِ وَتَبَاعَدَتْ عَنْهُ مَرْدَةُ الشَّيَاطِينِ وَبَرَاءٌ مِنَ الشِّرْكِ وَيُعَافَى مِنَ الْفَرْعِ الْأَكْبَرِ.» (مجمع البيان ج ۱۰، ص ۸۳۹)

الْكَافِرُونَ ﴿۱﴾. لقب کافر برای مشرکان تلخ است؛ چرا که خود را معتقد به **الله** می دانند؛ اما خداوند پرده از دل آن ها برداشته، آنان را انکارکننده و پوشاننده وحدانیت خدا می داند.

من معبودان ساختگی شما را نمی پرستم. من خدای خیالی شما را، که برای اداره جهان محتاج بت هاست، بندگی نمی کنم ﴿لَا أُعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾.

شما کافران هم گمان نکنید که بندگان و عبادت کنندگان خالص **الله** هستید. عبادت شما همراه شرک است و شما هرگز در زمره عابدان واقعی خدای یگانه قرار نمی گیرید ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أُعْبُدُ﴾.

مشرکان (در حقیقت کافران) گمان می کنند پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیش از رسالت، پیرو آیین آن ها بوده و برای شان سؤال است: چرا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ راه خود را از ما جدا می کند؟ او که در گذشته کاری به بت های ما نداشته است!

در مقابل این توهم، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گذشته خود را از آن ها جدا نموده، اعلام می کند: من هرگز پرستش کننده آن خرافاتی که شما می پرستیدید، نبودم ﴿وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ﴾.

من در گذشته فقط خدا را بندگی می کردم درحالی که شما خیلی چیزها را کنار خدا می پرستیدید. سابقه تاریک شما تصدیق می کند که هرگز پرستش کنندگان واقعی خدا نبودید ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أُعْبُدُ﴾.

حال که من و شما در اصل بندگی و معبود با هم تفاوت داریم، هیچ گاه نمی توانیم آیین و دین مشترکی داشته باشیم. دین شما بر پایه شرک و خرافه و دین من بر اساس بندگی موحدانه خداوند تبارک و تعالی است. دین شما و من هیچ تناسبی با هم ندارد و سازش دین من و شما قابل تصور نیست؛ پس دین شما برای خودتان و دین من هم برای خودم ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾.

سؤال: با توجه به آیه آخر این سوره، کدام برداشت از ضرب المثل «عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به دین خود، موسی عَلَيْهِ السَّلَام به دین خود» صحیح است؟



سورة مبارک فلق

آشنا

۲. شَرٌّ: شرّ، بدی.

جدید

۳. أَعْوَدُ: پناه می برم، پناهنده می شوم **فَلَقَ**: سپیده صبح، (هر چیز) شکافته شده.

۲. **مِنْ**: از، بعضی،^۱ (زائده برای تأکید) هیچ^۲ **خَلَقَ**: آفرید، خلق کرد.

۳. **غَاسِقٍ**: تاریکی، شب تاریک **إِذَا**: هنگامی که، زمانی که **وَقَبَ**: آمد، فراگرفت **إِذَا وَقَبَ**^۳: هنگامی که می آید، هنگامی که فرامی گیرد.

۴. **نَقَاتَاتٍ**: دمنندگان **فِي**: در، درباره **عُقَدٍ**^۴: گره ها.

۵. **حَاسِدٍ**: حسادت کننده، حسود **حَسَدٍ**: حسادت کرد، حسد ورزید؛ **إِذَا حَسَدَ**: هنگامی که (زمانی که) حسد می ورزد.

سُورَةُ الْفَلَقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝۱ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝۲ وَمِنْ شَرِّ
غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝۳ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝۴
وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝۵

۱. ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾. (تغابن: ۲)

۲. ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ﴾. (حدید: ۲۲)

۳. چون «إِذَا» بر سر فعل ماضی «وَقَبَ» و «حَسَدَ» آمده، معنای فعل از گذشته به آینده تغییر کرده است. توضیح بیشتر در درس های آتی خواهد آمد.

۴. ﴿وَلَا تُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا﴾. (حشر: ۱۱)

تمرین ترجمه

۱. تمرین واژه

۱. کدام گزینه معنای «پناه می برم» است؟
 ا. أُعِيدُ ب. سَأُعِيدُ ج. أَعُوذُ
۲. کدام گزینه ترجمه **فَلَقَ** نیست؟
 ا. سپیده صبح ب. سرخی غروب ج. شکافته شده
۳. در «وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ» = و از شر تاریکی زمانی که، گزینه مناسب برای جای خالی کدام است؟
 ا. نفوذ کند ب. به وجود آید ج. فرامی گیرد
۴. کدام گزینه ترجمه **نَفَّاثَاتِ** است؟
 ا. دمنندگان ب. افسونگران ج. فال گیران
۵. در «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» = و از شر حسود زمانی که، گزینه مناسب برای جای خالی کدام است؟
 ا. حسادت می ورزد ب. حسادت ورزید ج. به او حسادت ورزیده شد

ب. تمرین عبارت

۱. **﴿قُلْ أَعُوذُ﴾**
 ا. گفت پناه آوردم ب. بگو: [خدایا!] پناهم بده ج. بگو: پناه می برم
۲. **﴿أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾**
 ا. پناهنده می شوم به پروردگار سپیده صبح ب. پناه من، پروردگار بامداد است
 ج. به پروردگار بامداد، پناه ببر
۳. **﴿مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ﴾**
 ا. از بدی آنچه آفریدی ب. شرّ آفرینش در هر چه هست ج. از شرّ آنچه آفریده
۴. **﴿مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ﴾**
 ا. از شر شب فراگیرنده ب. از بدی تاریکی، هنگامی که فرامی گیرد
 ج. از بدی بامدادی که تیره گردد
۵. **﴿مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ﴾**
 ا. کسی که شرّ را منعقد می کند ب. از شرّ دمنندگان در گره ها ج. از شرّ برهم زندگان پیمان ها
۶. **﴿مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾**
 ا. از بدی حسادت، هنگامی که حسادت می کنند ب. شرّ حسودانی که حسادت کردند
 ج. از شرّ حسود، هنگامی که حسد می ورزد



اسم مفرد، مثنی و جمع

به این جملات توجه کنید: «کتاب را بیاور.» «کتاب‌ها را بیاور.»
 در جمله اول، منظور از «کتاب»، یک عدد کتاب و در جمله دوم، منظور از «کتاب‌ها»، دو عدد یا بیشتر است. در فارسی از لحاظ تعداد، دو تقسیم بیشتر نداریم؛ مفرد یا جمع و منظورمان هم از جمع، دو عدد به بالاست. در عربی، اسم از لحاظ تعداد، سه قسم دارد:

- مفرد: اسمی که بر یک فرد یا شیء، دلالت کند: **مُؤْمِن**: یک فرد با ایمان، «**يَد**: یک دست».
- مثنی: اسمی که بر دو فرد یا شیء، دلالت کند: **مُؤْمِنَانِ**: دو فرد با ایمان، «**يَدَيْنِ**: دو دست».
- جمع: اسمی که بر بیش از دو فرد یا شیء، دلالت کند: **مُؤْمِنُونَ**: افراد با ایمان، «**أَيْدِي**: دست‌ها».

ساختن مثنی

توجه: قبل از اضافه کردن ان یا ین باید حرکت حرف آخر کلمه مفرد را مفتوح کرد.	مفرد + ان :	مُؤْمِن + ان = مُؤْمِنَانِ (دو مرد با ایمان)	مذکر
	مفرد + ین :	مُؤْمِن + ین = مُؤْمِنَيْنِ (دو مرد با ایمان)	
	مفرد + ان :	مُؤْمِنَةٌ + ان = مُؤْمِنَتَانِ (دو زن با ایمان)	مؤنث
	مفرد + ین :	مُؤْمِنَةٌ + ین = مُؤْمِنَتَيْنِ (دو زن با ایمان)	

ساختن جمع

اسم مفرد، دو نوع جمع دارد: **جمع سالم** و **جمع مکسر**. ساختار کلمه مفرد، در جمع سالم، حفظ می‌شود و در جمع مکسر، تغییر می‌کند.

الف - جمع سالم

مفرد + ون :	مُؤْمِن + ون = مُؤْمِنُونَ (مردان با ایمان)	مذکر
	مفرد + ین :	
مفرد + ات :	مُؤْمِنَةٌ + ات = مُؤْمِنَات (زنان با ایمان)	مؤنث

۱. برای استاد: در این کتاب ملحقات مثنی را مثنی و ملحقات جمع سالم را جمع سالم در نظر گرفته و از بیان تفصیل آن‌ها خودداری کرده‌ایم.

توجه: اگر اسم مثنی یا جمع سالم به کلمه‌ای اضافه شود، حرف ن آخر آن‌ها حذف می‌گردد؛ مانند **يَدَيْنِ** که مثنای «يد = دست» است و با اضافه شدن به ضمیر «ی»، «ن» آن حذف می‌شود: ﴿إِنِّي رَسُولٌ مِّنْ أَلَيْسَ مَصَدَّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْ مِّنَ التَّوْرَةِ﴾. (صَف: ۶) ۲

ب - جمع مُكْسَرٌ ۳

ساخت جمع مکسر، روش خاصی ندارد و باید از لغتنامه کمک گرفت؛ به جدول زیر توجه کنید:

مفرد	جمع مکسر	مفرد	جمع مکسر
زَوْجٌ	أَزْوَاجٌ	وَلَدٌ	أَوْلَادٌ
مَثَلٌ	أَمْثَالٌ	نَفْسٌ	أَنْفُسٌ

توجه ۱: با اسامی «جمع مکسر» ۴ و «جمع مؤنث سالم» همانند مؤنث برخورد می‌شود؛ مانند: **رُشُلٌ: ج رَشُولٌ، مَسَاكِينٌ: ج مَسْكَنٌ و جَنَّاتٌ: ج جَنَّةٌ**؛ به مثال زیر توجه کنید:

﴿يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِينٍ طَيِّبَةٍ﴾ (صَف: ۱۲)

توجه ۲: هر اسمی که آخر آن شبیه مثنی و جمع سالم باشد، لزوماً مثنی یا جمع سالم نیست؛ برای مثال **الَّذِينَ** معنای جمع دارد؛ اما جمع سالم نیست ۵ یا **مَسَاكِينٌ** جمع مکسر **مَسْكِينٌ** است نه جمع سالم.

سؤال ۱: در مثنی **كجَا انِ** بیاوریم و **كجَا نِينِ**؟ در جمع سالم **كجَا يِنِ** بیاوریم و **كجَا وِنِ**؟

جواب: به نقش کلمه در جمله بستگی دارد، که مطالب آن - ان شاء الله - در جلد دوم خواهد آمد.

سؤال ۲: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ (کافرون: ۱) را چه معنا کنیم؟ مردان کافر یا افراد کافر (شامل مردان و زنان کافر)؟

جواب: افراد کافر (اعم از مرد و زن)؛ زیرا: در زبان عربی، هنگامی که مخاطب کلام، جمعی از زنان و مردان باشند، از خطاب مذکر استفاده می‌شود؛ در نتیجه اسامی و افعال جمع مذکر دو کاربرد دارند:

- کاربرد عام که شامل مذکر و مؤنث است.
- کاربرد خاص که فقط شامل مذکر است ۶.

۱. منظور از اضافه شدن، مضاف شدن است. بحث مضاف و مضاف الیه مربوط به درس‌های آینده است.

۲. مثال جمع سالم، اضافه شدن «ظالمین» به «أنفُسِهِمْ»: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ﴾. (نساء: ۹۷)

۳. «مُكْسَرٌ» در لغت به معنای «شکسته شده» است؛ زیرا برخلاف جمع سالم، وزن (ساختار) کلمه مفرد، به تغییر و شکستگی دچار می‌شود.

۴. اگر جمع مکسر علامت تأنیث داشته باشد، مؤنث لفظی - معنوی به شمار می‌آید؛ مانند: «جَنَّةٌ» که جمع مکسر «جَنَّاتٍ» است.

۵. جمع سالم «الَّذِينَ»، به صورت «الَّذِينَ» است، هر چند براساس قواعد عربی، این کلمه قابلیت جمع مذکر سالم را ندارد.

۶. بیشتر بدانیم: برای مطالعه بیشتر درباره فلسفه گفتمان مردانه قرآن کریم می‌توانید به منابع زیر مراجعه کنید:

- <http://maarefquran.org/index.php/page/viewArticle/LinkID, 308>.
- <http://www.hawzah.net/fa/Article/View/86320>.

انواع تقسیم اسم

تاکنون با دو تقسیم‌بندی اسم آشنا شدیم. تقسیم اول مربوط به مذکر و مؤنث و تقسیم دوم مربوط به مفرد و مثنی و جمع بود. در جدول زیر این تقسیم‌بندی را مشاهده می‌کنید.

جمع	مثنی	مفرد	
مُؤْمِنُونَ / مُؤْمِنِينَ (مردان باایمان)	مُؤْمِنَانِ / مُؤْمِنَيْنِ (دو مرد باایمان)	مُؤْمِنٌ (یک مرد باایمان)	مذکر
مُؤْمِنَاتٌ (زنان باایمان)	مُؤْمِنَتَانِ / مُؤْمِنَتَيْنِ (دو زن باایمان)	مُؤْمِنَةٌ (یک زن باایمان)	مؤنث

تمرین زبان قرآن

۱. با مراجعه به لغاتی که تا کنون آموخته‌اید، جدول زیر را تکمیل کنید^۱.

ش	کلمه مفرد	نوع جمع	کلمه جمع
۱	عَالَمٌ	سالم	
۲	ضَالٌّ	سالم	
۳	كَافِرٍ		كَافِرُونَ
۴	عَابِدٍ	سالم	
۵	نَفَاثَةٌ	سالم	
۶	عُقْدَةٌ	مکسر	

۲. مذکور و مؤنث بودن کلمات جدول زیر را مشخص کنید.

ش	کلمه	مذکر	مؤنث	
			معنوی	لفظی - معنوی
۱	نَفَاثَةٌ			
۲	عُقْدَةٌ			
۳	نَفَاثَاتٌ			
۴	عُقْدٌ			

۳. جدول زیر را تکمیل کنید.

	مفرد	مثنی	جمع
مذکر	عَابِدٍ (یک مرد عبادت‌کننده)		
مؤنث			

۱. برای استاد: «عَالَمٌ» شرایط جمع مذکر سالم را ندارد؛ از این رو «عَالَمِينَ» ملحق به جمع سالم است. (جزوه صرف ۲ علوم حدیث، ص ۷۱)

۴. در جدول کلمات زیر، پس از مشخص کردن نوع کلمه (با توجه به معنای کلمه)، ریشه و وزن آن را بنویسید.

ش	کلمه	فعل	اسم	حرف	ریشه	وزن
۱	فَلَقَ				فلق	
۲	خَلَقَ					
۳	غَابِقَ					فاعِل
۴	وَقَبَ					
۵	نَفَّاتَات					فَعَّالَات
۶	عَقَّدَ					
۷	حَاسِدَ				حسد	
۸	حَسَدًا					

۵. با توجه به آیه زیر، اسم مثنی را مشخص کنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ. (حدید: ۲۸)

۶. در عربی، **وَالِد** به معنای «پدر» و **وَالِدَةٌ** به معنای «مادر» است. مفرد کلمه **وَالِدِينَ** چیست؟ چرا در قرآن کریم این کلمه

به معنای «پدر و مادر» آمده است؟ (امتیازی. راهنمایی: ر.ک: جزوه صرف ۲ دانشگاه علوم حدیث، ص ۶۱)

۷. در سوره مبارک حمد، چند «جمع مذکر سالم» وجود دارد؟

۱. ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾. (نساء: ۳۶)

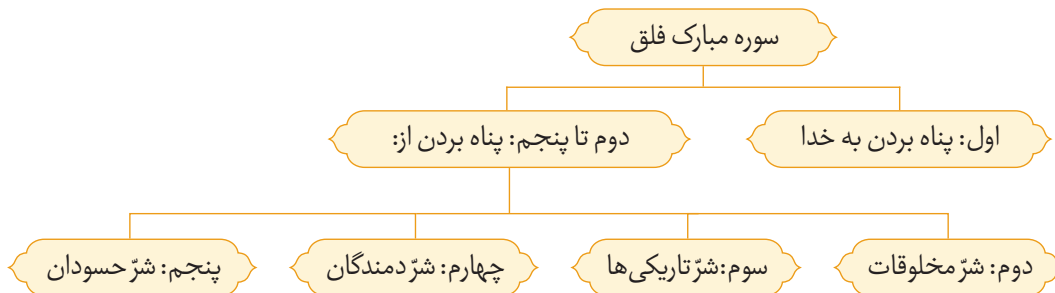
معارف سوره فلق

فضیلت سوره

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به یکی از یارانش فرمود: «می خواهی دو سوره به تو یاد بدهم که برترین سوره های قرآن است؟ عرض کرد: آری ای رسول خدا! حضرت سوره فلق و سوره ناس را به او تعلیم داد، سپس آن دو را در نماز صبح قرائت کرد و به او فرمود: هرگاه برمی خیزی و می خوابی آن ها را بخوان.»^۱

نقشه سوره

در آیه اول، پناه بردن به خدا مطرح می شود. در آیات دوم تا پنجم، مواردی که باید از آن ها به خدا پناه برد، نام برده می شود. تمام این بدی ها از مخلوقات خداوند هستند؛ اما به طور خاص به سه مورد از آن ها در آیات سه تا پنج اشاره می شود.



بیان سوره

این سوره به ما تذکر می دهد که جز خدا پناهی در مقابل پدیده ها نداریم. پناه از شرّ مخلوقات، دست خالق آن هاست؛ اگر علم و ابزاری برای پناهندگی در زندگی به وجود می آید، اگر دارو و صنعتی و... به وجود می آید، خیال نکنید خارج از مدیریت **الله** است؛ بلکه کسی که پناه می دهد خداست و برای اثبات این مسئله بر بدی هایی دست می گذارد، که انسان در آن ها هیچ پناهی جز خدا ندارد.

به پیامبر خدا وحی می شود تا به مردم بیاموزد چگونه با بدی ها روبه رو شوند؛ از این رو سوره با لفظ **قُلْ** آغاز می شود؛ یعنی ای رسول! با این کار خودت به مردم برسان که روش و سیره من این است که به صورت مستمر به خدا پناه می برم. در مواجهه با شرّ، مؤثرترین اقدام، پناه بردن به خداوند است؛ یک فرار همه جانبه به سمت خداوند. نخست باید دانست که پناهنده شدن به صرف گفتن چند لفظ و دعا و بی عملی نیست، بلکه نقطه آغاز مقابله با شرّ، عدم اتکا به خود و پناه خواستن از خداوند است. پس از این حالت نیاز به درگاه پروردگار، نوبت به مبارزه و مقابله با شرّ می رسد.

۱. عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «يا عِزَّةُ أَلَا أَعْلَمُكَ سُورَتَيْنِ هُمَا أَفْضَلُ الْقُرْآنِ؟ قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَعَلَّمَنِي الْمُعَوَّذَتَيْنِ ثُمَّ قَرَأَ بِهِمَا فِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَقَالَ لِي: اقْرَأْهُمَا كُلَّمَا قُمْتَ وَنِمْتَ.» (تفسیر نورالتقلین، ج ۵، ص ۷۱۶)

به خدایی پناهنده می شویم که پروردگار سپیده صبح و هرچیز شکافته شده‌ای است. اوست که دل سیاه شب را می شکافد و صبح روشن را خارج می کند؛ پس او بر بیرون آوردن بهترین‌ها از بدترین‌ها تواناست ﴿أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾. همه مخلوقات خداوند، در اصل وجودشان خیر هستند؛ اما به دلیل انحراف از مسیر طبیعی خود یا وارد کردن ضرر به انسان، ممکن است به عنوان موجودات شرّ و نامطلوب شناخته شوند. این موجودات شرّ، گاه انسان‌هایی هستند که از اختیار خدادادی، سوءاستفاده و در مسیر باطل حرکت می کنند و گاه حیوانات و اشیایی هستند که به دلایل مختلف موجب خسارت و زیان انسان‌ها می شوند.

همه موجودات مخلوق خداوندند و اعمال خیر و شرّشان از قدرت خدا خارج نیست؛ پس از شرّ مخلوقاتش به خود او پناه می بریم ﴿مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ﴾.

برخی شرّها از اهمیت بیشتری برخوردارند و ناتوانی انسان را بیشتر برملا می کنند. در سه آیه آخر، سه خطر به طور جداگانه ذکر می شود:

اول: شرّ تاریکی‌ها، هنگامی که فراگیر شوند. تصور کنید همه جا تاریک است و به هر سمتی که می روید تا کوچک ترین نوری بیابید، بی فایده است. هیچ حرکتی میسر نیست و هیچ خطری قابل پیش بینی نیست. حال فرض کنید این تاریکی، عالم ذهن و روح شما را هم دربرگرفته و هیچ حقیقتی را نمی توان فهمید. شایسته است در معنای این آیه عمیق شویم ﴿وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ﴾.

دوم: اعمال صالح ما از عقیده‌های صحیح ناشی می شود. عقیده یعنی چیزهایی که با جان ما گره خورده است؛ اعم از باورها، محبت‌ها و دشمنی‌ها. اگر دشمنان، عقیده ما را سست کنند، شیرازه اعمال ما از هم باز می شود. از شرّ دمندگان در گره‌ها به خدا پناه می بریم؛ هم‌آن‌اند که چون مارهای سمّی، زهر خود را در فضای فکراهل ایمان می پراکنند. ﴿وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ﴾^۱.

سوم: افراد تنگ نظری که وقتی آتش حسادت‌شان شعله ور شود، به دشمنی می پردازند. چه بسا از نیت حسودان غافلیم و آن‌ها در نابودی ما قدم برمی دارند ﴿وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾. به خداوند سپیده صبح پناه می بریم از شرّ مخلوقاتش، از شرّ تاریکی پناه می بریم تا با نور الهی در صراط مستقیم حرکت کنیم و از شرّ کسانی که عقیده و حرکت ما را به سستی می کشند به او پناه می بریم و از حسودانی که در این حرکت محکم با ما دشمنی می ورزند، به آستان او پناهنده می شویم.

۱. برای استناد: معنای دیگری هم برای این آیه می توان ذکر کرد که گره، کنایه از مشکلات مردم است و عده‌ای این گره‌ها را در زندگی مردم ایجاد کرده، در آن‌ها می دمنند و موجب تشدیدشان می شوند.



سوره
مبارک
ناس

آشنا

۲. مَلِك [ملک]: فرمان روا، پادشاه.

۳. إِلَه [آله]: اله، معبود.

جدید

۱. نَاس: مردم، آدمیان.

۴. وَسْوَاس^۳ [وسوس]: وسوسه‌گر، وسوسه خناس: [خنس]:

(بسیار) پنهان شونده، (بسیار) پنهانی.

۵. الَّذِي: کسی که، چیزی که، آنکه (که) يُوسُوسُ [وسوس]: وسوسه می‌کند صُدُور [صدر]: سینه‌ها، دل‌ها.

۶. جَنَّة [جنن]: جنیان، جماعت جن.

سُورَةُ النَّاسِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝۱ مَلِكِ النَّاسِ ۝۲ إِلَهِ
النَّاسِ ۝۳ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝۴ الَّذِي
يُوسُوسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝۵ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ ۝۶

۱. از این درس به بعد، ریشه کلمات بیان می‌شود.

۲. به صورت «إلاه» خوانده می‌شود.

۳. برای استناد: فعل رباعی مجرد «وَسْوَاسٌ» دارای دو مصدر قیاسی «وَسْوَاسَةٌ» و «وَسْوَاسٌ» است. برخی «وَسْوَاسٌ» را مصدر سماعی دانسته و معنای اسم فاعل «مُوسِوسٌ = وسوسه‌کننده» را از آن برداشت کرده‌اند، همان‌گونه که «زَيْدٌ عَدْلٌ» بر «عادل» بودن با مبالغه دلالت دارد.

برخی «وَسْوَاسٌ» را اسم مصدر دانسته‌اند؛ مانند: «غَسَلَ» و «غَسَلَ» که بر این مبنا، این کلمه را «وسوسه» ترجمه کرده‌ایم. دقت در این دو معنا، نکات تفسیری جالبی در پی دارد. (رک: به المیزان والتحقیق، ذیل ماده «خنس»)

تمرین ترجمه

ا. تمرین واژه

۱. کدام گزینه معنای «فرمان‌روا» است؟
 ا. مَلِك ب. مالِك ج. مَلِك
۲. کدام گزینه ترجمه **إله** است؟
 ا. پروردگار ب. معبود ج. مالک
۳. در آیه **﴿مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾**، کدام گزینه ترجمه **وَسْوَاسٍ** نیست؟
 ا. وسوسه شده ب. وسوسه‌گر ج. وسوسه
۴. کدام گزینه ترجمه **خَنَّاس** است؟
 ا. حيله‌گر ب. پنهان‌شونده ج. نفوذکننده
۵. کدام گزینه معنای «کسی که» است؟
 ا. الَّذِي ب. الَّذِي ج. مَا
۶. کدام گزینه ترجمه **يُوسُوسُ** است؟
 ا. وسواسی می‌کند ب. وسوسه می‌شود ج. وسوسه می‌کند
۷. کدام گزینه معنای «جنیان» است؟
 ا. جِنَّة ب. جِنَّة ج. أَجِنَّة

ب. تمرین عبارت

۱. **﴿أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾**
 ا. پروردگار مردم، پناهگاه من است ب. پناه می‌برم به پروردگار آدمیان ج. پناه می‌برم از پروردگار مردم
۲. **﴿مَلِكِ النَّاسِ﴾**
 ا. صاحب مردم ب. فرمانروای مردم ج. گزینه الف و ب
۳. **﴿إِلَهِ النَّاسِ﴾**
 ا. معبود مردم ب. پرستشگاه مردم ج. مردم الهی
۴. **﴿شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾**
 ا. شرّ وسوسه‌گر پنهان‌شونده ب. بدی وسوسه‌ پنهانی ج. گزینه الف و ب
۵. **﴿الَّذِي يُوسُوسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾**
 ا. آنچه در سینه‌ها ندای دهد ب. درون دل‌های وسواسی است ج. آنکه وسوسه می‌کند در سینه‌های مردم
۶. **﴿مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ﴾**
 ا. از جنیان و آدمیان ب. از جنون‌زدگان و مردم ج. کسی که از جنیان یا مردم است



ضمیر

تعریف ضمیر

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود و خدای عزّوجلّ یاد گردد، برکتش فزونی یابد و فرشتگان در آن حاضر شوند و شیاطین از آن دوری جویند.»
 کلمات «آن» و «ش» به جای اسم «خانه» آمده‌اند تا «خانه» تکرار نشود. به این گونه کلمات که جانشین اسم ظاهر (اصلی) می شوند، **ضمیر** و به اسم ظاهر «خانه»، **مَرَجَعِ ضَمِير** (محل بازگشت) گوییم؛ چرا که ضمیر به عنوان اسم جانشین، به اسم ظاهر بازمی‌گردد.

به اسمی که جانشین اسم ظاهر شود و از تکرار آن جلوگیری کند، «ضمیر» می‌گوییم.

ضمایر به دو نوع **منفصل** و **متصل** تقسیم می‌شوند:

ضمیر منفصل

(مکالمه بین علی و حسین) علی: «سلام حسین! من دیروز احمد را دیدم، او به تو سلام رساند.»
 در جمله‌های بالا ضمایر «من»، «او» و «تو» جایگزین اسم‌های مفرد (مذکر) شده‌اند؛ اما با هم تفاوت دارند. «من» ضمیر متکلم و مرجع آن، گوینده کلام (علی) است. «تو» ضمیر مخاطب و مرجع آن شخص مورد خطاب (حسین) است. «او» ضمیر غایب و مرجع آن «احمد» است. احمد نه متکلم است و نه مخاطب و در صحنه گفت‌وگو حاضر نیست؛ از این رو ضمیر غایب جانشین آن شده است.
 همان طور که گفته شد، اسامی عربی به شش دسته تقسیم می‌شوند؛ این شش قسم، با توجه به متکلم یا مخاطب یا غایب بودن، تعدادشان بیشتر می‌شود و برای هریک از آن‌ها ضمیری وجود دارد.

جمع	مثنی	مفرد	جدول ضمایر منفصل	
هُم	هُمَا	هُوَ	مذکر	غایب
هُنَّ	هُمَا	هِيَ	مؤنث	
أَنْتُمْ	أَنْتُمَا	أَنْتَ	مذکر	مخاطب
أَنْتُنَّ	أَنْتُمَا	أَنْتِ	مؤنث	
نَحْنُ		أَنَا	مذکر/ مؤنث	متکلم

در زبان عربی چهارده ضمیر داریم. به ضمایر بالا، **ضمیر منفصل**^۱ می‌گویند؛ چراکه به کلمه‌ای وصل نمی‌شوند. در متکلم فرقی بین مذکر و مؤنث نیست و ضمیر متکلم برای مثنی و جمع یکسان است. به مثال زیر توجه کنید:

هُوَ اللهُ = هُوَ (ضمیر منفصل مفرد مذکر غایب) + اللهُ = او خداست.

تمرین: با توجه به نوع (صیغه) هر یک از ضمایر، معنای آن را بیان کنید.

ضمیر متصل

قسم دوم ضمیر، **ضمیر متصل**^۲ نام دارد که به کلمه قبل خود متصل می‌شود؛ مانند «ش» در «کتابش».

جمع	مثنی	مفرد		
هُم	هُمَا	هُ	مذکر	غایب
هِنَّ	هُمَا	هَا	مؤنث	
كُمْ	كُما	كَ	مذکر	مخاطب
كُنَّ	كُما	كِ	مؤنث	
نا		ی / ی	مذکر/ مؤنث	متکلم ^۳

توجه ۱: ضمیر و مرجع آن از نظر جنس (مذکر و مؤنث) و تعداد (مفرد، مثنی، جمع) تطابق دارند. جمع غیرانسان^۴ در این تطابق، حکم مفرد مؤنث را دارد؛ به مثال‌های زیر توجه کنید:

﴿الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا﴾. (جمعة: ۵)

﴿جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾. (صف: ۱۲)

﴿الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا﴾. (حدید: ۴)

در مثال‌های فوق **التَّوْرَةَ** مؤنث لفظی و **جَنَّاتٍ** و **الأرض** مؤنث معنوی هستند. در تمام مثال‌ها از ضمیر مفرد مؤنث غایب **ها** برای جایگزینی اسامی مؤنث استفاده شده است. در مثال دوم، **جَنَّاتٍ** جمع مؤنث سالم است؛ اما ضمیر مفرد مؤنث **ها** به کار رفته؛ چراکه **جَنَّةٌ** غیرعاقل است.

توجه ۲: گاه حرکت **ه** در ضمایر **هُ، هُما، هُم، هُنَّ** از ضمه به کسره تبدیل می‌شود؛^۵ مثال: **علی + هُم = عَلَیْهِم**.

۱. **برای استاد:** منظور از این قسم، همان ضمیر منفصل مرفوع است. ضمیر منفصل منصوب را بحث نکرده‌ایم و تنها مصداق آن در آیات کتاب «إِيَّاكَ» است که می‌توانید به صورت موردی تدریس کنید.

۲. **برای استاد:** منظور از این قسم، ضمیر متصل نصبی و جزئی است و ضمیر متصل رفعی در جلد دوم خواهد آمد.

۳. به صیغه متکلم مفرد، متکلم وحده

۴. **برای استاد:** منظور از جمع «غیرانسان»، جمع «غیرعاقل» است.

۵. **برای استاد:** «هاء ضمیر» هنگامی که حرف پیش از آن «یاء ساکن» یا «حرف مکسور» باشد، مکسور می‌شود. (رک: صرف ساده، ص ۳۱۱)

توجه ۳: هرگاه حرف **ل** به ضمیر متصل بچسبد (غیر از صیغه ۱۳)، مفتوح (**ل**) می شود؛ مثال: ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾. (کافرون: ۶).

توجه ۴: درباره ضمیر متصل متکلم وحده (**ی**) به نکات زیر توجه کنید:

- گاه این ضمیر از آخر کلمه حذف و کسره، جایگزین می شود؛ مثال: ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ (کافرون: ۶): **دین = دینی**.
 - این ضمیر به صورت مدی (ساکن ماقبل مکسور) یا مفتوح به کار می رود؛ مثال: ﴿مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ﴾ (صَف: ۶)، ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾. (کافرون: ۶)
 - هرگاه این ضمیر به فعلی اضافه شود، یک **ن** بین فعل و ضمیر می آید که معنای خاصی ندارد و اصطلاحاً به آن **نون الوقایة** می گوئیم؛ مثال: ﴿يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُونَنِي﴾ (صَف: ۵)، **تُوذُونَنِي = تُؤذُونَ + نِ + ی**.
- برای سهولت، گاه به جای گفتن نوع ضمیر، شماره صیغه آن را می گوئیم؛ مثلاً، ضمیر متصل جمع مذکر غایب یا صیغه سوم ضمیر متصل، «هُم» است. شماره صیغه ها در جدول زیر آمده است.

شماره صیغه (منفصل / متصل)	مفرد	مثنی	جمع
غایب	مذکر ۱. هُوَ، هُ	۲. هُمَا، هُما	۳. هُمْ، هُهم
	مؤنث ۴. هِيَ، هِها	۵. هُمَا، هُها	۶. هُنَّ، هُنَّهن
مخاطب	مذکر ۷. أَنْتَ، كَک	۸. أَنْتُمَا، كُما	۹. أَنْتُمْ، كُهم
	مؤنث ۱۰. أَنْتِ، كِک	۱۱. أَنْتُمَا، كُما	۱۲. أَنْتِنَّ، كُنَّهن
متکلم	مذکر/مؤنث ۱۳. أَنَا، ی	۱۴. نَحْنُ، نا	

🔗 شناسایی مرجع ضمیر

برای ترجمه صحیح، به تشخیص مرجع ضمیر نیاز داریم که به صورت زیر عمل می کنیم:

ضمایر متکلم و مخاطب: در این نوع ضمایر، شخص (اشخاص) متکلم و مخاطب به عنوان مرجع ضمیر در نظر گرفته می شوند.

ضمایر غایب: در این نوع ضمایر، نزدیک ترین اسم قبل از ضمیر را که صلاحیت مرجعیت دارد، عنوان مرجع ضمیر انتخاب می کنیم؛ برای مثال در عبارت شریف ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ (حمد: ۷)، مرجع ضمیر **هُم**، کلمه **الَّذِينَ** است. گاه نمی توان اسمی به عنوان مرجع ضمیر غایب در جمله پیدا کرد؛ برای مثال در آیه شریف ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ (قدر: ۱)، مرجع ضمیر **هُ** در کلام وجود ندارد. در این گونه موارد از سیاق و معنای جمله، مرجع ضمیر را مشخص می کنیم. در آیه مذکور **قرآن** به عنوان مرجع ضمیر معرفی می شود.

۱. «صیغه» در لغت به معنای «ریخت» و «قالب» است.

تمرین زبان قرآن

۱. کدام گزینه جمع (سالم یا مکسر) نیست؟

أ. صُدُور

ب. نَفَّاثَات

ج. نَاس

۲. در عبارات زیر، ضمیر را تعیین و مشخصات آن را تکمیل کنید.

ش	عبارت	ضمیر	نوع ضمیر	صیغه	مرجع
۱	إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ		متّصل		متکلم
۲	صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ	هم	متّصل		الَّذِينَ
۳	وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ	أنتم			مخاطب
۴	وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ				
۵	لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِی دین				
۶				متکلم وحده	

۳. با مراجعه به جداول کلماتی که تا کنون آموخته‌اید، جدول زیر را تکمیل کنید.

ش	کلمه مفرد / وزن	نوع جمع	کلمه جمع / وزن
۱	صدر / فَعْل	مکسر	
۲	جِنّ / فِعْل	مکسر	

۱. برای مرجع ضمیر غایب، فقط لفظی را که در جمله آمده است در این ستون ذکر می‌کنیم؛ برای مثال نیازی نیست بگوییم منظور از «الَّذِينَ» در این آیه چه کسانی هستند؛ همچنین در مواردی که مرجع ضمیر، شخص متکلم یا مخاطب است، نیازی به معرفی آن متکلم یا مخاطب نیست.

معارف سوره ناس

❦ فضیلت سوره

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «کسی که هنگام خواب این سوره را بخواند، تا صبح در امان و حفظ خداوند خواهد بود و این سوره پناه از هر درد و بیماری و آفت است و برای کسی که آن را می خواند، شفا است.»^۱

❦ نقشه سوره

در آیات اول تا سوم، پناه بردن به خدا مطرح می شود. در آیه چهارم چیزی که از شرش باید به خدا پناه برد، معرفی می گردد که **وَسَوَاسِ خَنَاسٍ** است. در آیه پنجم، محل وسوسه مشخص می شود و در آیه ششم، منشأ وسوسه بیان می گردد.



❦ بیان سوره

رسول خدا به مردم علم و حکمت می آموزد تا آنان را از پرتگاه‌های نادانی نجات دهد. در آخرین سوره، خطری گوشزد می شود. این خطر مخصوص جاهلان نیست و دامنگیر عالمان هم می شود و آن‌ها هم برخلاف علم خود عمل می کنند. چه خطری در کمین است؟

خطر نجوهای خطرناک قلبی، زمزمه‌هایی که می خواهند بر ما حاکم شوند. برای مقابله فقط یک راه وجود دارد: پناه بردن به خدا.

معمولاً انسان در مواقعی که از عهده خطر بر نمی آید، سراغ سرپرست خود می رود؛ نمونه آن کودکی است که به والدین خود پناهنده می شود. ما هم در مقابل خطر وسوسه - که مانع رشد و کمال است - به پروردگار خود پناهنده می شویم **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ**.

وسوسه‌گران در پی تملیک روح و جان ما هستند؛ از این رو باید به دامن مالک و مالک حقیقی خود پناه ببریم **مَلِكِ النَّاسِ**. آن‌ها می خواهند مردم را بنده خود نموده، بر آن‌ها خدایی کنند؛ پس به درگاه معبود خود پناه می بریم **إِلَهِ النَّاسِ**.

۱. قال رسول الله ﷺ: «مَنْ قَرَأَهَا عِنْدَ النَّوْمِ كَانَ فِي حِرْزِ اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى يُصْبِحَ، وَهِيَ عَوْدَةٌ مِنْ كُلِّ أَلِيمٍ وَوَجَعٍ وَآقِيَةٍ، وَهِيَ شِفَاءٌ لِمَنْ قَرَأَهَا». (البرهان، ج ۵، ص ۸۱۷)

پس از معرفی پناهگاه، نوبت آن است که بگوییم از کدام شرّ و بدی این‌گونه به خداوند پناهنده می‌شویم و با کمک سه نام از نام‌های خداوند با چه خطری مقابله می‌کنیم. از وسوسه‌گرانی که پیوسته و حتی در نقاب خیرخواهی پنهان می‌شوند؛ از وسوسه‌هایی که برای ما آشکار نیستند ﴿مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾.

هدف اصلی این وسوسه‌ها قلب و سینه آدمی است تا ظرفیت درک او را کاهش دهند و اندیشه‌های ناروایی را در قلب و فکر انسان القا کنند ﴿الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾.

وسوسه‌گران فقط از انسان‌ها نیستند؛ بلکه سینه‌های ما هدف وسوسه‌های جنیان و موجودات غیرملموس نیز هست ﴿مِنْ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ﴾.

Blank lined area for writing notes.





سوره مبارک جمعه

بخش اول: آیات اول تا دوم

سُورَةُ الْجُمُعَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ
 الْحَكِيمِ ۝ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ
 آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا
 مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ وَعَاخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ

۱. عزیز [عزز]: با عزت، شکست ناپذیر، نفوذناپذیر
 حکیم [حکم]: حکیم، با حکمت، کاردان.

۲. کتاب [کتب]: کتاب (آسمانی)، نوشته شده^۵
 حکمة [حکم]: حکمت، قدرت تشخیص و
 انجام حق قبل [قبل]: قبل، گذشته، پیش از.

جدید

۱. یسبِّح [سبح]: تسبیح می کند، پاک (و منزّه)

می داند سماوات [سمو]: آسمان ها ارض [ارض]: زمین قدوس [قدس]: بسیار مقدس، کاملاً پاک یسبِّح لله: تسبیح
 می کند برای خدا، پاک (و منزّه) می داند خدا را.

۲. بعث [بعث]: برانگیخت، مبعوث کرد اُمّیین [أمم]: درس نخوانده ها، غیر اهل کتاب^۶، رسول [رسل]: فرستاده یتلو
 [تلو]: تلاوت می کند، می خواند آیات [آیی]: نشانه ها یزکی [زکی]: پاک می کند، تزکیه می کند یعلّم [علم]: می آموزد،
 تعلیم می دهد إن: قطعاً، همانا کَانُوا [کون]: بودند ل: قطعاً، حتماً، (لام قسم) ضلال [ضلل]: گمراهی مبین [بین]:
 آشکارا إن (مخففه از ثقیله): قطعاً، همانا.

۱. الف در «یتلوا» در هیچ حالتی (وصل یا وقف) خوانده نمی شود؛ به علامت بالای این الف در رسم الخط عثمان طه توجه کنید.

۲. اصطلاحاً به این واو «واو حالیه» گفته می شود و آن را به صورت «درحالی که» ترجمه می کنیم.

۳. گاه «إن» به صورت «إِنَّ» و بدون تشدید نوشته می شود که اصطلاحاً «إِنَّ مخففه از ثقیله» گفته می شود.

۴. با توجه به اینکه «إن» در ابتدای جمله، معنای «قطعاً» دارد، برای جلوگیری از تکرار، «له» را ترجمه نمی کنیم.

۵. ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا﴾. (حدید: ۲۲)

برای استناد: «کتاب» مصدر غیرمشهور باب مُفَاعَلَة است که معنای مفعولی دارد؛ البته در مواردی که به معنای «قرآن»، «انجیل» یا سایر کتاب های آسمانی
 به کار رود، اسم جامد (علم بالغلبة) به حساب می آید. (رک: جامع الدروس، ص ۸۶)

۶. برای استناد: برخی ترجمه ها، این لغت را «بی سوادان» معنا کرده اند؛ اما با توجه به روایت «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا
 مِنْهُمْ﴾ قَالَ: كَانُوا يَكْتُبُونَ - وَ لَكِنْ لَمْ يَكُنْ مَعَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ - وَ لَا بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا فَتَسَبَّهَهُمُ اللَّهُ إِلَى الْأُمِّيِّينَ» (تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۲۶۶) و همچنین
 آیاتی که اهل کتاب در مقابل امّیین قرار می دهد (لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ (آل عمران: ۷۵)) بهتر است این لغت را به صورت «غیر اهل کتاب» معنا کنیم.

۷. ﴿قُلْ لِي وَ رَبِّي لِنُبُعْتَنَّهُ ثُمَّ لِنَنْبُوَنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾. (تغابن: ۷)

تمرین ترجمه

۱. تمرین واژه

۱. کدام گزینه ترجمه «عَزِيزٌ - حَكِيمٌ - حِكْمَةٌ» است؟
 - ا. مهربان _ دانشمند _ فلسفه
 - ب. شکست ناپذیر _ کاردان _ قدرت تشخیص حق از باطل
 - ج. هر دو گزینه
۲. کدام گزینه ترجمه اُمِّيْن است؟
 - ا. درس نخوانده ها
 - ب. امت ها
 - ج. مادران
۳. کدام گزینه ترجمه «يُسَبِّحُ - يُرَكِّي - قُدُّوسٌ» است؟
 - ا. پاک می کند _ پاک می داند _ کاملاً پاک
 - ب. تسبیح می کند _ پاک می شود _ بسیار مقدس
 - ج. پاک می داند _ پاک می کند _ کاملاً پاک
۴. کدام گزینه ترجمه يُعَلِّمُ است؟
 - ا. یاد می گیرد
 - ب. می آموزد
 - ج. تعلیم داد
۵. کدام گزینه ترجمه کَانُوا است؟
 - ا. باشید
 - ب. هستند
 - ج. بودند
۶. در آیه «وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لِي صَلَالٍ مُّبِينٍ»، کدام گزینه ترجمه مُبِين است؟
 - ا. پنهان
 - ب. آشکار
 - ج. عمیق
۷. کدام گزینه هم معنای إِنَّ نیست؟
 - ا. لَ
 - ب. لَ
 - ج. إِنْ (مخففه از ثقیله)

ب. تمرین عبارت

۱. «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»
 - ا. تسبیح می کند برای خدا، آنچه در آسمان ها و زمین است
 - ب. تسبیح می کند خدا را، آنچه در آسمان و زمین است
 - ج. تسبیح می کند قطعاً خداوند را، آنچه در آسمان ها و زمین است
۲. «الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»
 - ا. صاحب قداست و باعزت و کاردان
 - ب. فرمانروای بسیار مقدس، عزیز دانا
 - ج. فرمانروای بسیار پاک، با عزت باحکمت

۳. ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ﴾

- ا. او کسی را در مردم درس نخوانده، معبوث کرد [تا] رسولی از ایشان باشد
- ب. او کسی است که برانگیخت در غیر اهل کتاب، فرستاده‌ای از ایشان
- ج. او کسی است که در میان مادران، کسی را برانگیخت تا رسولی از ایشان بیاید

۴. ﴿يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ﴾

- ا. [رسول] می‌خواند بر آن‌ها نشانه‌های او (خدا) را
- ب. [خداوند] می‌خواند بر آن‌ها نشانه‌هایش را
- ج. [خداوند] می‌خواند بر آن‌ها نشانه‌های او (رسول) را

۵. ﴿وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾

- ا. [خدا] پاک می‌کند آن‌ها (مردم) را و [خدا] تعلیم می‌دهد به آن‌ها کتاب و حکمت را
- ب. [رسول] پاک می‌کند آن‌ها (مردم) را و [رسول] تعلیم می‌دهد به آن‌ها کتاب و حکمت را
- ج. [خدا] پاک می‌کند آن‌ها (رسولان) را و [رسول] تعلیم می‌دهد به آن‌ها کتاب و حکمت را

۶. ﴿وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَنِي ضَالِّينَ﴾

- ا. و اگرچه بودند از گذشته [قطعاً] در گمراهی آشکار
- ب. [در حالی که] قطعاً بودند از گذشته [قطعاً] در گمراهی آشکار
- ج. و نبودند قبل از آن مگر در گمراهی آشکار



اسم اشاره

- «آن کتاب را بیاور»، «این جا بنشین»: در این مثال‌ها، متکلم با الفاظ «آن» و «این جا» به چیزی اشاره می‌کند و به نوعی، توجه مخاطب را به آن جلب کرده است. معمولاً «آن» برای اشاره به شخص یا شیء دور و «این جا» برای اشاره به مکان نزدیک است.
- به اسمی که برای اشاره کردن به شخص یا مکان یا چیز معینی به کار می‌رود، «اسم اشاره» می‌گوییم.

اسم اشاره نزدیک^۱

اسم اشاره به نزدیک، برای اشاره به شخص یا شیء نزدیک، به کار می‌رود. به جدول زیر توجه کنید:

جمع	مثنی	مفرد	
هُؤُلَاءِ = اینها - ایشان	-	هَذَا = این	مذکر
هُؤُلَاءِ = اینها - ایشان	-	هَذِهِ = این	مؤنث

- إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ (إسراء: ۹) = قطعاً این قرآن هدایت می‌کند به [راهی] که آن استوارتر است.
- وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً (نساء: ۴۱) = و بیاوریم تو را گواه بر ایشان.
- وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ (بقره: ۳۵) = و نزدیک نشوید به این درخت.
- يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي (هود: ۷۸) = ای قوم من! این‌ها دختران من‌اند.

اسم اشاره دور^۱

اسم اشاره به دور، برای اشاره به شخص یا شیء دور، به کار می‌رود. به جدول زیر توجه کنید:

جمع	مثنی	مفرد	
أُولَئِكَ = آن‌ها	-	ذَلِكَ = آن	مذکر
أُولَئِكَ = آن‌ها	-	تِلْكَ = آن	مؤنث

۱. برای استاد: در این سطح، نیازی به بیان تمام اسمی اشاره، مباحث لام بعد و حرف خطاب نیست.

ذَلِكَ فَضَّلَ اللَّهُ (جمعة: ۴): آن، بخشش خداوند است.

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (يونس: ۱): آن، نشانه‌های کتاب باحکمت است.

أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ (تغابن: ۱۰): آنان، اهل آتش اند.

توجه ۱: برای اشاره به جمع غیرانسان، معمولاً از اسم مفرد مؤنث استفاده می‌کنیم؛ مانند مثال دوم که **آیات** جمع **آیه** است.

توجه ۲: دوری و نزدیکی، فقط فاصله فیزیکی و ملموس نیست. گاه برای نشان دادن ارزش و منزلت چیزی، از اسم اشاره دور استفاده می‌کنیم؛ مثلاً در ﴿تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ﴾؛ اشاره دور **تِلْكَ** به دلیل مقام بالا و دست نیافتنی کتاب است نه دوری ظاهری!

اسم اشاره مکان

اسم اشاره به مکان (موقعیت) برای اشاره به مکان یا موقعیت خاصی به کار می‌رود. به جدول زیر و مثال‌های ذیل آن توجه کنید:

مکان دور	مکان نزدیک
هُنَالِكَ، تَمَّ = آنجا	هُنَا = این‌جا

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (حاقه: ۳۵): پس نیست برای او امروز، در این‌جا دوست گرم و نزدیکی.

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ (آل عمران: ۳۸): در آنجا خواند زکریا پروردگارش را.

فَأَيْنَمَا تُولُوْنَ فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ (بقره: ۱۱۵): پس هرکجا رو کنید، پس آنجا روی خداست.

سؤال: آیا **ذَلِكُمْ**، جمع **ذَلِكَ** است؟

جواب: خیر! **ذَلِكُمْ** مانند **ذَلِكَ** اسم اشاره دور برای مفرد مذکر است و هر دو به معنای «آن» بوده و تفاوتی در معنا ندارند؛ اما از یک نظر متفاوت‌اند، توضیح اینکه در یک گفت‌وگو، سه رکن وجود دارد:

۱. متکلم

۲. مخاطب

۳. چیزی که به آن اشاره می‌شود (**مشارالیه**).

اگر مشارالیه، مفرد مذکر و دور باشد، از **ذَلِكَ** استفاده می‌کنیم، به شرطی که مخاطب هم مفرد باشد؛^۲ اما اگر مخاطب چند نفر باشند، برای اشاره به همان چیز از **ذَلِكُمْ** استفاده می‌کنیم؛ به مثال‌های زیر توجه کنید:

۱. پژوهش: چرا در آیه شریف ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ﴾ (حشر: ۲۱) اسم اشاره نزدیک آمده؟ (رک: تفسیر هدایت)

۲. تقسیم بندی اسم اشاره به نزدیک، دور و مکان و صیغه‌های مختلف هر یک از آن‌ها به اعتبار «مشارالیه» صورت گرفته است.

ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ (جمعه: ۹): آن بهتر است برای شما.

ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ (اعراف: ۲۶): آن بهتر است، آن از نشانه‌های خداست.

در آیه شریف اول، سیاق آیات اهمیت نماز جمعه را بیان می‌کند و به طور مستقیم مؤمنان را خطاب قرار داده، می‌فرماید: «آن (یاد خدا و نماز جمعه و...) بهتر است برای شما (مؤمنان)».

در آیه شریف دوم، خطاب اولیه با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ البته به این معنا نیست که دیگران بهره‌ای از این آیه ندارند؛ بلکه به جای اینکه مردم مورد خطاب مستقیم قرار گیرند، پیشوا و الگوی آن‌ها مورد خطاب قرار گرفته است و همه باید از حقایق که به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان شده، استفاده کنند.

تمرین زبان قرآن

۱. به کمک استاد، برای هریک از اسامی اشاره گفته شده یک مثال از قرآن کریم پیدا کنید.

۲. در عبارات زیر، ضمیر را مشخص و نوع آن را ذکر کنید (ضمایر تکراری را فقط یک بار بنویسید).

ش	عبارت	ضمیر	نوع ضمیر	صیغه	مرجع
۱	هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ				
۲	رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ				
۳					

۳. با مراجعه به لغات درس، جدول زیر را تکمیل کنید.

ش	کلمه مفرد / وزن	نوع جمع	کلمه جمع / وزن جمع
۱	أُفْعِلِي / فُعْلِي		فُعْلِيَّيْنِ / فُعْلِيَّيْنِ
۲	سَمَاء / فَعَال		*** /
۳	آيَةٌ / آيَةٌ		*** /

۴. با مراجعه به ترجمه آیات شریف زیر، **ذَلِكَ**، به چه چیزی اشاره دارد (مُشَارٌ إِلَيْهِ آن چیست)؟

﴿أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهُمْ وَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ * ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ

بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشْرِهِدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ (تغابن: ۵ - ۶)

۵. در آیات شریف زیر، نوع اسم اشاره و مخاطب آن را بیان کنید.

أ. أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ. (أعراف: ۲۲)

ب. قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ. (يوسف: ۳۲)

۱. هنگام جمع بستن، حرف «ی» در آخر کلمه، مشدد می شود.

۲. «سَمَاء» در اصل «سَمَاو» بوده است. برای جمع بستن از کلمه اصلی استفاده کنید.



سوره مبارک جمعه

بخش دوم آیات سوم تا پنجم

۴. **فَضْلٌ** [فضل]: فضل، بخشش **عَظِيمٌ** [عظم]: عظیم، بزرگ.

۵. **مَثَلٌ** [مثل]: مثل، حال، وصف **تُورَاةٍ**: تورات، کتاب آسمانی حضرت موسی **قَوْمٌ** [قوم]: قوم، گروه **ظَالِمٌ** [ظلم]: ظالم، ستمکار، ستمگر.

۳. **آخِرٌ** [آخر]: دیگر **آخِرِينَ** [آخر]: ج. س آخر **لَمَّا**: حرف

سُورَةُ الْجُمُعَةِ

مِن قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝۱ وَعَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝۲ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝۳ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝۴

- نفی)، زمانی که **يَلْحَقُونَ** [لحق]: ملحق می شوند، می پیوندند **لَمَّا يَلْحَقُوا**: هنوز ملحق نشده اند، هنوز نپیوسته اند.
۴. **ذَلِكَ**: (اسم اشاره مفرد مذکر دور)، آن **يُؤْتِي** [أتی]: می دهد **مَن**: (هر) کسی که، کسانی که، چه کسی (کسانی)؟^۵ **يَشَاءُ** [شیأ]: می خواهد **ذُو**: صاحب، دارای.
۵. **حُمِلُوا** [حمل]: بر دوش شان گذاشته شد، بر آنان نهاده شد، مکلف شدند **ثُمَّ**: سپس **يَحْمِلُونَ** [حمل]: حمل می کنند، زیر بار می روند، عمل می کنند **كَمَثَلِ**: شبیه **حِمَارٍ** [حمر]: خر، الاغ **يَحْمِلُ** [حمل]: حمل می کند **سَفَرٍ** [سفر]: کتاب **أَسْفَارًا** [سفر]: ج. م سفر **بِئْسَ** [بأس]: چه بد است **كَذَّبُوا** [كذب]: تکذیب کردند، دروغ شمرندند **يَهْدِي** [هدی]: هدایت می کند، راهنمایی می کند **ظَالِمِينَ** [ظلم]: ج. س ظالم **لَمَّ** [حمل]: عمل نکردند، عمل نکردند **الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ**:^۶ قوم ظالم، قوم ستمگر، گروه ستمکار.

۱. از این درس به بعد، جمع سالم و مذکر به این شکل نشان داده می شوند: «ج.م = جمع مکسر»، «ج.س = جمع سالم».

۲. با توجه به آیه قبل، عبارت «و نیز برانگیخت پیامبر ﷺ را، بر...» را به ترجمه این آیه شریف اضافه کنید.

۳. حرف «پ» را در «آیات» ترجمه نکنید.

۴. ﴿فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ﴾. (صَف: ۵)

۵. ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ﴾. (صَف: ۷)

۶. برای استاد: اگرچه «بئس» یکی از افعال ذم است، ترجمه آن شبیه فعل تعجب است. شاید این سؤال مطرح شود: چرا به صورت «بد است» ترجمه نشده؟ برای جواب، به فصلنامه پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۴، شماره ۱۱ رجوع کنید.

۷. بیشتر بدانیم: در عربی برای اسم جمع، صفت جمع آورده می شود؛ اما در زبان فارسی از صفت مفرد استفاده می کنیم.

تمرین ترجمه

۱. تمرین واژه

۱. کدام گزینه ترجمه «فَضْلٌ عَظِيمٌ مَثَلٌ» است؟

<input type="checkbox"/> ا. بزرگ _ بزرگی _ نمونه	<input type="checkbox"/> ب. بخشش _ بزرگ تر _ مثال	<input type="checkbox"/> ج. بخشش _ بزرگ _ حال
--	---	---
۲. کدام گزینه معنای «دیگر» است؟

<input type="checkbox"/> ا. آخِر	<input type="checkbox"/> ب. آخِر	<input type="checkbox"/> ج. آخِرَة
----------------------------------	----------------------------------	------------------------------------
۳. کدام گزینه ترجمه **يُؤْتِي** است؟

<input type="checkbox"/> ا. می دهد	<input type="checkbox"/> ب. می گیرد	<input type="checkbox"/> ج. می آید
------------------------------------	-------------------------------------	------------------------------------
۴. کدام گزینه ترجمه **لَمَّا يَلْحَقُوا** است؟

<input type="checkbox"/> ا. هنوز نپیوستند	<input type="checkbox"/> ب. زمانی که پیوستند	<input type="checkbox"/> ج. مگر آن که پیوندند
---	--	---
۵. کدام گزینه معنای «الاغ» است؟

<input type="checkbox"/> ا. حَمَاء	<input type="checkbox"/> ب. حِمَار	<input type="checkbox"/> ج. حُمُر
------------------------------------	------------------------------------	-----------------------------------
۶. کدام گزینه ترجمه **كَذَّبُوا** است؟

<input type="checkbox"/> ا. دروغ گفتند	<input type="checkbox"/> ب. دروغ شمردند	<input type="checkbox"/> ج. ناسزا گفتند
--	---	---
۷. کدام گزینه ترجمه «حَمَلُوا _ لَمْ يَحْمِلُوا _ يَحْمِلُ» است؟

<input type="checkbox"/> ا. تحمّل می کنند _ عمل نکردند _ حمل کرد	<input type="checkbox"/> ب. مکلف شدند _ هنوز حمل نکرده اند _ حمل بکند	<input type="checkbox"/> ج. بر دوش شان گذاشته شد _ حمل نکردند _ حمل می کند
--	---	--
۸. کدام گزینه جمع «آخِرٌ _ سَفَرٌ _ ظَالِمٌ» است؟

<input type="checkbox"/> ا. أَوَاخِرٌ _ سَفَرَاءٌ _ ظَوَالِمٌ	<input type="checkbox"/> ب. آخِرَانٌ _ سَفُورٌ _ مَظَالِمٌ	<input type="checkbox"/> ج. آخِرِينَ _ أَسْفَارٌ _ ظَالِمِينَ
---	--	---

ب. تمرین عبارت

۱. ﴿وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ﴾

<input type="checkbox"/> ا. و [فرستاده] نهایی از آنان، هنوز به آن ها ملحق نشده است
<input type="checkbox"/> ب. و افراد دیگر از ایشان، [که] هنوز نپیوسته اند به آن ها
<input type="checkbox"/> ج. و آخرین افرادشان به آن ها ملحق شدند
۲. ﴿هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

<input type="checkbox"/> ا. او عزیز و داناست	<input type="checkbox"/> ب. او عزیز و باحکمت است	<input type="checkbox"/> ج. او عزیز حکیم است
--	--	--

۳. ﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ﴾

- ا. این بخشش خداست که دریافت می‌کند هر که بخواهد
- ب. آن بخشش خدا برای هر که بخواهد است
- ج. آن بخشش خداست، می‌دهد آنرا به کسی که می‌خواهد

۴. ﴿وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾

- ا. و خدای بخشنده، بزرگ است
- ب. و خدا دارای بخشش بزرگ است
- ج. و خداوند گناهان بزرگ را می‌بخشد

۵. ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا﴾

- ا. مثل کسانی که حمل کردند تورات را سپس حمل نکردند آن را
- ب. حال (مثال) کسانی که بر دوش شان گذاشته شد تورات، سپس عمل نکردند [به] آن
- ج. مثال کسانی که حامل تورات بودند اما عمل کننده به آن نبودند

۶. ﴿كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا﴾

- ا. مانند باربری که کتاب حمل می‌کند
- ب. مانند حال خری [است] که در مسافرت بار می‌برد
- ج. مانند حال خری [است] که حمل می‌کند کتاب‌هایی را

۷. ﴿بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ﴾

- ا. چه بد است! حال قومی که تکذیب کردند نشانه‌های خدا را
- ب. چه بد کارند! قومی که تکذیب کردند نشانه‌های خدا را
- ج. حال (مثال) آنان بسیار بدتر از کسانی است که نشانه‌های خدا را تکذیب می‌کنند

۸. ﴿وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾

- ا. و خداوند راهنمای قوم ستمکاران نیست
- ب. و خداوند هدایت نمی‌کند قوم ستمگرا
- ج. هدایت قوم ستمکاران با خدا نیست



فعل ماضی

معرفی فعل ماضی

در درس های گذشته آموختیم، فعل کلمه ای است که بر معنای مستقلی (واقع شدن کار یا حالتی) در زمان خاصی دلالت دارد. اگر فعل مربوط به زمان گذشته باشد، به آن **فعل ماضی** می‌گوییم.

فعل «عَلِمَ» به معنای «دانست» بر حالت دانستن در زمان گذشته دلالت دارد؛ همچنین حالت دانستن مربوط به شخص مفرد مذکر غایب است. در درس گذشته برای ضمائر، چهارده صیغه معرفی کردیم، برای فعل هم چهارده صیغه داریم که در جدول زیر آمده است.

جمع	مثنی	مفرد		
عَلِمُوا	عَلِمَا	عَلِمَ	مذکر	غایب
عَلِمْنَ	عَلِمَتَا	عَلِمَتْ	مؤنث	
عَلِمْتُمْ	عَلِمْتُمَا	عَلِمْتَ	مذکر	مخاطب
عَلِمْتُنَّ	عَلِمْتُمَا	عَلِمْتِ	مؤنث	
عَلِمْنَا		عَلِمْتُ	مذکر/ مؤنث	متکلم

تمام افعال بالا از ریشه «علم» هستند. اگر بخواهیم به جای کلمات بالا، وزن آن‌ها را بنویسیم به جدول زیر می‌رسیم.

جمع	مثنی	مفرد		
فَعَلُوا	فَعَلَا	فَعَلَ	مذکر	غایب
فَعَلْنَ	فَعَلَتَا	فَعَلَتْ	مؤنث	
فَعَلْتُمْ	فَعَلْتُمَا	فَعَلْتَ	مذکر	مخاطب
فَعَلْتُنَّ	فَعَلْتُمَا	فَعَلْتِ	مؤنث	
فَعَلْنَا		فَعَلْتُ	مذکر/ مؤنث	متکلم

🔗 اوزان فعل ماضی

سؤال: آیا صیغه ۹ ماضی از ریشه «کتب» **کَتَبْتُمْ** است؟ آیا می‌توان از جدول اوزان فوق، برای یافتن این فعل استفاده کرد؟
جواب: خیر! اوزان فعل ماضی از ریشه «کتب» شباهت زیادی با اوزان فعل ماضی از ریشه «علم» دارد؛ اما در یک حرکت با هم تفاوت دارند؛ در صیغه‌های فعل ماضی از ریشه «علم»، حرکت حرف دوم فعل (ل)، در تمام صیغه‌ها، کسره (ک) است اما در فعل ماضی از «کتب»، حرکت حرف دوم فعل (ت)، در تمام صیغه‌ها فتحه (ه) است (**کَتَبَ** = نوشت، **کَتَبَا**، **کَتَبُوا**، ...). تنها تفاوت اوزان این دو فعل در حرکت حرف دوم فعل (عین الفعل) است. پس وزن صیغه ۹ از ریشه «کتب»، **کَتَبْتُمْ** بر وزن **فَعَلْتُمْ** است.

به طور کلی صیغه اول فعل‌های ماضی، می‌تواند سه وزن داشته باشد و وزن سایر صیغه‌ها نیز از صیغه اول ساخته می‌شود:

۱. وزن **فَعَلٌ**، مانند **کَتَبَ** و **خَلَقَ** که جدول وزن این دسته از افعال می‌شود: **فَعَلَ، فَعَلَا، فَعَلُوا**...
۲. وزن **فَعِلٌ**، مانند **عَلِمَ** و **شَهِدَ** که جدول وزن این دسته از افعال می‌شود: **فَعِلَ، فَعِلَا، فَعِلُوا**...
۳. وزن **فَعُلٌ**، مانند **حَلَمَ** و **كُرِمَ** که جدول وزن این دسته از افعال می‌شود: **فَعُلَ، فَعُلَا، فَعُلُوا**...

سؤال ۱: وزن فعل ماضی از یک ریشه خاص، مثلاً «بعث» چیست؟

جواب: تشخیص وزن ماضی قاعده خاصی ندارد و باید به لغتنامه و کاربردهای این فعل در زبان عربی مراجعه کرد.

سؤال ۲: آیا می‌توان فعل ماضی **عَلِمَ** را در سایر وزن‌های **عَلِمَ** یا **عَلِمَ** نیز به‌کاربرد؟

جواب: این کار جایز نیست. ما تنها می‌توانیم یک ریشه را به وزنی ببریم که قبلاً در زبان عرب استفاده شده است. معمولاً یک ریشه فقط در یکی از وزن‌های ماضی به‌کار می‌رود.

توجه ۱: الف آخر صیغه ۳، یک علامت نگارشی است که به آن، **الفِ اِمْلَائِيَّة** می‌گوییم. این **ا** ناخواناست و اگر کلمه‌ای به فعل اضافه شود، حذف می‌گردد؛ مثال:

تَرَكُوا + كَ = تَرَكُواكَ ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا﴾ (جمعة: ۱۱)

توجه ۲: اگر به صیغه ۹ ماضی «فَعَلْتُمْ» ضمیر متصل اضافه شود، حرکت «م» از ساکن به ضمه «ه» تغییر کرده، یک «و» به آخر فعل اضافه می‌شود؛ مثال:

عَلِمْتُمْ + هُنَّ = عَلِمْتُمُوهُنَّ: ﴿فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ (ممتحنه: ۱۰)؛ پس اگر دانستید آنان را، زنان مؤمن (اگر آنان را مؤمن تشخیص دادید)، پس بازنگردانید آنان را به سوی کافران».

۱. به حرف اول از حروف اصلی فعل، «فاء الفعل»، به حرف دوم «عین الفعل» و به حرف سوم «لام الفعل» می‌گوییم.

تمرین زبان قرآن

۱. در جدول زیر، ترجمه افعال را نوشته، سپس در آیات ذیل جدول، معانی کلمات مشخص شده را با کلمات جدول، مقایسه کنید.

معنی	جمع	معنی	مثنی	معنی	مفرد		
	عَلِمُوا	(آن دو مرد) دانستند ^۱	عَلِمَا		عَلِمَ	مذکر	غایب
	عَلِمْنَ		عَلِمَتَا		عَلِمَتْ	مؤنث	
	عَلِمْتُمْ		عَلِمْتُمَا		عَلِمْتِ	مذکر	مخاطب
دانستید	عَلِمْتُنَّ		عَلِمْتُمَا		عَلِمْتِ	مؤنث	
	عَلِمْنَا			دانستم	عَلِمْتُ	مذ / مؤ	متکلم

أ. الْآنَ حَقَّقَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا (انفال: ۶۶)

ب. وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَفِدِّينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ (حجر: ۲۴)

ج. عَلِمْتُ نَفْسٌ مَا قَدَّمْتُ وَأَخَّرْتُ (انفطار: ۵)

د. وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ (واقعه: ۶۲)

ه. إِنْ كُنْتُ فُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ (مائده: ۱۱۶)

و. فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ (قصص: ۷۵)

۲. چهارده صیغه فعل ماضی ریشه «کفر» وزن **فَعَلَ** را به همراه معنای آن، در جدول زیر بنویسید.

معنی	جمع	معنی	مثنی	معنی	مفرد		
						مذکر	غایب
						مؤنث	
						مذکر	مخاطب
						مؤنث	
						مذ / مؤ	متکلم

۱. ترجمه دقیق: [دو مرد] دانستند؛ اما از آنجا که در فارسی فرقی بین مثنی و جمع و از طرفی بین مذکر و مؤنث نیست، بسیاری از ترجمه‌ها یکسان می‌شوند.

۲. حرکت اصلی حرف «م» در «عَلِمْتُمْ» و حرکت حرف «ن» اول در «النَّشْأَةَ» ساکن است؛ وقتی این دو کلمه را پشت سر هم بخوانیم، دو حرف ساکن «م» و «ن» کنار یکدیگر قرار می‌گیرند (الف میان آن‌ها خوانده نمی‌شود) که اصطلاحاً **التقاء ساکنین** گفته می‌شود و برای رفع التقاء ساکنین، حرکت «م» به ضمه تغییر می‌کند و می‌شود: «عَلِمْتُمْ».

۳. جدول تحلیل فعل 'زیر را تکمیل کنید. فعل های ماضی را که زیر آن ها خط کشیده شده، درستون اول جدول نوشته

(فقط خود فعل، بدون چیزهایی که به آن اضافه شده)، سایرستون ها را تکمیل کنید.

ا. **مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْتَةٍ أَوْ تَرَكْتُمْهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْرِجَ الْفَاسِقِينَ** (حشر: ۵)

ب. **كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ** (صف: ۳)

ج. **وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ** (صف: ۸)

د. **فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ** (صف: ۱۴)

ه. **هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا** (جمعه: ۲)

و. **وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ** (کافرون: ۴)

ز. **مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ** (فلق: ۲)

ح. **رَعِمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ** (تغابن: ۷)

ش	فعل	ریشه	وزن فعل	وزن صیغه اول	ش. ص ^۱	نام صیغه	معنی ^۲
۱	قَطَعْتُمْ	قطع	فَعَلْتُمْ	فَعَلْ	۹	جمع مذکر مخاطب	قطع کردید
۲							
۳	كَبُرَ		فَعُلْ				
۴							
۵							
۶							
۷							
۸							
۹							

۴. اسامی اشاره آیات درس را نام برده، شماره صیغه و نوع (اشاره به نزدیک، دور یا مکان) هریک را مشخص کنید.

۵. در جدول زیر، ضمایر و نوع آن را ذکر کنید (ضمایر تکراری را فقط یک بار بنویسید).

ش	عبارت	ضمیر	نوع ضمیر	صیغه	مرجع
۱	وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ				
۲					
۳	ذَلِكَ فَضَّلَ اللَّهُ يَوْمَئِذٍ مَنِ يَشَاءُ				
۴	مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا				

۱. جدول تحلیل فعل، تمرینی است که تا پایان کتاب وجود دارد و در آینده، جزئیات آن بیشتر می شود. غایت ما در فعل، انجام این جداول است.

۲. ش. ص = شماره صیغه.

۳. برای یافتن معنا و ریشه، از لغتنامه درس ها یا لغتنامه پایان کتاب استفاده کنید.



سوره مبارک جمعه

بخش سوم: آیات ششم تا هشتم

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ
 دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦﴾ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ
 أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٧﴾ قُلْ
 إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ
 إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾

٦. **وَلِيٌّ** [ولی]: دوست، سرپرست **أَوْلِيَاءُ** [ولی]:

ج. م. **وَلِيٌّ مَوْتٌ** [موت]: مرگ **صَادِقٌ** [صدق]:
 صادق، راستگو.

٧. **أَبَدًا** [أبد]: هرگز، همیشه **يَدٌ** [یدی]: دست
عَلِيمٌ [علم]: (بسیار) دانا.

٨. **عَالِمٌ** [علم]: عالم، دانا **غَيْبٌ** [غیب]: غیب،
 نهان.

جدید

٦. **هَادُوا** [هود]: یهودی شدند **إِنْ**: اگر **زَعَمْتُمْ** [زعم]: پنداشتید، گمان کردید **أَنَّ**^٣: که قطعاً، قطعاً اینکه **دُونِ** [دون]:
 غیر، بدون **فَ**: پس، در نتیجه، **تَا تَمَنَّوْا** [منی]: آرزو کنید، تمنا کنید **كُنْتُمْ** [کون]: بودید **صَادِقِينَ** [صدق]: ج. س.
صَادِقٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا: ای کسانی که یهودی شدید^٤، ای یهودیان **إِنْ زَعَمْتُمْ**: اگر می پندارید **إِنْ كُنْتُمْ**: اگر
 هستید.

٧. **يَتَمَنَّوْنَ** [منی]: آرزو می کنند **قَدَّمَتْ** [قدم]: پیش فرستاد، تقدیم کرد **أَيْدِي** [یدی]: ج. م. **يَدٌ مَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ**: اعمالی
 که پیش فرستادند.^٥

٨. **تَفِرُّونَ** [فرر]: فرار می کنید، می گریزید **مُلَاقِي** [لقى]: ملاقات کننده **تُرَدُّونَ** [ردد]: بازگشت داده می شوید، بازگردانده
 می شوید **شَهَادَةٌ** [شهد]: آشکار **نَبَأٌ** [نبا]: آگاه می کند، خبر می دهد **تَعْمَلُونَ** [عمل]: انجام می دهید، عمل می کنید
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ: (پیوسته) انجام می دادید.

١. حرکت اصلی حرف «و» در «تَمَنَّوْا»، ساکن است که برای رفع التقاء ساکنین، حرکت «و» به ضمّه تغییر می کند: «تَمَنَّوْا».

٢. ﴿يُدْخِلُهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾. (تغابن: ٩)

٣. در جلد دوم با معانی «إِنْ» و «أَنَّ» بیشتر آشنا می شویم.

٤. ترجمه این عبارت شبیه به «یا ایها الذین آمنوا» است که در درس بعد گفته خواهد شد.

٥. ترجمه تحت اللفظی: آنچه پیش فرستاد دست های شان، کنایه از دستاوردها و اعمالی است که به دست خودشان مرتکب شدند و برای آخرت پیش
 فرستادند.

تمرین ترجمه

ا. تمرین واژه

۱. کدام گزینه ترجمه «هَادُوا _ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا» است؟

- ا. یهودی شدند _ ای کسانی که یهودی شدند
 ب. یهودی شدند _ ای کسانی که یهودی شدید
 ج. هدایت شدند _ ای کسانی که هدایت شدید

۲. کدام گزینه ترجمه «يَتَمَنَّوْنَ _ تَمَنَّوْا» است؟

- ا. آرزو می کنند _ آرزو کنید
 ب. آرزو می کردند _ آرزو کردند
 ج. تأسف می خورند _ تأسف بخورید

۳. کدام گزینه ترجمه «أَنَّ _ دُونَ _ فَ» نیست؟

- ا. که _ غیر _ پس
 ب. قطعاً _ پست _ سپس
 ج. این که _ بدون _ در نتیجه

۴. کدام گزینه ترجمه قَدَمَتْ است؟

- ا. تقدیم کرد
 ب. قدم گذاشت
 ج. قدیمی شد

۵. در آیه ﴿ثُمَّ تَرُدُّونَ إِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ﴾، کدام گزینه ترجمه شَهَادَةٌ است؟

- ا. کشته شدن در راه خدا
 ب. مشاهده و شهود
 ج. آشکار

۶. کدام گزینه ترجمه «تَفَرُّونَ _ تُرَدُّونَ _ يُتَّبِعِي» است؟

- ا. فرار می کنید _ بازگشت می کنید _ خبر می دهد
 ب. فرار کنید _ رد می شوید _ نبیء شد
 ج. می گریزید _ بازگشت داده می شوید _ آگاه می کند

۷. در کدام گزینه، کلمه مشخص شده، ریشه متفاوتی دارد؟

- ا. وَاللَّهُ «عَلِيمٌ» بِالظَّالِمِينَ (جمعة: ۷)
 ب. «يُعَلِّمُهُمُ» الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (جمعة: ۲)
 ج. فَيَتَّبِعِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ «تَعْمَلُونَ» (جمعة: ۸)

ب. تمرین عبارت

۱. ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا﴾

- ا. بگوای کسانی که هدایت شدند
 ب. بگوای کسانی که هدایت شدید
 ج. بگوای کسانی که یهودی شدید

۲. ﴿إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ﴾

- ا. قطعاً می‌پندارید که شما دوستان خدایید نه مردم دیگر
- ب. گمان نکنید که شما اولیاء الله هستید! [بلکه] از پست‌ترین مردم هستید
- ج. اگر می‌پندارید که قطعاً شما دوستانی برای خدایید از غیر مردم

۳. ﴿فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾

- ا. آرزوی مرگ قطعاً برای راستگویان است
- ب. پس آرزو کنید مرگ را، اگر هستید راستگویان
- ج. تمنای مرگ می‌کنید اما نیستید راستگویان

۴. ﴿وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ﴾

- ا. و هرگز به آرزوی شان نمی‌رسند، به سبب آنچه تقدیم کرد دست‌های شان
- ب. آرزو می‌کنند دستاوردهای شان را هرگز [در آخرت] تقدیم شان نکنند
- ج. و آرزو نمی‌کنند آن را هرگز! به سبب اعمالی که پیش فرستادند

۵. ﴿وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾

- ا. و خداوند به ستمکاران [بسیار] داناست
- ب. و خداوند نسبت به ستمکاران بردبار است
- ج. تنها خداوند [اعمال] ستمکاران را می‌داند

۶. ﴿قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ﴾

- ا. بگو قطعاً مرگ همان چیزی است که از آن فرار می‌کنید
- ب. بگو مرگی که از آن فرار می‌کنید، قطعی است
- ج. بگو قطعاً مرگی که فرار می‌کنید از آن...

۷. ﴿فَإِنَّهُ مَلَاقِيكُمْ﴾

- ا. پس قطعاً آن ملاقات‌کننده شماست
- ب. پس شما قطعاً با آن ملاقات می‌کنید
- ج. همانا شما به لقای او می‌رسید

۸. ﴿ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ﴾

- ا. قطعاً مردّد می‌شوید در جهانِ نهان و آشکار
- ب. سپس بازگردانده می‌شوید به سوی دانایِ نهان و آشکار
- ج. سپس برمی‌گردید به سوی جهانِ نهان و آشکار

۹. ﴿فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾

- ا. پس آگاه می‌کند شما را به آنچه انجام می‌دادید
- ب. پس آگاه می‌کند شما را به آنچه انجام می‌دهید
- ج. پس آگاه می‌کند شما را به هر چه انجام می‌دهید



فعل مضارع و مستقبل

معرفی فعل مضارع

نوع دیگری از فعل مربوط به زمان حال و آینده است و به آن **فعل مضارع** می‌گوییم. فعل «**یَعْلَمُ** = می‌داند» بر حالت دانستن در زمان حال دلالت دارد؛ همچنین حالت دانستن مربوط به شخص مفرد مذکر غایب است. چهارده صیغه این فعل و اوزان آن را در جدول‌های زیر مشاهده کنید.

جمع	مثنی	مفرد		
یَفْعَلُونَ	یَفْعَلَانِ	یَفْعَلُ	مذکر	غایب
یَفْعَلْنَ	تَفْعَلَانِ	تَفْعَلُ	مؤنث	
تَفْعَلُونَ	تَفْعَلَانِ	تَفْعَلُ	مذکر	مخاطب
تَفْعَلْنَ	تَفْعَلَانِ	تَفْعَلِينَ	مؤنث	
نَفْعَلُ		أَفْعَلُ	مذکر / مؤنث	متکلم

جمع	مثنی	مفرد		
یَعْلَمُونَ	یَعْلَمَانِ	یَعْلَمُ	مذکر	غایب
یَعْلَمْنَ	تَعْلَمَانِ	تَعْلَمُ	مؤنث	
تَعْلَمُونَ	تَعْلَمَانِ	تَعْلَمُ	مذکر	مخاطب
تَعْلَمْنَ	تَعْلَمَانِ	تَعْلَمِينَ	مؤنث	
نَعْلَمُ		أَعْلَمُ	مذکر / مؤنث	متکلم

اوزان فعل مضارع

در درس گذشته با اوزان مختلف فعل ماضی آشنا شدیم (سه وزن **فَعَلَ**، **فَعِلَ**، **فَعَّلَ**). فعل مضارع برحسب حرکت عین‌الفعل (حرف دوم از حروف اصلی فعل)، دارای اوزان زیر است:

۱. **یَفْعَلُ**، مانند **یَعْلَمُ**، **یَشْهَدُ** و... جدول وزن این افعال: **یَفْعَلُ**، **یَفْعَلَانِ**، **یَفْعَلُونَ**... است.
۲. **یَفْعِلُ**، مانند **یَغْفِرُ**، **یَحْمِلُ** و... جدول وزن این افعال: **یَفْعِلُ**، **یَفْعِلَانِ**، **یَفْعِلُونَ**... است.
۳. **یَفْعَلُ**، مانند **یَكْتُبُ**، **يَحْسُنُ** و... جدول وزن این افعال: **یَفْعَلُ**، **یَفْعَلَانِ**، **یَفْعَلُونَ**... است.

ابواب افعال ثلاثی مجرد

آنچه تاکنون درباره افعال ماضی و مضارع آموختیم، مربوط به افعال ثلاثی مجرد است. در این قسمت، دو قید «ثلاثی» و «مجرد» را شرح می‌دهیم.

۱. فعل مضارع در زبان فارسی، بر زمان حال و در عربی بر حال و آینده دلالت دارد.

یکی از تقسیم‌بندی‌های فعل، تقسیم به ثلاثی و رباعی است. منظور از فعل ثلاثی، فعلی است که حروف اصلی آن، سه حرف است. به فعلی که حروف اصلی آن، چهار حرف است رباعی گوییم. در این کتاب، فقط **يُوسُوفُ** رباعی است و مابقی افعال، ثلاثی هستند.

یکی دیگر از تقسیمات فعل، تقسیم به مجرد و مزید است که در درس آینده مطرح می‌شود.

فعل‌های ثلاثی مجرد با توجه به وزن ماضی و مضارع‌شان به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

۱. **فَعَلَ - يَفْعَلُ**: وزن ماضی برخی افعال ثلاثی مجرد **فَعَلَ** و مضارع‌شان **يَفْعَلُ** است؛ مانند: **مَنَعَ - يَمْنَعُ**، **بَعَثَ - يَبْعَثُ**.
۲. **فَعَلَ - يَفْعَلُ**: وزن ماضی برخی افعال ثلاثی مجرد **فَعَلَ** و مضارع‌شان **يَفْعَلُ** است؛ مانند: **ضَرَبَ - يَضْرِبُ**.
۳. **فَعَلَ - يَفْعَلُ**: وزن ماضی برخی افعال ثلاثی مجرد **فَعَلَ** و مضارع‌شان **يَفْعَلُ** است؛ مانند: **نَصَرَ - يَنْصُرُ**، **عَبَدَ - يَعْبُدُ**.
۴. **فَعَلَ - يَفْعَلُ**: وزن ماضی برخی افعال ثلاثی مجرد **فَعَلَ** و مضارع‌شان **يَفْعَلُ** است؛ مانند: **عَلِمَ - يَعْلَمُ**، **شَهِدَ - يَشْهَدُ**.
۵. **فَعَلَ - يَفْعَلُ**: وزن ماضی برخی افعال ثلاثی مجرد **فَعَلَ** و مضارع‌شان **يَفْعَلُ** است؛ مانند: **حَسَنَ - يَحْسُنُ**.

هر یک از دسته‌های بالا را یک **باب** گویند. فعل ثلاثی مجرد، پنج باب^۱ دارد که نام هر یک از آن‌ها، همان وزن ماضی - مضارع آن است.

سؤال: چگونه می‌توان وزن فعل ماضی و مضارع را برای یک فعل خاص به دست آورد؟

جواب: راه مشخصی ندارد و باید به لغتنامه رجوع کرد. هر یک از این ابواب، یک یا دو فعل مشهور دارند که در برخی لغتنامه‌ها برای معرفی باب استفاده می‌شود؛ مثلاً به جای اینکه بگویند این فعل از باب **فَعَلَ - يَفْعَلُ** است می‌گویند این فعل از باب **نصر** است.

برای مشاهده صیغه‌های فعل ثلاثی مجرد، به پیوست ۴، (بخش ابواب ثلاثی) مجرد مراجعه کنید.

🔗 فعل مستقبل

در آیه شریف «**سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ**» (شعراء: ۲۲۷) = **به زودی خواهند دانست**، آن‌انکه ظلم کردند که به کدام بازگشتگاه، باز می‌گردند»، فعل **سَيَعْلَمُ** = به زودی خواهد دانست^۲ از فعل مضارع **يَعْلَمُ** = می‌داند ساخته شده و بر زمان آینده دلالت می‌کند. به این فعل، **فعل مستقبل** می‌گوییم. فعل مستقبل با دو قاعده زیر از فعل مضارع ساخته می‌شود:

الف - **آینده نزدیک:** حرف **س** را به ابتدای فعل مضارع اضافه می‌کنیم: «**س + يَعْلَمُ = سَيَعْلَمُ**: به زودی خواهد دانست».

ب - **آینده دور:** حرف **سَوْفَ** را به ابتدای فعل مضارع اضافه می‌کنیم: «**سَوْفَ + يَعْلَمُ = سَوْفَ يَعْلَمُ**: خواهد دانست».

توجه: فعل مضارع بر زمان حال و آینده دلالت دارد؛ اما فعل مستقبل فقط بر زمان آینده دلالت دارد.

۱. **برای استناد:** به علت استعمال نادر باب «**فَعَلَ - يَفْعَلُ**» در قرآن کریم (**يَلُوتُكُم** [ولی] و...)، از ذکر آن خودداری کرده‌ایم.

۲. در آیه ابتدای درس، فعل «**سَيَعْلَمُ**» را به صورت جمع ترجمه کردیم تا با فاعل خود مطابقت کند. توضیح این مطلب در جلد دوم خواهد آمد.

تمرین زبان قرآن

۱. در جدول زیر، ترجمه افعال را نوشته، سپس در آیات ذیل جدول، معانی کلمات مشخص شده را با کلمات جدول، مقایسه کنید.

معنی	جمع	معنی	مثنی	معنی	مفرد		
	يَعْلَمُونَ	(آن دو مرد) می دانند	يَعْلَمَانِ		يَعْلَمُ	مذکر	غایب
	يَعْلَمَنَّ	(آن چند زن) می دانند	تَعْلَمَانِ		تَعْلَمُ	مؤنث	
	تَعْلَمُونَ		تَعْلَمَانِ		تَعْلَمُ	مذکر	مخاطب
می دانید	تَعْلَمَنَّ	(شما دو زن) می دانید	تَعْلَمَانِ	می دانی	تَعْلَمِينَ	مؤنث	
	نَعْلَمُ				أَعْلَمُ	مذ/ مؤ	متکلم

- أ. وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ (هود: ۷۹)
- ب. فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ (بقره: ۲۶)
- ج. وَإِنَّا لَتَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ (حاقة: ۴۹)
- د. وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ (نمل: ۷۴)
- ه. وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره: ۴۲)

۲. جدول تحلیل فعل زیر را تکمیل کنید.

- أ. إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (حمد: ۵)
- ب. وَاللَّهِ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (حشر: ۱۱)
- ج. وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُوذَوْنَ بِمَا قَدْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ إِلَيْكُمْ (صف: ۵)
- د. مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا (جمعة: ۵)
- ه. لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (كافرون: ۲)

۱. نیازی به حفظ کردن ابواب نیست، فقط به آن‌ها توجه کنید تا افعال پرکاربرد به مرور در حافظه شما قرار گیرد.
۲. در این ستون نوع فعل (ماضی، مضارع) را مشخص کنید.
۳. برای یافتن معنا و ریشه، از لغتنامه درس‌ها یا لغتنامه پایان کتاب استفاده کنید.

ش	فعل	ریشه	وزن فعل	باب ^۱	ش.ص	نام صیغه	نوع ^۲	معنی ^۳
۱	نَعْبُدُ	عبد	نَفْعُلُ	فَعَلَّ - يَفْعَلُ	۱۴	متکلم مع الغیر		عبادت می کنیم
۲					۱			
۳	تَعْلَمُونَ					جمع مذکر مخاطب	مضارع	
۴								
۵	تَعْبُدُونَ							



سوره مبارک جمعه

بخش چهارم: آیات نهم تا یازدهم

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا
إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
﴿٦﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا
مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٧﴾
وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ
اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿١١﴾

۹. صَلَاة [صلی]: نماز جُمُعَة [جمع]: جمعه

(روز آخر هفته) ذِكْر [ذکر]: ذکر، ذکر کردن، یاد، یادآوری کردن.

۱۱. تِجَارَة [تجر]: تجارت، معامله، دادوستد

لَهْو [لهو]: لهو، سرگرمی رَازِق [رزق]: رزق دهنده، روزی دهنده.

۹. نُودِيَ^۵ [ندو]: ندا داده شد اِسْعَوْا [سعی]:

بشتابید ذَرُوا [وذر]: رها کنید بَيْع [بیع]: معامله، خرید و فروش ذَلِكُمْ: آن خَيْر [خیر]: بهتر، بهترین، خوب (ی) تَعْلَمُونَ [علم]: می دانید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا: ای کسانی که ایمان آوردید، ای مؤمنان، ای اهل ایمان إِذَا نُودِيَ: هنگامی که ندا داده می شود اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ: اگر بدانید.^۷

۱۰. قُضِيَتِ [قضی]: پایان یافت، تمام شد اِنْتَشِرُوا [نشر]: پراکنده شوید، متفرق شوید اِبْتَغُوا [بغی]: طلب کنید، بجوید اُذْكُرُوا [ذکر]: یاد کنید لَعَلَّ^۸: شاید، به امید اینکه، تا (اینکه) تُفْلِحُونَ [فلح]: رستگار می شوید، کامیاب می شوید لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ: شاید شما رستگار شوید، به امید اینکه شما رستگار شوید.

۱۱. رَأَوْا [رأی]: دیدند أَوْ: یا اِنْفَضُوا [فضض]: متفرق شدند، پراکنده شدند تَرَكُوا [ترک]: ترک کردند، رها کردند كَ: «ضمیر متصل مفرد مذکر مخاطب»، تو، ت قَائِمٍ [قوم]: ایستاده عِنْدَ: نزد رَازِقِينَ [رزق]: ج. س رَازِقٍ.

۱. افعال «نُودِيَ» و «قُضِيَتِ» ماضی هستند؛ اما به دلیل قرار گرفتن در اسلوب شرط، مضارع ترجمه می شوند. در آینده با این اسلوب آشنا می شویم.

۲. کلمه «مِنْ»، ترجمه نشود.

۳. برای استاد: برخی این آیه را از مواردی می دانند که فعل بعد از «إِذَا» معنای ماضی دارد. (رک: جامع الدروس العربیة، ص ۴۴۶)

۴. «قَائِمًا» را به صورت «درحالی که ایستاده بودی» ترجمه کنید.

۵. برای استاد: التحقیق، ریشه این کلمه را «ندو» می داند و به اعتقاد او برخی اهل لغت از روی خلط «ندی» ریشه آن دانسته اند. (رک: التحقیق، ج ۱۲، ص ۷۷).

۶. ترجمه تحت اللفظی: «ای کسانی که ایمان آوردند!»، از آنجاکه مؤمنان، مخاطب کلام اند، فعل «آمَنُوا» را به جای صیغه غایب، مخاطب ترجمه می کنیم.

۷. برای استاد: اگرچه «كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» معنای ماضی استمراری دارد، قرار گرفتن در اسلوب شرط، آن را مضارع استمراری (پیوسته می دانید) می کند.

۸. در جلد دوم کتاب، توضیحات بیشتری در معانی «لَعَلَّ» مطرح شده است.

تمرین ترجمه

ا. تمرین واژه

۱. کدام گزینه ترجمه **نُودَى** است؟

<input type="checkbox"/> ا. ندا داده شد	<input type="checkbox"/> ب. ندا داد	<input type="checkbox"/> ج. ندا داده می‌شود	<input type="checkbox"/>
---	-------------------------------------	---	--------------------------
۲. در آیه **﴿إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ﴾**، کدام گزینه ترجمه **اسْعَوْا** است؟

<input type="checkbox"/> ا. تلاش کنید	<input type="checkbox"/> ب. بشتابید	<input type="checkbox"/> ج. سعایت (بدگویی) کنید	<input type="checkbox"/>
---------------------------------------	-------------------------------------	---	--------------------------
۳. کدام گزینه معنای «آن» است؟

<input type="checkbox"/> ا. ذلک	<input type="checkbox"/> ب. ذلکم	<input type="checkbox"/> ج. هر دو گزینه	<input type="checkbox"/>
---------------------------------	----------------------------------	---	--------------------------
۴. در آیه **﴿قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللّٰهُوَ مِنَ التِّجَارَةِ﴾**، کدام گزینه ترجمه **خَيْر** است؟

<input type="checkbox"/> ا. خوب	<input type="checkbox"/> ب. بهتر	<input type="checkbox"/> ج. بهترین	<input type="checkbox"/>
---------------------------------	----------------------------------	------------------------------------	--------------------------
۵. کدام گزینه ترجمه **لَعَلَّ** است؟

<input type="checkbox"/> ا. ای کاش	<input type="checkbox"/> ب. به امید این‌که	<input type="checkbox"/> ج. هر دو گزینه	<input type="checkbox"/>
------------------------------------	--	---	--------------------------
۶. با توجه به آیات درس، کدام گزینه ترجمه **﴿انْتَشِرُوا﴾** _ **﴿انْفِضُوا﴾** است؟

<input type="checkbox"/> ا. پراکنده کنید _ پراکنده کردند	<input type="checkbox"/> ب. پراکنده شوید _ پراکنده شدند	<input type="checkbox"/> ج. پراکنده شدند _ پراکنده شوید	<input type="checkbox"/>
--	---	---	--------------------------
۷. کدام گزینه ترجمه **﴿قُضِيَتْ﴾** _ **﴿ابْتِغُوا﴾** است؟

<input type="checkbox"/> ا. قضا شد _ طلب کردند	<input type="checkbox"/> ب. قضاوت شد _ طلب کنید	<input type="checkbox"/> ج. پایان یافت _ بجوید	<input type="checkbox"/>
--	---	--	--------------------------
۸. کدام گزینه ریشه کلمه **ذُرُوا** است؟

<input type="checkbox"/> ا. وذر	<input type="checkbox"/> ب. ذری	<input type="checkbox"/> ج. ذرو	<input type="checkbox"/>
---------------------------------	---------------------------------	---------------------------------	--------------------------

ب. تمرین عبارت

۱. **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ﴾**

<input type="checkbox"/> ا. ای مؤمنان! هنگامی که ندای نماز جمعه بلند شد
<input type="checkbox"/> ب. ای کسانی که ایمان آوردید! هنگامی که ندا داده می‌شود برای نماز روز جمعه
<input type="checkbox"/> ج. ای مؤمنان! هنگامی که ندا داده شوید برای نماز جمعه
۲. **﴿فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ﴾**

<input type="checkbox"/> ا. پس بشتابید به سوی یاد خدا و خرید و فروش را رها کنید
<input type="checkbox"/> ب. پس بکوشید در یاد خدا و تجارت را فراموش کنید
<input type="checkbox"/> ج. پس تمام سعی خود را برای یاد خدا کنید و معامله را کنار بزنید

۳. ﴿ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

- ا. آن‌ها خیری است برای تان اگر می‌دانستید □
□ ج. آن بهتر است برای شما، اگر بدانید

۴. ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ﴾

- ا. پس هنگامی که قضای نماز را انجام دادید □
□ ج. پس هنگامی که نماز تمام شود

۵. ﴿فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ﴾

- ا. پس پراکنده شوید در زمین و طلب کنید از بخشش خداوند □
□ ب. پس تفرقه در زمین نکنید و بجوید از بخشش خداوند □
□ ج. پس متفرق شوید در زمین و بهره‌گیرید از بخشش خداوند

۶. ﴿وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

- ا. و یاد کنید خداوند را بسیار، شاید شما رستگار شوید □
□ ب. و یاد کنید خدای بزرگ را، به امید اینکه شما رستگار شوید □
□ ج. و ذکر خدا بگویید تا رستگار شوید

۷. ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ هَمُّوا انْفِصَالًا إِلَيْهَا﴾

- ا. و چون دیدند تجارت سرگرم‌کننده را، به آن مشغول شدند □
□ ب. و هنگامی که می‌بینند دادوستد و سرگرمی را پراکنده می‌شوند اطراف آن □
□ ج. و هنگامی که دیدند دادوستد یا سرگرمی را پراکنده شدند به سوی آن

۸. ﴿وَتَرْكُوكَ قَائِمًا﴾

- ا. و قیام تو را ترک کردند □
□ ب. و ترک کردند تو را [درحالی‌که] ایستاده [بودی] □
□ ج. و ترک کردند تو را [درحالی‌که] ایستاده [بودند]

۹. ﴿قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ مِنَ التِّجَارَةِ﴾

- ا. بگو نیست نزد خدا مگر بهتر از سرگرمی و تجارت □
□ ب. بگو آنچه نزد خداست بهتر است از سرگرمی و از تجارت □
□ ج. بگو نزد خدا هیچ خیری برای سرگرمی و تجارت نیست

۱۰. ﴿وَاللَّهُ خَيْرٌ الرَّازِقِينَ﴾

- ا. و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است □
□ ج. و خدا بهتر است از روزی‌ها [ی مادی]



فعل ثلاثی مزید

فعل ثلاثی مجرد و مزید

با پنج باب فعل ثلاثی مجرد، آشنا شدیم؛ صیغه اول ماضی (مفرد مذکر غایب) این باب‌ها دارای سه وزن **فَعَلَ**، **فَعِلَ** و **فَعَّلَ** است. صیغه اول ماضی این افعال، فقط از حروف اصلی (ریشه) تشکیل شده و هیچ حرف زائدی در آن‌ها نیست. به فعلی که صیغه اول ماضی آن حرف زائدی ندارد، «فعل مُجَرَّد» می‌گوییم.

انواع دیگری از فعل وجود دارد که در صیغه اول ماضی، علاوه بر حروف اصلی، حرف زائد هم دارد؛ برای مثال به افعال ماضی و مضارع زیر، از ریشه «نعم» توجه کنید. وزن صیغه اول ماضی، **أَفَعَلَ** است که، حرف زائد **أ** در تمام صیغه‌های ماضی تکرار شده است.

مفرد	مثنی	جمع			
يُنْعِمُ	يُنْعِمَانِ	يُنْعِمُونَ	مذکر	غایب	
تُنْعِمُ	تُنْعِمَانِ	يُنْعِمَنَّ	مؤنث		
تُنْعِمُ	تُنْعِمَانِ	تُنْعِمُونَ	مذکر	مخاطب	
تُنْعِمِينَ	تُنْعِمَانِ	تُنْعِمَنَّ	مؤنث		
أُنْعِمُ	أُنْعِمَانِ	أُنْعِمُونَ	مذکر/مؤنث	متکلم	

به فعلی که صیغه اول ماضی آن حرف زائدی دارد، «فعل مزید» می‌گوییم.

در جدول بالا، وزن صیغه اول فعل مضارع، **يُفَعِّلُ** است که با وزن‌های مجرّد فعل مضارع (**يَفَعِّلُ** - **يَفَعُلُ**) تفاوت دارد. افعال فوق، متعلق به یکی از ابواب فعل مزید هستند. برای نام‌گذاری این باب از وزن مصدر، استفاده می‌کنند و آن را باب **إِفْعَال** می‌نامند.

توجه: مصدر، اسمی است که معنای آن شبیه فعل است؛ برای مثال «**عِلْم** = دانستن» مصدر برای فعل‌های **عَلِمَ** و **يَعْلَمُ** است.

به اسمی که بر واقع شدن کار یا حالتی - بدون زمان - دلالت دارد، «مصدر» می‌گوییم.

🔖 ابواب ثلاثی مزید

جدول زیر تعدادی از ابواب ثلاثی مزید را نشان می‌دهد. ستون اول، وزن مصدر آن باب و به عبارت دیگر، نام آن باب است. وزن صیغه اول ماضی و مضارع نیز در ستون‌های دوم و سوم آمده است. توجه داشته باشید که ابواب مزید، کاربردهای فراوانی در قرآن کریم دارند.

مصدر (نام باب)	صیغه اول ماضی	صیغه اول مضارع	مثال
إِفْعَال (إِفَالَةٌ)	أَفْعَلْ	يُفْعِلُ	أَحْسَنَ - يُحْسِنُ - إِحْسَان
تَفْعِيل (تَفْعِلَةٌ)	فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	عَلَّمَ - يُعَلِّمُ - تَعْلِيم
مُفَاعَلَةٌ (فِعَال)	فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	جَاهَدَ - يُجَاهِدُ - مُجَاهَدَةٌ
إِفْتِعَال	إِفْتَعَلَ	يِفْتَعِلُ	اِكْتَسَبَ - يِكْتَسِبُ - اِكْتِسَاب
اِنْفِعَال	اِنْفَعَلَ	يِنْفَعِلُ	اِنْقَلَبَ - يِنْقَلِبُ - اِنْقِلَاب
تَفْعُلُ	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَذَكَّرَ - يَتَذَكَّرُ - تَذَكُّر
تَفَاعُلُ	تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَعَارَفَ - يَتَعَارَفُ - تَعَارُف
اِسْتِفْعَال (اِسْتِفَالَةٌ)	اِسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَكْبَرَ - يَسْتَكْبِرُ - اِسْتِكْبَار

برخی ابواب علاوه بر مصدر مشهور، دارای مصدر غیر مشهورند که در جدول بالا درون کمانک آمده است؛ برای مثال مصدر مشهور باب تفعیل بر وزن تفعیل و مصدر غیر مشهور آن بر وزن تفعلة می‌آید. به مثال‌های زیر توجه کنید:

باب افعال: اقام (اقوم) - یقیم (یقوم) - اقامة

باب مفاعلة: جاهد - یجاهد - مجاهدة / جهاد

باب تفعیل: زکی - یزکی - تزکیة

باب استفعال: استقام (استقوم) - یستقیم (یستقوم) - استقامة

سؤال: از کدام فعل‌ها می‌توان در باب مفاعلة یا تفعیل، مصدر غیر مشهور ساخت؟

جواب: از هر فعلی مصادر غیر مشهور مفاعلة یا تفعیل ساخته نمی‌شود و برای این کار باید به لغتنامه مراجعه کرد یا از قواعد مفصل‌تری استفاده کرد؛ برای مثال از ریشه «جهد» می‌توان هر دو مصدر مشهور **مجاهدة** و غیر مشهور **جهاد** را ساخت؛ اما از ریشه «زکی» فقط مصدر غیر مشهور **تزکیة** ساخته می‌شود.

تغییر معنا در ابواب مزید

به معنای حروف «علم» در ابواب زیر توجه کنید:

نام باب	نوع باب	ماضی	مضارع	مصدر
فَعَلَ - يَفْعَلُ	ثلاثی مجرد	عَلِمَ: دانست	يَعْلَمُ: می‌داند	عِلْم: دانایی
تفعیل	ثلاثی مزید	عَلَّمَ: آموزش داد، تعلیم داد	يُعَلِّمُ: آموزش می‌دهد، تعلیم می‌دهد	تَعْلِيم: آموزش دادن
تَفَعَّلَ	ثلاثی مزید	تَعَلَّمَ: آموخت	يَتَعَلَّمُ: می‌آموزد	تَعَلُّم: آموختن

همان‌طور که مشاهده می‌کنید، حروف «علم» با رفتن به ابواب مزید، معنا را از آنچه در ثلاثی مجرد بود، تغییر می‌دهد. ابواب مختلف مزید، معانی گوناگونی دارند که تفصیل آن از سطح این کتاب فراتر است.

جمع بندی افعال مجرد و مزید

ریشه «علم» را در نظر بگیرید. این حروف اصلی هم می‌توانند به ابواب ثلاثی مجرد بروند و هم به ابواب ثلاثی مزید. اگر بخواهیم از «علم»، فعل ثلاثی مجرد بسازیم، نمی‌توان آن را به هریک از پنج بابی که وجود دارد برد، بلکه باید بررسی کرد در کدام یک از آن باب‌ها، استعمال می‌شود و با مراجعه به لغتنامه می‌فهمیم که «علم» در باب **فَعَلَ - يَفْعَلُ** استعمال می‌شود. غالباً هر فعل فقط در یک باب ثلاثی مجرد به کار می‌رود.

اگر بخواهیم از «علم»، فعل ثلاثی مزید بسازیم، باید بررسی کنیم در کدام یک از ابواب مزید، استعمال می‌شود؛ برای مثال در لغتنامه می‌بینیم که «علم» در باب‌های **إِفْعَال**، **تَفْعِيل**، **تَفَعُّل** و **اسْتِفْعَال** استفاده شده است. برای اطلاع از وزن صیغه‌های مختلف افعال مزید می‌توانید به پیوست ۴ کتاب (بخش ابواب ثلاثی مزید) مراجعه کنید.

تمرین زبان قرآن

۱. جدول تحلیل فعل زیر را تکمیل کنید.

- أ. صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ... (حمد: ۷) ب. سَبَّحَ لِلَّهِ... (صف: ۱)
- ج. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ (صف: ۴)
- د. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (صف: ۹)
- هـ. تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَنُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ (صف: ۱۱)
- و. فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (صف: ۱۴)
- ز. يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا... (جمعة: ۱) ح. وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ... (جمعة: ۲)
- ط. بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (جمعة: ۵)
- ي. وَلَا يَتَمَنَّوْنَ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (جمعة: ۷)

ش	فعل	ریشه	وزن فعل	باب	ش.ص	نام صیغه	نوع	معنی
۱	أَنْعَمْتَ	نعم	أَفْعَلْتَ					
۲	سَبَّحَ	سبح						
۳	يُقَاتِلُونَ	قتل		مفاعلة				
۴	أَرْسَلَ	رسل						
۵	تُوْمِنُونَ ^۲	آمن						
۶	تُجَاهِدُونَ	جهد						
۷	أَيَّدْنَا	آید						
۸	أَصْبَحُوا	صبح						
۹	يُسَبِّحُ							
۱۰	يُعَلِّمُ	علم						
۱۱	كَذَّبُوا	کذب						
۱۲	قَدَّمَتْ	قدم						

۲. با توجه به آیات تمرین قبل، علت تأیث و نوع تأیث فاعل فعل **قَدَّمَتْ** را بیان کنید.

۳. اسامی اشاره به کاررفته در آیات درس را نام برده، شماره صیغه و نوع (اشاره به نزدیک، دور یا مکان) هر یک را مشخص کنید.

۱. برای استاد: در پایان این درس، فراگیر باید بتواند از باب، نوع و شماره صیغه هر فعل، وزن آن را -ترجیحاً- از حفظ بگوید یا به سرعت از پیوست جدول افعال کتاب، آن را پیدا کند. برای افراد فاقد این توانایی، تمرینات یا تدریس تکمیلی در نظر گرفته شود.

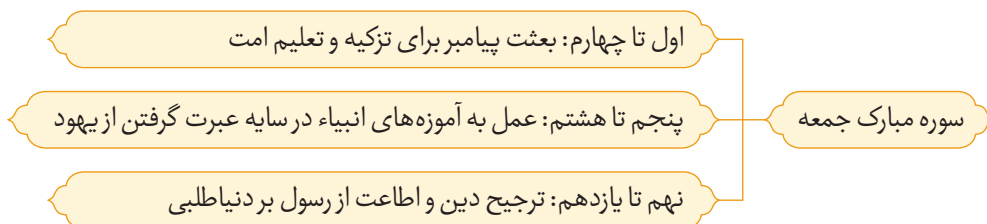
۲. راهنمایی: حرف اول فعل مضارع ثلاثی مجرد (معلوم)، در تمام صیغه‌ها، مفتوح است: «يَفْعَلُ، يَفْعَلَانِ، ...»

معارف سوره جمعه

فضیلت سوره

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «بر هر فرد باایمانی از شیعیان ما لازم است سوره‌های جمعه و اعلی را در شب جمعه و سوره‌های جمعه و منافقین را در نماز ظهر جمعه قرائت کند، پس هنگامی که چنین کرد، گویی عمل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را انجام داده و پاداش و ثوابش بر خداوند، بهشت است.»^۱

نقشه سوره



بیان سوره

جامعه نوپای مسلمین دچار ضعفی شده است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. این مشکل مختص صدر اسلام نبوده و تهدیدی برای تمام زمان‌هاست. این سوره راه مقابله با این معضل را بیان می‌کند.

جاهلانی که از معرفت الهی دورند، خدا و دین او را در این مشکلات دخیل می‌دانند؛ غافل از اینکه او از هر عیب و نقص، پاک است و همه موجودات عالم با قول و عمل خود خداوند را تسبیح می‌کنند؛ هرچند تسبیح و تنزیه آن‌ها را نفهمیم.^۲ تمام هستی، حتی جان و جسم دشمنان خدا هم خدا را تسبیح می‌کند **﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾**.

خداوند فرمانروای مطلق عالم است. پادشاهان دنیایی هیچ‌وقت بر تمام افراد قلمرو خود تسلط ندارند؛ اما تسلط خداوند بر تمام موجودات آسمان‌ها و زمین کامل است **﴿الْمَلِكِ﴾**.

اگرچه خداوند فرمانروای مطلق است، این قدرت او موجب کوچک‌ترین ظلمی نمی‌شود؛ چرا که او بسیار پاک است و اگر مخلوقاتش دچار کفر و آلودگی شوند، پاکی خداوند پابرجاست **﴿الْقُدُّوسِ﴾**.

هیچ‌کس توانایی نفوذ و تأثیر در کارهای خداوند را ندارد **﴿الْعَزِيزِ﴾** و تمام کارهای او محکم و ریشه‌دار است **﴿الْحَكِيمِ﴾**.

۱. «الواجبُ على كلِّ مؤمنٍ إذا كانَ لنا شبيعةٌ أن يقرأ في ليلةِ الجمعةِ بالجمعةِ و سَبَّحَ اسمَ رَبِّكَ الأَعْلَى، و في صَلَوةِ الظُّهرِ بالجمعةِ و المنافقينَ، فإذا فَعَلَ ذلكَ فكأنَّما يَعْمَلُ بِعَمَلِ رسولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ وَ كانَ جزاءُهُ وَ ثوابُهُ على اللهِ الجَنَّةُ.» (تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۲۰)

۲. «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (اسراء: ۴۴)؛ تسبیح می‌گوید برای او آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و آنچه در آن‌هاست و هیچ چیز نیست مگر اینکه تسبیح می‌کند او را به همراه ستایشش ولی شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید. (اسراء: ۴۴)

بندگان فرمانروای حکیم، محتاج هدایت اند. او از تورات و انجیل نخوانده‌ها، رسولی برانگیخت تا نشانه‌هایش را تلاوت و آلودگی‌ها را پاک کند و جهالت را با تعلیم کتاب و حکمت از بین ببرد. این لطف خدا در حالی است که گمراهی انسان‌ها، کاملاً روشن است ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَنِي ضَالِّينَ مُبِينًا﴾.

این بعثت پیامبر و برکات او فقط برای یک زمان نبوده، بلکه افرادی که هنوز به مسلمانان نپیوسته یا هنوز به دنیا نیامده‌اند هم مخاطب تلاوت و تزکیه و تعلیم رسول الهی هستند. هیچ‌کس نمی‌تواند رسالت جاودانه و جهانی را شکست دهد؛ زیرا این جریان به دست خدای شکست‌ناپذیر حکیم است ﴿وَأَخْرَجْنَا مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾.

خداوند پیامبر را از عالمان یهود و نصاری و... انتخاب نکرد؛ بلکه فضلش شامل فردی امی شد، فضل خدا بر اساس خواست خداوند بوده و خواست او با علم و حکمتش کاملاً سازگار است. فضل الهی بسیار عظیم است و بخششی که خداوند به رسول و پیروانش دارد اصلاً کوچک نیست ﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾.

حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام آمدن پیامبر خاتم محمد مصطفی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بشارت داده و نشانه‌های ایشان را بیان کرده بود. علمای یهود، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را همانند فرزندان خود می‌شناختند؛ اما بعثت پیامبری از امیین به مذاق‌شان خوش نمی‌آمد؛ زیرا اگر رسول خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را تصدیق کنند، جایگاه دنیوی خود را از دست می‌دهند؛ از این رو پس از آمدن منجی، تورات را تحریف و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را کتمان کردند.

فرامین تورات بر دوش علمای یهود و پیروان آن‌ها گذاشته شده بود؛ اما آن‌ها با غفلت از تورات، غرق دنیا شده، آمادگی خود را برای شرکت در امتحان تاریخی از دست دادند؛ از این رو به جای تصدیق پیامبر خاتم، او را تکذیب و از دستورات تورات شانه خالی کردند و هر آنچه در این سال‌ها رشته کرده بودند پنبه شد. وضعیت این عالمان بی‌عمل با الاغی^۲ که کتاب حمل می‌کند تفاوتی ندارد؛ این درازگوش کتاب‌ها را فقط حمل می‌کند بدون اینکه محتوای آن‌ها را بفهمد یا به آن‌ها عمل کند. آن‌ها سال‌ها برای مقابله با کفار، در انتظار آمدن پیامبر منجی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودند؛^۳ اما بعد از بعثت حضرتش نه تنها مسلمان نشدند بلکه تکذیب کرده و از سرسخت‌ترین دشمنان اسلام گشتند^۴ و ظلم بزرگی انجام دادند و سنت خداوند بر این است که ظالمان را از هدایت محروم کند ﴿مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَمِثْلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾.

۱. «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ؛ کسانی که به آن‌ها کتاب دادیم، او (پیامبر) رامی‌شناختند آن‌گونه که پسران‌شان رامی‌شناختند. (بقره: ۱۴۶)»

۲. لفظ «حمار» به معنای «الاغ» است. تکذیب‌کنندگان آیات الهی حقیقتاً شایسته چنین وصف ناپسندی هستند (بئس مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ).

۳. «كَانُوا مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا؛ از قبل (از آمدن قرآن) پیوسته طالب پیروزی بر کافران بودند.» (بقره: ۸۹)

۴. «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا؛ قطعاً یهود و مشرکان را سرسخت‌ترین افراد، در دشمنی با مؤمنان می‌یابی.» (مائده: ۸۲)

دروغ‌هایی که یهودیان بر دین خدا بستند، باعث مغرور شدن و خودبزرگ بینی آن‌ها شده است؛^۱ نه تنها تسلیم پیامبر ﷺ نمی‌شوند، بلکه خود را دوستان اختصاصی خداوند می‌دانند که حساب‌شان از حساب سایر مردم جداست. خداوند برای اینکه پرده از این دروغ‌شان بردارد از آن‌ها می‌خواهد آرزوی مرگ کنند. اولیای خدا ترسی از مرگ ندارند و دل‌شان برای رسیدن به سراها و بهشت‌های اختصاصی پر می‌زند ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾.

آن‌ها آن قدر به دنیا حرص دارند که برای حفظ دنیا با پیامبر الهی دشمنی می‌کنند. به قدری در دنیا غوطه‌ورند که آرزوی عمر هزارساله دارند. خودشان می‌دانند که چه بار سنگینی برای قیامت خود فرستاده‌اند. آخرت‌گریزی روی دیگر دنیاگرایی آنان است؛ از این رو هیچ‌گاه نه آرزوی مرگ می‌کنند و نه در اعمال‌شان علاقه به مرگ دیده می‌شود آن‌ها ظالم‌اند و خداوند هم به احوال ظالمان آگاهی کامل دارد ﴿وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾.

یهودیان عمر خود را به ساختن دنیا و خراب کردن آخرت گذاشته‌اند و هیچ عاقلی رفتن از آبادی به خرابه را نمی‌پسندد. آن‌ها نه تنها علاقه‌ای به مرگ ندارند بلکه از آن فراری‌اند. ای پیامبر! بگو: مرگی که به خیال خودتان از آن فرار می‌کنید، بالاخره سراغ‌تان می‌آید و آن موقع به سوی خدایی برگشت داده می‌شوید که به تمام کارهای مخفی و علنی شما کاملاً آگاه است. خداوند تمام زشتی اعمال‌تان و عواقب آن‌ها را به شما نشان می‌دهد ﴿قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾.

در آیات گذشته، رسالت پیامبر اکرم؟ ص، تزکیه امت و تعلیم کتاب توسط آن حضرت بیان شد، یهودیان هم به علت نافرمانی از کتاب‌شان و تکذیب آیات الهی توبیخ شدند؛ اما ناگهان سوره از یهودیان روگردانده، به مؤمنان خطاب می‌کند. در صدر اسلام، نماز جمعه، اجتماع هفتگی مسلمین به امامت پیامبر اکرم؟ ص؛ بوده و این اجتماع مصداق کامل تلاوت آیات الهی و تزکیه و تعلیم است. برخی مسلمانان به قدری اهل دنیا شده‌اند که حتی در زمان کوتاه و معین نماز جمعه دست از مادیات بر نمی‌دارند.

خداوند مستقیماً به مؤمنان خطاب می‌کند که هنگام ندای نماز، بدون معطلی به سوی اجتماعی که همان یاد خداست بشتابید و از خرید و فروش و امور دنیایی دست بردارید. از این ترک دنیا ضرر نمی‌کنید؛ بلکه اگر آگاه باشید، می‌فهمید که چیز بسیار بهتری نصیب‌تان خواهد شد ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾.

کسب منفعت، امر نامطلوبی نیست. پس از انجام وظیفه دینی خود می‌توانید از بخشش‌های فراوان خداوند - که در زمین

۱. «وَعَزَّوْهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ؛ و آن‌ها را فریفت در دینشان آنچه همواره افترا می‌بستند.» (آل عمران: ۲۴)

است - بهره مند شوید؛ اما رنگ دنیا را به خود نگیرید و از خدا غافل نشوید و بسیار او را یاد کنید که امید است به رستگاری نائل شوید ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾.

حادثه‌ای تلخ و عبرت‌آموز یادآوری می‌شود، زمانی که مسلمانان در نماز جمعه حاضر بودند و ناگهان صدای ورود کاروان تجاری به مدینه بلند شد. آن‌ها بین نماز جمعه پیامبر ﷺ و تهیه وسایل زندگی باید یکی را انتخاب می‌کردند. این کاروان برای برخی تجارت بود و برای برخی سرگرمی و خوشگذرانی. چه واکنشی نشان دادند؟ متأسفانه به سمت آن دویدند و آن اتفاق تلخ رخ داد. آن اتفاق تلخ از دست دادن نماز جمعه و مانند آن نبود؛ بلکه آن اتفاق تلخ، تنها گذاشتن پیام‌آور خدا بود، درحالی‌که به نماز یا خطبه ایستاده بودند. ای پیامبر! به مردم بگو که آنچه نزد خداست از لَهو و تجارتی که به سوی آن می‌روید خیلی بهتر است و خداوند بهترین روزی دهندگان است ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ هَؤُلَاءِ انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾.

جمع بندی: خداوند رسول را برانگیخته تا ما را تزکیه و تعلیم دهد. وظیفه ما در قبال این فضل خداوند، عمل به آموزه‌های رسول است. امت حضرت موسی عليه السلام به آموزه‌های پیامبرشان عمل نکرده، غرق در دنیاطلبی شدند. آن‌ها خود را اولیاء الله می‌دانند؛ اما خداوند آنان را به درازگوش وصف می‌کند. ما باید از سرنوشت آن‌ها عبرت بگیریم و نگذاریم دنیاطلبی ما را از همراهی رسول و تزکیه و کتاب الهی محروم کند. همچنین باید دانست یهود گمراه - که لباس صهیونیسم برتن کرده - مبلغ اصلی فرهنگ دنیاطلبی در جهان امروز است. این دشمن درجه یک در تلاش است بین ما و دین مان را با انواع دنیاطلبی - اعم از تجارت و سرگرمی - فاصله بیندازد.

تأمل: در روایتی از پیامبر اکرم؟ ص؟ می‌خوانیم: «کسی که قرآن بیاموزد و به آن عمل نکند و دوستی دنیا و زینت‌هایش براو چیره گردد، مستحق خشم خداوند تعالی و هم‌درجه با یهودیان و مسیحیان است که کتاب خدا را پشت سرشان انداختند.»^۱

۱. «مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ فَلَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَ آثَرَ عَلَيْهِ حُبُّ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ تَعَالَى وَ كَانَ فِي الدَّرَجَةِ مَعَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى الَّذِينَ يَنْبُدُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ.» (أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۴۱۲)



سوره مبارک صف

بخش اول: آیات اول تا چهارم

سورة الصف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾
 كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ
 اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ
 بُنِيَْنَ مَرْضُوصٌ ﴿٤﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَاقَوْمِ لِمَ

۱. سَبَّحَ [سبح]: تسبیح کرد، پاک و منزه دانست.

۲. تَقُولُونَ [قول]: می‌گویید تَفْعَلُونَ [فعل]: انجام

می‌دهید لِمَ: {لِ + مَا}، برای چه؟، چرا؟

۳. كَبُرَ [کبر]: بزرگ شد مَقْتًا [مقت]: خشم آن: اینکه،

که كَبُرَ مَقْتًا: بزرگ است از نظر خشم أَنْ تَقُولُوا:

اینکه بگویید.

۴. يُحِبُّ [حبب]: دوست می‌دارد يُقَاتِلُونَ [قتل]:

مبارزه می‌کنند، پیکار می‌کنند، جنگ می‌کنند

سَبَّحَ [سبل]: راه صَفًّا^۲ [صفف]: صف کشیدگان کَانَ^۳: گویی، مثل اینکه بُنِيَان [بنی]: بنا، ساختمان مَرْضُوص

[رخص]: مستحکم، سربی.

۱. عبارت «درحالی‌که» به ترجمه اضافه شود.

۲. «صَفًّا» در این‌جا جمع مکسر «صَافٍ» کسی که در صف ایستاده» است. کلمه «صَفًّا» معانی دیگری هم دارد؛ مانند: «صف کشیدن»، «به صف کردن» و «صف» که در فارسی به کار می‌بریم.

۳. «كَانَ» یک کلمه است و نباید آن را ترکیب «كَ» و «أَنَّ» دانست.

تمرین ترجمه

ا. تمرین واژه

۱. کدام گزینه ترجمه **سَبَّحَ** است؟

<input type="checkbox"/>	ج. پاک دانست	<input type="checkbox"/>	ب. پاک کرد
--------------------------	--------------	--------------------------	------------
۲. کدام گزینه ترجمه **يُقَاتِلُونَ** است؟

<input type="checkbox"/>	ج. دفاع می‌کنند	<input type="checkbox"/>	ب. پیکار می‌کنند
--------------------------	-----------------	--------------------------	------------------
۳. کدام گزینه معنای **مَرْضُوص** است؟

<input type="checkbox"/>	ج. مِسی	<input type="checkbox"/>	ب. شربی
--------------------------	---------	--------------------------	---------
۴. کدام گزینه ترجمه **لِمَ** است؟

<input type="checkbox"/>	ج. برای چیزی که	<input type="checkbox"/>	ب. برای کی؟
--------------------------	-----------------	--------------------------	-------------
۵. در کدام گزینه، کلمات، هم معنا هستند؟

<input type="checkbox"/>	ج. هر دو گزینه	<input type="checkbox"/>	ب. مَقَتٌ - غَضَبٌ
--------------------------	----------------	--------------------------	--------------------
۶. در آیه **﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا﴾**، کدام گزینه ترجمه **صَفًّا** است؟

<input type="checkbox"/>	ج. صف کشیدگان	<input type="checkbox"/>	ب. صف
--------------------------	---------------	--------------------------	-------
۷. کدام گزینه ترجمه **أَنْ - كَأَنَّ** است؟

<input type="checkbox"/>	ج. اگر - مثل این که	<input type="checkbox"/>	ب. گویی - این که
--------------------------	---------------------	--------------------------	------------------
۸. کدام گزینه ریشه کلمه **بُنِيَان** است؟

<input type="checkbox"/>	ج. ن ی ن	<input type="checkbox"/>	ب. ب ن ی
--------------------------	----------	--------------------------	----------

ب. تمرین عبارت

۱. **﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾**

<input type="checkbox"/>	ا. تسبیح کرد برای خدا، آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است
<input type="checkbox"/>	ب. تسبیح کرد، آنچه در آسمان‌ها و زمین برای خداست
<input type="checkbox"/>	ج. تسبیح می‌کند قطعاً خداوند را، آنچه در آسمان‌ها و زمین است
۲. **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾**

<input type="checkbox"/>	ا. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا به گفته‌های خود عمل نمی‌کنید؟
<input type="checkbox"/>	ب. ای کسانی که ایمان آورده‌اند! چرا انجام نمی‌دهید آنچه را که می‌گویید؟
<input type="checkbox"/>	ج. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا می‌گویید آنچه را که انجام نمی‌دهید؟

۳. ﴿كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ﴾

- ا. کبر، موجب خشم خداوند است
- ب. گناه بزرگی نزد خداوند است
- ج. بزرگ است از نظر خشم، نزد خداوند

۴. ﴿أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾

- ا. اینکه بگویید آنچه را که انجام نمی دهید
- ب. قطعاً می گویید آنچه را که انجام نمی دهید
- ج. نگویید هر آنچه را که انجام می دهید

۵. ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا﴾

- ا. همانا خداوند دوستدار کسانی است که می کشند در راه او صف های [دشمنان] را
- ب. همانا خداوند دوست می دارد کسانی که مبارزه می کنند در راهش [درحالی که] صف کشیدگان هستند
- ج. همانا خداوند دوست می دارد پیکار کردن در راهش را در صف های منظم

۶. ﴿كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ﴾

- ا. گویی آن ها بنای مستحکمی هستند
- ب. قطعاً آن ها شبیه بنای سربی هستند
- ج. گویی پایه های آن ها سربی است



انواع کاربرد فعل ماضی و مضارع

آموختیم فعل ماضی بر گذشته و فعل مضارع بر حال و آینده دلالت دارد. در این درس معانی دیگر این افعال در جمله^۱ بررسی می‌شوند.

❦ ماضی استمراری

در «فَیَنْبِئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (جمعة: ۸) پس آگاه می‌کند شما را به آنچه [پیوسته] انجام می‌دادید. **كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ** = انجام می‌دادید» بر استمرار و تکرار فعل در گذشته دلالت دارد و به آن **ماضی استمراری** می‌گوییم. شیوه ساخت ماضی استمراری، این‌گونه است:

«ماضی استمراری: استمرار فعل در گذشته» = «صیغه متناسب از فعل ماضی کان» + «فعل مضارع»

کان از ریشه «کون» به معنای «بود» است؛ اما در ماضی استمراری، معنای مستقلی ندارد. صیغه‌های **کان** در جدول زیر آمده:

جمع	مثنی	مفرد		
کانُوا	کانا	کَانَ	مذکر	غایب
کُنَّ	کانتا	کانت	مؤنث	
کُنْتُمْ	کنتما	کنت	مذکر	مخاطب
کُنْتِنَّ	کنتما	کنت	مؤنث	
	کنا	کنت	مذکر/ مؤنث	متکلم

«ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ» (بقره: ۶۱)؛ آن به سبب این بود که آنان همواره کفر می‌ورزیدند به نشانه‌های خدا. «**كانوا يكفرون**» معنای مضارع (**يكفرون** = کفر می‌ورزند) یا معنای ماضی (**كفروا** = کفر ورزیدند) ندارد، بلکه معنای آن ماضی استمراری است: «**كانوا يكفرون** = کفر می‌ورزیدند، همواره کفر می‌ورزیدند، پیوسته کفر می‌ورزیدند».

❦ ماضی نقلی

«وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ» (حدید: ۸)؛ ... [خدا] از شما پیمان گرفته

۱. برای استاد: این بحث جنبه نحوی هم دارد و با توجه به هدف ما از صرف (فهم ساختار و معنای کلمات)، در جلد اول آمده است.

است^۱». گرفتن پیمان، در گذشته اتفاق افتاده؛ اما این پیمان تا زمان حال هم ادامه دارد. اگر به صورت ماضی ساده (از شما پیمان گرفت) ترجمه کنیم، ممکن است تصور شود گرفتن پیمان در گذشته بوده و در حال حاضر، پیمانی وجود ندارد. این معنا شبیه ماضی نقلی در فارسی است (گرفته‌ام، گرفته‌ای، گرفته است...). شیوه ساخت ماضی نقلی، این‌گونه است:

«ماضی نقلی: واقع شدن در گذشته و باقی ماندن اثر تا حال» = «قَدَّ» + «فعل ماضی»

توجه: در ادامه می‌آموزیم که «قَدَّ + فعل ماضی» معانی دیگری هم دارد (از جمله قطعیت) و همیشه ماضی نقلی نمی‌سازد.

❦ فعل ماضی در اسلوب شرط

فعل ماضی در اسلوب شرط، معمولاً معنای مضارع دارد. اسلوب شرط از سه بخش **ادات شرط**، **شرط** و **جواب شرط** تشکیل شده است؛ مانند: «اگر بیاید، به او احترام می‌گذارم». در این عبارت «بیاید» شرط و «احترام می‌گذارم» جواب شرط است. «احترام گذاشتن» وقتی صورت می‌گیرد که «او بیاید». به کلماتی که معنای شرطی دارند و جمله شرطی می‌سازند **ادات شرط**^۲ می‌گوییم. برخی ادات شرط عبارت‌اند از: «**إِنْ** = اگر»، «**مَنْ** = کسی که»، «**مَا** = آنچه»، «**أَيْنَمَا** = هر جا» و «**إِذَا** = هنگامی که»^۳.

- فعل ماضی «**زَعَمْتُمْ** = پنداشتید» در «**إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْتُمْ... فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ**» (جمعة: ۶) معنای مضارع دارد: «اگر می‌پندارید...»

- فعل ماضی «**كُنْتُمْ** = بودید» در «**هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ**» (حدید: ۴) معنای مضارع دارد: «هر جا باشید (هستید)، او با شماست»

❦ فعل ماضی در معنای قطعیت

از میان فعل‌های ماضی و مضارع، دلالت فعل ماضی بر وقوع فعل، قطعی‌تر است؛ زیرا فعلی که در گذشته واقع شده، دچار دگرگونی نمی‌شود؛ اما فعل حال یا آینده ممکن است دچار تغییر شود؛ برای مثال وقتی می‌گوییم: «من خواهم رفت»، ممکن است به دلایلی نتوانم بروم و خلاف حرفی که زده بودم عمل کنم؛ اما در فعل ماضی این‌گونه نیست؛ وقتی می‌گوییم «من رفتم»، یعنی من رفتم!

با توجه به قطعیتی که در فعل ماضی وجود دارد، گاه در قرآن کریم از این فعل برای بیان امور قطعی استفاده می‌شود؛ هرچند زمان آن مربوط به آینده باشد یا برای بیان برخی صفات خداوند متعال از اسلوب فعل ماضی استفاده می‌شود؛ به این مثال‌ها توجه کنید:

- «**أُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ**» (شعراء: ۹۰): «فعل **أُزْلِفَتِ** = نزدیک شد»، ماضی است؛ اما ترجمه آیه شریف این‌گونه است:

۱. ترجمه تحت‌اللفظی: «گرفته است پیمان شما را.»

۲. «ادات» به معنای «ابزار» است. «ادات شرط»، برخی حروف و اسامی‌اند که آغاز جمله شرطیه می‌آیند. اسلوب شرط در جلد دوم خواهد آمد.

۳. **برای استناد:** ممکن است «إِذَا» بدون اینکه معنای شرطیت داشته باشد، معنای فعل ماضی را به مستقبل تغییر دهد؛ مانند «إِذَا»‌های سوره مبارک فلق. «يَكُونُ الْفَعْلُ مَعَهُ (مَعَ إِذَا) مَاضِي الْفِعْلِ مُسْتَقْبَلِ الْمَعْنَى كَثِيرًا.» (جامع‌الدروس، ص ۴۴۶)

«نزدیک می‌شود بهشت برای پرهیزکاران». شاید به علت قطعی و یقینی بودن حوادث قیامت، از فعل ماضی استفاده شده است.^۱

- ﴿كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (نساء: ۱۷): فعل «كان = بود»، ماضی است؛ اما نمی‌گوییم: «خداوند دانا و باحکمت بود»؛ زیرا این صفات خداوند، همیشگی و قطعی بوده و زمان دار نیست. ترجمه آیه این‌گونه است: «خداوند دانا و باحکمت است.»
- ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (مؤمنون: ۱): فعل «أَفْلَحَ»، ماضی است؛ اما رستگاری مؤمنان، حقیقتی است که مربوط به زمان خاصی نیست و مؤمنان همیشه رستگارند. این جا **قَدْ** فقط معنای تأکیدی دارد (تأکید در معنای فعل **أَفْلَحَ**) و ماضی نقلی ساخته نمی‌شود. این آیه را این‌گونه ترجمه می‌کنیم: «قطعاً مؤمنان رستگار می‌شوند (رستگارند).»

﴿فعل مضارع التزامی﴾

به این جملات توجه کنید: «اگر بروم، او را خواهیم دید»، «شاید بروم»، «تا اینکه بروم»، «پس باید بروم». به فعل «می‌روم» که با جزء پیشین «می» شروع می‌شود، **مضارع اخباری** و به افعال بالا که با جزء پیشین «ب» یا بدون جز پیشین شروع می‌شوند، **مضارع التزامی** می‌گوییم. در موارد زیر، معمولاً فعل مضارع را به صورت مضارع التزامی، ترجمه می‌کنیم:

۱. فعل مضارع در اسلوب شرط به کار رود؛ مثال: ﴿مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (حدید: ۲۴): پس کسی که روی گرداند...
۲. فعل مضارع پس از **لَعَلَّ** بیاید: ﴿لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ﴾ (جمعه: ۱۰): به امید اینکه رستگار شوید!
۳. فعل مضارع پس از «**أَنَّ** = اینکه» بیاید: ﴿كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (صف: ۳): ... اینکه بگویید...

۱. برای استاد: چیء بهذه الأفعال على صيغة الماضي، وإن كانت مستقبلية للدلالة على أنها متيقنة الحصول وأنها بمنزلة الفعل الماضي في التحقق. (معاني النحو)

تمرین زبان قرآن

۱. جدول تحلیل فعل زیر را تکمیل کنید. فعل‌های مشخص شده را، در ستون اول جدول نوشته (فقط خود فعل، بدون چیزهایی که به آن اضافه شده) و سایر ستون‌ها را تکمیل کنید.
- أ. لَيْنَ نَصْرُوهُمْ لِيُوَلِّنَ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ (حشر: ۱۲)
- ب. اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (جمعة: ۱۰)
- ج. قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (جمعة: ۶)
- د. فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعْتَ الذِّكْرَىٰ ۲ (أعلى: ۹)
- هـ. وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (فلق: ۵)
- و. هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (حدید: ۹)
- ز. أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ (حدید: ۱۶)
- ح. أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ (حدید: ۲۵)
- ط. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ (صف: ۹)

ش	فعل	ریشه	باب	ش. ص.	نوع	معنای اولیه	معنی در جمله ^۴
۱			-يَفْعَلُ		ماضی		
۲			إِفْعَال			رستگاری می‌شوید	
۳			-يَفْعَلُ				
۴			-يَفْعَلُ				
۵			-يَفْعَلُ				
۶	يُخْرِجُ	خرج			مضارع		(برای اینکه) خارج کند
۷			فَعَلٌ - يَفْعَلُ	۴		خاشع می‌شود	
۸						می‌داند	
۹			إِفْعَال			پیروز می‌کند	

۱. برای استاد: این جمله ترکیبی از شرط و قسم است.

۲. اصل فعل، «نَفَعْتُ» است که برای جلوگیری از وقوع دو حرف ساکن کنار یکدیگر (التقاء ساکنین)، حرف آخر فعل، مکسور شده است.

۳. به دلیل آمدن علامت تأنیث «ئ» در فاعل جمله «ذِکْرَىٰ»، فعل مؤنث به کار رفته است.

۴. برای یافتن معنای اولیه و ریشه، می‌توانید از لغتنامه درس‌ها یا لغتنامه پایان کتاب استفاده کنید.

۲. فعل **كَبَّرَ** در آیه **كَبَّرْ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ** ﴿صَف: ۳﴾ چگونه ترجمه می شود؟

۳. در آیات زیر، کدام افعال معنای ماضی استمراری دارند؟ آن‌ها را معنا کنید (می‌توانید از استاد خود در ترجمه کمک بگیرید).

أ. أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (مؤمنون: ۱۰۵)

ب. أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (مائده: ۱۰۴)

ج. قَالُوا أَجِئْنَا لِنُعْبَدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا (اعراف: ۷۰)

د. وَلَوْ طَآءَنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَايِثَ (انبیاء: ۷۴)

ه. فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ (اعراف: ۵۳)

و. تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا (هود: ۴۹)

۴. با توجه به آیه نهم از سوره مبارک جمعه، ترجمه **إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ** را تحلیل کنید.

Blank lined area for writing notes.



سورة مبارک صاف

بخش دوم: آیات پنجم تا ششم

سورة الصف

بُنَيْنٌ مَّرْضُوصٌ ۱ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ
تُؤَدُّونَنِي ۲ وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا
أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ ۳ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۴
وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ۵ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا
بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا
جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ۶ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى

۵. قلب [قلب]: قلب، دل قلوب [قلب]:

ج. م قلب فاسق [فسق]: فاسق،
نافرمان، بیرون رفته از ایمان فاسقین
[فسق]: ج. س فاسق.

۶. اسرائیل: لقب حضرت یعقوب عَلَيْهِ السَّلَامُ

بین [بین]: میان بعد [بعد]: پس از
أحمد [حمد]: یکی از نام های پیامبر
اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سحر [سحر]: جادو.

۵. إِذْ: هنگامی که قَالَ [قول]: گفت تُؤَدُّونَ [أذی]: اذیت می کنید، آزار می دهید قَدْ: قطعاً، همانا زَاغُوا [زیغ]: منحرف شدند
أَزَاغَ [زیغ]: منحرف کرد قوم: {قومی}، قوم من.

۶. إِبْنِ [بنو]: پسر یا: ای بَنِينَ^۵ [بنو]: ج ابن مُصَدِّق [صدق]: تصدیق کننده، تأییدکننده یَدَيْنِ [یدی]: مثنای یَدِ مُبَشِّرِ
[بشر]: بشارت دهنده، مژده دهنده یَأْتِي [أتی]: می آید جَاءَ [جیا]: آمد بَيِّنَةٍ [بین]: دلیل روشن، روشن بَيِّنَاتِ [بین]:
ج. س بَيِّنَةٌ قَالُوا [قول]: گفتند بَنِي إِسْرَائِيلَ^۶: قوم بنی اسرائیل، قوم یهود من بَعْدِي: بعد از من بَيْنَ يَدَيْ^۸: {بین +
یَدین + ی}، پیش روی من، نزد من جَاءَ بِ^۹: آورد، با... آمد.

۱. حرف «ل» هنگامی که با افعال هم خانواده «قَالَ» به کار رود، به صورت «به» ترجمه می شود.

۲. تُؤَدُّونَنِي: تُوَدُّونَ + نِ + ی. بین فعل و ضمیر متکلم، نون الوقایه قرار گرفته است. برای یادآوری به زبان قرآن درس پنجم مراجعه کنید.

۳. واو حالیه.

۴. یَبْنِي إِسْرَائِيلَ = یا بَنِي إِسْرَائِيلَ. گاه کلمه «یا» در کتابت، به کلمه بعد از خود وصل می شود.

۵. «بَنِينَ» و «بَنُونَ» جمع «ابن» هستند. این جمع شبیه جمع سالم و علامت آن «ین» و «ون» است؛ اما کلمه مفرد دچار تغییر شده. به این جمع، جمع ملحق به جمع سالم می گوئیم.

۶. یادآوری: وقتی جمع سالم به کلمه ای اضافه شود «ن» آخرش حذف می گردد: «بَنِينَ إِسْرَائِيلَ = بَنِي إِسْرَائِيلَ».

۷. «اسرائیل» به معنای بنده خدا و از القاب حضرت یعقوب عَلَيْهِ السَّلَامُ است و «بنی اسرائیل» به حضرت یعقوب عَلَيْهِ السَّلَامُ و نسل شان گفته می شود که به قوم یهود معروف اند.

۸. «بَيْنَ يَدَيْ» = بین دو دست من. ظاهراً به چیزی که پیش رو یا نزد کسی حاضر باشد، گفته می شود.

۹. برای استناد: بسته به نوع «باء» در «جَاءَ بِ»، آن را دو گونه می توان ترجمه کرد: اگر باء تعدیه باشد، به صورت «آورد» و اگر باء به معنای معیت باشد، آن را به صورت «با... آمد» ترجمه می کنیم.

تمرین ترجمه

۱. تمرین واژه

۱. کدام گزینه ترجمه **تُوذُونَ** است؟

ا. آزار می دهید ب. آزار داده می شوید ج. آزار دادید
۲. کدام گزینه ترجمه **زَاغُوا** است؟

ا. منحرف شد ب. منحرف کرد ج. منحرف شدند
۳. کدام گزینه معنای «تصدیق کننده» است؟

ا. مُصَدِّق ب. مُصَدِّق ج. مُصَدِّق
۴. کدام گزینه غلط است؟

ا. بَيِّنَةٌ = دلیل روشن ب. إِسْرَائِيلُ = لقب حضرت یعقوب عَلَيْهِ السَّلَامُ
 ج. مُبَشِّرٌ = مژده
۵. کدام گزینه ترجمه «جاءَ - جاءَ بِ- يَأْتِي» است؟

ا. آورد - آمد - می آورد ب. آمد - آورد - می آید ج. آمد - آمد - می رود
۶. در آیه **يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُونِي**، کدام گزینه معنای **قَوْم** است؟

ا. قوم ب. قوم من ج. قوم ما
۷. در کدام گزینه، همه موارد جمع است؟

ا. فاسِقِينَ - رازِقِينَ - يَدَيَّ ب. قُلُوبَ - يَدَيْنِ - أولياء ج. بَنِينَ - بَيِّنَات - أُيُدِي

۲. تمرین عبارت

۱. **وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ**

ا. و هرگاه گفت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به قومش ب. و هنگامی که گفت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به قومش
 ج. و هنگامی که گفت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ: ای قوم من
۲. **يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُونِي**

ا. ای قوم من! چرا اذیت می کنید مرا؟ ب. ای قوم! چرا اذیت می کنید مرا؟
 ج. ای قوم! شما اذیت می کنید مرا
۳. **وَ قَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ**

ا. درحالی که می دانید که من رسول شمایم
 ب. درحالی که می دانید قطعاً من رسول خداوند برای تان هستم
 ج. درحالی که قطعاً می دانید که قطعاً من رسول خداوند به سوی تان هستم

۴. ﴿فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ﴾

- ا. پس زمانی که منحرف شدند، دل های شان از خدا منحرف شد
ب. پس قطعاً منحرف شدند، چرا که خداوند دل های شان را گمراه کرد
ج. پس زمانی که منحرف شدند، منحرف کرد خداوند دل های شان را

۵. ﴿وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾

- ا. و خداوند هدایت نمی کند گروه فاسق را
ب. به خدا قسم که هدایت نمی شوند گروه نافرمانان
ج. و خداوند هدیه نمی دهد به قوم فاسقان

۶. ﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾

- ا. و هنگامی که عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به بنی اسرائیل گفت
ب. و هنگامی که عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ پسر مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ به پسران یعقوب عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت
ج. و هنگامی که گفت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ پسر مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ: ای بنی اسرائیل!

۷. ﴿إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ﴾

- ا. اینکه رسول الهی شما منم
ب. اینکه من رسول خداوند برای تان هستم
ج. قطعاً من رسول خداوند به سوی تان هستم

۸. ﴿مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَةِ﴾

- ا. تصدیق کننده [ام] برای آنچه نزد من است؛ از تورات
ب. با دو دست خود تورات را تصدیق می کنم
ج. راستگویم نسبت به آنچه در قلب من است؛ از تورات

۹. ﴿وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ﴾

- ا. و بشارت دهنده است رسولی که می آید بعد از من که نامش احمد عَلَيْهِ السَّلَامُ است
ب. و بشارت باد بر رسولی که بعد از این می آید و نامش احمد عَلَيْهِ السَّلَامُ است
ج. و بشارت دهنده [ام] به رسولی که می آید بعد از من، نام او احمد عَلَيْهِ السَّلَامُ است

۱۰. ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ﴾

- ا. پس نیامد [به سوی] ایشان مگر با نشانه های روشن
ب. پس هنگامی که آورد [برای] ایشان نشانه های روشن
ج. پس هرگاه که می آمد [به سوی] ایشان همراه با نشانه های روشن

۱۱. ﴿قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾

- ا. گفت: این جادوی آشکار است؟
ب. گفتند: این سحر آشکاری است
ج. بگو: این سحر روشنگر است؟



معلوم و مجهول^۱

تغییرات فعل

پس از آشنایی با فعل ماضی و مضارع، در چند درس آتی، تغییرات معنایی و ساختاری فعل را بیان می‌کنیم؛ این تغییرات عبارت‌اند از:

تغییرات معنایی: موجب مجهول شدن، نفی، امر، نهی و تأکید معنای فعل شده، غالباً ساختار ظاهری فعل را نیز تغییر می‌دهند.

تغییرات لفظی: با دگرگونی ساختار ظاهری فعل، تلفظ کلمه را آسان کرده، تغییری در معنا ایجاد نمی‌کنند. تغییرات لفظی عبارت‌اند از: ادغام، تخفیف همزه، اعلال و ابدال. البته این تغییرات مختص فعل نیست و در برخی اسامی نیز اعمال می‌گردند.

تغییرات نحوی: این تغییرات براساس جایگاه فعل در جمله، باعث پدید آمدن تغییراتی در ساختار فعل می‌گردد. این تغییرات عبارت‌اند از: جزم و نصب که صرفاً روی فعل مضارع اعمال می‌گردند.

در جدول زیر تغییرات فعل به همراه قاعده‌هایی که در هر یک از این تغییرات بر روی فعل اعمال می‌شود آمده است:

تغییرات نحوی		تغییرات لفظی				تغییرات معنایی					
نصب	جزم	ابدال	اعلال	ت همزه	ادغام	تأکید	نهی	امر	نفی	مجهول شدن	تغییر
نصب	جزم	ابدال	اعلال	ت همزه	ادغام	تأکید	جزم	امر	/ جزم/ نصب	مجهول	قاعده

۱. پیش فرض ما در این درس، آشنایی اجمالی فراگیران با مفهوم فاعل و مفعول است.

معرفی فعل معلوم و مجهول

به جدول زیر و افعال دسته اول و دوم آن، توجه کنید:

دسته اول	دسته دوم	مثال دسته دوم
خَلَقَ = آفرید	خُلِقَ = آفریده شد	وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا (نساء: ۲۸)
يَأْخُذُ = می‌گیرد	يُؤْخَذُ = گرفته می‌شود	فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ (حدید: ۱۵)
تَرُدُّونَ = باز می‌گردید	تُرَدُّونَ = بازگردانده می‌شوید	ثُمَّ تَرُدُّونَ إِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ (جمعة: ۸)
أَخْرَجُوا = اخراج کردند	أُخْرِجُوا = اخراج شدند	الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ (حشر: ۸)

هر فعل (انجام کار یا پدید آمدن حالت)، به فاعل^۱ نیاز دارد؛ مثلاً در **خَلَقَ** این سؤال به ذهن می‌آید که چه کسی خلق کرد؟ اگر این فعل در جمله بیاید توقع داریم فاعل آن هم ذکر شود؛ مانند: ﴿خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ﴾ (عنکبوت: ۴۴) که **الله** فاعل آن است. به فعل‌های دسته اول، که فاعل آن در جمله، معلوم و مشخص است، **فعل معلوم** و به جملات آن‌ها، **جمله معلوم** می‌گوییم.

در مثال آخر (کسانی که اخراج شدند از خانه‌های شان)، چه کسی آن‌ها را اخراج کرد؟ فاعل فعل اخراج کردن کیست؟ در این آیه شریف به آن اشاره نشده است. فعل این جمله، به شکلی است که برای فهم جمله، نیازی به آوردن فاعل نیست و فاعل در جمله ذکر نمی‌شود. به فعل‌های دسته دوم که فاعل آن‌ها در جمله، نامشخص و مجهول است، **فعل مجهول** و به جملات آن‌ها، **جمله مجهول** می‌گوییم.

اوزان فعل معلوم و مجهول

فعل ثلاثی مجرد معلوم: تمام پنج باب ثلاثی مجرد که تاکنون آموخته‌ایم، مربوط به افعال ثلاثی مجرد معلوم بوده است. **فعل ثلاثی مجرد مجهول:** صیغه اول فعل ماضی ثلاثی مجرد مجهول بر وزن **فُعِلَ** و صیغه اول مضارع آن بر وزن **يُفَعَلُ** است؛ سایر صیغه‌های آن، بر مبنای صیغه اول ساخته می‌شود که می‌توانید در پیوست ۴، (بخش ابواب ثلاثی مجرد) مشاهده کنید.

توجه: فعل ثلاثی مجرد مجهول فقط یک باب «**فُعِلَ - يُفَعَلُ**» دارد. این باب برای تمام پنج باب فعل معلوم ثلاثی مجرد یکسان است.

فعل ثلاثی مزید معلوم: مطالبی که در گذشته مطرح شد، مربوط به افعال ثلاثی مزید معلوم بوده است.

فعل ثلاثی مزید مجهول: افعال ماضی و مضارع ثلاثی مزید مجهول هم‌آهنگ ثلاثی مجرد مجهول است. در جدول زیر،

۱. اصل وجود فاعل حذف شدنی نیست و تا فاعلی نباشد فعلی به وجود نمی‌آید؛ بحث در ذکر یا عدم ذکر لفظی فاعل در جمله است.

صیغه‌های اول مجهول باب‌های مزید و مجرد آمده است. ۱. صرف معلوم و مجهول ابواب مزید در پیوست ۴، (بخش ابواب ثلاثی مزید) موجود است.

مضارع		ماضی		
مجهول	معلوم	مجهول	معلوم	
يُفَعِّلُ	يَفْعَلُ / يَفْعِلُ / يَفْعُلُ	فَعِلَ	فَعَلَ / فَعِلَ / فَعُلَ	ثلاثی مجرد
يُفَعِّلُ	يُفَعِّلُ	أَفْعِلَ	أَفْعَلَ	إفْعَال
يُفَعِّلُ	يُفَعِّلُ	فُعِّلَ	فَعَّلَ	تَفْعِيل
يُفَاعِلُ	يُفَاعِلُ	فُوعِلَ	فَاعَلَ	مُفَاعَلَة
يُفْتَعِّلُ	يَفْتَعِلُ	أَفْتَعِلَ	إِفْتَعَلَ	إِفْتِعَال
يُنْفَعِّلُ	يَنْفَعِلُ	أَنْفَعِلَ	إِنْفَعَلَ	إِنْفِعَال
يُتَفَعِّلُ	يَتَفَعِّلُ	تُفَعِّلُ	تَفَعَّلَ	تَفْعُل
يُتَفَاعِلُ	يَتَفَاعِلُ	تُفُوعِلُ	تَفَاعَلَ	تَفَاعُل
يُسْتَفَعِّلُ	يَسْتَفَعِّلُ	أُسْتَفَعِّلُ	إِسْتَفَعَّلَ	إِسْتِفْعَال

مثال: صیغه اول ماضی مجرد از «حمل» می‌شود «حَمَلَ = حمل کرد»؛ اما در باب تفعیل (معلوم) معنای دیگری دارد: «حَمَلَ... = چیزی را بر دوش کسی گذاشت، چیزی را بر کسی تحمیل کرد، تکلیفی را برای کسی قرار داد»؛ حال معنای صیغه ۳ ماضی مجهول آن می‌شود: «حَمِلُوا = بر دوش‌شان گذاشته شد، بر آنان حمل شد، مکلف شدند [به آن]». ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا﴾. (جمعة: ۵)

تأمل: آیا مثال بالا کمکی به شفاف شدن معنای «حَمِلُوا» می‌کند؟ به نظر شما این‌گونه تحلیل‌های صرفی تا چه اندازه ما را در حفظ کردن معنای کلمات، یاری می‌کند؟

۱. مطالعه بیشتر: شیوه ساخت فعل ماضی و مضارع مجهول به شرح زیر است:
الف. ماضی مجهول: عین الفعل ماضی معلوم را مکسور و حروف متحرک قبل از آن را مضموم می‌کنیم؛ مثال: «أَخْرَجُوا» به «أُخْرِجُوا» تبدیل می‌شود. حرف «خ» ساکن است و متحرک نیست؛ پس تغییر نمی‌کند.
ب. مضارع مجهول: حرف اول مضارع معلوم را مضموم و عین الفعل را مفتوح می‌کنیم؛ مثال: «يُبْعَثُونَ» به «يُيَعَثُونَ» تبدیل می‌شود.

تمرین زبان قرآن

در درس‌های گذشته، با توجه به موضوعات مطرح شده در بخش زبان قرآن، جداول تحلیل فعل مختلفی را مشاهده کردید. از این درس، جدول تحلیل فعل بر مبنای پیوست سوم کتاب، با عنوان: «راهنمای جدول تحلیل فعل» است.

۱. جدول تحلیل فعل را برای افعال مشخص شده، تکمیل کنید.

أ. إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (حدید: ۵)

ب. فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةً (حدید: ۱۵)

ج. إِنَّ الْمَصْدِقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (حدید: ۱۸)

د. لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ (حشر: ۸)

ه. مَثَلُ الَّذِينَ حَمَلُوا التَّوْرَةَ (جمعة: ۵)

ش	فعل	ریشه	باب	ش. ص	نوع	صورت اولیه	مرحله ۱	
							ق	صورت فعلی
۱	تُرْجَعُ	رجع	فَعَلٌ - يَفْعَلُ	۴	مضارع	تُرْجِعُ	مجهول	تُرْجَعُ
۲	يُؤْخَذُ		فَعَلٌ - يَفْعَلُ	۱		يَأْخُذُ	مجهول	
۳	يُضَاعَفُ		مُفَاعَلَةٌ				مجهول	
۴	أُخْرِجُوا		إِفْعَالٌ				مجهول	
۵	حَمَلُوا		تَفْعِيلٌ	۳	ماضی		مجهول	



سوره مبارک صف

بخش سوم: آیات هفتم تا نهم

آشنا

۷. **إِسْلَام** [سلم]: دین اسلام، تسلیم شدن.

۸. **نُور** [نور]: نور، روشنایی.

۹. **حَقٌّ** [حقیق]: حق، درست، راستین، سزاوار **مُشْرِكٌ**: [شرك]: مشرک، کسی که برای خدا شریک قائل است.

جدید

۷. **أَظْلَمَ** [ظلم]: ظالم تر **أَفْتَرَى** [فری]: دروغ بست، افتراء زد **كَذِبٌ**^۷ [کذب]: دروغ **يُدْعَى** [دعوا]: دعوت می شود، خوانده می شود.

۸. **يُرِيدُونَ** [رود]: می خواهند، اراده می کنند **يُظْفِقُونَ** [طفأ]: خاموش می کنند **فَاه** [فوه]: دهان **أَفْوَاه** [فوه]: ج. م فاه **مُتِمِّمٌ** [تمم]: تمام کننده، کامل کننده **لَوْ**: اگرچه، هرچند، اگر **كَرِهَ** [کره]: کراهت داشت، نپسندید، خوش نداشت **لِيُظْفِقُوا**: که خاموش کنند.

۹. **أَرْسَلَ** [رسل]: فرستاد، ارسال کرد **هُدًى** [هدی]: هدایت، رهنمود **يُظْهِرُ** [ظهرأ]: پیروز می کند، غلبه می دهد، آشکار می کند **مُشْرِكُونَ** [شرك]: ج. س مشرک **لِيُظْهِرَهُ**: برای اینکه پیروز کند آن را، برای اینکه غلبه دهد آن را **الدِّينِ كُله**^۸: تمام دین ها، تمام ادیان.

۱. «مَنْ مِنْ مَنْ» از کسی که.

۲. «أَفْتَرَى» معنای دروغ بستن در خود دارد؛ به همین دلیل «الْكَذِبُ» را ترجمه نمی کنیم.

۳. واو حالیه.

۴. «لَوْ» را در «لِيُظْفِقُوا» برای تأکید در نظر می گیریم و ترجمه نمی کنیم. «أَنْ» مقدّرة بعد از «لَوْ» را ترجمه می کنیم.

۵. واو حالیه.

۶. گرچه فعل مفرد است، به دلیل جمع بودن فاعلش (الْكَافِرُونَ) به صورت جمع، معنا می کنیم.

۷. «كَذِبٌ» و «كُذِبَ» تقریباً هم معنا هستند.

۸. **برای استناد:** دو نکته در ترجمه این عبارت وجود دارد:

- «الدِّينِ» = دین ها، آیین ها. «ال» آن ظاهراً «ال» جنس است؛ از این رو معنای آن جنس دین است (هر دینی) و به همین علت «الدین» را به صورت جمع ترجمه می کنیم. تعریف «ال» جنس در این کتاب نیامده است.

- نقش «كُلِّ»، تأکید است، ترجمه تحت اللفظی «الدین كُله» می شود «دین ها، نه برخی از آن ها بلکه تمام آن ها» که برای سهولت «تمام دین ها» ترجمه می کنیم.



سُورَةُ الصَّفِّ



جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ ۗ وَهُوَ يُدْعَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٧﴾ يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿٨﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ

تمرین ترجمه

ا. تمرین واژه

۱. در آیه ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ﴾، کدام گزینه معنای **أَظْلَمُ** است؟

ا. ظالم ترین ب. ظالم تر ج. ظلم کرد
۲. کدام گزینه ترجمه **إفتری** است؟

ا. دروغ گفت ب. دروغ دانست ج. دروغ بست
۳. کدام گزینه ترجمه **كْرَه** است؟

ا. مکروه شد ب. نپسندید ج. پسندیده نشد
۴. کدام گزینه ترجمه **هدی** است؟

ا. هدایت ب. هدایت ها ج. هدایت کنندگان
۵. در آیه ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾، کدام گزینه ترجمه **يُظْهِرُ** است؟

ا. پیروز می کند ب. ظهور می کند ج. آشکار می کند
۶. کدام گزینه ترجمه «**يُدْعَى** - **يُرِيدُونَ** - **أَرْسَل**» است؟

ا. دعوت می شوند - اراده می کنند - ارسال کرد
 ب. خوانده می شود - می خواهند - فرستاد
 ج. هر دو گزینه
۷. در آیه ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ﴾، کدام گزینه ترجمه **لِيُطْفِئُوا** است؟

ا. که نابود کنند ب. برای اینکه مغلوب کنند ج. که خاموش کنند
۸. در کدام گزینه، ریشه کلمه، درست است؟

ا. **إفتری** - ف ت ر ب. **يُدْعَى** - د ع ي ج. **فاه** - ف و ه

ب. تمرین عبارت

۱. ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ﴾

ا. و کسی ظالم تر است که بر خدا دروغ ببندد ب. و از ستمکاران کسانی هستند که بر خدا دروغ بستند
 ج. و کیست ستمکار تراز کسی که دروغ بست بر خدا؟
۲. ﴿وَهُوَ يُدْعَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ﴾

ا. در حالی که او دعوت می کند به سوی اسلام ب. در حالی که او ادعا می کند که به سوی اسلام است
 ج. در حالی که او دعوت می شود به سوی اسلام

۳. ﴿يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ﴾

- ا. می خواهند که خاموش کنند نور خدا را با دهان هایشان
- ب. می خواهند که بیان کنند نور خدا را با دهان هایشان
- ج. می خواهند که دریافت کنند نور خدا را با گوش هایشان

۴. ﴿وَاللَّهُ مِمَّنْ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾

- ا. درحالی که خداوند تمام کرد نورش را و اگر چه کافران مجبور شدند
- ب. درحالی که خداوند تمام کننده نورش است و اگر چه کافران نپسندند
- ج. و خداوند کامل کننده نور [دین] است، هر چند کافران خوش نداشتند.

۵. ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ﴾

- ا. او کسی است که فرستاد رسولش را برای هدایت کردن [مردم] به دین حق
- ب. او کسی است که فرستاد رسولش را با هدایت و دین راستین
- ج. او کسی را فرستاد تا رسولش با هدایت و دین حق باشد

۶. ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾

- ا. قطعاً پیروز می شود بر کلیه دین ها
- ب. برای اینکه پیروز شود بر تمام ادیان
- ج. برای اینکه پیروز کند آن را بر تمام دین ها



نفی، جزم و نصب

قسم دیگر تغییرات معنایی، «نفی» است. قبل از بیان نفی، باید جزم و نصب را بشناسیم. جزم و نصب مخصوص فعل مضارع است.

جزم و موارد آن

فعل مجزوم با دو قاعده زیر، از فعل مضارع ساخته می‌شود:

الف. در صیغه‌هایی که آخر آن‌ها **ن** داریم، **ن** را حذف می‌کنیم؛ غیر از صیغه ۶ و ۱۲.

ب. در صیغه‌هایی که آخر آن‌ها **ن** نداریم، حرف آخر را ساکن می‌کنیم.

مفرد	مثنی	جمع		
يَعْلَمُ / يَعْلَمُ	يَعْلَمَانِ / يَعْلَمَا	يَعْلَمُونَ / يَعْلَمُوا ^۱	مذکر	غایب
تَعْلَمُ / تَعْلَمُ	تَعْلَمَانِ / تَعْلَمَا	تَعْلَمُونَ / يَعْلَمَنَ	مؤنث	
تَعْلَمُ / تَعْلَمُ	تَعْلَمَانِ / تَعْلَمَا	تَعْلَمُونَ / تَعْلَمُوا	مذکر	مخاطب
تَعْلَمِينَ / تَعْلَمِي	تَعْلَمَانِ / تَعْلَمَا	تَعْلَمُونَ / تَعْلَمَنَ	مؤنث	
أَعْلَمُ / أَعْلَمُ	نَعْلَمُ / نَعْلَمُ		مذکر/ مؤنث	متکلم

موارد جزم: موارد جزم را می‌توان به دو دسته زیر تقسیم کرد:

اول: در برخی تغییرات معنایی، از جمله: نفی، امر و نهی که در ادامه به آن می‌پردازیم.

دوم: در برخی تغییرات نحوی، همچون قرار گرفتن فعل مضارع در اسلوب شرط که به جزم آن منجر می‌شود؛ برای مثال در آیه شریف «**إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ**» (محمد: ۷): اگر یاری کنید خدا را، یاری می‌کند شما را. افعال **تَنْصُرُونَ** و **يَنْصُرُ** مجزوم شده‌اند.

۱. صیغه‌هایی که آخر آن‌ها «ن» است و این «ن» جزء حروف اصلی فعل نباشد؛ برای مثال فعل «يَكُونُ» جزء این دسته از افعال نیست.

۲. در صیغه‌های سوم و نهم، پس از حذف «ن»، الف املاییه به انتهای فعل افزوده می‌شود.

نصب و موارد آن

فعل منصوب با دو قاعده زیر، از فعل مضارع ساخته می‌شود:

- الف. در صیغه‌هایی که آخر آن‌ها **ن** داریم، **ن** را حذف می‌کنیم؛ غیر از صیغه ۶ و ۱۲.
- ب. در صیغه‌هایی که آخر آن‌ها **ن** نداریم، حرف آخر را مفتوح (-) می‌کنیم.

مفرد	مثنی	جمع		
يَعْلَمُ / يَعْلَمَ	يَعْلَمَانِ / يَعْلَمَا	يَعْلَمُونَ / يَعْلَمُوا	مذکر	غایب
تَعْلَمُ / تَعْلَمَ	تَعْلَمَانِ / تَعْلَمَا	يَعْلَمْنَ / يَعْلَمْنَ	مؤنث	
تَعْلَمُ / تَعْلَمَ	تَعْلَمَانِ / تَعْلَمَا	تَعْلَمُونَ / تَعْلَمُوا	مذکر	مخاطب
تَعْلَمِينَ / تَعْلَمِي	تَعْلَمَانِ / تَعْلَمَا	تَعْلَمْنَ / تَعْلَمْنَ	مؤنث	
أَعْلَمُ / أَعْلَمَ	نَعْلَمُ / نَعْلَمَ		مذکر/ مؤنث	متکلم

موارد نصب: برخی ادوات نصب عبارت‌اند از: «**أَنَّ** = اینکه»، «**لَنْ** = هرگز»، «**كَيْ** = تا» که با آمدن بر سر فعل مضارع آن را منصوب می‌کنند. اصطلاحاً به ادوات نصب، **حروف ناصبه (نصب‌دهنده)** می‌گوییم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

- **أَنَّ + تَقُولُونَ:** ﴿كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (صف: ۳)
- **لَنْ + يُبْعَثُونَ:** ﴿زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا﴾ (تغابن: ۷)
- **كَيْ + تَأْسُونَ:** ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ﴾ (حدید: ۲۳)

سؤال: عامل نصب **يُظَهَرُ** در آیه شریف **﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ... لِيُظَهِّرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾** (صف: ۹) چیست؟

جواب: هرگاه یکی از حروف **لِ، فَوْ حَتَّى** بر سر فعل مضارع آید، یک **أَنَّ** ناصبه به همراه دارد که نوشته نمی‌شود و اصطلاحاً در **تقدیر**^۳ **(مُقَدَّر)** است. **يُظَهِّرُ** بعد از «**لَنْ** = **لِ + أَنَّ**» آمده و منصوب شده؛ اما در نوشتار فقط **لِ** آمده. این **لِ** را «برای اینکه» ترجمه می‌کنیم؛ یعنی معنای «**أَنَّ** = اینکه» حفظ شده و از طرفی فعل مضارع را هم به صورت التزامی ترجمه می‌کنیم (پیروز کند).

نفي

با اضافه کردن حروف نفي، معنای فعل منفي می‌شود، این حروف عبارت‌اند از: **لَا، مَا، إِنْ، لَمْ، لَمَّا** و **لَنْ**.

حروف «**لَمْ، لَمَّا** و **لَنْ**» فقط بر فعل مضارع آمده و علاوه بر نفي معنا، ساختار فعل را نیز تغییر می‌دهند؛ مثال: «**يَحْمِلُونَ** = حمل می‌کنند، **لَمْ يَحْمِلُوا** = حمل نکردند». این تغییرات ممکن است **جزم** یا **نصب** باشند. در جدول زیر، حروف نفي و

۱. حروف نواصب بود چهار تن «أَنَّ» است و «لَنْ» است و «كَيْ» است و «إِذَنْ».

۲. در این عبارت شریف، «أَنَّ»، مخففه از ثقیله و در اصل «أَنَّ» است و از ادوات نصب نیست.

۳. «تقدیر» در اصطلاح به معنای حذف ظاهری کلمه و وجود فرضی آن است.

حرف نفی	نوع فعل	تغییر ساختار	تغییر معنایی	مثال
لَا	ماضی و مضارع	ندارد	نفی	أَعْبُدُ = می پرستم / «لَا أَعْبُدُ» (کافرون: ۲) = نمی پرستم
مَا	ماضی و مضارع	ندارد	نفی	رَعَوَا = رعایت کردند / «مَا رَعَوْهَا» (حدید: ۲۷) = رعایت نکردند آن را
إِنْ	ماضی و مضارع	ندارد	نفی	يَدْعُونَ = می خوانند / «إِنْ يَدْعُونَ إِلَّا» (نساء: ۱۱۷) = نمی خوانند مگر
لَمْ	مضارع	جزم	ماضی منفی	يَحْمِلُونَ = حمل می کنند / «لَمْ يَحْمِلُوهَا» (جمعة: ۵) = حمل نکردند
لَمَّا	مضارع	جزم	ماضی نقلی منفی	يَلْحَقُونَ = می پیوندند / «لَمَّا يَلْحَقُوا» (جمعه: ۳) = هنوز نپیوسته اند
لَنْ	مضارع	نصب	مضارع منفی اکید	نُؤْمِنُ = ایمان می آوریم / «لَنْ نُؤْمِنَ» (بقره: ۵۵) = هرگز ایمان نمی آوریم

همان طور که مشاهده می کنید **لا، ما، ان** بر سر ماضی و مضارع آمده، معنا را منفی می کنند. **لم، لَمَّا، لن** فقط بر سر مضارع آمده، آن را مجزوم یا منصوب می کنند. **لم و لَمَّا** علاوه بر تغییرات فوق، معنای فعل را از مضارع به ماضی تغییر می دهند.

۱. برخی از این کلمات، تنها معنای نفی ندارند؛ مثال «مَا» آنچه - هرچه / (حرف نفی) / چه چیزی؟

۲. برای استاد: «لَا» معمولاً برای نفی مضارع و «مَا» معمولاً برای نفی ماضی به کار می رود؛ در موارد خاصی، عکس آن هم وجود دارد:

• ﴿فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى﴾ (۳۱) ﴿وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى﴾ (قیامة: ۳۱)

• ﴿يُحَادِّثُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يَجِدُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ﴾ (بقره: ۹)؛ «ما» نافی، معنای مضارع را متعین در زمان حال می کند.

تمرین زبان قرآن

۱. جدول تحلیل فعل زیر را، تکمیل کنید (مواردی که معنای فعل از معنای صورت اولیه تغییر می‌کند، ترجمه آن را ذکر نمایید).

- أ. وَ آخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (جمعة: ۳)
- ب. مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا الثَّورَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا (جمعة: ۵)
- ج. كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (صف: ۳)
- د. يُرِيدُونَ لِيُظْفِرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (صف: ۸)
- هـ. يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (صف: ۱۲)
- و. لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (كافرون: ۲)

ش	فعل	ریشه	باب	ش. ص	نوع	صورت اولیه	مرحله ۱		مرحله ۲	
							ق	صورت فعلی	ق	صورت فعلی
۱	يَلْحَقُوا	لحق	فَعَلْ - يَفْعَلُ	۳	مضارع	يَلْحَقُونَ	جزم			
۲			فَعَلْ -							
۳			فَعَلْ -							
۴		طفأ	إفعال				نصب			
۵			فَعَلْ -	۱						
۶			إفعال							
۷	أَعْبُدُ	عبد	فَعَلْ - يَفْعَلُ							

۲. با توجه به آیات شریف زیر، فعل‌های منصوب به **أَنْ مَقْدَرَةً** را مشخص کنید. کدام یک از ترجمه‌های بیان شده برای این

افعال بهتر است (مضارع اخباری یا مضارع التزامی)؟

أ. «وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ» (حدید: ۸)؛ و رسول می‌خواند شما را برای اینکه [ایمان می‌آورید/ایمان بیاورید] به پروردگارتان.»

ب. «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ» (حدید: ۱۱)؛ کیست آن‌که وام دهد به خدا، وام دادن نیکو تا (اینکه) [دو چندان می‌کند / دو چندان کند] آن را برای او؟»

ج. «حَتَّى نَرَى اللَّهَ» (بقره: ۵۵)؛ تا اینکه [می‌بینیم / ببینیم] خدا را.»

۳. با توجه به آیه شریف ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (صف: ۹)، مرجع ضمیره را در **لِيُظْهِرَهُ** مشخص کنید.



سوره مبارک صف

بخش چهارم: آیات دهم تا یازدهم

آشنا

۱۰. عَذَاب [عذاب]: عذاب، شکنجه.

۱۱. مَال [مول]: مال، دارایی **أَمْوَال** [مول]:

ج. م. مال.

۱۲. مَسْكَن [سکن]: خانه، محل آرام گرفتن.

جدید

۱۰. **أَدُلُّ** [دلل]: راهنمایی می‌کنم، دلالت

می‌کنم **تُنَجِّي** [نجو]: نجات می‌دهد **أَلِيم** [الم]: دردناک.

۱۱. **تُؤْمِنُونَ** [أمن]: ایمان می‌آورید **تُجَاهِدُونَ** [جهد]: جهاد می‌کنید، (همراه با مشقت) تلاش می‌کنید **نَفْس** [نفس]:

جان، خود، فرد **أَنْفُس** [نفس]: ج. م. نفس **هَلْ أَدُلُّ**: آیا راهنمایی کنم؟، آیا دلالت کنم؟

۱۲. **يَغْفِرُ** [غفر]: می‌آمرزد، می‌بخشد **ذَنْب** [ذنب]: گناه **ذُنُوب** [ذنب]: ج. م. ذنب **يُدْخِلُ** [دخل]: داخل می‌کند **جَنَّة**

[جنن]: باغ، بهشت **جَنَّات** [جنن]: ج. س. جنَّة **تَجْرِي** [جری]: جاری می‌شود، جاری است **تَحْت** [تحت]: زیر **نَهْر**

[نهر]: رود **أَنْهَار** [نهر]: ج. م. نهر **مَسَاكِن** [سکن]: ج. م. مسکن **طَيِّبَة** [طیب]: پاک **عَدْن** [عدن]: همیشه‌گی، دائمی

فُؤُز [فوز]: رستگاری، کامیابی.

۱. به صورت فعل امر ترجمه کنید.

۲. به صورت فعل امر ترجمه کنید.

۳. عدن: اقامت و بقا در یک مکان، معدن که جایگاه مواد خاصی در یکجاست، از همین ریشه است. (ترجمه بهرامپور)

سُورَةُ الصَّفِّ

عَلَى الَّذِينَ كَلِمَةٌ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿١٠﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ
تَجْرَةٍ تُنَجِّيْكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿١١﴾ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٢﴾
يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسْكِنٍ
طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٣﴾ وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ

تمرین ترجمه

۱. تمرین واژه

۱. در آیه ﴿هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنَجِّيْكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾، کدام گزینه ترجمه **تُنَجِّي** است؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ج. نجات می‌یابی	ب. نجات می‌دهد	ب. نجات می‌دهی	ج. نجات می‌یابی
۲. کدام گزینه ترجمه **أَدُلُّ** است؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ج. راهنمایی کن	ب. راهنمایی شدم	ب. راهنمایی می‌کنم	ج. راهنمایی کن
۳. کدام گزینه ترجمه **تُجَاهِدُونَ** نیست؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ج. جهاد می‌کنید	ب. هجرت می‌کنید	ب. تلاش می‌کنید	ج. جهاد می‌کنید
۴. کدام گزینه معنای «داخل می‌کند» است؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ج. أَدخَلَ	ب. يُدخِلُ	ب. يُدخِلُ	ج. أَدخَلَ
۵. کدام گزینه معنای «رودها» است؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ج. أَنْهَارٍ	ب. نَهَارٍ	ب. نَهَارٍ	ج. أَنْهَارٍ
۶. کدام گزینه ترجمه **عَدْن** است؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ج. خَرَمٍ	ب. زیبا	ب. همیشه‌گی	ج. خَرَمٍ
۷. کدام گزینه غلط است؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ج. أَلِيمٍ = آگاه	ب. طَيِّبَةٌ = پاک	ب. فَوْزٍ = رستگاری	ج. أَلِيمٍ = آگاه
۸. در کدام گزینه تمام کلمات جمع نیستند؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ج. مَسَاكِينٍ - طَيِّبَةٌ - بَيِّنَاتٍ	ب. جَنَّاتٍ - أَنْهَارٍ - أَفْوَاهٍ	ب. مَسَاكِينٍ - طَيِّبَةٌ - بَيِّنَاتٍ	ج. مَسَاكِينٍ - طَيِّبَةٌ - بَيِّنَاتٍ

ب. تمرین عبارت

۱. ﴿هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنَجِّيْكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾

<input type="checkbox"/>	ا. آیا راهنمایی می‌کنم شما را بر تجارتی که نجات‌دهنده شما از عذاب دردناک است؟
<input type="checkbox"/>	ب. آیا راهنمایی کنم شما را بر تجارتی که نجات می‌دهد شما را از عذابی دردناک؟
<input type="checkbox"/>	ج. آیا دلیل شما بر تجارت این است که نجات می‌دهد شما را از عذاب دردناک؟
۲. ﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ﴾

<input type="checkbox"/>	ا. ایمان می‌آورید به خدا و رسول و جهاد می‌کنید در راه خدا با اموال‌تان و جان‌هایتان
<input type="checkbox"/>	ب. ایمان بیاورید به خدا و رسولش و جهاد کنید در راه خدا با اموال‌تان و جان‌هایتان
<input type="checkbox"/>	ج. ایمان بیاورید به خدا و با رسولش در راه خدا جهاد کنید با اموال و جان‌هایتان

۳. ﴿يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾

- ا. می آمرزد شما و گناهان تان را
- ب. می بخشد برای شما گناهان تان را
- ج. غفران بر شما و گناهان تان [باد]

۴. ﴿يُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾

- ا. وارد می شوید به بهشت، جاری است از زیر آن رودها
- ب. وارد می کند شما را به بهشت ها و جاری می کند از زیر آن رودها
- ج. وارد می کند شما را به بهشت هایی [که] جاری می شود از زیر آن ها رودها

۵. ﴿يُدْخِلْكُمْ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ﴾

- ا. (وارد می شوید به) خانه های پاک در بهشت همیشگی
- ب. (وارد می کند شما را) به خانه پاک از بهشت همیشگی
- ج. (وارد می کند شما را) به خانه های پاک در بهشت های دائمی

۶. ﴿ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

- ا. آن، رستگاری بزرگ است
- ب. این، کامیابی بزرگ است
- ج. آن پیروزی، عظیم است



أمر، نهی و تأکید

در این درس با سه قسم دیگر از تغییرات معنایی با عناوین: أمر، نهی و تأکید آشنا می‌شویم. تغییرات مذکور فقط بر فعل مضارع اعمال شده، موجب تغییر معنایی و ساختاری فعل مضارع می‌گردند.

فعل امر

به فعلی که بر امر یا طلب دلالت کند، **فعل أمر** می‌گوییم؛ مانند «**اهد** = هدایت کن» و «**تَمَنُّوا** = آرزو کنید». امر با دو قاعده زیر، از فعل مجزوم ساخته می‌شود:

الف. در صیغه‌های غایب و متکلم، در ابتدای فعل، لام مکسور قرار می‌دهیم.^۱
 ب. در صیغه‌های مخاطب به جای حرف اول، همزه وصل^۲ (أ یا إ) قرار می‌دهیم. در جدول زیر، برای هر صیغه، فعل مضارع، فعل مجزوم و فعل امر آمده است.

مضارع / مجزوم / أمر	مفرد	مثنی	جمع
غایب	يَعْلَمُ / يَعْلَمُ / يَلْعَلُمُ	يَعْلَمَانِ / يَعْلَمَا / يَلْعَلُمَا	يَعْلَمُونَ / يَعْلَمُوا / يَلْعَلُمُوا
غایب	تَعْلَمُ / تَعْلَمُ / لَتَعْلَمُ	تَعْلَمَانِ / تَعْلَمَا / لَتَعْلَمَا	تَعْلَمْنَ / تَعْلَمْنَ / لَتَعْلَمْنَ
مخاطب	تَعْلَمُ / تَعْلَمُ / اَعْلَمُ	تَعْلَمَانِ / تَعْلَمَا / اَعْلَمَا	تَعْلَمُونَ / تَعْلَمُوا / اَعْلَمُوا
مخاطب	تَعْلَمِينَ / تَعْلَمِي / اَعْلَمِي	تَعْلَمَانِ / تَعْلَمَا / اَعْلَمَا	تَعْلَمْنَ / تَعْلَمْنَ / اَعْلَمْنَ
متکلم	أَعْلَمُ / أَعْلَمُ / لِأَعْلَمُ	نَعْلَمُ / نَعْلَمُ / لِنَعْلَمُ	نَعْلَمُونَ / نَعْلَمُونَ / لِنَعْلَمُونَ

توجه ۱: گاه پیش از امر غایب و متکلم، برخی حروف مانند: «و، ف و...» آمده و لام مکسور (ل) به لام ساکن (ل) تبدیل می‌شود؛ برای مثال در آیه شریف زیر، فعل امر **لَتَنْظُرُ** بوده که به صورت **وَلَتَنْظُرُ** آمده است.

﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرَنَّ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ﴾. (حشر: ۱۸)

توجه ۲: اگر حرف دوم فعل مضارع، متحرک باشد (ساکن نباشد)، فقط حرف اول حذف می‌شود و همزه وصل جایگزین

۱. **برای استاد:** «لام امر»، جازم بوده و به خودی خود، فعل مضارع را مجزوم می‌کند؛ اما برای تسهیل آموزش، جزم و دخول «لام امر» جداگانه بیان شده‌اند.
 ۲. دو نوع همزه داریم: همزه وصل و همزه فصل (قطع).
همزه وصل به صورت «أ، إ، أ» یا «أ» نوشته می‌شود و هنگامی که ابتدای کلام باشد، خوانده می‌شود؛ مانند: «أَدْكُرُوا» و هنگامی که بین کلام قرار گیرد، خوانده نمی‌شود و ماقبل آن به مابعد وصل می‌شود؛ مانند: «وَأَدْكُرُوا».
همزه فصل (قطع) به صورت «ء، إ، و، ؤ» نوشته می‌شود و همیشه حرکت آن خوانده می‌شود، چه ابتدای کلام باشد چه وسط کلام؛ مانند: «أَحْسِبُونَا» یا «سَيء». همزه قطع بر کرسی الف اگر مفتوح یا مضموم باشد به صورت «أ» و اگر مکسور باشد به صورت «إ» نوشته می‌شود. (رک: صرف ساده، ص ۳۵)



نمی‌شود. در آیه شریف زیر، **ذَكَّرَ**، صیغه ۷ امر از فعل مضارع **تَذَكَّرُ** از باب تفعیل است.

«فَذَكَّرَ إِنْ تَفَعَّتِ الذِّكْرَى» (أعلى: ۹) = پس یادآوری کن، اگر یادآوری نفع دارد»

توجه ۳: حرکت همزه در امر مخاطب، برحسب حرکت عین الفعل مضارع تغییر می‌کند. اگر فتحه یا کسره باشد، حرکت

همزه کسره است؛ مانند: «تَعْلَمُ، اِعْلَمْ». اگر حرکت عین الفعل ضمّه باشد، حرکت همزه ضمّه است؛ مانند: «تَذَكَّرُ، اذْكُرْ».

﴿وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾. (جمعة: ۱۰)

توجه ۴: در فعل امر باب افعال، به جای همزه وصل، همزه قطع با حرکت فتحه (أ) قرار می‌دهیم.

﴿وَاحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (بقره: ۱۹۵)؛ نیکی کنید، همانا خدا، نیکوکاران را دوست دارد.

فعل نهی

به فعلی که بر نهی دلالت کند، **فعل نهی** گوئیم؛ «لا تَقُولُوا» = نگویید. نهی با افزودن **لا** به فعل مجزوم ساخته می‌شود.

مضارع / مجزوم / امر	مفرد	مثنی	جمع
مذکر	يَكْتُبُ / يَكْتُبُ / لا يَكْتُبُ	يَكْتُبَانِ / يَكْتُبَا / لا يَكْتُبَا	يَكْتُبُونَ / يَكْتُبُوا / لا يَكْتُبُوا
مؤنث	تَكْتُبُ / تَكْتُبُ / لا تَكْتُبُ	تَكْتُبَانِ / تَكْتُبَا / لا تَكْتُبَا	يَكْتُبْنَ / يَكْتُبْنَ / لا يَكْتُبْنَ
مذکر	تَكْتُبُ / تَكْتُبُ / لا تَكْتُبُ	تَكْتُبَانِ / تَكْتُبَا / لا تَكْتُبَا	تَكْتُبُونَ / تَكْتُبُوا / لا تَكْتُبُوا
مؤنث	تَكْتُبِينَ / تَكْتُبِي / لا تَكْتُبِي	تَكْتُبَانِ / تَكْتُبَا / لا تَكْتُبَا	تَكْتُبْنَ / تَكْتُبْنَ / لا تَكْتُبْنَ
متکلم	أَكْتُبُ / أَكْتُبُ / لا أَكْتُبُ	نَكْتُبُ / نَكْتُبُ / لا نَكْتُبُ	

«يَكْتُبُ = می‌نویسد» / «لا يَكْتُبُ = نباید بنویسد» «تَكْتُبُ = می‌نویسی» / «لا تَكْتُبُ = ننویس»

در آیه شریف زیر فعل نهی **لا تَرْفَعُوا** از فعل مضارع «تَرْفَعُونَ» بلند می‌کنید ساخته شده است.

«لا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ» (حجرات: ۲)؛ بلند نکنید صدای تان را بر صدای پیامبر ﷺ.

فعل مؤکد

گاه برای نشان دادن تأکید در فعل مضارع، به آخر فعل، نون مشدّد (نّ) اضافه می‌کنیم که به آن **نون تأکید ثقیله** می‌گوییم.

به فعل مضارعی که با نون تأکید آمده، **مضارع مؤکد** می‌گوییم. این تأکید، موجب تغییرات زیر در ساختار فعل می‌شود:

• در صیغه‌هایی که آخرشان **ون** دارند، **و** حذف و **نّ** به لام الفعل متصل می‌شود: **تَعْلَمُونَ + نّ = تَعْلَمَنَّ**: «لَتَعْلَمَنَّ نَبَاهُ

بَعْدَ حِينٍ» (ص: ۸۸) = قطعاً خواهید دانست خبر آن را بعد از مدتی.

• در صیغه‌هایی که آخرشان **ون** ندارد، لام الفعل مفتوح و **نّ** به آن متصل می‌شود: **يَعْلَمُ + نّ = يَعْلَمَنَّ**: «لَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ

الَّذِينَ آمَنُوا» (عنکبوت: ۱۱) = قطعاً می‌داند (می‌شناسد) خداوند، کسانی را که ایمان آورده‌اند.

۱. **برای استاد:** این نوع تأکید، تأکید آوایی است که با تغییرات ساختاری همراه است و غالباً معادلی در فارسی ندارد؛ برای مثال ترجمه «إِنْ تَضْرِبْ أَضْرِبَنَّكَ» چنین است: «اگر بزنی، مممی‌زنمت».

۲. **برای استاد:** تغییرات بیان شده تقریبی است و در صیغه‌های مفرد مؤنث، جمع مؤنث و مثنی اعمال نمی‌شود.

تمرین زبان قرآن

۱. جدول تحلیل فعل را برای افعال مشخص شده، تکمیل کنید (در ساخت امر و نهی از مضارع، فعل مجزوم را نیز بیان کنید).

- أ. **اعلموا** أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا. (حدید: ۱۷)
- ب. **وَلَا تَجْعَلْ** فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ. (حشر: ۱۰)
- ج. **يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرَ** نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِإِعْدٍ. (حشر: ۱۸)
- د. **فَإِذَا فُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ اذْكُرُوا** اللَّهَ كَثِيرًا. (جمعة: ۱۰)
- ه. **لَيْنَ أَخْرَجْتُمْ لَتَخْرَجَنَّ** مَعَكُمْ... وَ إِنْ قُوَيْلْتُمْ **لَتَنْصُرَنَّكُمْ** وَ اللَّهُ يَشْهَدُ **إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ**. (حشر: ۱۱)
- و. **رَعِمَ** الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ **يُبْعَثُوا** قُلُوبًا بَلَى وَ رَبِّي **لَسُبْعُونَ** ثُمَّ **لَتَنْبُوْنَ** بِمَا عَمِلْتُمْ. (تغابن: ۷)

ش	فعل	ریشه	باب	ش.ص	نوع	صورت اولیه	مرحله ۱		مرحله ۲	
							ق	صورت فعلی	ق	صورت فعلی
۱	اعلموا		فَعَلٌ - يَفْعَلُ							
۲	لَا تَجْعَلْ	جعل	فَعَلٌ - يَفْعَلُ			تَجْعَلُ				
۳	لَتَنْظُرَ		فَعَلٌ - يَفْعَلُ							
۴	انْتَشِرُوا		افتعال							
۵	أذْكُرُوا		فَعَلٌ - يَفْعَلُ							
۶			فَعَلٌ - يَفْعَلُ							
۷			فَعَلٌ - يَفْعَلُ							
۸	يُبْعَثُوا		فَعَلٌ - يَفْعَلُ							
۹	تُبْعَثَنَّ									

۲. فعل امر صیغه هفتم باب تفعیل از ریشه «بشر» چیست؟

۳. در آیه شریف زیر، فعل‌های امر را مشخص کرده، حرکت همزه آن‌ها را بنویسید. (در صورت نیاز از لغتنامه کتاب استفاده کنید) **يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا**. (حدید: ۱۳)

۴. در آیه شریف زیر، مشخص کنید در کدام یک از افعال امر، همزه وصل و در کدام یک همزه فصل به کار رفته است؟
﴿وَأَسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ﴾. (تغابن: ۱۶)

.....
.....

۵. با توجه به معنای روایت شریف زیر، فعل امر را مشخص کرده و شیوه ساخت آن را از فعل مضارع بیان کنید.
«رَوَى عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ فَإِنَّهَا كَلَامُ اللَّهِ الَّذِي يُكَلِّمُ بِهِ خَلْقَهُ؛» عربی را بیاموزید؛ چراکه آن [زبان] کلام خداست که به وسیله آن با خلق خود سخن می‌گوید.»

.....
.....



سوره مبارک صَف

بخش پنجم: آیات سیزدهم تا چهاردهم

۱۳. فَنَحْ [فتح]: پیروزی، گشایش **مُؤْمِنٍ** [أمن]:

مؤمن، فرد باایمان، ایمنی بخش **مُؤْمِنِينَ**
[أمن]: ج. س مؤمن.

۱۴. طَائِفَةً [طوف]: طایفه، گروه، دسته.

۱۳. **أُخْرَى** [أخر]: دیگر، چیز دیگری **تُحِبُّونَ**

[حُب]: دوست می دارید **نَصْرٍ** [نصر]: یاری،

کمک **قَرِيبٍ** [قرب]: نزدیک، اندک زمان **بَشِيرٍ** [بشر]: بشارت ده، مزده بده.

۱۴. **كُونُوا** [كون]: باشید **نَاصِرٍ** [نصر]: یار، یاری کننده **أَنْصَارٍ** [نصر]: ج. م ناصِر **حَوَارِيٍّ** [حور]: حواری، نام یاران پاک دل

حضرت مسیح **عَلَيْهِ السَّلَامُ** **حَوَارِيَّيْنِ** [حور]: ج. س حواری **حَوَارِيَّوْنَ** [حور]: ج. س حواری **نَحْنُ**: {ضمیر منفصل متکلم مع

الغیر}، ما **أَمَنَّا** [أمن]: ایمان آورد **كَفَرْتُمْ** [کفر]: کافر شد، کفر ورزید **أَيَّدْنَا** [أيد]: تأیید کردیم، یاری دادیم **عَدُوًّا** [عدو]:

دشمن **أَصْبَحُوا** [صبح]: شدند **ظَاهِرٍ** [ظهر]: پیروز، غلبه کننده، آشکار، **بِیْرُونَ** **ظَاهِرِينَ** [ظهر]: ج. س ظاهر **كَمَا**:

{ك + ما}، همچنان که، همان گونه که.

۱. اصل این کلمه «بَشِيرٌ» است که به علت رفع التقاء ساکنین، حرف آخر آن مکسور شده است.

۲. ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ﴾. (حشر: ۲۳)

۳. در آیات این درس «ظاهر» را «پیروز، غالب» و در درس بعد «آشکار، پیدا» ترجمه کنید.

۴. ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾. (حدید: ۳)

۵. ﴿فَضْرِبْ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ﴾. (حدید: ۱۳)

تمرین ترجمه

ا. تمرین واژه

۱. در آیه ﴿فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ﴾، کدام گزینه ترجمه **ظاهر** است؟

- ا. آشکار ب. پیروز ج. بیرون

۲. کدام گزینه ترجمه **بَشْر** است؟

- ا. نصیحت کن ب. مزده بده ج. بیم بده

۳. کدام گزینه ترجمه **خَوَارِی** است؟

- ا. حوریان بهشتی ب. آزادگان ج. نام یاران حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

۴. کدام گزینه معنای «نزدیک» است؟

- ا. قَرِيب ب. مُقَرَّب ج. غَرِيب

۵. کدام گزینه معنای «تأیید کردیم» است؟

- ا. أَيَّدْنَا ب. أَيَّدْنَا ج. أَيَّدْنَا

۶. کدام گزینه معنای متفاوتی دارد؟

- ا. أُخْرَى ب. آخِر ج. آخِر

۷. در کدام گزینه به درستی جمع بسته نشده نیست؟

- ا. ظَاهِر_ظَوَاهِر ب. نَاصِر_أَنْصَار ج. خَوَارِی_خَوَارِیِّین

۸. کدام گزینه درست است؟

- ا. فَتَحَ = نَصَرَ ب. نَاصِر = ظَاهِر ج. «أَمَّتْ» متضاد «كَفَرَتْ»

ب. تمرین عبارت

۱. ﴿وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ﴾

- ا. و آخرین چیزی که دوست دارید، یاری از خدا و پیروزی نزدیک است
 ب. و چیز دیگری که دوست می‌دارید آن را، یاری از خدا و پیروزی نزدیک است
 ج. و چیز دیگری را دوست می‌دارید! [اما] یاری از خداست و پیروزی، نزدیک است

۲. ﴿وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾

- ا. و بشارت بده به مؤمنان ب. و بشارت‌دهنده افراد باایمان باش
 ج. و شاد هستند افراد باایمان

۳. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ﴾

- ا. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به یاری خدا بشتابید
- ب. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! باشید یاران خدا
- ج. کسانی که ایمان آورده‌اند باید یاران خدا باشند

۴. ﴿كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِيِّينَ﴾

- ا. همان‌گونه که گفت عیسی عليه السلام پسر مریم عليها السلام به حواریون
- ب. مانند گفتار عیسی عليه السلام پسر مریم عليها السلام برای حواریون
- ج. مانند گفته عیسی عليه السلام پسر مریم عليها السلام: ای حواریون

۵. ﴿مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ﴾

- ا. چه کسانی یاران خدایی من هستند؟
- ب. چه کسی یاری می‌کند خدا را؟
- ج. چه کسانی یاران من به سوی خدایند؟

۶. ﴿قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ﴾

- ا. به حواریون بگو: ما یاران خداییم
- ب. حواریون گفتند: ما یاران خداییم
- ج. حواریون گفتند: ما خدا را یاری می‌کنیم؟

۷. ﴿فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ﴾

- ا. پس ایمان آورد گروهی از بنی اسرائیل و کافر شد گروهی [دیگر]
- ب. پس ایمان آورد قوم بنی اسرائیل و کافر شد قوم دیگر
- ج. پس ای قوم بنی اسرائیل ایمان بیاورید و کافر شدند آن قوم

۸. ﴿فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ﴾

- ا. پس یاری کردیم کسانی را که ایمان آوردند بر دشمنان شان
- ب. پس پیروز کردیم کسانی که ایمان آوردند در مبارزه با دشمنان شان
- ج. تأیید مؤمنان بر دشمنان بر عهده ماست

۹. ﴿فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ﴾

- ا. غلبه‌کنندگان صبح کردند
- ب. پس آشکار شدند
- ج. پس شدند غلبه‌کنندگان



ادغام و تخفیف همزه

در این درس و درس آینده، تغییرات لفظی فعل اعم از: **ادغام**، **تخفیف همزه**، **اعلال** و **ابدال** را بیان می‌کنیم. فعل **تُحِبُّ** برای راحتی تلفظ، به **تُحِبُّ** و فعل **أَمَّنَ**، به **أَمَّنَ** تبدیل می‌شود. این تغییرات صرفاً برای تخفیف در لفظ (راحتی و سبکی در تلفظ) است و تأثیری معنایی ندارد. گفتنی است که این تغییرات علاوه بر فعل بر اسم هم اعمال می‌شوند.

ادغام

هرگاه دو حرف از حروف اصلی فعلی یکسان باشند، به آن فعل، **مُضَاعَف** می‌گوییم. در فعل مضاعف، حروف یکسان در یکدیگر ادغام^۲ و به یک حرف مشدد تبدیل می‌شوند؛ مثلاً صیغه اول ماضی مجرد از «غرر»، فعل **غَرَّرَ** است؛ برای تبدیل دو حرف **ر** را به یک حرف مشدد،^۳ **ر** اول را ساکن (**غَرَّرَ**)، سپس دو حرف **ر** را در یکدیگر ادغام می‌کنیم تا **غَرَّرَ** به دست آید: ﴿وَعَرَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾ (حدید: ۱۴). به طور کلی، ادغام دو حرف یکسان به یکی از دو صورت زیر انجام می‌شود:
صورت اول^۴: حرف اول را ساکن و در حرف دوم ادغام می‌کنیم؛ مانند: ﴿وَوَظَّنُوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ﴾ (حشر: ۲).

مرحله ۲		مرحله ۱		اولیه	نوع	ص	باب	ریشه	کلمه
فعلی	ق	فعلی	ق						
ظَنُّوا	مرحله دوم ادغام	ظَنُّوا	مرحله اول ادغام	(فَعَلُوا) ظَنُّوا	ماضی	۳	فَعَل - يَفْعُل	ظنن	ظَنُّوا

صورت دوم: حرکت حرف اول را به حرف ماقبلش داده، حرف اول را ساکن و در حرف دوم ادغام می‌کنیم؛ مانند: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ﴾ (صف: ۴).

مرحله ۲		مرحله ۱		اولیه	نوع	ص	باب	ریشه	کلمه
فعلی	ق	فعلی	ق						
يُحِبُّ	مرحله دوم ادغام	يُحِبُّ	مرحله اول ادغام	(يُفْعِلُ) يُحِبُّ	مضارع	۱	إِفْعَال	حب	يُحِبُّ

توجه: برای فهم بهتر، ادغام در جداول فوق در دو مرحله نشان داده شده؛ اما تمام این تغییرات باید در یک مرحله انجام شود.

۱. برای استناد: فعل مضاعف ثلاثی مجرد، فعلی است که عین الفعل و لام الفعل آن متماثل باشد. (صرف ساده، ص ۹۷)

۲. «ادغام» در لغت به معنای «داخل کردن» است و به داخل کردن دو حرف هم جنس در یکدیگر گفته می‌شود.

۳. حرف مشدد در اصل دو حرف همانند است که حرکت حرف اول ساکن (ـ) و حرکت حرف دوم متحرک (ـِ) است.

۴. بیشتر بدانیم: اگر حرف ماقبل دو حرف یکسان، متحرک باشد، صورت اول ادغام و اگر حرف ماقبل، ساکن باشد، صورت دوم رخ می‌دهد.

تخفیف همزه

در گذشته با همزه وصل و همزه قطع آشنا شدیم، در ادامه نکاتی درباره همزه و الف بیان می‌کنیم:

- تخفیف همزه برای همزه وصل (ا، آ) اعمال نمی‌شود و منظور از همزه در این درس همزه قطع است.
 - همزه و الف دو حرف متفاوت الفبای عربی هستند. همزه ممکن است به تنهایی، بر کرسی 'الف، بر کرسی واو یا بر کرسی یاء نوشته شود (ء، ا، إ، و، ئ)؛ مانند: **يَشَاءُ، يَأْتِي، أَخَذَ، أُوتُوا، إِسْلَامَ، يُؤَخِّذُ و طَائِفَةٌ.**
 - همزه می‌تواند تمام حرکات **ـُـ** را بپذیرد؛ اما الف (ا) هیچ حرکتی نمی‌پذیرد و حرکت آن، همیشه ساکن است و به صورت مدّی قرائت می‌شود. حرف قبل از الف، همواره مفتوح است اگرچه در ظاهر حرکتی روی آن نباشد.
 - الف هیچ‌گاه اول کلمه قرار نمی‌گیرد و اگر الفی در ابتدای کلام دیدید، مطمئن باشید که همزه است.
 - اگر همزه قبل از الف قرار گیرد به دو صورت نوشته می‌شود: **ء** یا **آ** مانند: **ءَامَنُوا** یا **آَمَنُوا**.^۲
- به فعلی که در حروف اصلی خود، همزه دارد، **فعل مهموز** می‌گوییم. تلفظ همزه با نوعی تیزی و سختی همراه است و برای سهولت، گاه همزه را به **الف**، گاه به **واو** و گاه به **یاء** تبدیل نموده، گاه آن را حذف می‌کنیم. به این تغییرات **تخفیف همزه** می‌گوییم.

در ادامه با سه نوع از تخفیفات همزه، بیشتر آشنا می‌شویم^۳:

تبدیل همزه به الف: در این افعال، تخفیف همزه موجب تغییر همزه به الف شده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾. (صف: ۲)

﴿فَأَتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ﴾. (حدید: ۲۷)

مرحله ۱		صورت اولیه	نوع	ش. ص	باب	ریشه	کلمه
صورت فعلی	ق						
أَمَّنُوا (أَمَّنُوا)	ت همزه	أَفْعَلُوا أَأَمَّنُوا	ماضی	۳	إفعال	أمن	أَمَّنُوا
أَتَيْنَا (أَتَيْنَا)	ت همزه	أَفْعَلْنَا أَأَتَيْنَا	ماضی	۱۴	إفعال	أتى	أَتَيْنَا

تبدیل همزه به واو:

﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ﴾. (حدید: ۱۶)

۱. کُرسی در لغت به معنای جای نشستن است و اصطلاحاً به حرفی گفته می‌شود که همزه روی (یا زیر) آن قرار می‌گیرد.

۲. «آ» فارسی، همان همزه به همراه الف عربی است. در قرآن‌های به خط عثمان طه، به صورت «ءا» نوشته می‌شود.

۳. **بیشتر بدانیم:** هرگاه دو همزه کنار یکدیگر قرار گیرند و همزه دوم ساکن باشد، همزه دوم به حرف متناسب با حرکت همزه اول تبدیل می‌شود.

مرحله ۳		مرحله ۲		مرحله ۱		اولیه	نوع	ص	باب	ریشه	کلمه
فعلی	ق	فعلی	ق	فعلی	ق						
أوتُوا	اعلال	أوتُوا	ت همزه	أَتُوا	مجهول	أَتُوا	ماضی	۳	إفعال	أتی	أوتُوا

تبدیل همزه به یاء:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ﴾. (حشر: ۱۰)

مرحله ۱		اولیه	نوع کلمه	باب	ریشه	کلمه
فعلی	ق					
إِيمَان	ت همزه	إِيمَان	مصدر	إفعال	أمن	إِيمَان

در پیوست ۴: (بخش افعال مهموز) صرف صیغه‌های مختلف فعل «أمن» در باب «إفعال» آمده است.

تمرین زبان قرآن

۱. جدول تحلیل فعل را برای افعال مشخص شده، تکمیل نمایید.

- أ. قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ. (جمعة: ۸)
- ب. وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا. (جمعة: ۱۱)
- ج. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ. (صف: ۴)
- د. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ. (صف: ۱۰)
- هـ. وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ. (صف: ۱۳)
- و. آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ... فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ. (حديد: ۷)

ش	فعل	ریشه	باب	ص	نوع	اولیه	مرحله ۱		مرحله ۲	
							ق	فعلی	ق	فعلی
۱	تَفَرُّونَ		فَعَلٌ - يَفْعَلُ				ادغام	ق	فعلی	
۲	تُرَدُّونَ		فَعَلٌ - يَفْعَلُ				مجهول	ادغام		
۳	انْفَضُّوا		انفعال				ادغام			
۴	يُحِبُّ		إفعال							
۵	أَدُّ		فَعَلٌ - يَفْعَلُ							
۶	تُحِبُّونَ									
۷	آمَنُوا		إفعال	۹			امر	تخفیف همزه		
۸	آمَنُوا		إفعال				تخفیف همزه			

۲. فعل امر صیغه ۹ باب انفعال از ریشه «فضض» را بنویسید.

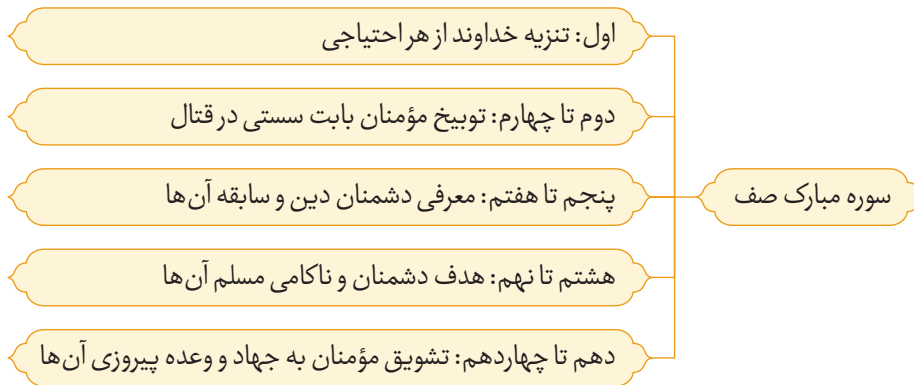
۱. به نکته‌ای که درباره ساخت فعل امر باب إفعال در درس امر و نهی گفته شد، توجه کنید.

معارف سوره صف

فضیلت سوره

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هرکس سوره صف را قرائت کند و در نمازهای واجب و مستحبش بر خواندن آن مداومت نماید، خداوند او را در صف فرشتگان و پیامبرانش قرار می دهد.»^۱

نقشه سوره



بیان سوره

تمام موجودات آسمانی و زمینی، خداوند را تسبیح کرده، او را از هر مبرّا می دانند. خداوند شکست ناپذیر و حکیم است و دین خود را محکم بنا نهاده که شکست در آن راه ندارد. خدا به ایمان و جهاد شما احتیاج ندارد؛ بلکه شما به پایمردی در راه خدا محتاج هستید **سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ**.

خُلف وعده، زشت است، مخصوصاً اگر این وعده از طرف مؤمنان به پیامبر و درباره نصرت دین الهی باشد. مؤمنان بسیاری خود را سینه چاک اسلام می دانند؛ اما وقت جهاد و مبارزه، غایب اند. خداوند جامعه مؤمنین را به علت وعده‌هایی که به آن عمل نمی‌کنند، توبیخ می‌کند. این موضوع نشان از ضعف ایمان و اراده در تمام افراد نیست؛ بلکه بر ایند کلی جامعه با سستی مواجه است.

ای مؤمنان! چرا ادعای مبارزه^۲ در راه خدا می‌کنید، در حالی که اهل عمل کردن نیستید؟ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ**.

گمان نکنید ادعاهای توخالی، اشتباه کمی است؛ بلکه خشم خداوند متعال را به دنبال دارد **كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ**.

۱. «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الصَّفِّ وَأَدَمَّنَ قِرَاءَتَهَا فِي فَرَائِضِهِ وَنَوَافِلِهِ صَفَّهُ اللَّهُ مَعَ مَلَائِكَتِهِ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ» (تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۰۹)

۲. با توجه به آیه چهار که در مقابل آیه دو و سه آمده، به نظر می‌رسد آن چیز که مؤمنان مدعی آن بودند و عمل نمی‌کردند، مبارزه در راه خدا است.

مجاهدان الهی، محبوب خداوند آسمان‌ها و زمین هستند؛ مجاهدانی که متفرق و ضعیف نیستند؛ بلکه امت واحده‌ای در صف‌های منظم‌اند، هیچ‌کس در جایگاه خود سستی ندارد؛ همچون بنای غول‌پیکر سربی غیرقابل نفوذاند و این بنا نابودشدنی نیست و صلابت دین را به دشمنان نشان می‌دهد ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُورٌ﴾.

وعده‌های بی‌عمل، موجب خشم خداوند و اذیت پیامبر اکرم ﷺ شده است. خداوند سرگذشت حضرت موسی ﷺ را نقل می‌کند. کار قومش به جایی رسید که نه تنها از دین و رسول دفاع نمی‌کردند بلکه به اذیت و دشمنی پیامبر خود می‌پرداختند. حضرت موسی ﷺ با تعجب از آن‌ها سؤال می‌کرد: «شما که می‌دانید من فرستاده خدایم، چرا آزارم می‌دهید؟!» جزای انحراف‌های عملی این شد که خداوند قلب‌های‌شان را منحرف کرد. دل وارونه، حق را نمی‌فهمد و پیوسته از دستورات خدا نافرمانی می‌کند. این قوم دیگر قوم موسی ﷺ نیست، قوم فسق است و خداوند هدایت گران‌بهای خود را شامل فاسقان نمی‌کند ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾.

ماجرای قوم بنی‌اسرائیل به دشمنی با حضرت موسی ﷺ ختم نشد. حضرت عیسیٰ ﷺ به سوی آنان فرستاده شد و اعلام کرد که من رسول خدا و تصدیق‌کننده تورات و ادامه‌دهنده راه موسی ﷺ هستم و پس از من پیامبری به نام احمد ﷺ می‌آید. آمدن پیامبر خاتم ﷺ، بشارت و مایه امید نسل‌های آینده بنی‌اسرائیل بود؛ اما زمانی که محمد مصطفیٰ ﷺ آمد، چه کردند؟

پیامبر خاتم ﷺ نشانه‌هایی را برای‌شان آورد که از موسی ﷺ و عیسیٰ ﷺ و سایر پیامبران نقل شده بود، دیگر هیچ شبهه علمی درباره پیامبر خاتم ﷺ نداشتند؛ اما از کسانی که با علم به رسالت حضرت موسی ﷺ او را اذیت می‌کردند، چه توقعی باید داشت؟

آن‌ها به معجزات الهی و نشانه‌های نبوت، تهمت سحر و جادو زدند و گفتند که این علائم خارق‌العاده است؛ اما از جانب خدا نیست، محمد ﷺ با جادوی عجیب و غریبی که ما نمی‌فهمیم این کارها را انجام می‌دهد ﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾.

اگرچه دروغ‌بستن ظلم است، برخی افتراها انسان را به نهایت ظلم می‌رساند: اول اینکه به خداوند عالم دروغ بسته شود و دوم اینکه در شرایطی به خدا افترا ببندد که خطری تهدیدش نمی‌کند بلکه به دین اسلام و سعادت اخروی دعوت می‌شود. تکذیب پیامبر خاتم دروغ‌بزرگی بود که بنی‌اسرائیل بر خداوند بستند و در زمره ظالم‌ترین افراد قرار گرفتند. خداوند مهر «لَا يَهْدِي» بر پیشانی ظالمان زده و محرومیت از هدایت الهی سرآغاز تمام بدبختی‌هاست ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾.

اراده و هدف اصلی آن‌ها از دروغ و هجمه‌های سنگین تکذیب رسول، خاموش کردن نور الهی است؛ این نور حقیقی، راه

حق را به انسان‌ها نشان می‌دهد و بازار خفاشان را کساد می‌کند، اما اراده خداوند بر آخر رساندن این روشنگری است گرچه برای کافران خوش نباشد.

هرآن کس پُف کند ریشش بسوزد

چراغی را که ایزد برفروزد

﴿يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِمْ نُورِهِ وَلُوكِرَهُ الْكَافِرُونَ﴾.

یک شخص عادی، پیامبر نفرستاده؛ بلکه خداوند عالم او را فرستاده. مأموریت پیامبر هم کوچک نیست؛ برای هدایت و برپایی آیین راستی و حقیقت آمده است. حال که قدرت مطلق جهان، بهترین آفریده خود را برای بهترین هدف فرستاده؛ آیا چنین کاری رها می‌شود یا شکست می‌خورد؟ هرگز! خداوند او را فرستاده تا آیین حق را بر تمام دین‌های دروغین، که اغلب‌شان آلوده به شرک‌اند، پیروز کند، گرچه مشرکان راضی نباشند و با او مقابله کنند ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلُوكِرَهُ الْمُشْرِكُونَ﴾.

تسبیح ابتدای سوره، بر بی‌نیازی خدا تأکید می‌کند؛ اما خداوند نظام جهان را طوری بنا نهاده که برای پیروزی حق بر باطل، به جهاد احتیاج است. مؤمنان به عنوان مدافعان دین الهی مورد خطاب قرار می‌گیرند: «ای مؤمنان که ادعاهای بی‌عمل‌تان خشم خدا را برانگیخته و سرگرم تجارت و بهره‌های دنیا شده‌اید! آیا تجارتی را به شما معرفی کنم که از عذاب دردناکی که گرفتار آن هستید نجات‌تان دهد؟» ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾.

ابتدا باور خود را به خدا و رسولش درست کنید. گرچه اسم‌تان مؤمن است، ایمان کافی ندارید. به قدری ایمان خود را بالا ببرید که بتوانید با مال و جان خود جهاد کنید. اهل علم و آگاهی شوید تا بفهمید این جهاد همه‌جانبه بهتر از هر کار دیگری است ﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾.

اگر مؤمنانه جان و مال‌تان را با خدا معامله کنید، نه تنها از عذاب نجات پیدا می‌کنید، بلکه به کامیابی بسیار عظیمی نائل می‌شوید. خداوند گناهان شما را می‌آمرزد تا لایق بهشت شوید و شما را وارد بهشت‌هایی وصف ناشدنی می‌کند، رودهایی از پایین این بهشت‌ها روان است که باید ببینید در این رودها چه چیزهایی در جریان است. خانه‌هایی مملو از آرامش و پاکیزگی در باغ‌هایی که نعمت‌هایش وقت ندارد و همیشگی است. آری! رستگاری بزرگ، این جاست نه آن دنیای کوچکی که شما را از جهاد بازداشته است ﴿يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾.

علاوه بر پاداش اخروی، نتیجه دیگر این مجاهده، غلبه دین حق بر تمام ادیان باطل است. مؤمنان دوستدار این پیروزی هستند. خداوند عالم فتح این مبارزه را از قبل وعده می‌دهد. وعده‌های خداوند قطعی است. خداوند به مؤمنان قول یاری می‌دهد تا آنان نگران عده و تجهیزات خود نباشند و اعلام می‌کند که این جهاد خیلی طولانی نیست و زمان فتح نزدیک است. تنها مایه بشارت و امید مؤمنان حقیقی همین وعده‌های خداوند است ﴿وَ أُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾.

سرگذشت عیسی عليه السلام را به یاد آورید، هنگامی که برای مقابله با کفر، ندای «هل من ناصر» برآورد که چه کسی در راه خدا یار

من است؟ حواریون به یاری خداوند قیام کردند. پس از یاران خاص مسیح علیه السلام، نوبت به امت بنی اسرائیل رسید، ایمان حقیقی به خدا بیاورند و پشت سر عیسی علیه السلام بایستند یا پیامبرشان را تنها گذاشته، کافر شوند. در این معرکه، مؤمن خانه نشین معنایی ندارد یا مؤمن مجاهد یا کافر؛ از این رو برخی به ایمان شان افزوده شد و برخی ایمان شان را از دست دادند و کافر شدند و خداوند هم حضرت عیسی علیه السلام و یارانش را در برابر دشمنان دین خدا پیروز کرد. در این نبرد، دشمنان حضرت عیسی علیه السلام شکست خوردند و گروهی از بنی اسرائیل - که قبلاً پیرو آن حضرت بودند - از یاری ایشان سرباز زدند. آنان با این سرپیچی نشان دادند که به خدا و رسول باور راستین ندارند و کافر گشتند.

ای مؤمنان! هنگام جهاد یار خداوند و یاری کننده دین او باشید؛ مانند حواریون به مقام انصار اللّهی برسید یا حداقل مثل مؤمنان بنی اسرائیل، پشت سر پیامبرتان باشید. به دلیل دنیا جهاد را ترک نکنید که ایمان تان از بین خواهد رفت ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرْتَ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ﴾.

جمع بندی: خداوند مؤمنان را مذمت می کند؛ زیرا برای حمایت از دین خدا آمادگی و اراده لازم ندارند. سابقه و هدف دشمنان اسلام بیان می شود. دشمنی و اذیت پیامبران توسط بنی اسرائیل از زمان حضرت موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام وجود داشته و تلاش آنان تا زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای خاموشی چراغ راه دین ادامه داشته و دارد. خداوند هم اراده کرده دین خود را بر سایر آیین های باطل پیروز کند و بار این مبارزه را بر دوش مؤمنان مجاهد گذاشته. خداوند بسیار منزّه تر از آن است که نیازی به پایمردی مؤمنان داشته باشد.

خداوند مؤمنان را به تقویت ایمان و جهاد با مال و جان دعوت می کند؛ در عوض، وعده نصرت الهی و پیروزی زودهنگام می دهد. خداوند مؤمنان را از خالی گذاشتن میدان بر حذر می دارد و انحراف از جهاد را موجب انحراف دل از ایمان و کافر شدن می داند.



سوره مبارک تغابن

بخش اول: آیات اول تا چهارم

آشنا

۱. کُلُّ: هر، همه، هیچ^۲ شئیء [شیء]: چیز قَدِير [قدر]: توانا.

۲. کَافِر [کفر]: انکارکننده (حق)، پوشاننده، کشاوَرز^۳.

۳. صُورَة [صور]: صورت، شکل.

۴. ذَات: ذات، درون.

جدید

۱. مُلْك [ملک]: فرمانروایی، پادشاهی.

۲. بَصِير [بصر]: بینا.

۳. صَوَّرَ [صور]: صورت داد، شکل داد أَحْسَنَ [حسن]: نیکو کرد، زیبا کرد صُورَ [صور]: ج. م. صُورَة مَصِير [صیر]: بازگشت، محل بازگشت.

۴. تُسِرُّونَ [سرر]: پنهان می کنید، مخفی می کنید تُعْلِنُونَ [علن]: آشکار می کنید، علنی انجام می دهید.

سُورَةُ التَّغَابُنِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ
وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ۝ يَعْلَمُ
مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ
عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ

۱. «من» در این جا به معنای «بعضی، برخی» است و اصطلاحاً به آن «من بَعْضِيَّة» می گویند.

۲. در جملات منفی، «كُلُّ» را «هیچ» ترجمه می کنیم؛ مانند: ﴿وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ (حدید: ۲۳).

۳. ﴿أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَأُهُ﴾ (حدید: ۲۰).

تمرین ترجمه

ا. تمرین واژه

۱. در آیه ﴿صَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ﴾، کدام گزینه ترجمه **صَوَّرَ** است؟

<input type="checkbox"/>	ا. آفرید	<input type="checkbox"/>	ب. شکل داد
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. انتخاب کرد
۲. کدام گزینه ترجمه **مَصِيْرٌ** نیست؟

<input type="checkbox"/>	ا. راه	<input type="checkbox"/>	ب. بازگشت
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. سرانجام
۳. کدام گزینه معنای «نیکو کرد» است؟

<input type="checkbox"/>	ا. أَحْسَنَ	<input type="checkbox"/>	ب. أَحْسِنَ
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. أَحْسَنَ
۴. کدام گزینه ترجمه **كَافِرٍ** است؟

<input type="checkbox"/>	ا. کشاورز	<input type="checkbox"/>	ب. انکار کننده
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. هر دو گزینه
۵. کدام گزینه ریشه متفاوتی دارد؟

<input type="checkbox"/>	ا. مَصِيْرٌ	<input type="checkbox"/>	ب. صَوَّرَ
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. صَوَّرَ
۶. کدام گزینه صفت خداوند متعال نیست؟

<input type="checkbox"/>	ا. قَدِيْرٌ	<input type="checkbox"/>	ب. أَحْسَنَ
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. بَصِيْرٌ
۷. کدام گزینه ترجمه **تُسَبِّحُونَ** است؟

<input type="checkbox"/>	ا. پافشاری می کنید	<input type="checkbox"/>	ب. رازداری می کنید
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. پنهان می کنید
۸. کدام گزینه ترجمه **تُعْلِنُونَ** است؟

<input type="checkbox"/>	ا. اعلام می کنید	<input type="checkbox"/>	ب. آشکار می کنید
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. رسوا می شوید

ب. تمرین عبارت

۱. ﴿لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ﴾

<input type="checkbox"/>	ا. او فرمانرواست و ستایش برای اوست	<input type="checkbox"/>	ب. برای اوست فرمانروایی و برای اوست ستایش
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. او صاحب فرمانروایی و ستایش است
۲. ﴿هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ﴾

<input type="checkbox"/>	ا. او بر هر چیز تواناست	<input type="checkbox"/>	ب. قدرت او فوق همه چیز است
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. او بر همه چیز داناست
۳. ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ﴾

<input type="checkbox"/>	ا. خدایی که شما را آفرید	<input type="checkbox"/>	ب. او کسی است که آفرید شما را
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. خلقت شما از اوست

۴. ﴿فَإِنَّكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾

- ا. کافران از شما هستند و مؤمنان هم از شما هستند
- ب. بعضی از شما کافر شدند و بعضی از شما مؤمن شدند
- ج. پس بعضی از شما کافرند و بعضی از شما مؤمن هستند

۵. ﴿وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

- ا. و خداوند به هر چه انجام می دهید، صبور است
- ب. و خداوند به آنچه می دانید، آگاه تر است
- ج. و خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست

۶. ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ﴾

- ا. آفرید آسمان ها و زمین را به حق
- ب. آفرینش آسمان و زمین بر [اساس] حقیقت است
- ج. آفرید حق را در آسمان ها و زمین

۷. ﴿صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ﴾

- ا. صورت داد شما را، پس نیکو کرد صورت هایتان را
- ب. شکل داد شما را به صورت های نیکو
- ج. شکل داد شما را به نیکوترین صورت هایتان

۸. ﴿وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾

- ا. و بازگشت در دست اوست
- ب. و بازگشت به سوی اوست
- ج. و سرانجام، از آن اوست

۹. ﴿يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

- ا. عالم در آسمان ها و زمین است
- ب. علم آنچه در آسمان و زمین است را داراست
- ج. می داند آنچه در آسمان ها و زمین است

۱۰. ﴿وَيَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ﴾

- ا. و می داند آنچه پنهان می کنید و آنچه آشکار می کنید
- ب. و می داند آنچه اسرار شماست و آنچه علنی است برای تان
- ج. و می داند آنچه پنهان می کنید و آشکار نمی کنید

۱۱. ﴿وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾

- ا. و خدا داناست به صاحبان سینه ها
- ب. و خدا می داند اسرار سینه ها را
- ج. و خدا داناست به درون سینه ها



اعلال و ابدال

اعلال

افعال **یَهْدِی**، **یَهْدِی**، **یَقُولُ** و **یَقُولُ** را با لهجه عربی تلفظ کنید. تلفظ کدام کلمات راحت تر و سبک تر است؟
تلفظ سه حرف **و، ی** و در موارد بسیاری، دشوار است. به این حروف، **حروف عله** می‌گوییم. به کلمه‌ای که حرف عله در حروف اصلی (نه زائد) آن باشد، **مُعْتَل** و به کلمه‌ای که حرف عله در حروف اصلی اش نباشد، **سالم** گفته می‌شود.

- اگر فاء الفعل عله باشد، به آن فعل، **مِثَال** می‌گوییم؛ مانند: **یَلِدُ** و **یُولَدُ** از «ولد».
- اگر عین الفعل عله باشد، به آن فعل، **أَجَوَف** می‌گوییم؛ مانند: **قُلْ** و **یَقُولُ** از «قول».
- اگر لام الفعل عله باشد، به آن فعل، **ناقص** می‌گوییم؛ مانند: **یَدْعُو** و **یُدْعَى** از «دعو».

برای راحتی تلفظ، به جزایحی و تغییر کلمه معتل نیاز داریم، به این تغییرات، **اعلال**^۲ می‌گوییم. اعلال بر سه نوع است

۱. **اعلال سکون**: حرکت حرف عله ساکن می‌شود؛ مثال: **یَقُولُ - یَقُولُ** (و ساکن شده و حرکت را به ما قبل می‌دهد).
 ۲. **اعلال قلب**: حرف عله به حرف دیگری تبدیل می‌شود؛ مثال: **قَوْل - قَالَ** (و تبدیل (قلب) به **ا** می‌شود).
 ۳. **اعلال حذف**: حرف عله حذف می‌شود؛ مثال: **یُولَدُ - یَلِدُ** (و حذف می‌شود).
- در جداول زیر، ماضی، مضارع و امر مخاطب فعل «قول» از باب **فَعَلَ - یَفْعَلُ**، قبل و بعد از اعلال نشان داده شده.

جمع		مثنی		مفرد			
قَالُوا	قَوْلُوا	قَالَا	قَوْلَا	قَالَ	قَوْلٌ	مذکر	غایب
قُلْنَا	قَوْلْنَا	قَالَتَا	قَوْلَتَا	قَالَتْ	قَوْلَتْ	مؤنث	
قُلْتُمْ	قَوْلْتُمْ	قُلْتُمَا	قَوْلْتُمَا	قُلْتَ	قَوْلْتَ	مذکر	مخاطب
قُلْتَنَّ	قَوْلْتَنَنَّ	قُلْتُمَا	قَوْلْتُمَا	قُلْتَ	قَوْلْتَ	مؤنث	
قُلْنَا	قَوْلْنَا			قُلْتُ	قَوْلْتُ	مذ / مؤ	متکلم

۱. قبلاً دانستیم «ئو» و «یئ» و «ئا» در عربی «او»، «ای» و «آ» تلفظ می‌شوند؛ مثلاً «كُوْتِر» بدون حالت مدی ادا می‌شود؛ اما «كُوْتِر» را نمی‌توان به غیر حالت مدی، تلفظ کرد؛ ولی با لهجه فارسی می‌توان «كُوْتِر» را بدون اینکه «و» را به صورت مدی کشید، تلفظ کرد. البته در قرآن کریم «كُوْتِر» آمده نه «كُوْتِر».
۲. لغت «عَلَّة» به معنای بیماری و «مُعْتَل» به معنای بیمار و «اعلال» به معنای برطرف کردن بیماری است، گویی حروف عله موجب بیماری کلمه شده‌اند.

جمع		مثنی		مفرد		مذکر	غایب	مضارع
يَقُولُونَ	يَقُولُونَ	يَقُولَانِ	يَقُولَانِ	يَقُولُ	يَقُولُ			
يَقُلْنَ	يَقُولُنَّ	تَقُولَانِ	تَقُولَانِ	تَقُولُ	تَقُولُ	مذکر	مخاطب	
تَقُولُونَ	تَقُولُونَ	تَقُولَانِ	تَقُولَانِ	تَقُولِينَ	تَقُولِينَ	مؤنث	متکلم	
نَقُولُ	نَقُولُ			أَقُولُ	أَقُولُ	مذ/ مؤ		

جمع		مثنی		مفرد		مذکر	مخاطب	ع
قُولُوا	أَقُولُوا	قُولَا	أَقُولَا	قُلْ	أَقُولُ			
قُلْنَ	أَقُولُنَّ	قُولَا	أَقُولَا	قُولِي	أَقُولِي			

توجه ۱: اگر فعلی مانند «آتی»، معتل و مهموز باشد، مشمول قواعد اعلال و تخفیف همزه می شود (مثال پایانی درس).
توجه ۲: الف مقصوره (الف کوچکی که بر کرسی یاء نوشته می شود) در برخی افعال مانند «آتی» و «یُدعی» معادل حرف الف است و نباید حرف آخرین حروف را حرف یاء در نظر گرفت.

توجه ۳: قبلاً با جزم مضارع آشنا شدیم. در موارد زیر در جزم فعل معتلی که آخرش ن نباشد، حرف عله حذف می شود:
 • در افعال معتل ناقص، مانند **یهدی** که بر اثر جزم، حرف عله آن حذف می شود: ﴿وَمَنْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ﴾ (تغابن: ۱۱).

• در افعال معتلی که جزم موجب التقاء ساکنین شود؛ مانند **یکون** که بر اثر جزم به **یکون** تبدیل می شود که **و** و **ن**، در آن ساکن هستند. در این گونه موارد برای رفع التقاء ساکنین حرف عله حذف می گردد: ﴿وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ (توحید: ۴).

ابدال

ابدال یعنی تبدیل حرفی به حرف دیگر. این تغییر لفظی کاربرد کمتری نسبت به ادغام، تخفیف همزه و اعلال دارد؛ برای مثال حرف **ت** در **مُتَصَدِّقٍ** به **ص** ابدال شده، در نهایت **مُصَدِّقٍ** پدید می آید.

﴿إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾ (حدید: ۱۸)

توجه: در اعلال و تخفیف همزه نیز ممکن است حرفی به حرف دیگر تبدیل شود؛ مانند **قَوْلٍ** به **قَالَ**؛ اما منظور ما از ابدال تغییر حرفی به حرف دیگر غیر از موارد اعلال و تخفیف همزه است.
 در پایان درس، به تحلیل فعل های مشخص شده دقت کنید:

أ. ما آتاكم الرسول فخذوه (حشر: ۷) ب. اتقوا الله و آمنوا برسوله يؤتكم كفلين من رحمته (حدید: ۲۸)

ش	کلمه	ریشه	باب	ش. ص	نوع	صورت اولیه	مرحله ۱		مرحله ۲	
							ق	فعلی	ق	فعلی
۱	آتی	آتی	إفعال	۱	ماضی	أَتَى	تخفیف همزه	آتَى	اعلال	آتَى (آتا)
۲	یُوتِ	آتی	إفعال	۱	مضارع	يُوتِي	اعلال	يُوتِي	جزم	يُوتِ

۱. صورت نوشتاری «آتا» به تنهایی صحیح نیست، مگر بعد از آن ضمیر متصل بیاید.

تمرین زبان قرآن

۱. فعل ثلاثی از «کون» مانند «قول» معتل اجوف و از باب **فَعَلَّ - يَفْعَلُ** است. صرف ماضی و مضارع و امر مخاطب آن را در حالت قبل و بعد از اعلال، در جداول زیر بنویسید. از پیوست ۴: (بخش افعال معتل اجوف)، کمک بگیرید.

ماضی «کون»		مفرد		مثنی		جمع	
غایب	مذکر	كَوَّنَ	كَانَ				
	مؤنث						
مخاطب	مذکر						
	مؤنث						
متکلم	مذ / مؤ					كَوَّنَا	كُنَّا

مضارع «کون»		مفرد		مثنی		جمع	
غایب	مذکر	يَكُونُ	يَكُونُ				
	مؤنث						
مخاطب	مذکر						
	مؤنث						
متکلم	مذ / مؤ					نَكُونُ	نَكُونُ

مضارع «کون»		مفرد		مثنی		جمع	
مخاطب	مذکر	أَكُونُ	كُنْ				
	مؤنث						

۲. جدول تحلیل فعل را برای افعال مشخص شده، تکمیل کنید.

أ. **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**. (حمد: ۵)

ب. **اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**. (حمد: ۶)

ج. **خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ**. (تغابن: ۳)

د. **يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ**. (تغابن: ۴)

ش	فعل	ریشه	باب	ص	نوع	اولیه	مرحله ۱		مرحله ۲	
							ق	فعلی	ق	فعلی
۱	نَسْتَعِينُ		استفعال	۱۴	مضارع		اعلال			
۲	إِهْدِ		فَعَلٌ-يَفْعِلُ	۷	أمر		امر			
۳			تفعیل							
۴			إفعال							
۵	يَعْلَمُ									
۶	تُسْرُونَ		إفعال	۹	مضارع					
۷	تُعْلِنُونَ		إفعال							



سوره مبارک تغابن

بخش دوم: آیات پنجم تا هفتم

آشنا

۵. **أمر** [أمر]: امر، کار، فرمان.

۶. **بشر** [بشر]: بشر، بشرها، **غنی** [غنی]: بی نیاز، ثروتمند، توانگر.

۷. **بلی**: بله، آری.

جدید

۵. **أ**: آیا **نبأ** [نبأ]: خبر، خبر مهم **كفر** [كفر]: {ماضی،

۱ فعل - یفعل}، کفر ورزید، کافر شد **كفروا** [كفروا]:

{ماضی، ۳ كفر} **ذاق** [ذوق]: {ماضی، ۱ فعل - یفعل}، چشید **ذاقوا** [ذوق]: {ماضی، ۳ ذاق} **وَبال** [وبل]: کیفر، عقوبت **لَمْ یأت**: نیامد **مِن قَبْل**: در گذشته.

۶. **كان** [کون]: {ماضی، ۱ فعل - یفعل}، بود، شد **كانت** [کون]: {ماضی، ۴ كان} **أتی** [اتی]: {ماضی، ۱ فعل - یفعل}، آمد **تأتی**

[اتی]: {مضارع، ۴ أتى} **رسل** [رسل]: ج. م رسول **هدی** [هدی]: {ماضی، ۱ فعل - یفعل}، هدایت کرد، راهنمایی کرد

یهدون [هدی]: {مضارع، ۳ هدئ} **تولی** [ولی]: {ماضی، ۱ تفعل}، پشت کرد، روی گرداند **تولوا** [ولی]: {ماضی، ۳ تولی}

استغنی [غنی]: {ماضی، ۱ استفعال}، اظهار بی نیازی کرد، بی نیازی نشان داد **حمید** [حمد]: ستوده **تأتی** **ب**: می آورد.

۷. **زعم** [زعم]: {ماضی، ۱ فعل - یفعل}، گمان کرد، پنداشت **لن**: {حرف نفی ناصبه}، هرگز **بعث** [بعث]: {ماضی، ۱

فعل - یفعل}، برانگیخت، مبعوث کرد **یبعثون** [بعث]: {مضارع مجهول، ۳ بعث} **و**: {واو قسم}، قسم به، سوگند

به **تبعثون** [بعث]: {مضارع مجهول، ۹ بعث} **تبا** [تبا]: {ماضی، ۱ تفعیل}، خبر داد، آگاه کرد **تنبؤون** [نبأ]: {مضارع

مجهول، ۹ تبا} **عمل** [عمل]: {ماضی، ۱ فعل - یفعل}، عمل کرد، انجام داد **عملتم** [عمل]: {ماضی، ۹ عمل} **یسیر**

[یسر]: آسان، سهل.

۱. «مِن قَبْل» را بعد از «الَّذین» ترجمه کنید.

۲. «ه» را ترجمه نکنید.

۳. **برای استاد**: این آیه را دو گونه می توان ترجمه کرد:

الف - «پ» حرف تعدیه نباشد که در آن صورت «پ=با» و «تأتی=می آید».

ب - «پ» حرف تعدیه باشد که در آن صورت «پ» معنای مجزا نداشته و به همراه فعل معنا می شود: «تأتی پ=آورد».

۴. «أن» در این آیه، مخففه از ثقیله و در اصل «أنن» بوده است.

۵. **برای استاد**: «ل» در «لُتْبِعْتَن» و «لُتْبِئْتَن» حرف قسم است؛ اما به دلیل وجود سوگند «وَرِی» در ابتدای آیه، این لام را ترجمه نمی کنیم.

۶. از این درس، باب و معنای صیغه اول ماضی فعل بیان شده و سایر صیغه ها، به صیغه اول ارجاع داده می شود.

۷. این لغت هم به معنای مفرد، «بَشْر» یک فرد بشری و هم به معنای جمع، «بَشْر» افراد بشر، به کار می رود.

۸. **برای استاد**: باب استفعال همیشه معنای «طلب کردن» نداشته و گاه معنای «اظهار کردن» دارد؛ مانند: «استکبر»= اظهار کبر کرد» یا «استغنی».

۹. **برای استاد**: اگرچه «لن» تأکید در نفی است و نه تأیید در نفی، تأکید در نفی، موجب توجه ذهن به ابدیت نفی می شود. (رک: صرف کاربردی، ج ۱، ص ۲۵۸)



سورة التَّغَابُن



عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۱ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ
فَدَأَفُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۲ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ
رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ ۳ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا ۴ وَاسْتَعْنَى
اللَّهُ وَاللَّهُ عِنِّي حَمِيدٌ ۵ زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَى
وَرَبِّي لَشُبْعُنٌ لَّمْ لَتُبَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۶

تمرین ترجمه

۱. تمرین واژه

۱. در آیه ﴿فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ﴾، کدام گزینه ترجمه **أَمْر** است؟

<input type="checkbox"/>	ا. کار	<input type="checkbox"/>	ب. فرمان
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. هر دو گزینه
۲. در آیه ﴿فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا﴾، کدام گزینه ترجمه **تَوَلَّوْا** است؟

<input type="checkbox"/>	ا. روی بگردانید	<input type="checkbox"/>	ب. روی گردانند
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. روی می گردانید
۳. کدام گزینه ترجمه **ذَاقُوا** است؟

<input type="checkbox"/>	ا. ذوق زده شدند	<input type="checkbox"/>	ب. چشیدند
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. تجربه کردند
۴. در آیه ﴿وَاسْتَعْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾، کدام گزینه ترجمه **إِسْتَعْنَى** است؟

<input type="checkbox"/>	ا. طلب بی نیازی کرد	<input type="checkbox"/>	ب. احساس بی نیازی کرد
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. اظهار بی نیازی کرد
۵. کدام گزینه معنای «کیفر_ هدایت می کند_ آیا» است؟

<input type="checkbox"/>	ا. عاقبة_ تهدی_ او	<input type="checkbox"/>	ب. عُقُوبَة_ یَهْدِي_ هَل
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. وَبَالَ_ یَهْدِي_ أ
۶. کدام گزینه ترجمه **زَعَمَ** است؟

<input type="checkbox"/>	ا. پنداشت	<input type="checkbox"/>	ب. دانست
<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ج. شک کرد

۲. تمرین عبارت

۱. ﴿أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ﴾

<input type="checkbox"/>	ا. آیا نمی آید شما را، خبر کسانی از گذشته که کافر بودند؟
<input type="checkbox"/>	ب. آیا نیامد شما را، خبر کسانی که در گذشته کافر شدند؟
<input type="checkbox"/>	ج. آیا خبر کسانی که پیش از این کافر شدند، به شما داده نشد؟
۲. ﴿فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

<input type="checkbox"/>	ا. پس دیدند جزای سنگین عمل شان را و برای آن ها عذابی دردناک است
<input type="checkbox"/>	ب. پس چشیدند کیفر کارشان را و برای آن ها عذابی دردناک است
<input type="checkbox"/>	ج. پس چشیدند سنگینی کیفرشان را و آن ها در عذابی دردناک اند
۳. ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ﴾

<input type="checkbox"/>	ا. آن (عذاب) به سبب این بود که همانا پیوسته رسولانشان، نشانه های روشن آوردند [برای] آن ها
<input type="checkbox"/>	ب. آن (عذاب) به سبب این بود که همانا پیوسته رسولانشان، آمدند [به سوی] آن ها با نشانه های روشن
<input type="checkbox"/>	ج. تمام گزینه ها

۴. **﴿فَقَالُوا أَبَشْرٌ مِّمَّنْ دُونَنَا﴾**

- ا. پس گفتند: آیا بشرهایی، هدایت می‌کنند ما را؟
ب. پس گفتند: آیا [رسولان]، بشریت را راهنمایی می‌کنند؟
ج. پس گفتند: آیا بشری [می‌خواهد] ما را هدایت کند؟

۵. **﴿فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا﴾**

- ا. پس کافر شدند و ولایت [کفر] را پذیرفتند
ب. پس کافر شدند و روی برگرداندند
ج. پس کفران کردند و از ولایت [حق] سر باز زدند

۶. **﴿وَاسْتَعْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ عَنِّي حَمِيدٌ﴾**

- ا. و خداوند بی‌نیازی را طلب کرد و خداوند بی‌نیاز ستوده است
ب. و خداوند، بی‌نیاز شد و خداوند بی‌نیاز و اهل ستایش است
ج. و خداوند، بی‌نیازی نشان داد و خداوند بی‌نیاز ستوده است

۷. **﴿زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا﴾**

- ا. کسانی که کافر شدند، پنداشتند که هرگز برانگیخته نمی‌شوند
ب. کسانی که کافر شدند، پنداشتند که هرگز [پیامبرانی] برانگیخته نشده‌اند
ج. کسانی که کافر شدند، می‌پندارند که بعثتی وجود ندارد

۸. **﴿قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ﴾**

- ا. بگو: آری و پروردگرم قطعاً شما را برانگیخته می‌کند و سپس قطعاً آگاهتان می‌کند به آنچه انجام می‌دادید
ب. بگو: آری، به پروردگرم سوگند! قطعاً برانگیخته می‌شوید و سپس قطعاً آگاه می‌شوید به آنچه انجام دادید
ج. بگو: آری، به خدا قسم! قطعاً برانگیخته می‌شوید و سپس قطعاً آگاهید به آنچه انجام می‌دادید

۹. **﴿وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾**

- ا. و آن چیزی است که خداوند آسان می‌کند
ب. و آنچه برای خداست، آسان است
ج. و آن بر خداوند، آسان است



مصدر

جامد و مشتق

دسته اول: جامدات	دسته دوم: مشتقات
مصدر (اصلی): رَحْمَةٌ، حَمْدٌ، عِلْمٌ، عُفْرَانٌ، مُلْكٌ، تَعْلِيمٌ، تَمَلُّكٌ	مشتقات فعلی: يَرَحِمُ، اِعْلَمُوا، عَفَرَ، يَمَلِكُونَ
غیر مصدر: ناس، رَبّ، یوم، ارض و انواع حروف	مشتقات اسمی: رَحْمَان، حَمِيد، عَالِم، عَفُور، مَالِك، مَغْفِرَةٌ

کلمات دسته اول از کلمه دیگری گرفته نشده؛ بلکه مستقیم از حروف الفبا ساخته شده‌اند. به این کلمات، **جامد** می‌گوییم که خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. قسم اول جامدات، مصادر (اصلی) هستند که سایر کلمات مشتق از آن‌ها گرفته می‌شود و قسم دوم جامدات، غیر مصدرند که کلمه‌ای از آن‌ها گرفته نمی‌شود.

به دسته دوم که مشتق از مصدر هستند، **مشتق** می‌گوییم. مشتقات بر دو قسم‌اند؛ قسم اول، افعال و قسم دیگر، اسامی مشتق‌اند که عبارت‌اند از: «اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، صفت مشبّهه، اسم تفضیل، اسم زمان، اسم مکان، اسم آلت و مصادر فرعی»^۲.

به کلمه‌ای که از مصدر گرفته نشده، **جامد** و به کلمه‌ای که از مصدر گرفته شده، «مشتق» می‌گوییم.

بر مبنای جدول فوق، چهار نوع کلمه داریم که از این میان، جامدات غیر مصدری، بحث خاصی ندارند و برای فهم آن‌ها به لغتنامه مراجعه می‌کنیم. با انواع فعل و تغییرات آن نیز در گذشته آشنا شدیم. در درس‌های پیش رو به مصدر و اسامی مشتق می‌پردازیم.

تعریف مصدر

مصدر، اسمی است که در گذشته با تعریف آن آشنا شدیم:

به اسمی که بر واقع شدن کار یا حالتی - بدون زمان - دلالت دارد، «مصدر» می‌گوییم.

در آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْزُرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً﴾ (زمر: ۵۳) مصدر فعل **يَعْفِرُ**، «عُفْرَان = بخشیدن» است.^۳ درباره فعل و مصدر به موارد زیر توجه کنید:

۱. از این درس تا پایان کتاب، مباحث مربوط به اسم مطرح خواهند شد.
۲. **برای استاد:** برای ساده‌سازی، این درس با فروض زیر مطرح شده است: ۱. اشتقاق، شامل تمام کلمات است و اختصاص به اسم متصرف ندارد؛ ۲. جامدات از حروف الفبا مشتق شده و اشتقاق جامد از جامد (مانند حُسَيْن از حَسَن) وجود ندارد؛ ۳. مصادر (اصلی) مجرد و مزید از حروف الفبا گرفته شده و افعال مجرد و مزید نیز از مصادر خودشان مشتق شده‌اند (مطابق نظر بصیریین؛ رک: صرف ساده، ص ۱۵۱). ۴. اسامی مشتق از مصدر گرفته شده‌اند، نه فعل.
۳. در زبان فارسی از اضافه شدن حرف مصدر ساز «ن» به بن ماضی، مصدر ساخته می‌شود؛ مانند: «رفتن، گفتن، آمدن و شنیدن».



۱. مصدر، برخلاف فعل، بر زمان دلالت ندارد؛ **يَغْفِرُ**، بر حال و آینده و **غُفْرَان**، فقط بر اصل بخشیدن دلالت دارد.
۲. مصدر - برخلاف فعل - فاعل مشخصی ندارد؛ **يَغْفِرُ** فعل است و بدون در نظر گرفتن فاعل آن (الله) محقق نمی‌شود؛ اما هنگام تصور **غُفْرَان**، نیازی به تصور فاعل نیست.
۳. لغت **مَصْدَر** به معنای «محل صدور» است و کلمات مشتق، از مصدر ساخته می‌شوند؛ از این رو به مصدر، «اصل کلام» نیز می‌گویند. مصدر نیز از حروف الفبا گرفته می‌شود.^۱

❦ مصدر اصلی

پس از آشنایی با مفهوم مصدر، به معرفی لفظ و ساختار مصدر می‌پردازیم. مصدر به دو نوع **مصدر اصلی** و **مصدر فرعی** تقسیم می‌شود، مصدر اصلی همان است که مشتقات اسمی و فعلی از آن گرفته شده و مصدر فرعی، کلمه‌ای است که معنای مشابه مصدر اصلی دارد؛ اما اسم یا فعلی از آن ساخته نمی‌شود. مصدر اصلی نیز بر دو قسم است؛ **مصدر (اصلی) فعل مجرّد و مصدر (اصلی) فعل مزید**. شیوه یافتن مصدر اصلی را در قالب یک سؤال و جواب مطرح می‌کنیم.

سؤال: مصدر (اصلی) افعال مشخص شده، در آیات زیر را بیان کنید.

أ. هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا (جمعة: ۲) ب. فَأَمِينُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (تغابن: ۸)

مصدر افعال ثلاثی مجرد را توسط لغتنامه پیدا می‌کنیم؛ برای مثال، برای فعل **بَعَثَ** در یک لغتنامه آمده است: «اصل **بَعَثَ** - برانگیختن یا روانه کردن چیزی است»^۲ از این رو مصدر فعل ما، **بَعَثَ** است.

مصدر افعال ثلاثی مزید را از روی وزن مصدرشان می‌سازیم. **أَمِنُوا** فعل امر از باب «إفعال» است؛ از این رو کافی است حروف اصلی «أمن» را به وزن «إفعال» ببریم که می‌شود: **أَمَان** و پس از تخفیف همزه، مصدر **إِيمَان** ساخته می‌شود.

❦ مصدر میمی

یکی از انواع مصادر فرعی، مصدری است که ابتدای آن یک میم زائده قرار گرفته و به آن **مصدر میمی** می‌گوییم. معنای مصدر میمی شبیه مصدر اصلی است با این تفاوت که تأکید و مبالغه آن بیشتر از مصدر اصلی است.^۳ ساختار مصدر میمی به شکل زیر است:

مصدر میمی ثلاثی مجرد: مصدری است که معنای آن شبیه مصدر ثلاثی مجرد بوده و وزن آن **مَفْعَل** یا **مَفْعِل** است که گاه یک **ة** نیز به آخر آن اضافه می‌شود؛ مانند: **مَحْيَا، مَمَات، مَوْتِق، مَوْعِظَة، مَغْفِرَة و مَنفَعَة**.

«سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ» (حدید: ۲۱): **مَغْفِرَة** مصدر میمی و به معنای **غُفْرَان** است.

مصدر میمی ثلاثی مزید: معنای آن شبیه معنای مصدر ثلاثی مزید بوده و وزن آن همانند اسم مفعول ثلاثی مزید است؛ مانند **مُدْخَل** و **مُخْرَج** که مصدر میمی از باب إفعال هستند.

«وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ» (إسراء: ۸۰)؛ و بگو پروردگار من، مرا وارد کن، وارد کردن درست و مرا بیرون آر، بیرون آوردن درست.

۱. صرف ساده، ص ۷۰.

۲. ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۲۸۷.

۳. **برای استاد:** مصدر میمی در بسیاری مواقع، بر نهایت و غایت دلالت دارد؛ برای مثال «مَتَاب» در آیه شریف ﴿عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٌ﴾ (عد: ۳۰) بر نهایت و غایت «تَوْبَة» دلالت دارد. (رک: معانی الأئینة فی العربية، ص ۳۱)

تمرین زبان قرآن

۱. جدول تحلیل فعل را برای افعال مشخص شده، تکمیل کنید.

ا. **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** (توحید: ۱)

ب. **لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ** (توحید: ۳)

ج. **وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ** (توحید: ۴)

د. **أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ** (تغابن: ۵)

ه. **ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ** (تغابن: ۶)

و. **رَعِمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَشُبَعُنَّ ثُمَّ لَشُنَّبُونَ بِمَا عَمِلْتُمْ** (تغابن: ۷)

ش	فعل	ریشه	باب	ص	نوع	اولیه	مرحله ۱		مرحله ۲	
							ق	فعلی	ق	فعلی
۱	قُلْ	قول	فَعَلَ - يَفْعَلُ	۷	امر	تَقُولُ	اعلال	ق	جزم	قُلْ
۲	يَلِدُ	ولد	فَعَلَ - يَفْعَلُ	۱	مضارع	يُولِدُ	اعلال		جزم	يَلِدُ
۳	يُولَدُ	ولد			مضارع					
۴	يَكُنْ	كون								
۵	يَأْتِ		فَعَلَ - يَفْعَلُ	۱			اعلال		جزم	
۶	كَفَرُوا		- يَفْعَلُ		ماضی					
۷	ذَاقُوا	ذوق	فَعَلَ - يَفْعَلُ							
۸	تَأْتِي				مضارع					
۹	قَالُوا									
۱۰	يَهْدُونَ		فَعَلَ - يَفْعَلُ				اعلال			
۱۱	تَوَلَّوْا		تَفَعَّلَ		ماضی					

۲. با توجه به آیات درس، کدام فعل به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود؟

۳. با توجه به آیات درس، افعال معتل را مشخص و نوع اعلال آن ها (سکون، قلب و حذف) را بیان کنید.

۱. استثناء در این فعل، ابتدا تغییر لفظی (اعلال) و سپس تغییر معنایی (جزم) انجام می شود. در قاعده امر، ابتدا «تَقُولُ» را مجزوم می کنیم که می شود: «تَقُولُ»، به علت التقاء ساکنین، حرف عله حذف و «تَقُلْ» ساخته می شود، برای ساخت امر از آن، حذف حرف اول کافی است؛ در نتیجه «قُلْ» به دست می آید.

۴. مصدر افعال مشخص شده را بنویسید (در ثلاثی مجرد و افعال دارای تغییرات لفظی، از استاد خود کمک بگیرید).

- أ. ذَلِكَ فَضَّلَ اللَّهُ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ (جمعة: ۴)
- ب. يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (تغابن: ۱)
- ج. خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (تغابن: ۳)
- د. يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (تغابن: ۴)
- هـ. ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ (تغابن: ۶)
- و. زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (تغابن: ۷)

ش	فعل	ریشه	باب	مصدر اصلی	تغییر لفظی	مصدر
۱	يُؤْتِي	أْتَى	إفعال	إِاتَى	تخفیف همزه - اعلال	إِيتَاء
۲	يُسَبِّحُ					
۳	خَلَقَ	فَعَلَ - يَفْعُلُ		خَلَقَ		
۴	صَوَّرَ					
۵	أَحْسَنَ					
۶	تُسِرُّونَ					
۷	تُعْلِنُونَ					
۸	تَأْتِي					
۹	تَوَلَّوْا					
۱۰	يُيْعَثُوا					
۱۱	تُنَبَّؤُنَّ					

۵. با توجه به آیه شریف ﴿زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا﴾ (تغابن: ۷) کدام گزینه درباره **يُبْعَثُوا** صحیح است؟

- أ. فعل منصوب و عامل نصب آن «لَنْ» است.
- ب. فعل منصوب و عامل نصب آن «أَنْ» است.
- ج. فعل مجزوم و عامل جزم آن «لَنْ» است.

۶. در کدام یک از گزینه های زیر، مصدر فعل **أَذْكُرُوا** به کار رفته است (امتیازی)؟

- أ. ﴿فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ﴾ (مدثر: ۴۹)
- ب. ﴿فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى﴾ (اعلی: ۹)
- ج. ﴿وَمَا خَلَقَ الذَّكْرَ الْأُنثَى﴾ (لیل: ۳)



سوره مبارک تغابن

بخش سوم: آیات هشتم تا دهم

۸. أَنْزَلَ [نزل]: {ماضی، ۱ افعال}، فرو فرستاد، نازل کرد **أَنْزَلْنَا** [نزل]: {ماضی، ۱۴ أَنْزَلَ}، **خَبِير** [خبر]: باخبر، آگاه.

۹. جَمَعَ [جمع]: {ماضی، ۱ فَعَلَ - يَفْعَلُ}، جمع کرد **يَجْمَعُ** [جمع]: {مضارع، ۱ جَمَعَ} **جَمَعَ** [جمع]: جمع کردن، جمع آوری **تَغَابُن** [غبن]:

خسارت دیدن، زیان دیدن **آمَنَ** [امن]: {ماضی، ۱ افعال}، ایمان آورد **يُؤْمِنُ** [امن]: {مضارع، ۱ آمَنَ} **يَعْمَلُ** [عمل]: {مضارع، ۱ عَمَلَ} **كَفَّرَ** [کفر]: {ماضی، ۱ تفعیل}، پوشاند **يُكْفِرُ** [کفر]: {مضارع، ۱ كَفَّرَ} **عَنَ**: از **سَيِّئَةٍ** [سوا]: {کار} بد، گناه **سَيِّئَاتٍ** [سوا]: ج. س. سَيِّئَةٍ **خَالِدٍ** [خلد]: جاودانه، ماندگار **خَالِدِينَ** [خلد]: ج. س. خَالِدٍ **يَوْمَ الْجَمْعِ**: {یکی از نام‌های روز قیامت}، روز جمع آوری **يَوْمَ التَّغَابُنِ**: {یکی از نام‌های روز قیامت}، روز (درک) خسارت دیدن.

۱۰. **أَوْلَيْكَ**: {اسم اشاره متوسط (دور) به جمع}، آن‌ها **صَاحِبٍ** [صاحب]: ملازم، یار، رفیق **أَصْحَابٍ** [صاحب]: ج. م. صاحب، اهل **نَارٍ** [نور]: آتش.

سُورَةُ التَّغَابُنِ

فَقَامُوا بِاللَّهِ وِرْسُولِهِ وَالَّذِي أُنزِلْنَا بِهِ مَا تَعْمَلُونَ خَيْرٌ
 ۸. يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ
 وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۹
 وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ
 خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۱۰ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ

۱. «صاحب» در اصل به معنای «ملازم» است و به مالک شیء، از آن نظر که ملازم آن شیء است «صاحب» گفته می‌شود. در فارسی «صاحب» غالباً به معنای «مالک» به کار می‌رود. (رک: مفردات، ص ۴۷۵)

تمرین ترجمه

ا. تمرین واژه

۱. کدام گزینه معنای «آگاه» است؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ا. خَبِير	ب. بَصِير	ج. هَرْدُو	گزینه
۲. در آیه ﴿يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ﴾، کدام گزینه ترجمه **يَجْمَعُ** است؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ا. جمع می شوید	ب. جمع می کند	ج. جمع می شود	
۳. کدام گزینه ترجمه، **تَغَائِنِ** است؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ا. فریب خوردن	ب. محروم شدن	ج. زیان دیدن	
۴. در آیه ﴿... يُكْفِرُ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ﴾، کدام گزینه ترجمه **يُكْفِرُ** است؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ا. تکفیر می کند	ب. کفر می ورزد	ج. می پوشاند	
۵. کدام گزینه ترجمه، **خَالِدِ** است؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ا. جاودانگی	ب. جاودانه	ج. ازلی	
۶. کدام گزینه، معنای «آن ها» است؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ا. أَوْلِيَائِكَ	ب. هُنَالِكَ	ج. هَؤُلَاءِ	
۷. کدام گزینه از نام های قیامت در قرآن است؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ا. يَوْمِ الْجَمْعِ	ب. يَوْمِ التَّغَايُنِ	ج. هَرْدُو	گزینه
۸. در کدام گزینه، کلمات متضاد هستند؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ا. خَيْرٍ / شَرٍّ	ب. يَوْمِنَ / يُكْفِرُ	ج. هَرْدُو	گزینه
۹. کدام گزینه ریشه کلمه **سَيِّئَةٌ** است؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ا. س و ع	ب. س ا ع	ج. س ی ع	

ب. تمرین عبارت

۱. ﴿فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾

<input type="checkbox"/>	ا. پس ایمان آوردند به خدا و رسولش و نوری که [خدا] فرو فرستاد
<input type="checkbox"/>	ب. پس ایمان بیاورید به خدا و رسولش و نور [حقیقی] چیزی است که [ما] فرو فرستادیم
<input type="checkbox"/>	ج. پس ایمان بیاورید به خدا و رسولش و نوری که فرو فرستادیم

۲. ﴿وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾

- ا. و خداوند به آنچه می دانید، آگاه است ب. و خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است
- ج. و سوگند به خداوند، [که] به آنچه انجام می دهید، آگاه است

۳. ﴿يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ﴾

- ا. امروز جمع کرد شما را در روز [قیامت] همگی ب. روزی که جمع می شوید در روز جمع آوری
- ج. روزی که جمع می کند شما را برای روز جمع آوری

۴. ﴿ذَلِكَ يَوْمُ التَّعَابِنِ﴾

- ا. آن، روز [درک] خسارت دیدن است ب. این روز، هنگام زیان کردن است
- ج. آن روز، هنگام غم و اندوه است

۵. ﴿مَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ﴾

- ا. کیست که ایمان بیاورد به خدا و [عمل] شایسته انجام دهد تا گناهانش از او پوشانده شود و داخل در بهشت هایی شود؟
- ب. کسی که ایمان آورد به خدا و [عمل] شایسته انجام دهد، [خدا] می پوشاند از او بدی هایش را و وارد می کند او را در بهشت هایی
- ج. کسی که ایمان بیاورد به خدا و [عمل] شایسته انجام دهد، بدی هایش را پوشانده است و او داخل در بهشت هایی می شود

۶. ﴿جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾

- ا. بهشت هایی که جاری است از زیر رودها، [آنان] جاودانه در آن اند همیشه
- ب. بهشت هایی که جاری است از زیر آن، رودها، [آنان] جاودانگان در آن اند همیشه
- ج. بهشت هایی که جاری است از زیر آن، رودها و همیشه ماندگار است

۷. ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ﴾

- ا. و کسانی که کافر شدند و تکذیب کردند نشانه های ما را، آنان اهل آتش اند
- ب. و کسانی که ناسپاسی کردند و دروغ بستند به نشانه های ما، یاران آتش اند
- ج. و کسانی که کافرنند، تکذیب کردند نشانه های ما را، آن ها مالکان جهنم هستند

۸. ﴿أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾

- ا. آنان اهل آتش اند، جاودانگان در آن اند و چه بد فرجامی!
- ب. آنان اهل جهنم هستند، جاودانه در آن اند و بسیار بد بازگشت کردند!
- ج. آنان یاران آتش ابدی هستند و چه بد بازگشتگاهی!



اسم فاعل ، مفعول ، مبالغه و صفت مشبّهه

اسم فاعِل و اوزان آن

به این کلمات توجه کنید: «عابد = عبادت کننده»، «عالم = دانا»، «مصدق = تصدیق کننده» و «مؤمن = باایمان».

عابد و مُصَدِّق انجام دهنده کارِ عِبَادَة و تَصَدِيق و همچنین عالم و مؤمن افرادِ دارای حالتِ علم و ایمان اند.

آموختیم که فعل، معنای مستقلى (واقع شدن کار یا حالتی) در زمان خاصی دارد.

به انجام دهنده آن کار یا دارنده آن حالت، فاعِل و به اسمی که بر فاعل دلالت کند، اسم فاعل می‌گوییم.

اسم فاعل از فعل ثلاثی مجرد: بروزن فاعِل است؛ برای مثال، اسم فاعل ثلاثی مجرد از ریشه «عبد»، عابد است.

اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید: جای حرف نخست صیغه اول مضارع، میم مضموم (م) گذاشته و حرف ماقبل آخر را مکسور می‌کنیم.

اسم مفعول و اوزان آن

به این کلمات توجه کنید: «مستور = پنهان شده»، «معلوم = دانسته شده»، «مکرم = گرامی داشته شده» و «مستضعف = ضعیف شمرده شده».

مستور چیزی است که «بستر = پنهان کردن» بر آن واقع شده و معلوم چیزی است که مورد «علم = دانستن» قرار گرفته و همچنین مکرم مورد «اکرام = گرامی داشتن» و مستضعف مورد «استضعاف = ضعیف شمردن» است.

به چیزی که فعل بر آن واقع شود، مفعول و به اسمی که بر مفعول دلالت کند، اسم مفعول می‌گوییم.

اسم مفعول از فعل ثلاثی مجرد: بروزن مفعول است؛ برای مثال، اسم مفعول ثلاثی مجرد از ریشه «علم»، معلوم است.

اسم مفعول از فعل ثلاثی مزید: جای حرف نخست صیغه اول مضارع، میم مضموم (م) گذاشته، حرف ماقبل آخر را مفتوح می‌کنیم. در جدول زیر اوزان اسم فاعل و مفعول ابواب مزید به همراه مثال قرآنی آمده است:

۱. برای استاد: فالمستضعف هو الذي يُجعل ضعیفًا. (رک: التحقيق، ج ۷، ص ۳)

باب	ص ۱ مضارع	اسم فاعل	مثال قرآنی	اسم مفعول	مثال قرآنی
إِفعال	يُفْعَلُ	مُفْعِلٌ	مُؤْمِنٌ = فرد باایمان	مُفْعَلٌ	مُكْرَمٌ = گرامی داشته شده
تَفْعِيلٌ	يُفْعَلُ	مُفْعِلٌ	مُصَدِّقٌ = تصدیق کننده	مُفْعَلٌ	مُطَهَّرٌ = پاکیزه شده
مُفَاعَلَةٌ	يُفَاعِلُ	مُفَاعِلٌ	مُجَاهِدٌ = جهادکننده	مُفَاعِلٌ	مُبَارَكٌ = برکت یافته
إِفْتِعَالٌ	يَفْتَعِلُ	مُفْتَعِلٌ	مُكْتَرِفٌ = کسب کننده	مُفْتَعِلٌ	مُسْتَنْظَرٌ = نوشته شده
إِنْفِعَالٌ	يَنْفَعِلُ	مُنْفَعِلٌ	مُنْفَعِرٌ = ریشه کن شده	مُنْفَعِلٌ	ندارد
تَفَعُّلٌ	يَتَفَعَّلُ	مُتَفَعِّلٌ	مُتَوَكِّلٌ = توکل کننده	مُتَفَعِّلٌ	ندارد
تَفَاعُلٌ	يَتَفَاعَلُ	مُتَفَاعِلٌ	مُتَشَابِهٌ = شبیه به هم	مُتَفَاعِلٌ	ندارد
إِسْتِفْعَالٌ	يَسْتَفْعِلُ	مُسْتَفْعِلٌ	مُسْتَهْزِءٌ = مسخره کننده	مُسْتَفْعِلٌ	مُسْتَضْعَفٌ = ضعیف شده

توجه: حرکت حرف آخر اسم فاعل و مفعول با توجه به نقش آن‌ها در جمله مشخص می‌شود، از این رو پس از ساخت اسم فاعل یا مفعول مزید از فعل مضارع، حرکت آخر را حذف می‌کنیم؛ برای مثال حرکت ضمه فعل **يُؤْمِنُ** در اسم فاعل **مُؤْمِنٌ** حذف می‌شود.

اسم مبالغه و اوزان آن

«اسم مبالغه» یا «مبالغه اسم فاعل» برای نشان دادن مبالغه و کثرت در معنای اسم فاعل به کار می‌رود؛ برای مثال، **غَافِرٌ** اسم فاعل و به معنای «آمرزنده» است. به کلمه **غَافِرٌ** بسیار آمرزنده» که با تأکید و مبالغه، بر معنای **غَافِرٌ** دلالت دارد، **اسم مبالغه** می‌گوییم.

به اسمی که بر مبالغه در معنای اسم فاعل دلالت دارد، **اسم مبالغه** می‌گوییم.

توجه: اسم مبالغه غالباً برای تأکید و مبالغه در معنای اسم فاعل مجرّد به کار می‌رود، نه اسم فاعل مزید؛ برای مثال **غَافِرٌ** مبالغه **غَافِرٌ** است نه مبالغه **مُسْتَغْفِرٌ** = استغفار کننده، طالب غفران». برخی اوزان اسم مبالغه به همراه مثال قرآنی، در جدول زیر آمده‌اند:^۳

۱. یادآوری: ر.ک: به زبان قرآن درس اول.

۲. برای استناد: ابواب «انفعال، تفعّل و تفاعل» غالباً لازم‌اند و در قرآن کریم، اسم مفعول این ابواب به کار نرفته است.

۳. برای استناد: اوزان مختلف اسم مبالغه (و سایر اسامی مشتق) تفاوت‌های دقیقی در معنا دارند که از سطح این کتاب فراتر است، همان‌طور که ابو هلال عسکری گفته: «فاما في لغة واحدة فمحال أن يختلف اللفظان والمعني واحد كما ظن كثير من النحويين واللغويين.» (الفروق في اللغة، ص ۱۵)

وزن اسم مبالغه	مثال قرآنی
فَعَال (فَعَالَةٌ)	عَفَّار = بسیار آمرزنده، حَنَّاس = بسیار پنهان شونده
فَعُول	عَفُور = بسیار آمرزنده، صَبُور = بسیار صبرکننده
فُعُول	قُدُوس ^۱ = بسیار مقدّس، بسیار پاک
فَعِيل	صَدِيق = بسیار راستگو

سؤال: مبالغه در معنای اسم فاعل به چه معناست؟ برای مثال **صَادِق** به معنای راستگو و **صَدِيق** به معنای «بسیار راستگو» است. هر دو کلمه به معنای کسی است که دروغ نمی‌گوید و ظاهراً تفاوتی بین معنای واقعی آن‌ها وجود ندارد.

جواب: معنای اسم فاعل و اسم مبالغه با هم تفاوت دارند و نمی‌توان گفت تنها تفاوت آن‌ها در لفظ «بسیار» است؛ هرچند تشخیص این تفاوت معنایی همیشه آسان نیست؛ برای مثال **صَدِيق** به کسی گفته می‌شود^۲ که هم اعتقادش راست باشد و هم گفتارش و هم رفتارش مطابق اعتقادات و گفتارش باشد؛ یعنی در اعتقاد و قول و فعل صادق باشد.

🔗 صفت مشبّهه و اوزان آن

به تفاوت دو کلمه «**مُکْرِم**: اسم فاعل از **اِکْرَام**» و «**کَرِيم**: صفت مشبّهه از **کَرَامَة**» توجه کنید. **مُکْرِم** به کسی گفته می‌شود که «اکرام کردن» از او سر می‌زند؛ مثلاً جمله **زَيْدٌ مُکْرِمٌ فَقِيرًا**، یعنی: الان فقیری آمده و زید دارد به او اکرام می‌کند؛ اما **کَرِيم** به کسی گفته می‌شود که صفت کرامت در او ثابت شده؛ مثلاً جمله **عَلِيٌّ كَرِيمٌ**، یعنی علی به قدری اهل بخشش است که کرامت در علی ملکه و ثابت است و هر جا شرایطش مهیا شود او کرامت می‌کند؛ از این رو لزومی ندارد هنگامی که جمله **عَلِيٌّ كَرِيمٌ** گفته می‌شود، علی در حال عطا و بخشش باشد و ممکن است مشغول کار دیگری باشد.

اصطلاحاً به **کَرِيم**، **صفت مشبّهه** (صفتی که معنای آن شبیه اسم فاعل است) می‌گوییم.

به اسمی که بر ارتباط ثابت با فعل دلالت دارد، «صفت مشبّهه» می‌گوییم.^۳

صفت مشبّهه وزن‌های متنوعی دارد، برخی از اوزان صفت مشبّهه فعل مجرد^۴، به همراه مثال در جدول زیر آمده است.^۵

۱. برای استاد: جامع الدروس این کلمه را اسم مبالغه گرفته (ص ۱۴۳)؛ اما الجدول آن را صفت مشبّهه می‌داند. (ج ۲۸، ص ۲۱۱)

۲. برای استاد: الصّدِيق: ... و قيل: بل لمن صدق بقوله و اعتقاده و حقّق صدقه بفعله. (مفردات، ص ۴۷۹)

۳. اسم فاعل و اسم مفعول مشمول این تعریف نیستند.

۴. بیشتر بدانیم: صفت مشبّهه فعل مزید، بر وزن اسم فاعل آن است و فقط در معنا با یکدیگر متفاوت‌اند.

۵. برای استاد: رویکرد این درس، تفکیک اسامی مشتق براساس اوزان آن‌هاست؛ این شیوه، غالبی بوده و برای تشخیص دقیق باید به ملاک‌های دیگری همچون لازم یا متعدی بودن، معلوم یا مجهول بودن، استعمال اسم فاعل، اراده معنای ثبوت یا حدوث و... باید توجه کرد. برای مثال «رسول» بر وزن «فَعُول»، صفت مشبّهه است نه اسم مبالغه؛ چراکه معنای مفعولی (هم معنای مُرْسَل) دارد و نمی‌تواند مبالغه در اسم فاعل واقع شود یا «سمیع» بر وزن «فَعِيل»، اسم مبالغه است؛ زیرا وزن فاعل آن (سَامِع) کاربرد دارد یا «خَدِيد» بر وزن «فَعِيل» اسم جامد است نه صفت مشبّهه.

وزن صفت مُشَبَّهه	مثال
فَعِيل	حَكِيم = باحکمت، عَظِيم = بزرگ، بَصِير = بینا
فَعِل	مَلِك = فرمانروا، صاحب مُلک
فَعَل	حَسَن = نیکو
فَاعِل (فَاعِلَة)	طَيِّب = پاک، بَيِّن = روشن، مَيِّت = مرده

توجه: اسم فاعل، مفعول، مبالغه و صفت مشبَّهه، هریک دارای شش صیغه‌اند که در گذشته با روش ساخت آن‌ها آشنا شدیم؛ برای مثال شش صیغه اسم فاعل **عَالِم** عبارت‌اند از: «**عَالِم**، **عَالِمَانِ** / **عَالِمَيْنِ**، ...، **عَالِمَة**، ...».

تمرین زبان قرآن

۱. جدول تحلیل فعل را برای افعال مشخص شده، تکمیل کنید.

أ. فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (تغابن: ۸)

ب. يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجُمُعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابِنِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (تغابن: ۹)

ج. وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ (تغابن: ۱۰)

ش	فعل	ریشه	باب	ص	نوع	اولیه	مرحله ۱		مرحله ۲	
							ق	فعلی	ق	فعلی
۱	آمَنُوا									
۲	أَنْزَلْنَا									
۳	تَعْمَلُونَ									
۴	يُؤْمِنُ				مضارع		جزم			
۵	يَعْمَلُ				مضارع					
۶	يُكْفِّرُ									تفعیل
۷	يُدْخِلُ									
۸	تَجْرِي									فَعَلٌ - يَفْعَلُ
۹	كَذَّبُوا									

۲. با توجه به آیات سؤال قبل، علت جزم افعال را توضیح دهید.

۳. در جدول های زیر، صیغه های مختلف اسم خواسته شده را بنویسید.

أ. اسم فاعل باب «اِفعال» از ریشه «أمن».

مفرد	مثنی	جمع
مذکر		
مؤنث		

ب. اسم مفعول باب «تفعیل» از ریشه «طهر».

مفرد	مثنی	جمع
مذکر		
مؤنث		

۴. در جدول زیر برخی از صفات مشبّهة و اسامی مبالغه کتاب (حمد تا تغابن) آمده است، جاهای خالی را تکمیل کنید.

ش	اسم	ریشه	وزن	مشبّهة / مبالغه	معنا
۱	مَالِك	ملک	فَاعِل	مشبّهة	صاحب (همیشگی)
۲	نَفَاثَة	نفث	فَعَالَة	مبالغه	بسیار دمنده
۳	مَلِك				
۴	خَنَاس				
۵	قُدُوس				
۶	عَزِيز				
۷	حَكِيم				
۸	عَظِيم				
۹	كَثِير				
۱۰	أَلِيم				
۱۱	طَيِّبَة				
۱۲	قَرِيب				
۱۳	بَصِير				
۱۴	يَسِير				
۱۶	عَفُور				
۱۷	حَسَن				
۱۸	شَكُور				

۱. برای استاد: وزنه فعلیل و هوإما صفة مشبّهة باسم الفاعل من باب كرم أو مبالغه اسم الفاعل من باب فرح. (الجدول، ج ۱، ص ۲۰۷).



سوره مبارک تغابن

بخش چهارم: آیات یازدهم تا سیزدهم

خَلِيدِينَ فِيهَا وَيَبْسُ الْمَصِيرُ ﴿١٠﴾ مَا أَصَابَ^١ مِنْ مُصِيبَةٍ
إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ
بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ
تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا^٣ عَلَى^٤ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿١٢﴾ اللَّهُ
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ^٥ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٣﴾ يَا أَيُّهَا

۱۱. مُصِيبَةٌ [صوب]: مصیبت، آنچه (به انسان)

می رسد ^١ [أذن]: اذن، اجازه.

۱۳. مُؤْمِنُونَ [أمن]: ج. س مؤمن.

جدید

۱۱. أَصَابَ [صوب]: {ماضی، ۱ إفعال}، اصابت

کرد، رسید.

۱۲. أَطَاعَ [طوع]: {ماضی، ۱ إفعال}، اطاعت

کرد، پیروی کرد ^١ [طوع]: {امر، ۹ أطاق} ^٢ [تولیتهم] [ولی]: {ماضی، ۹ تولى} ^٣ [إنما]: فقط ^٤ [بلاغ] [بلغ]: رساندن، تبلیغ.

۱۳. ^١ [إلا]: به جز، مگر (اینکه)، بلکه، ولی ^٢ [توكل] [وکل]: {ماضی، ۱ تفعل}، توکل کرد، اعتماد کرد ^٣ [ليتوكل] [وکل]: {امر، ۱

توكل}.

۱. فعل «أصاب» را در این آیه به صورت مضارع ترجمه کنید.

۲. «من» در این جا به معنای هیچ» است. اصطلاحاً به آن، من زائده برای تأکید» می گوئیم.

۳. بیشتر بدانیم: این جمله دو گونه ترجمه می شود که حالت دوم صحیح است:

• حالت اول: فقط بر عهده رسول ما، رساندن آشکار [پیام وحی] است: یعنی فقط بر عهده رسول ماست و نه بر عهده کس دیگری.

• حالت دوم: بر عهده رسول ما، فقط رساندن آشکار [پیام وحی] است: تنها وظیفه رسول ما، رساندن آشکار است.

در ترجمه جملاتی که «إنما» بر سر آن وارد می شود، لفظ «فقط» را بر سر قسمت پایانی جمله قرار می دهیم؛ مانند حالت دوم.

۴. «على» در این جا به معنای بر عهده» است.

۵. «فليتوكل» به صورت جمع ترجمه شود.

۶. «مُصِيبَةٌ» بیشتر در تلخی ها و گزندهایی که به انسان می رسد استعمال می شود.

۷. برای استناد: «إنما» در حقیقت ترکیبی از دو کلمه است: حرف مشبهة بالفعل «إن» و حرف «ما» ی کافه. برای سهولت آن را یک کلمه در نظر گرفته ایم.

تمرین ترجمه

ا. تمرین واژه

۱. در آیه **﴿وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾** ، کدام گزینه ترجمه **لِيَتَوَكَّلَ** است؟

ا. توکل کنید ب. باید توکل کند ج. باید توکل کنند
۲. در آیه **﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾** ، کدام گزینه ترجمه **تَوَلَّيْتُمْ** است؟

ا. روی می آورید ب. روی بگردانید ج. روی گردانید
۳. کدام گزینه معنای «اطاعت کنید» است؟

ا. أطاعوا ب. أطيعوا ج. تُطِيعُونَ
۴. کدام گزینه ترجمه **بلاغ** است؟

ا. پیام ب. پیام آور ج. رساندن
۵. کدام گزینه معنای «فقط» است؟

ا. إِنَّمَا ب. إِنَّ ج. كَأَنَّمَا
۶. در آیه **﴿وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ﴾** ، کدام گزینه ترجمه **يَهْدِ** است؟

ا. هدایت می شود ب. هدایت می کند ج. هدایت بکند
۷. در کدام گزینه کلمات هم خانواده هستند؟

ا. أصاب / مُصِيبَةٌ ب. تَوَلَّيْتُمْ / وَلِيٌّ ج. هر دو گزینه
۸. کدام گزینه ریشه کلمه **أَطِيعُوا** است؟

ا. أطع ب. طى ع ج. ط و ع

ب. تمرین عبارت

۱. **﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾**

ا. هرآنچه از بدی می رسد به اذن خداوند است.

ب. نمی رسد هیچ مصیبتی مگر با اذن خداوند.

ج. هیچ مصیبتی با اذن خداوند (به انسان) نمی رسد.
۲. **﴿وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ﴾**

ا. و کسی که ایمان بیاورد به خداوند، قلبش هدایت شده است.

ب. و کسی که ایمان بیاورد به خداوند، (خدا) هدایت می کند قلبش را.

ج. و کسی که ایمان می آورد به خداوند، (در حقیقت) قلبش او را هدایت کرده است.

۳. ﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾

- ا. و اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول را
- ب. و اطاعت کردند خدا را و اطاعت کردند رسول را
- ج. پیرو [راستین] خدا و رسول باشید.

۴. ﴿فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾

- ا. پس اگر ولایت پذیر نباشید، قطعاً بر عهده رسول ما رساندن آشکار [پیام وحی] است
- ب. پس اگر روی بگردانید، بر عهده رسول ما، فقط رساندن آشکار [پیام وحی] است
- ج. پس اگر پیروی کنید، پس فقط بر عهده رسول ما، رساندن آشکار [پیام وحی] است

۵. ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾

- ا. خداوند معبودی ندارد و جز او نیست [خدایی]
- ب. خداوند کسی است که معبود یگانه است
- ج. خداوند، نیست معبودی جز او

۶. ﴿وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾

- ا. و بر عهده خداوند، وکالت [امور] مؤمنان است
- ب. و بر خداوند است توکل بر مؤمنان
- ج. و مؤمنان باید بر خداوند توکل کنند



اسم تفضیل، زمان، مکان و آلت

اسم تفضیل و اوزان آن

به این مثال‌ها توجه کنید: «علی دانا است.» «علی داناتر از حسین است.» «علی داناترین فرد مدرسه است.» داناتر» و «داناترین» برای بیان برتری دانایی علی، نسبت به یک فرد (حسین) یا چند فرد (افراد مدرسه) به کار رفته است. در عربی نیز برای بیان برتری از اسم تفضیل استفاده می‌کنیم؛ در آیات شریف زیر «عالم = دانا»، اسم فاعل و «أعلم = داناترین» اسم تفضیل است.

تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ (جمعه: ۸)؛ «بازگردانده می‌شوید به سوی دانای نهان و آشکار.»
مَنْ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ (ق: ۴۵)؛ «ما داناتریم به آنچه می‌گویند.»

به اسمی که به برتری یک صفت در چیزی نسبت به سایر (ین) دلالت دارد، اسم تفضیل می‌گوییم^۱.

اسم تفضیل مذکر بر وزن **أَفْعَل** و اسم تفضیل مؤنث بر وزن **فُعَلَى** می‌آید.

وزن اسم تفضیل	مثال قرآنی
مذکر أَفْعَل	أكبر = بزرگ‌تر (ین)، أعلى = برتر (ین)، أدنی ^۲ = نزدیک‌تر (ین) / پست‌تر (ین)
مؤنث فُعَلَى ^۳	كبرى = بزرگ‌تر (ین) / علیا = برتر (ین)، دنیا = نزدیک‌تر (ین) / پست‌تر (ین)

توجه: کلمات «أخیر = بهتر» و «أشرف = بدتر» به علت کاربرد فراوان، به صورت **خیر** و **شرف** نوشته می‌شوند؛ از این رو برای یافتن معنای این کلمات باید به کاربرد آن‌ها در جمله توجه کرد و تشخیص داد که معنای تفضیلی منظور است یا مطلق؛ به مثال‌های زیر توجه کنید:

وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ (بقره: ۱۹۷)؛ «و آنچه از خوبی انجام می‌دهید، می‌داند آن را خداوند.»
وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (جمعه: ۱۱)؛ «و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است.»

۱. بیشتر بدانیم: اسم تفضیل در زبان عربی، گاه معادل صفت تفضیل و گاه معادل صفت عالی در زبان فارسی است؛ برای مثال هنگامی اسم تفضیل محلی به «ال» است، به صورت صفت عالی نیز ترجمه می‌شود؛ مانند ﴿لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ (حشر: ۲۴): «نام‌های نیکوتر (نیکوترین نام‌ها) برای اوست.»
۲. «أدنی» از مصدر «دَنَاة [دنی]»، معنای «پست‌تر» و از مصدر «دُنُو [دنوا]»، معنای «نزدیک‌تر» دارد. (رک: قاموس قرآن؛ ج ۲؛ ص ۳۶).
۳. گاهی به صورت «فُعلا» هم نوشته می‌شود.

اسم زمان و مکان و اوزان آن‌ها

به مثال‌های زیر توجه کنید:

خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ (اعراف: ۳۱) = برگیرید زینت‌تان را نزد هر مسجدی (مکان سجده).
حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ (قدر: ۵) = تا زمان طلوع فجر.

«کلمات **مَسْجِدٍ** = محل سجده، بر مکان سجده کردن» و «**مَطْلَعٍ** = زمان طلوع» بر زمان طلوع کردن» دلالت دارند.

به اسمی که بر مکان وقوع فعل دلالت دارد، **اسم مکان**

و به اسمی که بر زمان وقوع فعل دلالت دارد، **اسم زمان** می‌گوییم.

با توجه به تعریف، می‌توان برای افعال مجرد یا مزید، اسم مکان یا زمان ساخت. اوزان اسم مکان با اسم زمان یکسان است و برای تشخیص اسم زمان از مکان باید به معنای آن‌ها توجه کرد. در جدول زیر، اوزان انواع اسم زمان و مکان به همراه مثال قرآنی آمده است.

ساخت از	وزن	مثال قرآنی
فعل مجرد	مَفْعَل	مَرَصِدٌ = مکان دیده‌بانی، مَلَجَأٌ = مکان پناه، پناهگاه
فعل مزید	مَفْعِل	مَوْعِدٌ = زمان یا مکان وعده
وزن اسم مفعول	مُضَلَّى	مُضَلَّى = (باب تفعیل) مکان نماز خواندن، مَقَامٌ = (باب إفعال) مکان اقامت

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌کنید اسم زمان و مکان ممکن است از فعل ثلاثی مجرد یا ثلاثی مزید ساخته شود؛ برای مثال **مَوْعِدٌ** بر زمان یا مکان وقوع فعل **وَعَدَ - يَعِدُ** و **مُضَلَّى** بر مکان وقوع فعل **صَلَّى - يُصَلِّي** دلالت دارد. **توجه:** شیوه ساخت مؤنث و همچنین مثنی و جمع در اسم زمان و مکان همان است که آموختیم.

اسم آلت و اوزان آن

اسمی است که بر ابزار و آلت انجام فعل دلالت می‌کند؛ مانند «**مِفْتَاحٌ** = کلید» که بر آلت «**فَتَحَ** = گشودن» دلالت دارد. اسم آلت معمولاً با وزن **مِفْعَال** در قرآن کریم به کار رفته است.

به اسمی که به آلت انجام فعل دلالت می‌کند، **اسم آلت** می‌گوییم.

در جدول زیر، یکی از اوزان اسم آلت به همراه مثال‌های قرآنی آن آمده است.

وزن اسم آلت	مثال قرآنی
مِفْعَال	مِصْبَاحٌ = چراغ (وسیله روشن کردن) مِکْيَالٌ = پیمانانه (وسیله پیمانانه کردن) مِيزَانٌ = ترازو (وسیله وزن کردن)

توجه ۱: برخی اسامی مشتق ساختار یکسانی دارند، از این میان اوزان **مَفْعَل - مَفْعِل** بین مصدر میمی مجرّد و اسم زمان و مکان مجرّد مشترک اند، همچنین وزن مصدر میمی مزید و اسم زمان و مکان مزید نیز با اسم مفعول مزید برابر است. گاهی این شباهت‌ها تشخیص نوع کلمه را دشوار می‌کند و باید از قرائن دیگری در جمله استفاده کرد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

﴿ فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ ﴾ (توبه: ۸۱): شاد شدند تخلف‌کنندگان [از جهاد] از نشستشان، برخلاف [حرکت] رسول خدا.

﴿ أَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ ﴾ (جن: ۹): اینکه ما همواره می‌نشستیم در آن (آسمان) در محل‌های نشستنی برای شنیدن [اخبار آسمانی].

مَقْعَد، در آیه اول مصدر میمی و به معنای «**قُعُود** = نشستن» و در آیه دوم اسم مکان و به معنای محل نشستن است. **مَقَاعِد** نیز جمع مکسر **مَقْعَد** است.

توجه ۲: از میان هشت اسم مشتقی که تا کنون یادگرفته‌ایم، پنج‌تای آن‌ها را که عبارت‌اند از: «اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، صفت مشبّهه و اسم تفضیل» مشتق وصفی می‌گوییم. علت نامگذاری این است که این اسامی قابلیت ایفای نقش صفت را در جمله دارند.

تمرین زبان قرآن

۱. جدول تحلیل فعل را برای افعال مشخص شده، تکمیل کنید.

- أ. قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (فلق: ۱)
 ب. مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (تغابن: ۱۱)
 ج. وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (تغابن: ۱۲)
 د. اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (تغابن: ۱۳)

ش	فعل	ریشه	باب	ص	نوع	اولیه	مرحله ۱		مرحله ۲	
							ق	فعلی	ق	فعلی
۱	أَعُوذُ	عوذ	فَعَلٌ - يَفْعَلُ				اعلال	ق	ق	مرحله ۲
۲	أَصَابَ									
۳	يَهْدِي		فَعَلٌ - يَفْعَلُ		مضارع		اعلال	ق	جزم	
۴	أَطِيعُوا			۹						
۵	تَوَلَّيْتُمْ									
۶			تَفَعَّلَ				امر			

۲. اسامی تفضیل، زمان، مکان و آلت را در آیات زیر مشخص کنید.

- أ. فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (جمعه: ۹)
 ب. وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ (صف: ۷)
 ج. وَيُدْخِلِكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ (صف: ۱۲)
 د. وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ الْمُؤْمِنِينَ (صف: ۱۳)
 هـ. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید: ۲۵)

۳. در آیات شریف زیر، اسم زمان یا مکان را مشخص و تفاوت معنایی آن‌ها را بیان کنید (امتیازی).

- أ. فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ (آل عمران: ۹۷)
 ب. وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا (احزاب: ۱۳)
 ۴. وزن **مصبر** در عبارت شریف ﴿وَالِيهِ الْمَصِيرُ﴾ (تغابن: ۳) چیست؟ این کلمه از نظر صرفی چه نوع کلمه‌ای است؟ با در نظر گرفتن احتمالات مختلف، معانی مختلف عبارت فوق را بررسی کنید. (امتیازی).



سوره مبارک تغابن

بخش پنجم: آیات چهاردهم تا پانزدهم

آشنا

۱۴. زَوْج [زوج]: زوج، همسر **أَوْلَاد** [ولد]: ج. م. وُلْد
عَفُور [غفر]: {بسیار} آمرزنده، بخشنده.
 ۱۵. **أَجْر** [اجر]: اجر، پاداش.

جدید

۱۴. **أَزْوَاج** [زوج]: ج. م. زَوْج **وَلَد** [ولد]: فرزند **حَذِرَ**
 [حذرا]: {ماضی، ۱ فَعَلَ - يَفْعَلُ}، حذر کرد،
 احتیاط (پرهیز) کرد **إِخْذَرُوا** [حذرا]: {امر، ۹
 حَذِرَ} **عَفَا** [عفو]: {ماضی، ۱ فَعَلَ - يَفْعَلُ}، عفو کرد، بخشید **تَغْفُونَ** [عفو]: {مضارع، ۹ عَفَا} **صَفَحَ** [صفح]: {ماضی،
 ۱ فَعَلَ - يَفْعَلُ}، نادیده گرفت، چشم پوشی کرد **تَصَفَّحُونَ** [صفح]: {مضارع، ۹ صَفَحَ} **غَفَرَ** [غفر]: {ماضی، ۱ فَعَلَ -
 يَفْعَلُ}، پوشاند، آمرزید **تَغْفِرُونَ** [غفر]: {مضارع، ۹ غَفَرَ} **عَدُّوا لَكُمْ**: دشمن شما هستند.
 ۱۵. **فِتْنَةٌ** [فتن]: امتحان، وسیله امتحان.



سُورَةُ التَّغَابُنِ



إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٣٦﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا
 لَكُمْ فَأَحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعَفُوا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا
 فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣٧﴾ إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ
 فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٣٨﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ

حَذِرَ} **عَفَا** [عفو]: {ماضی، ۱ فَعَلَ - يَفْعَلُ}، عفو کرد، بخشید **تَغْفُونَ** [عفو]: {مضارع، ۹ عَفَا} **صَفَحَ** [صفح]: {ماضی،
 ۱ فَعَلَ - يَفْعَلُ}، نادیده گرفت، چشم پوشی کرد **تَصَفَّحُونَ** [صفح]: {مضارع، ۹ صَفَحَ} **غَفَرَ** [غفر]: {ماضی، ۱ فَعَلَ -
 يَفْعَلُ}، پوشاند، آمرزید **تَغْفِرُونَ** [غفر]: {مضارع، ۹ غَفَرَ} **عَدُّوا لَكُمْ**: دشمن شما هستند.

۱۵. **فِتْنَةٌ** [فتن]: امتحان، وسیله امتحان.

۱. من بعضیه.

تمرین ترجمه

ا. تمرین واژه

۱. در آیه **﴿وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾**، کدام گزینه ترجمه **تَصْفَحُوا** است؟

- چشم پوشی کنید ب. ورق بزنید ج. نظر کنید

۲. در آیه **﴿وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾**، کدام گزینه ترجمه **تَعَفُّوا** است؟

- ببخشید ب. بخشنده باشید ج. می بخشید

۳. کدام گزینه ترجمه **أَجْر** است؟

- نعمت ب. پاداش ج. اجاره

۴. کدام گزینه معنای «بپرهیزید» است؟

- ا. إِحْظَرُوا ب. إِحْذَرُوا ج. أَحْرَزُوا

۵. کدام گزینه معنای «فرزند» است؟

- ا. أَوْلَادٌ ب. وُلْدٌ ج. وُلْدٌ

۶. در آیه **﴿إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾**، کدام گزینه ترجمه **فِتْنَةٌ** است؟

- ا. مایه دردسر ب. وسیله امتحان ج. اسباب گمراهی

۷. در کدام گزینه، کلمات هم خانواده هستند؟

- ا. أَوْلَادٌ / لَمْ يَلِدْ ب. تَغْفِرُونَ / غَفُورٌ ج. هَرَدُوْا / كَزَبُوا

ب. تمرین عبارت

۱. **﴿إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ﴾**

- ا. همانا برخی از همسران و فرزندان تان دشمنان شما هستند، پس بترسید از آنان
 ب. همانا برخی از همسران و فرزندان تان، دشمن شما هستند، پس احتیاط کنید از آنان
 ج. همانا همسران و فرزندان تان [در حقیقت] دشمن شما هستند، پس بیم دهید آنان را

۲. **﴿وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾**

- ا. و اگر می بخشیدید و نادیده می گرفتید، قطعاً خداوند هم نسبت به شما آمرزنده و مهربان می شد.
 ب. و اگر ببخشید و چشم پوشی کنید و بیوشانید، پس قطعاً خداوند آمرزنده مهربان است
 ج. و اگر درگذرید و چشم پوشی کنید و [برایشان] استغفار کنید، قطعاً خداوند آمرزنده مهربان است

۳. ﴿إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾

ا. اموال تان و فرزندان تان فقط وسیله امتحان [شما] هستند

ب. فقط اموال تان و فرزندان تان، وسیله امتحان [شما] هستند

ج. قطعاً اموال تان و فرزندان تان، وسیله عذاب [شما] هستند

۴. ﴿وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾

ا. و قسم به خدایی که نزد او پاداش بزرگی است

ب. و خداوند عطاکننده پاداش‌های بزرگ است

ج. و خداوند، نزدش پاداش بزرگی است



معرفه و نکره و اسم موصول

تعریف معرفه و نکره

به این جملات توجه کنید: «مردی را در مسجدی دیدم، به مرد سلام کردم و او پاسخم را داد؛ سعید از من پرسید: آن شخص کیست؟ گفتیم: او کسی است که با برادرش سال‌ها دوست بودم»
در آغاز کلام از مردی ناشناخته سخن می‌گوییم؛ اما همین شناخت ابتدایی (دیدن مرد در مسجد) باعث می‌شود در جملات بعدی از لفظ «مرد» به جای «مردی» استفاده کنیم. «مردی»، اسم نکره و «مرد»، اسم معرفه است. در فارسی «ی» یا «یک» نشانه‌های اسم نکره هستند؛ مانند: مردی، یک مرد. حال به بحث معرفه و نکره در عربی می‌پردازیم. به آیات شریف زیر توجه کنید:

«أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا» (۱۵) فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ (مزمل: ۱۶)؛ فرستادیم به سوی فرعون رسولی؛ پس فرعون [آن] رسول را نافرمانی کرد.»

رَسُولًا نکره است و توضیحی که درباره آن آمده (أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا) موجب شده در آیه بعد به صورت **الرَّسُولِ** و معرفه ذکر شود و این تفاوت در ترجمه آن‌ها مشخص است. اسم نکره بدون **ال** و اسم معرفه به همراه **ال** آمده است. به اسمی که بر چیز معین معلومی دلالت کند، اسم معرفه و به اسمی که بر چیز غیر معین دلالت کند، اسم نکره می‌گوییم.

انواع اسم معرفه و نکره

چند قسم از اسامی، معرفه و بقیه نکره هستند. انواع معرفه به همراه مثال، در جدول زیر آمده‌اند:

ش	نوع معرفه	مثال	آیه
۱	مُعَرَّفٌ به «ال»	الأرض	يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (تغابن: ۱)
۲	عَلَمٌ	مُحَمَّدٌ	مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ (فتح: ۲۹)
۳	ضمیر	هُوَ	هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (تغابن: ۱)
۴	اسم اشاره	ذَلِكَ	ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ (جمعة: ۴)
۵	اسم موصول	الَّذِي	الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا (جمعة: ۲)
۶	مُعَرَّفٌ به اضافه	رَسُولٌ	فَأْتَمَّا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (تغابن: ۱۲)

۱. معارف شش بُود: مُضَمَّر، اضافه عَلَم، ذو‌اللام، موصول و اشاره.

مُعَرَّفَ بِهِ «ال»: پرکاربردترین معرفه است. معنای اصلی **ال + اسم**^۱ شناخته بودن آن اسم است. شاید این اسم، فرد مشخص و معینی باشد که قبلاً در جمله آمده (مانند **الرَّسُولُ**) یا به طریق برای مخاطب مشخص باشد (مانند **الأرض**). ممکن است این اسم، فرد مشخصی نباشد؛ بلکه جنس مشخصی باشد؛^۲ مانند: ﴿فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ﴾ (جمعه: ۹) که **الْبَيْع** بر نوع خاصی از خرید و فروش دلالت ندارد، بلکه آیه از هر نوع خرید و فروشی هنگام نماز جمعه، نهی می‌کند.

اسم علم: به یک شیء خاص، شخص خاص، شهر خاص، مکان خاص و... دلالت دارد؛ مانند: ﴿أَحْمَدُ، مُحَمَّدٌ، مَكَّةٌ﴾. **ضمیر و اسم اشاره و اسم موصول:** با ضمیر و اسم اشاره آشنا شدیم و در ادامه با اسم موصول آشنا خواهیم شد. **مُعَرَّفَ بِهِ اِضَافَةٌ:** هرگاه در یک ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه)، مضاف الیه معرفه باشد، مضاف نیز معرفه است. در مثال شماره ۶، **رَسُولٌ** به ضمیر معرفه **نَا** اضافه شده و اصطلاحاً از آن کسب تعریف کرده است. در جلد دوم با بحث اضافه آشنا خواهیم شد.

توجه ۱: تمام اقسام اسامی معرفه را باید به صورت معرفه در فارسی ترجمه کنیم؛ البته قسم اول (مُعَرَّفَ بِهِ ال) به دقت بیشتری احتیاج دارد و سایر اقسام به طور معمول، درست ترجمه می‌شوند.

توجه ۲: گاه ممکن است در ترجمه اسم نکره، کلمه «هر» را که بر شمول (فراگیر بودن) دلالت دارد به ابتدای اسم اضافه کنیم؛ مانند:

﴿وَأَلْتَنظُرُ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ﴾ (حشر: ۱۸)؛ و باید بنگرد **هر فردی** (که) چه چیزی برای فردا (ی قیامت) پیش فرستاده...».

تنوین

تمام اسامی عربی را می‌توان به معرفه و نکره تقسیم کرد. اگر اسمی جزء شش قسم معرفه نباشد، نکره است.

سؤال: آیا اسم نکره هم نشانه و علامتی دارد؟

جواب: یک قرینه تشخیص نکره، **تنوین** است؛^۳ زیرا اسم هم‌زمان «ال» و «تنوین» نمی‌گیرد؛ از این رو **الکتاب** غلط است.

توجه: تنوین علامت غالبی نکره است نه قطعی؛ مثلاً **مُحَمَّدٌ** هم تنوین دارد و هم به واسطه علم بودن معرفه است.

موصول

در این بخش با یکی از انواع اسامی معرفه به نام اسم موصول آشنا می‌شویم. اسم **موصول** به خودی خود معنای واضحی ندارد و معنای آن به وسیله مابعدش (**صِلَّة**) دانسته می‌شود. برخی موصولات عبارت‌اند از: **الَّذِي، مَنْ، مَا**. به جدول زیر توجه کنید:

۱. **برای استاد:** الف و لام انواع مختلفی دارد: ۱. تعریف ۲. زائد ۳. موصول و... که در این بحث، الف و لام تعریف منظور است.

۲. **برای استاد:** اسم معرفه به الف و لام جنس اگرچه احکام معرفه را دارد؛ اما در معنا نکره است. (رک: جزوه صرف علوم حدیث، ج ۲، ص ۹)

۳. **برای استاد:** تنوینی که در اسامی معرب به کار می‌رود، غالباً تنوین تمکین بوده و علامت منصرف بودن اسم است نه نکره بودن؛ لکن تنوین با الف و لام جمع نمی‌شود؛ از این رو می‌توان به عنوان قرینه‌ای بر نکره بودن از آن استفاده کرد.

۴. **برای استاد:** موصولات بر دو قسم اند: موصولات اسمی و موصولات حرفی. در این درس فقط موصولات اسمی را مطرح کرده‌ایم.

ش	موصول	صله	مثال	معنای موصول
۱	الَّذِي	بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا	هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا (جمعة: ۲)	کسی که، چیزی که
۲	مَنْ	يَشَاءُ	ذَلِكَ فَضَّلَ اللَّهُ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ (جمعة: ۴)	کسی که
۳	مَا	خَلَقَ	مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (فلق: ۲)	چیزی که، آنچه

همان طور که در جدول بالا آمده، اسم موصول به تنهایی معنای مبهمی دارد؛ برای مثال نمی توان گفت: «هُوَ الَّذِي = او کسی است که» ولی با آمدن صله موصول، ابهام از اسم موصول برطرف شده، معنای معینی پیدا می کند.

الَّذِي مخصوص مفرد مذکر است؛ از این رو در مفرد مؤنث به جای آن **الَّتِي** و در جمع مذکر **الَّذِينَ** می آید.

﴿تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا﴾ (مريم: ۶۳): **الَّتِي** متناسب اسم مفرد مؤنث **جَنَّة** آمده رفته است.

﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ (حمد: ۷): **الَّذِينَ** متناسب با ضمیر جمع مذکر **هُمْ** به کار رفته است.

مَنْ و **مَا** در صیغه های مختلف یکسان اند و لزوماً برای مفرد مذکر به کار نمی روند؛ برای مثال در آیه زیر، **مَنْ**، معنای جمع دارد:

«هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا» (منافقون: ۷): آن ها (منافقین) کسانی هستند که می گویند: انفاق نکنید بر کسانی که نزد رسول خدا هستند تا اینکه پراکنده شوند»

انواع دیگر «مَنْ» و «مَا»: **مَنْ** و **مَا** همیشه اسم موصول نیستند؛ بلکه گاه به عنوان **اسم استفهام** (در جمله های سؤالی) یا **اسم شرط** (در اسلوب شرط) استفاده می شوند. در جلد دوم با اسلوب شرط و استفهام آشنا خواهیم شد. به جدول صفحه بعد توجه کنید.

اسم	نوع اسم	مثال
مَنْ	اسم موصول	وَلِكِنَّ اللَّهَ يَسْلِطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ (حشر: ۶)
	اسم استفهام	قَالَ عِيسَىٰ... مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ (صَف: ۱۴)
	اسم شرط	مَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ (تغابن: ۹)
مَا	اسم موصول	لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (كافرون: ۲)
	اسم استفهام	وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ (حديد: ۸)
	اسم شرط	مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ (بقره: ۱۹۷)

سؤال: کلمه **مَا** در آیه شریف ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (تغابن: ۱۱) جزء کدام یک از انواع **مَا** است؟

جواب: **مَا** در این آیه، حرف نفی و به معنای **لَا** است و اسم نیست و با سه نوع «مَا اسمیه» گفته شده، تفاوت دارد.

تمرین زبان قرآن

۱. جدول تحلیل فعل را برای افعال مشخص شده، تکمیل کنید.

إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (تغابن: ۱۴)

ش	فعل	ریشه	باب	ص	نوع	اولیه	مرحله ۱		مرحله ۲	
							ق	فعلی	ق	فعلی
۱	إِحْذَرُوا						امر			
۲	تَعَفُّوا						اعلال	جزم		
۳	تَصَفَّحُوا									
۴	تَغْفِرُوا									

۲. اسامی معرفه را در جملات ابتدای درس (مردی را در مسجدی...) مشخص کنید (فرض کنید انواع معرفه در فارسی و عربی یکسان است).

۳. اسامی معرفه و نوع هریک از آن‌ها را در آیه زیر مشخص کنید.

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ (جمعة: ۴)

۴. نوع **مَن** های به کاررفته در آیه زیر را مشخص کنید.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُوَ يُدْعَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ (صَف: ۷)

۵. با توجه به آیه زیر، **مَن** به صورت مفرد ترجمه می‌شود یا جمع؟

وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُجِبُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ (حشر: ۹)



سوره مبارک تغابن

بخش ششم: آیات شانزدهم تا هجدهم

۱۷. قَرَضَ [قرض]: قرض، وام، قرض (وام)

دادن حَسَن [حسن]: نیکو، نیک، حَلِيم [حلم]: بردبار.

۱۶. اتَّقَى [وقی]: {ماضی، ۱ افتعال}، پروا

کرد، تقوا پیشه کرد اتَّقُوا [وقی]: {امر،

۹ اتَّقَى} {استطاع} [طوع]: {ماضی، ۱



استفعال}، توانست **اسْتَطَعْتُمْ** [طوع]: {ماضی، ۹ استطاع} **سَمِعَ** [سمع]: {ماضی، ۱ فَعَلَ - يَفْعَلُ}، شنید، گوش کرد

اسْمَعُوا [سمع]: {امر، ۹ سَمِعَ} **أَنْفَقَ** [نفق]: {ماضی، ۱ إفعال}، انفاق کرد، خرج کرد **أَنْفَقُوا** [نفق]: {امر، ۹ أَنْفَقَ} **وَقَى**

[وقی]: {ماضی، ۱ فَعَلَ - يَفْعَلُ}، حفظ کرد **يُوقَى** [وقی]: {مضارع مجهول، ۱ وَقَى} **شُحَّ** [شحح]: بخل، حرص **مُفْلِح**

[فلح]: رستگار، کامیاب **مُفْلِحُونَ** [فلح]: ج. س. **مُفْلِحٌ** **مَا اسْتَطَعْتُمْ**: تا می توانید، آنچه استطاعت دارید.

۱۷. **أَقْرَضَ** [قرض]: {ماضی، ۱ إفعال}، قرض داد، وام داد **تَقْرَضُونَ** [قرض]: {مضارع، ۹ أَقْرَضَ} **ضَاعَفَ** [ضعف]:

{ماضی، ۱ مُفَاعَلَةٌ}، دوچندان کرد، زیاد کرد **يُضَاعَفُ** [ضعف]: {مضارع، ۱ ضَاعَفَ} **شَكُورٌ** [شکر]: پاداش دهنده،

(بسیار) شکرگزار.

۱. برای استاد: «خَيْرًا» را خبر «يَكُنْ» مقدر در نظر بگیرید؛ به صورت: «... وَأَنْفِقُوا يَكُنْ الْإِنْفَاقُ خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ». حالات دیگر در اعراب درویش آمده است.

۲. «هم» در این عبارت، نوع خاصی از ضمیر است که ضمیر فصل نامیده می شود و معنای تأکید و حصر به جمله می دهد: «قطعاً فقط، آنان رستگاران اند».

۳. برای استاد: در چند کتاب اعراب بررسی شده، «قَرْضًا» مفعول مطلق فرض شده و صاحب الجدول ذیل این آیه احتمالاً مفعول به بودن آن را نیز مطرح می کند؛ البته در بسیاری از ترجمه ها، این کلمه به صورت مفعول به ترجمه شده است.

۴. برای استاد: «مَا» در این جا «مَا حرفیه مصدریه» است.

تمرین ترجمه

۱. تمرین واژه

۱. در آیه ﴿وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ فَهُمْ الْمُفْلِحُونَ﴾، کدام گزینه ترجمه **يُوق** است؟

ا. حفظ شود ب. حفظ کرد ج. حفظ کند
۲. کدام گزینه ترجمه **شُحَّ** نیست؟

ا. بخل ب. حرص ج. حسادت
۳. کدام گزینه ترجمه **يُضَاعِفُ** است؟

ا. تضعیف کرد ب. زیاد شد ج. زیاد می کند
۴. کدام گزینه معنای «انفاق کنید» است؟

ا. أَنْفَقُوا ب. أَنْفَقُوا ج. أَنْفَقُوا
۵. کدام گزینه معنای «رستگار» است؟

ا. فَالِح ب. مُفْلِح ج. فَلَاح
۶. در آیه ﴿إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا...﴾، کدام گزینه ترجمه **تُقْرَضُوا** است؟

ا. قرض بگیرید ب. قرض می دهید ج. قرض بدهید
۷. در کدام گزینه کلمات هم خانواده هستند؟

ا. اسْتَطَعْتُمْ / أَطِيعُوا ب. يُوقُ / اتَّقُوا ج. هر دو گزینه
۸. کدام گزینه صفت خدای متعال نیست؟

ا. خَلِيم ب. مُفْلِح ج. شَكُور

۲. تمرین عبارت

۱. ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ﴾

ا. پس پروا کنید از خدا، هر چه می توانید
 ب. پس تقوای الهی پیشه کنید، اگر می توانید
 ج. پس باید تقوای الهی پیشه کنید، [اما] نمی توانید
۲. ﴿وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ﴾

ا. و بشنوید و اطاعت کنید و انفاق کنید مالی را که برای خودتان است
 ب. و بشنوید و اطاعت کنید و انفاق کنید، [که] بهتر است برای خودتان
 ج. و شنیدند و اطاعت کردند و انفاق کردند از بهترین هایی که برای خودتان است

۳. ﴿وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾

- ا. و کسی که پروا کند از ناپاکی‌های نفسش، پس آن‌ها؛ همان رستگاران اند.
- ب. و کسی که حفظ شود [از] بخل نفسش، پس قطعاً فقط، آنان رستگاران اند.
- ج. و کسی که حفظ کند بخل خود را، پس آن‌ها، قطعاً رستگازند.

۴. ﴿إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ﴾

- ا. اگر وام دهید به خدا؛ وام نیکو، دو چندان می‌کند آن را برای تان و می‌پوشاند [بدی‌ها] را برای شما
- ب. اگر قرض الحسنه در راه خدا دهید، زیاد می‌کند مال تان را و شما را می‌بخشد
- ج. همانا قرض می‌دهید به خدا قرض نیکو و زیاد می‌کند مال تان را و شما را می‌بخشد

۵. ﴿وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾

- ا. و خداوند شکر گزار بردبار است
- ب. و خداوند پاداش دهنده حلیم است
- ج. گزینه‌ی ا و ب

۶. ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

- ا. دانای نهان و آشکار، باعزت باحکمت
- ب. دانای نهان و شاهد [بر همگان]، باعزت مستحکم
- ج. او نهان و شهادت را می‌داند و صاحب عزت و حکمت است



یافتن معنای کلمه

اگر بخواهیم معنای کلمات را با دقت بیشتری از لغتنامه بیابیم، چه مرحله‌ای را باید طی کنیم؟ در این درس، شیوه یافتن معنای کلمات را از لغتنامه‌های قرآنی مطرح کرده‌ایم؛ برای مثال می‌خواهیم معنای کلمات **کافر** و **يُكْفِرُ** را در آیات شریف زیر بیابیم.

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾. (کافرون: ۱)

﴿وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ﴾. (تغابن: ۹)

یافتن ریشه و هیئت کلمه

بیشتر کلمات، ترکیبی از حروف اصلی و وزن کلمه هستند؛ مانند مایعی که داخل ظرفی ریخته شده، شکل آن ظرف را به خود می‌گیرد، حروف اصلی هم در هیئت‌ها و وزن‌های مختلف ریخته شده، معانی مختلفی پیدا می‌کنند. در مثال‌های فوق، حروف «کفر» در دو وزن **فَاعِل** و **يُفَعِّلُ** ریخته شده‌اند. وزن **فَاعِل** مربوط به اسم فاعل و وزن **يُفَعِّلُ** برای صیغه اول مضارع باب تفعیل است.

جدول زیر، تفکیک حروف اصلی از هیئت کلمات فوق را نشان می‌دهد.

کلمه	ریشه	هیئت (وزن)
کَافِرٍ	کفر	فَاعِلٍ
يُكْفِرُ	کفر	يُفَعِّلُ

توجه: این درس به معنایابی افعال و اسامی مشتق اختصاص دارد. برای یافتن معنای کلمات جامد صرفاً از آنچه در لغتنامه‌های معتبر آمده استفاده می‌کنیم. با توجه به اینکه کلمات جامد از هیچ کلمه‌ای مشتق نشده‌اند، بیان ریشه و وزن‌شان فایده معنایی ندارد.

یافتن معنای ریشه

با مراجعه به لغتنامه‌های قرآنی، معنای ریشه را پیدا می‌کنیم. معمولاً معنای ریشه همان معنای مصدر ثلاثی مجرد است.

۱. منظور از «هیئت کلمه» همان ساختار و شکل ظاهری کلمه است که معمولاً وزن کلمه بیانگر آن است.

مراجعه به لغتنامه‌های زیر مطلوب است:

۱. قاموس قرآن (عربی به فارسی) نوشته سید علی اکبر قرشی؛
۲. المفردات فی غریب القرآن (عربی به عربی) نوشته راغب اصفهانی؛
۳. التحقیق فی کلمات القرآن (عربی به عربی) نوشته حسن مصطفوی.

در قاموس قرآن برای ریشه «کفر» آمده است:

«کفر: پوشاندن. در مفردات گوید: کفر در لغت به معنی پوشاندن شیء است. شب را کافر گوییم که اشخاص را می پوشاند و زارع را کافر گوییم که تخم را در زمین می پوشاند،... بزرگ‌ترین کفر، انکار وحدانیت خدا یا دین یا نبوت است... در مجمع فرموده: کفر در شریعت عبارت است از انکار آنچه خدا معرفت آن را واجب کرده؛ از قبیل وحدانیت و عدل خدا و معرفت پیغمبرش و آنچه پیغمبر آورده از ارکان دین هر که یکی از اینها را انکار کند، کافر است. راغب گوید: کافر در عرف دین به کسی گفته می شود که وحدانیت یا نبوت یا شریعت یا هر سه را انکار کند. به هر حال کافر کسی است که اصول یا ضروری دین را انکار کند.»

همان طور که مشاهده می کنید، در این منبع از لغتنامه‌های «مفردات راغب» و «مجمع البحرین» نقل قول کرده است. در این لغتنامه اصل «کفر» را «پوشاندن» گرفته است؛ اما وقتی در امور دینی و معرفتی به کار می رود، به معنای هر پوشاندنی نیست؛ بلکه به «پوشاندن و انکار اصول و ضروریات دین» گفته می شود؛ مانند کلمه **کافر** که با توجه به فضای سوره کافرون «کفر» به همین معنا آمده است؛ اما در کلمه **يُكْفَرُ** با توجه به اینکه خداوند فاعل این فعل است، نمی توان معنای «انکار اصل دین» را در نظر گرفت و همان معنای اولیه «کفر» را - که «پوشاندن» است - در نظر می گیریم. جدول بالا را به صورت زیر تکمیل می کنیم:

کلمه	ریشه	معنای ریشه	هیئت (وزن)
کَافِرٌ	کفر	انکار اصول و ضروریات دین	فَاعِلٌ
يُكْفَرُ	کفر	پوشاندن	يُفَعِّلُ

توجه: معمولاً یک ریشه معنای متعددی دارد که با توجه به معنای جمله و کاربرد کلمه مورد نظر، باید یکی از آن معانی را انتخاب کرد.

🔗 یافتن معنای هیئت کلمه

پس از یافتن معنای ریشه کلمه، باید معنای هیئت کلمه را بررسی کرد؛ برای مثال هیئت کلمه **کافر**، هیئت اسم فاعل است و قبلاً دانستیم که اسم فاعل بر انجام دهنده فعل یا دارنده حالت دلالت می کند. پس «کافر» کسی است که دارای حالت **کفر** است. هیئت کلمه **يُكْفَرُ**، هیئت صیغه اول مضارع از باب تفعیل است؛ یعنی کسی (مفرد مذکر) که در زمان حال و آینده **تکفیر** می کند. همان طور که گفته شد، گاهی اوقات معنای مصدرهای مزید با مجرد متفاوت است؛ اما در این جا معنای **تکفیر**

نزدیک به معنای «کُفِّر؛ پوشاندن» است. جدول بالا را به صورت زیر تکمیل می‌کنیم:

کلمه	ریشه	معنای ریشه	هیئت (وزن)	معنای هیئت
کَافِر	کفر	انکار اصول و ضروریات دین	فَاعِل	دارای حالت (انجام‌دهنده) «کُفِّر»
يُكْفِرُ	کفر	پوشاندن	يُفَعِّلُ	«تَكْفِير؛ کُفِّر» را انجام می‌دهد

ترکیب معنای ریشه و هیئت

همان‌طور که وقتی مابقی را در ظرفی می‌ریزیم شکل آن ظرف را می‌گیرد، باید معنای ریشه را در هیئت کلمه ریخت تا معنای نهایی به وجود آید. جدول بالا را به صورت زیر تکمیل می‌کنیم:

کلمه	ریشه	معنای ریشه	هیئت (وزن)	معنای هیئت	معنای نهایی
کَافِر	کفر	انکار اصول و ضروریات دین	فَاعِل	دارای حالت «کُفِّر»	منکر اصول و ضروریات دین
يُكْفِرُ	کفر	پوشاندن	يُفَعِّلُ	«تَكْفِير؛ کُفِّر» را انجام می‌دهد	می‌پوشاند

همان‌طور که مشاهده می‌کنید، در بسیاری از مواقع نمی‌توان یک کلمه از قرآن کریم را فقط در یک واژه ترجمه کرد.

تمرین زبان قرآن

۱. جدول تحلیل فعل را برای افعال مشخص شده، تکمیل کنید.

أ. هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ

لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. (جمعة: ۲)

ب. فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

(تغابن: ۱۶)

ج. إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ. (تغابن: ۱۷)

د. عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ. (تغابن: ۱۸)

ش	فعل	ریشه	باب	ص	نوع	اولیه	مرحله ۱		مرحله ۲	
							ق	فعلی	ق	فعلی
۱	يَتْلُو		فَعَلٌ - يَفْعُلُ				اعلال			
۲	يُزَكِّي		تفعیل							
۳	يُعَلِّمُ									
۴	كَانُوا		فَعَلٌ - يَفْعُلُ				اعلال			
۵	اسْتَطَعْتُمْ		استفعال							
۶	اسْمَعُوا						امر			
۷	أَنْفَقُوا									
۸	يُضَاعَفُ						جزم			

۱. تمرین ۲، ۳ و ۴ را در قالب کارگاه و با کمک اساتید، انجام دهید. اساتید محترم می‌توانند شیوه استفاده از لغتنامه‌ها و نرم‌افزارهای موجود را آموزش دهند. فراگیران می‌توانند از لغتنامه‌های عربی به عربی، با راهنمایی اساتید استفاده کنند.

۲. افعال **اتَّقُوا** و **يُوقَّ** را در کلاس درس تحلیل کنید.

ش	کلمه	ریشه	باب	ص	نوع	اولیه	مرحله ۱		مرحله ۲		مرحله ۳		مرحله ۴	
							ق	فعلی	ق	فعلی	ق	فعلی	ق	فعلی
۱	اتَّقُوا		افتعال					ابدال		ادغام		اعلال		
۲	يُوقَّ						مجهول	اعلال						

۳. با توجه به آیه ۱۷ سوره مبارک تغابن، افعال مجزوم را مشخص و علت جزم آن‌ها را بیان کنید.

۴. با توجه به آیات سؤال اول، موارد زیر را مشخص کنید.

أ. اسم فاعل ثلاثی مجرد (یک مورد):

ب. اسم فاعل ثلاثی مزید (دو مورد):

ج. اسم مبالغه (یک مورد):

د. اسم تفضیل (یک مورد):

ه. صفت مشبَّهه (چهار مورد):

۵. با توجه به آیات شریف زیر و مراجعه به لغتنامه‌های گفته شده، معنای دیگری برای ریشه «کفر» بیان کنید.

أ. لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ. (ابراهیم: ۷)

ب. فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ. (انبیاء: ۹۴)

۶. با توجه به آیه شریف زیر، تفاوت معنایی سه ریشه «عفو»، «صفح» و «غفر» را بیان کنید. (راهنمایی: پس از مراجعه به

لغتنامه «قاموس قرآن» از استاد خود بخواهید بخش‌های مربوطه از لغتنامه «التحقیق فی کلمات القرآن» را ترجمه کند.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفُوا وَتَصَفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

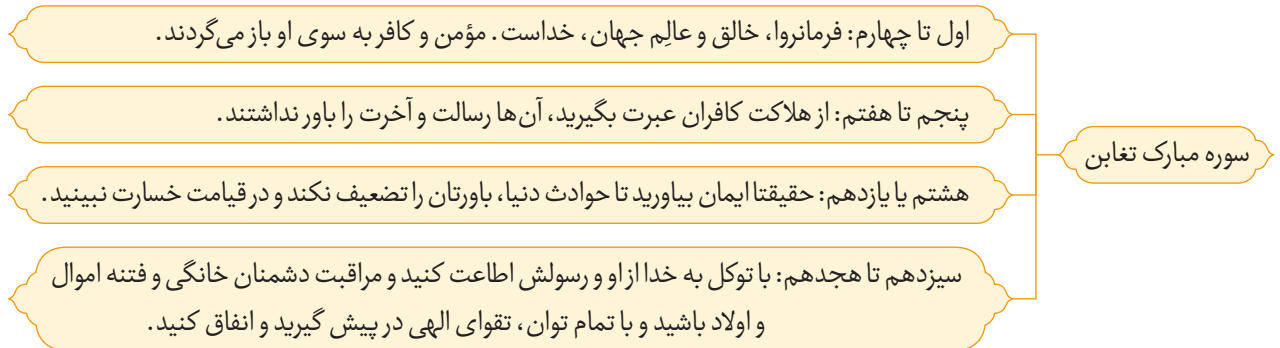
رَحِيمٌ (تغابن: ۱۴)

معارف سوره تغابن

❦ فضیلت سوره

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس سوره تغابن را در نماز واجبش بخواند در روز قیامت شفیع او خواهد بود و شاهد عادل است نزد کسی (خداوندی) که شهادت او را قبول می کند، آن گاه از او جدا نشود تا او داخل بهشت شود.»^۱

❦ نقشه سوره



❦ بیان سوره

موجودات آسمانی و زمینی تسبیح گوی خداوند هستند. او تنها پادشاه واقعی عالم است که تمام فرامینش اجرا می شود. همه زیبایی ها از اوست و ستایش تمام این زیبایی ها هم، از آن اوست. او بر هر چیز قدرت کامل دارد ﴿يَسْبِغُ اللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾.

خداوندی با این اوصاف شما را آفریده است؛ اما با کمال تعجب برخی از شما او را باور نکردید و راه کفر پیش گرفتید و برخی از شما هم به او ایمان آوردید. کوچک ترین رفتار کفرآمیز شما از خدا پنهان نیست؛ زیرا خداوند به اعمال شما بصیرت کامل دارد ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَنُكِّمُ كَافِرًا وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾.

علاوه بر آفرینش شما، تمام آسمان ها و زمین را هم خدا آفریده و اساس آفرینش هستی بر حق استوار است و هیچ چیز باطل و بی هدفی در این نظام وجود ندارد. آفرینش شما هم به دست خدا صورت گرفته و نیازهای تان برای رسیدن به کمال را به بهترین شکل برآورده ساخته؛ پس شما برای ایمان به او هیچ نقصی ندارید. خداوند شما را آفرید و در نهایت به سوی او باز می گردید و نزد او حاضر می شوید ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾.

در معاد، هیچ چیز از قلم نمی افتد؛ زیرا خداوند به تمام آنچه در آسمان ها و زمین است علم و آگاهی دارد. خداوند تمام کارهای سزای و آشکار شما را می داند؛ خداوند حتی از زوایای مخفی سینه و فکر شما، که خودتان هم نمی دانید، آگاه است ﴿يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسْرَوْنَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾.

۱. «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ التَّغَابِنِ فِي قَرِيْبَةٍ كَانَتْ شَفِيْعَةً لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَشَاهِدٌ عَدْلٌ عِنْدَ مَنْ يُجِيْزُ شَهَادَتَهَا ثُمَّ لَا تُفَارِقُهُ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ». (تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۳۸)

چگونه برخی از شما کافر می‌شوید؟ مگر خبر کافران گذشته به شما نرسیده که راه آن‌ها را می‌روید؟ ذلت و هلاکتی به سرشان آمد که نتیجه کارهای خودشان بود. آن‌ها مقدار کمی از این عقوبت را در این دنیا چشیدند و عذاب بسیار دردناکی در آخرت به طور اختصاصی برای آن‌ها وجود دارد ﴿أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾.

گرفتاری آن‌ها از آن جا بود که فرستادگان خداوند پیوسته برای آن‌ها دلایل روشن آوردند؛ اما گفتند: چگونه یک تعداد بشر که ظاهرشان مثل ماست می‌خواهند ما را هدایت کنند؟ چرا هرچه آن‌ها بگویند باید اطاعت کنیم؟ چرا باید مال و جان خود را در راه آن‌ها به کار گیریم؟

کافران ظاهربین باور نکردند افرادی که ظاهرشان بشر است، باطن‌شان فرستاده خداست و هرچه می‌گویند هدایت الهی است؛ از این رو به حقیقت پیامبران، کافر شدند و به جای استقبال، رویگردان گشتند.

خداوند، آن‌ها را با بی‌آبرویی هلاک کرد و نشان داد که احتیاجی به آن‌ها ندارد. آن‌ها به خیال خودشان قدرت و جمعیت تأثیرگذاری در جهان داشتند؛ اما پس از نابودی‌شان هیچ کمبودی احساس نشد. خداوند نه تنها از کافران بلکه از همه چیز بی‌نیاز است. تمام کارهای خدا ستودنی است؛ حتی نابود کردن کافران ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾.

در آیه قبل انکار رسالت به عنوان یکی از ادعاهای کافران مطرح شد، در این آیه اعتقاد دیگرشان بیان می‌شود. آن‌ها بر این باورند که برانگیخته شدن و حساب و کتابی در قیامت وجود ندارد. پیامبری که مردم هیچ دروغی از او شنیده‌اند مأمور ابلاغ پیام به کفار می‌شود.

ای پیامبر! به این کافران بگو: قسم به پروردگارم که حتماً برانگیخته می‌شوید و سپس تمام کارهای شما و آثارشان به طور کامل به شما خبر داده می‌شود و چه بسا خودتان از آن‌ها غافل بودید. اگر قدرت و علم خدا را باور داشته باشید، درمی‌یابید که برپایی قیامت و حساب برای او بسیار آسان است ﴿زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾.

ای مردم! عاقبت تلخ کافران را به شما گوشزد کردیم و از باورهای باطل آن‌ها به نبوت و معاد مطلع شدید؛ پس حقانیت خداوند و فرستاده او محمد مصطفی ﷺ را باور کنید و به قرآن روشنی بخش ایمان بیاورید تا برای تان راه را از چاه مشخص کند و مراقب اعمال خود باشید؛ چرا که خداوند از تمام کارهای تان باخبر است ﴿فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْتُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾.

شما در این دنیا خیلی از اعمال یکدیگر خبر ندارید؛ اما خداوند در روز حساب همه چیز را کنار هم جمع می‌کند. شما و اعمال تان را کنار یکدیگر قرار می‌دهد و آن‌گاه به دلیل زیان‌هایی که کرده‌اید، حسرتی عمیق شما را فراخواهد گرفت. خسارت دیدگان اصلی کافران اند که به دلیل روگردانی از راه رشد، هیچ بهره‌ای نصیب‌شان نشده است. مؤمنان هم

۱. لام ابتدای فعل و نون تأکید، نشان از شدت قطعیت برانگیخته کردن و آگاه کردن کافران دارد.

در این میان به دلیل کوتاهی‌ها و زشتی‌هایی که بعضاً از آنان سرزده، احساس زیان می‌کنند و حسرت می‌خورند که چرا بیشتر از این در طاعت خدا نکوشیده‌اند.

هرکس که خدایی خدا را باور کند و اهل عمل صالح باشد، اهل بهشت می‌شود. خداوند بدی‌های مؤمنان را پاک می‌کند. راه اصلی ایشان ایمان و عمل صالح است و خداوند اجازه نمی‌دهد تعدادی نقطه سیاه این صفحه نورانی را لکه دار کند؛ البته ممکن است پاک کردن این بدی‌ها با برخی سختی‌ها و مشکلات همراه باشد که خدا عالم است. فرجام این افراد، باغ‌هایی است که فهم آن بر ما پوشیده است و رودهایی که زیر آن‌ها روان‌ند. این پاداش به قدری بزرگ است که خداوند آسمان‌ها و زمین آن را رستگاری عظیم می‌خواند ﴿يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّعَابِنِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾.

نقطه مقابل مؤمنان، کافران‌اند؛ نه به خدا ایمان آوردند و نه به فرستادگان خدا. جهان هستی را دیدند؛ اما نشانه‌های خداوند را در آن قبول نکردند و تکذیب نمودند. این دسته از افراد همنشین همیشگی آتش‌اند. اگرچه همه به سوی خدا برمی‌گردند، برگشت کافران بسیار بد است ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾. هر سختی و مصیبتی با اجازه خداوند اتفاق می‌افتد؛ اذن خداوند مطابق حکمت اوست و خداوند هیچ اشتباهی انجام نمی‌دهد. انسان باید بداند اسباب و علت‌های دنیایی چیزی را از دست خدا خارج نمی‌کند. اتفاق چه تلخ باشد و چه شیرین، تا به امضای خداوند نرسد محقق نمی‌شود.

کسی که ایمانش قوی نباشد با چند مصیبت جانی و مالی و... ایمانش از بین می‌رود و اعتراض می‌کند: «چرا این حادثه باید برای من می‌افتاد؟ حق من این نبود.»

یکی از آثار شگفت ایمان به خداوند این است که خداوند در این اتفاقات، قلب مؤمن را هدایت می‌کند. قلب هدایت شده، حوادث را درست می‌فهمد؛ همان خدایی که مشکلات و بلاها را امضا کرده، به قلب مؤمن می‌فهماند که در این مشکلات چه کند؛ شکر کند یا صبر، استغفار کند یا مقابله و...؛ پس این مصیبت‌ها برای مؤمن سکوی صعود است نه دره سقوط! ما حکمت خیلی از حوادث روزگار را نمی‌دانیم و شاید از روی جهل خود زبان به شکایت باز کنیم؛ اما خداوند عالم به آنچه انجام می‌دهد عالم است ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾.

پیرو دستور به ایمان، دستور اطاعت مطرح می‌شود. از خدا و دین او اطاعت کنید و از فرامین فرستاده او نیز اطاعت نمایید. اگر به هر دلیل به این راه پشت کنید، فقط خودتان را از سعادت محروم کرده‌اید؛ چرا که پیامبر، پیام روشن دین را به شما رسانده است و بیش از این وظیفه‌ای ندارد ﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾. معبودی جز الله وجود ندارد و تمام بندگی و اطاعت شما باید مختص به الله باشد. مسیر زندگی مؤمنان باید اطاعت خدا و رسول باشد و در این مسیر باید به خدا توکل کنند و با تکیه بر او در راه مستقیم قدم بردارند ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٤٧﴾

ای کسانی که خدا را باور کردید! در راه اطاعت خدا و رسول مراقب دشمنی‌ها باشید. برخی (نه همه) همسران و فرزندان تان دشمن ایمان شما هستند و مانع جهاد و هجرت و انفاق و امر به معروف و سایر اعمال دینی می‌شوند. رویکرد کلی با این دشمنان خانگی، احتیاط و مراقبت است، خیالتان از جانب آن‌ها آسوده نباشد و در تبعیت از آن‌ها احتیاط کنید ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ﴾.

سؤال این جاست که چگونه حذر کنیم؟ با قهر از خانواده و ترک آن‌ها یا با مقابله محکم و آتشین؟ اگر برخی از افراد خانواده تان با شما در امر دینداری دشمنی کردند، دستور قطعی عدم غفلت و حذر کردن از آن‌هاست؛ اما با رویکردی سه مرحله‌ای؛ اول: دشمنی آن‌ها را ببخشید و مجازات‌شان نکنید، دوم: به کلی از آن موضوع چشم‌پوشی کنید و در صفحه دل تان کینه آن‌ها را باقی نگذارید (شتر دیدی، ندیدی) و سوم: سعی در محو آثار دشمنی‌ها و از بین بردن موانع هدایت آن‌ها کنید تا آن‌ها هم مورد غفران و رحمت الهی قرار گیرند و به راه ایمان هدایت شوند و شما هم مورد غفران و رحمت الهی قرار گیرید که خداوند بسیار غفور و رحیم است ﴿وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.

اموال و فرزندی که در دنیا به دست می‌آورد، مزد تلاش شما نیستند؛ زینت‌هایی از جانب خدایند^۱ که فقط برای آزمایش شما هستند. میدان امتحان اموال و اولاد، جایگاه تعالی شماست نه عرصه سرگرمی و دل‌مشغولی! اموال و اولاد را در راه اطاعت خدا به کار بندید تا به اجر الهی تبدیل شوند و برای شما جاودانه بمانند. اجر و پاداش عظیم نزد خداست و آنچه نزد خداست باقی است^۲ ﴿إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾.

حال که دانستید، شاید دشمنان دین در خانه شما و روزی خورتان باشند و دانستید همین اموال و اولاد، می‌توانند لغزشگاه ایمان شما باشند، پس تا توان دارید تقوای الهی پیشه کنید و خود را از نافرمانی او حفظ نمایید. سخن خدا و رسول را بپذیرید و از او پیروی عملی کنید و مال و جان و ... را در راه خدا خرج نمایید. گمان نکنید انفاق خسارتی است که مجبور به تحمل آن هستید؛ بلکه خیر شما در این کار است. حرص و بخل، انسان را به زمین می‌چسباند و فقط کسانی که به لطف خدا از شر حرص محفوظ هستند اهل رُستن از زمین و رسیدن به آسمان هستند ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.

گرچه تمام هستی و دارایی ما از خداست، وقتی مال خدا را در راه خودش صرف کنیم، چیزی نمی‌گیرد؛ بلکه به عنوان قرض قبول می‌کند تا چند برابرش را به ما برگرداند، بالاتر از این، مغفرتش شامل ما شده و باعث محو آثار گناهانمان می‌گردد. چنین شکرگزاری بیش از حدی فقط از خداوند بسیار شاکر سر می‌زند. او برای انفاق‌کنندگان شکور است و برای حریصان، حلیم و بردبار ﴿إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾.

چیز پنهانی برای خداوند وجود ندارد و به نهران و آشکار شما، بهتر از خود شما آگاهی دارد. کوچک‌ترین راه نفوذ و

۱. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ مال و فرزندان زینت زندگی دنیایی هستند.» (کاف: ۴۷)

۲. «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ؛ آنچه نزد شماست نابود می‌شود و آنچه نزد خداست پایدار است.» (نحل: ۹۶)

شکستی در او یافت نمی‌شود. او حکیم است و تمام کارهایش، محکم و ریشه‌دار هستند. چنین خدایی شما را به راه مستقیم دعوت می‌کند و به اعمال شما آگاه است و بازگشت شما به سوی اوست ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾.

جمع بندی: فرمانروای پاک هستی، ما را به مزرعه دنیا آورده و به سوی خود برمی‌گرداند. برخی به او کافر می‌شوند و از رشد و تعالی بازمی‌مانند. خداوند ما را به تفکر در عاقبت کافران دعوت می‌کند و ریشه کفر آن‌ها را در انکار رسالت و آخرت می‌داند. خداوند به ایمان به خود و رسولش و قرآن دعوت کرده و ما را بر حذر می‌دارد که مبادا مصیبت‌های دنیایی، ایمان ما را از بین ببرد.

پس از ایمان، به اطاعت دعوت می‌کند و از دشمنی برخی خانواده‌ها در راه دینداری خبر می‌دهد و رفتار صحیح در مقابل آن‌ها را گوشزد می‌نماید. اموال و اولاد یکی از عرصه‌های دشمنی خانواده‌ها با دینداری ماست، خداوند به صراحت اموال و اولاد را فقط برای آزمایش معرفی می‌کند. در نهایت ما را به تقوای الهی و اطاعت و انفاق همه‌جانبه در راه رسول خدا و دینش فرامی‌خواند.



منابع و مأخذ

ترجمه و تفسیر قرآن کریم

ش	نام اثر	مؤلف	انتشارات
۱	آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن کریم	محدث، صفار هرنندی، علامی	تحسین
۲ *	البرهان فی تفسیر القرآن	بحرانی، هاشم بن سلیمان	بنیاد بعثت
۳ *	التحریر و التنویر	ابن عاشور محمد بن طاهر	مؤسسه التاریخ
۴ *	ترجمه تفسیر المیزان	موسوی همدانی، سید محمدباقر	
۵ *	ترجمه قرآن کریم	انصاریان، حسین	
۶	ترجمه قرآن کریم	بهرامپور، ابوالفضل	آوای قرآن
۷ *	ترجمه قرآن کریم	رضایی اصفهانی، محمد علی و...	
۸ *	ترجمه قرآن کریم	فولادوند، محمد مهدی	
۹ *	ترجمه قرآن کریم	گرمارودی، سید علی	
۱۰	ترجمه قرآن کریم	مجتبوی، سید جلال الدین	
۱۱	ترجمه قرآن کریم	محدث، صفار هرنندی، علامی	
۱۲ *	ترجمه قرآن کریم	مشکینی، علی	
۱۳ *	ترجمه قرآن کریم	معزی، محمد کاظم	
۱۴ *	ترجمه قرآن کریم	مکارم شیرازی، ناصر	
۱۵	ترجمه قرآن کریم (احسن الحدیث)	قرشی، سید علی اکبر	
۱۶ *	ترجمه قرآن کریم (روان جاوید)	ثقفی تهرانی، محمد	
۱۷ *	تفسیر القمی	قمی، علی بن ابراهیم	دارالکتاب
۱۸ *	تفسیر نورالثقلین	عبد علی بن جمعه	
۱۹	در محضر قرآن کریم	حمیدرضا مستفید	مرکز طبع و نشر قرآن کریم ج.ا.ا.
۲۰	فصلنامه پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی		دانشگاه علامه طباطبایی
۲۱	فهم زبان قرآن	گروه تدوین متون ...	دارالعلم
۲۲	گزیده مستندات ترجمه قرآن ...	فقیهی رضایی، محمدرضا و...	مرکز طبع و نشر قرآن کریم
۲۳ *	مجمع البیان فی تفسیر القرآن	طبرسی، فضل بن حسن	ناصر خسرو
۲۴ *	من هدی القرآن	مدرسی، سید محمدتقی	دار محبی الحسین
۲۵ *	المیزان فی تفسیر القرآن	طباطبایی، سید محمدحسین	

روایت

ش	نام اثر	مؤلف	انتشارات
۲۶ *	اصول کافی	کلینی، محمد بن یعقوب	اسلامیه
۲۷ *	أعلام الدین فی صفات المؤمنین	دبلمی، حسن بن محمد	مؤسسه آل البيت

۱. توضیح: در مواردی که با علامت «*» مشخص شده اند، از نرم افزارهای جامع التفاسیر نور، قاموس نور و یا کتابخانه دیجیتال نور (مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور) هم استفاده شده است. منابع مشخص شده مربوط به مجموعه دوجلدی آموزش مسبّحات است.

ادبيات عرب و اعراب قرآن

انتشارات	نويسنده	نام كتاب	ش	
دار صادر	زمخشري، محمود بن عمر	اساس البلاغة	۲۸	*
دارالمنير و دارالفارابي	دعاس و حميدان و قاسم	اعراب القرآن الكريم	۲۹	*
دارالارشاد	درويش محيي الدين	اعراب القرآن و بيانه	۳۰	*
قدس	صفائي، غلامعلي	ترجمه و شرح معنی الاديب	۳۱	*
دار الكوخ	الغلائيني، مصطفى	جامع الدروس العربية	۳۲	
دار الرشيد مؤسسة الإيمان	صافي، محمود بن عبدالرحيم	الجدول في إعراب القرآن	۳۳	*
	لاجوردی، سيد عدنان	جزوه نحو ۲ دانشگاه علوم حديث	۳۴	
نشر معارف	برزگر، محمد - شريفان، احسان	جملة شناسی	۳۵	
دار العلم	طباطبایي، سيد محمد رضا	صرف ساده	۳۶	
مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی	كشميری، عبدالرسول	صرف کاربردى	۳۷	
مفيد	حسينی طهرانی، هاشم	علوم العربية	۳۸	*
اسوه	قبادی آدينه وند، محمد رضا	كلمة الله العليا	۳۹	*
دار العلم	شرتونی، رشيد	مبادئ العربية	۴۰	*
دار عمار	السامرائي، فاضل صالح	معاني الأبنیه في العربية	۴۱	
شركة العاتك	السامرائي، فاضل صالح	معاني النحو	۴۲	
دار العلم للملايين	يعقوب، اميل	معجم الإعراب و الإملاء	۴۳	
الحميد	دقر، عبد الغنى	معجم القواعد العربية في النحو و التصريف	۴۴	*
جامعة المصطفى العالمية	عصارى، محمود رضا	مفاهيم علم نحو	۴۵	*
دار العلم للملايين	يعقوب، اميل	موسوعة النحو و الصرف و الإعراب	۴۶	*
	ابو حيان، محمد بن يوسف	الهداية في النحو	۴۷	
نشر معارف	برزگر، محمد	واژه شناسی	۴۸	

فرهنگ لغت

انتشارات	نويسنده	نام كتاب	ش	
	مصطفوی، حسن	التحقيق في كلمات القرآن الكريم	۴۹	*
	خسروی حسینی، غلامرضا	ترجمه و تحقيق مفردات الفاظ قرآن كريم	۵۰	*
	بستاني، فؤاد افرام	فرهنگ ابجدی	۵۱	*
دارالآفاق الجديدة	عسکری، حسن بن عبدالله	الفروق في اللغة	۵۲	*
	قرشي، سيد علي اكبر	قاموس قرآن	۵۳	*
مكتب الأعلام الإسلامي	ابن فارس، احمد بن فارس	معجم مقاييس اللغة	۵۴	*
	راغب اصفهانی، حسين بن محمد	مفردات الفاظ القرآن	۵۵	*



راهنمای
لغات
درس

لغات هر درس، در دو بخش کلمات آشنا و کلمات جدید مطرح شده است. لغات درس همراه آموختن زبان قرآن، دچار توسعه می‌شود که در چهار مرحله مشاهده می‌کنیم:

🔗 مرحله اول (درس ۱ تا ۴)

در این مرحله کلمات و معانی آن‌ها ذکر می‌شوند. قسمتی از لغتنامه درس چهارم عبارت‌اند از:

شَرٌّ: شرّ، بدی

مِنْ: از، بعضی، (زائده برای تأکید) هیچ **حَسَدٌ**: حسادت کرد، حسد ورزید.

إِذَا **حَسَدَ**: هنگامی که (زمانی که) حسد می‌ورزد.

- کلمات آشنا و جدید: کلمات آشنا به رنگ **فیروزه‌ای** و کلمات جدید به رنگ **قرمز** هستند. در متن آیات درس، فقط کلمات جدید، به رنگ قرمز مشخص شده‌اند.
- معانی متعدد: تمام معنایی که برای یک کلمه آمده، صحیح و استفاده از هر کدامشان، در ترجمه آیات بلا مانع است.
- ترجمه‌های **سبزی‌آبی**: برخی از معانی کلمات که در درس مورد نظر کاربرد ندارند و در درس‌های آتی احتمالاً استفاده خواهند شد، به رنگ **سبزی‌آبی** می‌آیند؛ مانند معنای دوم و سوم کلمه «مِنْ» که در درس چهارم کاربرد ندارند. معمولاً آیاتی که معنای **سبزی‌آبی** در آن‌ها به کار رفته است، در پاورقی ذکر شده‌اند.
- اصطلاحات: در انتهای هر آیه، اصطلاحات و برخی عبارات با رنگ **قهوه‌ای** آمده است، ترجمه این عبارات، متفاوت از ترجمه تحت‌اللفظی آن‌ها بوده و به علت سهولت فهم به صورت مجزا آمده‌اند.

🔗 مرحله دوم (درس ۵ تا ۶)

از این مرحله، ریشه لغت، اضافه می‌شود. قسمتی از لغتنامه درس ششم عبارت‌اند از:

يُعَلِّمُ [علم]: می‌آموزد، تعلیم می‌دهد **إِنَّ**: قطعاً، همانا.

- کلمات بدون ریشه: برای اسامی مبنی، برخی جامدات غیر مصدری، اصطلاحات و عبارات، ریشه مطرح نمی‌شود.

🔗 مرحله سوم (درس ۷ تا ۱۵)

از این مرحله، مؤنث لفظی، مثنی، جمع سالم و مکسر ترجمه نمی‌شوند و فقط مفرد مذکر آن‌ها معنا می‌شوند. قسمتی از لغتنامه درس هفتم در شکل زیر آمده است:

آخِر [أخِر]: دیگر **آخِرین** [أخِر]: ج. س. آخِر

سِفر [سِفر]: کتاب **أَسْفَار** [سِفر]: ج. م. سِفر

- علائم اختصاری: «ج. م. = جمع مکسر»، «ج. س. = جمع سالم».

🌟 مرحله چهارم (درس ۱۶ تا آخر)

پس از اتمام مبحث فعل در درس پانزدهم، از این مرحله فقط صیغه اول ماضی هر فعل ترجمه شده و سایر صیغه‌های آن فعل به صیغه اول ماضی رجوع داده می‌شوند. قسمتی از جدول درس شانزدهم و هفدهم در شکل زیر آمده است:

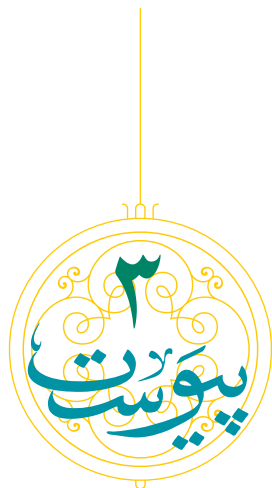
بَعَثَ [بعث]: {ماضی، ۱ فَعَلَ - يَفْعَلُ}، برانگیخت، مبعوث کرد **يُبْعَثُونَ** [بعث]: {مضارع مجهول، ۳ بَعَثَ}

عَمِلَ [عمل]: {ماضی، ۱ فَعَلَ - يَفْعَلُ}، عمل کرد، انجام داد **عَمِلْتُمْ** [عمل]: {ماضی، ۹ عَمِلَ}

أَنْزَلَ [نزل]: {ماضی، ۱ إفعال}، فرو فرستاد، نازل کرد **أَنْزَلْنَا** [نزل]: {ماضی، ۱۴ أَنْزَلَ}

- **صیغه اول:** معنا و باب فعل‌های ماضی صیغه اول، در جدول آمده است؛ مانند «بَعَثَ» و «عَمِلَ» و «أَنْزَلَ».
- **سایر صیغه‌ها:** صیغه‌های ۲ تا ۱۴، به صیغه اول ماضی معلوم از باب خودش، ارجاع داده می‌شود؛ مانند: «يُبْعَثُونَ»، «عَمِلْتُمْ» و «أَنْزَلْنَا».

در این مرحله، تغییراتی همچون نصب، جزم و تأکید فعل، نشان داده نمی‌شوند.



راهنمای جدول تحلیل فعل

تحلیل فعل نوعی تمرین زبان قرآن است که با شیوه تکمیل آن آشنا می‌شویم. یک نمونه از این جدول عبارت است از:

ش	فعل	ریشه	باب	ش.ص	نوع	صورت اولیه	مرحله ۱		مرحله ۲	
							ق	صورت فعلی	ق	صورت فعلی

۱. **ستون فعل:** با توجه به آیات و عبارات تمرین، افعال مورد نظر را در این ستون وارد کنید. حروف قبل از فعل و ضمایر متصل، در این ستون نوشته نمی‌شوند؛ مثلاً برای **لَمْ يَحْمِلُوها** فقط **يَحْمِلُوها** را در این ستون می‌نویسیم.
۲. **ستون ریشه:** ریشه کلمه (در افعال ثلاثی) به صورت سه حرف متصل به هم (بدون فاصله یا خط تیره) نوشته می‌شود. در صورت ندانستن ریشه، از لغتنامه کتاب استفاده کنید.
۳. **ستون باب:** برای افعال ثلاثی مجرد، وزن ماضی - مضارع صیغه اول (مثلاً **فَعَلَ - يَفْعَلُ**) و برای افعال ثلاثی مزید، وزن مصدر باب مزید (مثلاً **افعال یا تفعیل**) در این ستون نوشته می‌شود.
۴. **ستون ش.ص:** شماره صیغه فعل، به صورت عددی در این ستون درج می‌شود. اگر یافتن شماره صیغه از ظاهر فعل دشوار بود، می‌توانید با بررسی جمله، غایب، مخاطب یا متکلم بودن و همچنین مفرد، مثنی و جمع بودن فعل را پیدا کنید.
۵. **ستون نوع:** نوع فعل، مطابق جدول زیر و نوع فعل براساس ساختار ظاهری یا معنا مشخص می‌شود.

نوع	ماضی	مضارع	أمر	نهی
-----	------	-------	-----	-----

۶. **ستون صورت اولیه:** در این ستون، صورت اولیه کلمه، قبل از هرگونه تغییری اعم از معنایی، ظاهری یا نحوی نوشته می‌شود. برای رسیدن به صورت اولیه فعل کافی است، وزن صورت اولیه را براساس باب، شماره صیغه و نوع، پیدا کرد و سپس ریشه فعل را در وزن صورت اولیه جاگذاری نمود.
۷. **ستون مرحله:** تغییرات فعل از حالت اولیه تا آنچه در جمله است در این ستون نوشته می‌شود. در هر مرحله قاعده‌ای را که روی فعل جاری شده است در **ستون ق** (قاعده) و اثر آن قاعده را در **ستون صورت فعلی** می‌نویسیم. ممکن است در یک فعل چندین مرحله تغییر داشته باشیم؛ برای مثال هم مجهول شده باشد و هم اعلال و هم منصوب. در این صورت باید در مرحله اول، فعل مجهول را بیاوریم و در مرحله دوم فعل مجهول اعلال شده و در مرحله سوم فعل مجهول اعلال شده منصوب. در این ستون سعی می‌کنیم تغییرات فعل را به ترتیب جدول زیر انجام دهیم؛ یعنی اول تغییرات معنایی، سپس تغییرات لفظی و در پایان تغییرات نحوی (البته در موارد اندکی نمی‌توان از این ترتیب استفاده کرد). انواع تغییرات فعل و قاعده‌های مربوط به آن‌ها در جدول زیر آمده است:

تغییرات نحوی		تغییرات لفظی				تغییرات معنایی					
تغییر	مجهول شدن	نفی	أمر	نهی	تأکید	ادغام	ت همزه	اعلال	ابدال	جزم	نصب
قاعده	مجهول	-- / جزم / نصب	أمر	جزم	تأکید	ادغام	ت همزه	اعلال	ابدال	جزم	نصب

۱. برای استاد: ضمایر نصبی و جزئی.



جدول افعال

ابواب ثلاثی مجرد^۱

جدول زیر تصریفات فعل ثلاثی مجرد از باب **فَعَلَ - يَفْعَلُ** را نشان می‌دهد. برای تصریفات سایر ابواب ثلاثی مجرد، کافی است حرکت عین الفعل را در جدول زیر به حرکت مناسب آن باب تغییر دهید. در صورتی که عین الفعل مضارع، ضمه باشد، صیغه‌های امر مخاطب با **أ** آغاز می‌شود.

فَعَلَ - يَفْعَلُ	ش	ضمیر	ماض معلوم	مضامعلوم	ماض مجهول	مضامجهول	مضا معلوم مؤکد	امر مخاطب
غایب مذ	۱	هُوَ	فَعَلَ	يَفْعَلُ	فَعِلَ	يُفْعَلُ	يَفْعَلَنَّ	
	۲	هُمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	فَعِلَا	يُفْعَلَانِ	يَفْعَلَانِ	
	۳	هُمْ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	فَعِلُوا	يُفْعَلُونَ	يَفْعَلُونَ	
غایب مؤ	۴	هِيَ	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ	فَعِلَتْ	تُفْعَلُ	تَفْعَلَنَّ	
	۵	هُمَاؤُ	فَعَلْتَا	تَفْعَلَانِ	فَعِلْتَا	تُفْعَلَانِ	تَفْعَلَانِ	
	۶	هُنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	فَعِلْنَ	يُفْعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	
مخاطب مذ	۷	أَنْتَ	فَعَلْتَ	تَفْعَلُ	فَعِلْتَ	تُفْعَلُ	تَفْعَلَنَّ	إِفْعَلْ
	۸	أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	فَعِلْتُمَا	تُفْعَلَانِ	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا
	۹	أَنْتُمْ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	فَعِلْتُمْ	تُفْعَلُونَ	تَفْعَلُونَ	إِفْعَلُوا
مخاطب مؤ	۱۰	أَنْتِ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	فَعِلْتِ	تُفْعَلِينَ	تَفْعَلِينَ	إِفْعَلِي
	۱۱	أَنْتُمَاؤُ	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	فَعِلْتُمَا	تُفْعَلَانِ	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا
	۱۲	أَنْتُنَّ	فَعَلْنَ	تَفْعَلْنَ	فَعِلْنَ	تُفْعَلْنَ	تَفْعَلْنَ	إِفْعَلْنَ
متکلم	۱۳	أَنَا	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ	فَعِلْتُ	أَفْعَلُ	أَفْعَلَنَّ	
	۱۴	نَحْنُ	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ	فَعِلْنَا	نُفْعَلُ	نَفْعَلَنَّ	

۱. کلمات اختصاری: «ماض = ماضی»، «مضارع = مضارع»، «مذ = مذکر» و «مؤ = مؤنث».

ابواب ثلاثی مزید

باب افعال

ش	ضمیر	ماض معلوم	مضامعلوم	ماض مجهول	مضامجهول	مضا معلوم مؤکد	امر مخاطب
۱	هُوَ	أَفْعَلُ	يُفْعِلُ	أَفْعِلَ	يُفْعَلُ	يُفْعِلَنَّ	
۲	هُمَا	أَفْعَلَا	يُفْعِلَانِ	أَفْعِلَا	يُفْعَلَانِ	يُفْعِلَانَنَّ	غایب مذ
۳	هُم	أَفْعَلُوا	يُفْعِلُونَ	أَفْعِلُوا	يُفْعَلُونَ	يُفْعِلُونَنَّ	
۴	هِيَ	أَفْعَلَتْ	تُفْعِلُ	أَفْعِلَتْ	تُفْعَلُ	تُفْعِلَنَّ	
۵	هُمَا مَوْ	أَفْعَلْتَا	تُفْعِلَانِ	أَفْعِلْتَا	تُفْعَلَانِ	تُفْعِلَانَنَّ	غایب مؤ
۶	هُنَّ	أَفْعَلْنَ	يُفْعِلْنَ	أَفْعِلْنَ	يُفْعَلْنَ	يُفْعِلْنَانَنَّ	
۷	أَنْتِ	أَفْعَلْتِ	تُفْعِلُ	أَفْعِلْتِ	تُفْعَلُ	تُفْعِلَنَّ	مخاطب مذ
۸	أَنْتُمَا	أَفْعَلْتُمَا	تُفْعِلَانِ	أَفْعَلْتُمَا	تُفْعَلَانِ	تُفْعِلَانَنَّ	
۹	أَنْتُمْ	أَفْعَلْتُمْ	تُفْعِلُونَ	أَفْعَلْتُمْ	تُفْعَلُونَ	تُفْعِلُونَنَّ	
۱۰	أَنْتِ	أَفْعَلْتِ	تُفْعِلِينَ	أَفْعَلْتِ	تُفْعَلِينَ	تُفْعِلَنَّ	مخاطب مؤ
۱۱	أَنْتُمَا مَوْ	أَفْعَلْتُمَا	تُفْعِلَانِ	أَفْعَلْتُمَا	تُفْعَلَانِ	تُفْعِلَانَنَّ	
۱۲	أَنْتُنَّ	أَفْعَلْتُنَّ	تُفْعِلْنَ	أَفْعَلْتُنَّ	تُفْعَلْنَ	تُفْعِلْنَانَنَّ	
۱۳	أَنَا	أَفْعَلْتُ	أَفْعِلُ	أَفْعَلْتُ	أَفْعَلُ	أَفْعِلَنَّ	متکلم
۱۴	نَحْنُ	أَفْعَلْنَا	نُفْعِلُ	أَفْعَلْنَا	نُفْعَلُ	نُفْعِلَنَّ	

باب تفعیل

ش	ضمیر	ماض معلوم	مضامعلوم	ماض مجهول	مضامجهول	مضا معلوم مؤکد	امر مخاطب
۱	هُوَ	فَعَلَ	يُفْعِلُ	فَعِلَ	يُفْعَلُ	يُفْعِلَنَّ	
۲	هُمَا	فَعَلَا	يُفْعِلَانِ	فَعَلَا	يُفْعَلَانِ	يُفْعِلَانَنَّ	غایب مذ
۳	هُم	فَعَلُوا	يُفْعِلُونَ	فَعَلُوا	يُفْعَلُونَ	يُفْعِلُونَنَّ	
۴	هِيَ	فَعَلَتْ	تُفْعِلُ	فَعَلَتْ	تُفْعَلُ	تُفْعِلَنَّ	
۵	هُمَا مَوْ	فَعَلْتَا	تُفْعِلَانِ	فَعَلْتَا	تُفْعَلَانِ	تُفْعِلَانَنَّ	غایب مؤ
۶	هُنَّ	فَعَلْنَ	يُفْعِلْنَ	فَعَلْنَ	يُفْعَلْنَ	يُفْعِلْنَانَنَّ	
۷	أَنْتِ	فَعَلْتِ	تُفْعِلُ	فَعَلْتِ	تُفْعَلُ	تُفْعِلَنَّ	مخاطب مذ
۸	أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تُفْعِلَانِ	فَعَلْتُمَا	تُفْعَلَانِ	تُفْعِلَانَنَّ	
۹	أَنْتُمْ	فَعَلْتُمْ	تُفْعِلُونَ	فَعَلْتُمْ	تُفْعَلُونَ	تُفْعِلُونَنَّ	
۱۰	أَنْتِ	فَعَلْتِ	تُفْعِلِينَ	فَعَلْتِ	تُفْعَلِينَ	تُفْعِلَنَّ	مخاطب مؤ
۱۱	أَنْتُمَا مَوْ	فَعَلْتُمَا	تُفْعِلَانِ	فَعَلْتُمَا	تُفْعَلَانِ	تُفْعِلَانَنَّ	
۱۲	أَنْتُنَّ	فَعَلْتُنَّ	تُفْعِلْنَ	فَعَلْتُنَّ	تُفْعَلْنَ	تُفْعِلْنَانَنَّ	
۱۳	أَنَا	فَعَلْتُ	أَفْعِلُ	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ	أَفْعِلَنَّ	متکلم
۱۴	نَحْنُ	فَعَلْنَا	نُفْعِلُ	فَعَلْنَا	نُفْعَلُ	نُفْعِلَنَّ	

ش	ضمير	ماض معلوم	مضامعلوم	ماض مجهول	مضامجهول	مضا معلوم مؤكّد	امر مخاطب
١	هُوَ	فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	فُوِعِلَ	يُفَاعَلُ	يُفَاعِلَنَّ	
٢	هُمَا	فَاعَلَا	يُفَاعِلَانِ	فُوِعِلَا	يُفَاعَلَانِ	يُفَاعِلَانِ	غايب مذ
٣	هُم	فَاعَلُوا	يُفَاعِلُونَ	فُوِعِلُوا	يُفَاعَلُونَ	يُفَاعِلُونَ	
٤	هِيَ	فَاعَلَتْ	تُفَاعِلُ	فُوِعِلَتْ	تُفَاعَلُ	تُفَاعِلَنَّ	
٥	هُمَا مَوْ	فَاعَلْتَا	تُفَاعِلَانِ	فُوِعِلْتَا	تُفَاعَلَانِ	تُفَاعِلَانِ	غايب مؤ
٦	هُنَّ	فَاعَلْنَ	يُفَاعِلْنَ	فُوِعِلْنَ	يُفَاعَلْنَ	يُفَاعِلْنَ	
٧	أَنْتِ	فَاعَلْتِ	تُفَاعِلِ	فُوِعِلْتِ	تُفَاعَلِ	تُفَاعِلَنَّ	مخاطب مذ
٨	أَنْتُمَا	فَاعَلْتُمَا	تُفَاعِلَانِ	فُوِعِلْتُمَا	تُفَاعَلَانِ	تُفَاعِلَانِ	
٩	أَنْتُمْ	فَاعَلْتُمْ	تُفَاعِلُونَ	فُوِعِلْتُمْ	تُفَاعَلُونَ	تُفَاعِلُونَ	
١٠	أَنْتِ	فَاعَلْتِ	تُفَاعِلِينَ	فُوِعِلْتِ	تُفَاعَلِينَ	تُفَاعِلِينَ	مخاطب مؤ
١١	أَنْتُمَا مَوْ	فَاعَلْتُمَا	تُفَاعِلَانِ	فُوِعِلْتُمَا	تُفَاعَلَانِ	تُفَاعِلَانِ	
١٢	أَنْتُنَّ	فَاعَلْتُنَّ	تُفَاعِلْنَ	فُوِعِلْتُنَّ	تُفَاعَلْنَ	تُفَاعِلْنَ	
١٣	أَنَا	فَاعَلْتُ	أُفَاعِلُ	فُوِعِلْتُ	أُفَاعَلُ	أُفَاعِلَنَّ	متكلّم
١٤	نَحْنُ	فَاعَلْنَا	نُفَاعِلُ	فُوِعِلْنَا	نُفَاعَلُ	نُفَاعِلَنَّ	

ش	ضمير	ماض معلوم	مضامعلوم	ماض مجهول	مضا مجهول	مضا معلوم مؤكّد	امر مخاطب
١	هُوَ	اِفْتَعَلَ	يِفْتَعِلُ	اِفْتُعِلَ	يُفْتَعِلُ	يِفْتَعِلَنَّ	
٢	هُمَا	اِفْتَعَلَا	يِفْتَعِلَانِ	اِفْتُعِلَا	يُفْتَعِلَانِ	يِفْتَعِلَانِ	غايب مذ
٣	هُم	اِفْتَعَلُوا	يِفْتَعِلُونَ	اِفْتُعِلُوا	يُفْتَعِلُونَ	يِفْتَعِلُونَ	
٤	هِيَ	اِفْتَعَلَتْ	تِفْتَعِلُ	اِفْتُعِلَتْ	تُفْتَعِلُ	تِفْتَعِلَنَّ	
٥	هُمَا مَوْ	اِفْتَعَلْتَا	تِفْتَعِلَانِ	اِفْتُعِلْتَا	تُفْتَعِلَانِ	تِفْتَعِلَانِ	غايب مؤ
٦	هُنَّ	اِفْتَعَلْنَ	يِفْتَعِلْنَ	اِفْتُعِلْنَ	يُفْتَعِلْنَ	يِفْتَعِلْنَ	
٧	أَنْتِ	اِفْتَعَلْتِ	تِفْتَعِلِ	اِفْتُعِلْتِ	تُفْتَعِلِ	تِفْتَعِلَنَّ	مخاطب مذ
٨	أَنْتُمَا	اِفْتَعَلْتُمَا	تِفْتَعِلَانِ	اِفْتُعِلْتُمَا	تُفْتَعِلَانِ	تِفْتَعِلَانِ	
٩	أَنْتُمْ	اِفْتَعَلْتُمْ	تِفْتَعِلُونَ	اِفْتُعِلْتُمْ	تُفْتَعِلُونَ	تِفْتَعِلُونَ	
١٠	أَنْتِ	اِفْتَعَلْتِ	تِفْتَعِلِينَ	اِفْتُعِلْتِ	تُفْتَعِلِينَ	تِفْتَعِلِينَ	مخاطب مؤ
١١	أَنْتُمَا مَوْ	اِفْتَعَلْتُمَا	تِفْتَعِلَانِ	اِفْتُعِلْتُمَا	تُفْتَعِلَانِ	تِفْتَعِلَانِ	
١٢	أَنْتُنَّ	اِفْتَعَلْتُنَّ	تِفْتَعِلْنَ	اِفْتُعِلْتُنَّ	تُفْتَعِلْنَ	تِفْتَعِلْنَ	
١٣	أَنَا	اِفْتَعَلْتُ	أُفْتَعِلُ	اِفْتُعِلْتُ	أُفْتَعِلُ	أُفْتَعِلَنَّ	متكلّم
١٤	نَحْنُ	اِفْتَعَلْنَا	نُفْتَعِلُ	اِفْتُعِلْنَا	نُفْتَعِلُ	نُفْتَعِلَنَّ	

ش	ضمير	ماض معلوم	مضامعلوم	ماض مجهول	مضا مجهول	مضا معلوم مؤكّد	امر مخاطب
۱	هُوَ	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	يَتَفَعَّلَنَّ	
۲	هُمَا	تَفَعَّلَا	يَتَفَعَّلَانِ	تَفَعَّلَا	يَتَفَعَّلَانِ	يَتَفَعَّلَانِ	غایب مذ
۳	هُم	تَفَعَّلُوا	يَتَفَعَّلُونَ	تَفَعَّلُوا	يَتَفَعَّلُونَ	يَتَفَعَّلُونَ	
۴	هِيَ	تَفَعَّلَتْ	تَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَتْ	تَتَفَعَّلُ	تَتَفَعَّلَنَّ	
۵	هُمَا مَوْ	تَفَعَّلَتَا	تَتَفَعَّلَانِ	تَفَعَّلَتَا	تَتَفَعَّلَانِ	تَتَفَعَّلَانِ	غایب مؤ
۶	هُنَّ	تَفَعَّلْنَ	يَتَفَعَّلْنَ	تَفَعَّلْنَ	يَتَفَعَّلْنَ	يَتَفَعَّلْنَ	
۷	أَنْتِ	تَفَعَّلْتِ	تَتَفَعَّلِي	تَفَعَّلْتِ	تَتَفَعَّلِي	تَتَفَعَّلَنَّ	مخاطب مذ
۸	أَنْتُمَا	تَفَعَّلْتُمَا	تَتَفَعَّلَانِ	تَفَعَّلْتُمَا	تَتَفَعَّلَانِ	تَتَفَعَّلَانِ	
۹	أَنْتُمْ	تَفَعَّلْتُمْ	تَتَفَعَّلُونَ	تَفَعَّلْتُمْ	تَتَفَعَّلُونَ	تَتَفَعَّلُونَ	
۱۰	أَنْتِ	تَفَعَّلْتِ	تَتَفَعَّلِينَ	تَفَعَّلْتِ	تَتَفَعَّلِينَ	تَتَفَعَّلَنَّ	مخاطب مؤ
۱۱	أَنْتُمَا مَوْ	تَفَعَّلْتُمَا	تَتَفَعَّلَانِ	تَفَعَّلْتُمَا	تَتَفَعَّلَانِ	تَتَفَعَّلَانِ	
۱۲	أَنْتُنَّ	تَفَعَّلْتُنَّ	تَتَفَعَّلْنَ	تَفَعَّلْتُنَّ	تَتَفَعَّلْنَ	تَتَفَعَّلْنَ	
۱۳	أَنَا	تَفَعَّلْتُ	أَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْتُ	أَتَفَعَّلُ	أَتَفَعَّلَنَّ	متكلم
۱۴	نَحْنُ	تَفَعَّلْنَا	نَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْنَا	نَتَفَعَّلُ	نَتَفَعَّلَنَّ	

ش	ضمير	ماض معلوم	مضامعلوم	ماض مجهول	مضامجهول	مضا معلوم مؤكّد	امر مخاطب
۱	هُوَ	اسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	اسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	يَسْتَفْعِلَنَّ	
۲	هُمَا	اسْتَفْعَلَا	يَسْتَفْعِلَانِ	اسْتَفْعَلَا	يَسْتَفْعِلَانِ	يَسْتَفْعِلَانِ	غایب مذ
۳	هُم	اسْتَفْعَلُوا	يَسْتَفْعِلُونَ	اسْتَفْعَلُوا	يَسْتَفْعِلُونَ	يَسْتَفْعِلُونَ	
۴	هِيَ	اسْتَفْعَلَتْ	تَسْتَفْعِلُ	اسْتَفْعَلَتْ	تَسْتَفْعِلُ	تَسْتَفْعِلَنَّ	
۵	هُمَا مَوْ	اسْتَفْعَلَتَا	تَسْتَفْعِلَانِ	اسْتَفْعَلَتَا	تَسْتَفْعِلَانِ	تَسْتَفْعِلَانِ	غایب مؤ
۶	هُنَّ	اسْتَفْعَلْنَ	يَسْتَفْعِلْنَ	اسْتَفْعَلْنَ	يَسْتَفْعِلْنَ	يَسْتَفْعِلْنَ	
۷	أَنْتِ	اسْتَفْعَلْتِ	تَسْتَفْعِلِي	اسْتَفْعَلْتِ	تَسْتَفْعِلِي	تَسْتَفْعِلَنَّ	مخاطب مذ
۸	أَنْتُمَا	اسْتَفْعَلْتُمَا	تَسْتَفْعِلَانِ	اسْتَفْعَلْتُمَا	تَسْتَفْعِلَانِ	تَسْتَفْعِلَانِ	
۹	أَنْتُمْ	اسْتَفْعَلْتُمْ	تَسْتَفْعِلُونَ	اسْتَفْعَلْتُمْ	تَسْتَفْعِلُونَ	تَسْتَفْعِلُونَ	
۱۰	أَنْتِ	اسْتَفْعَلْتِ	تَسْتَفْعِلِينَ	اسْتَفْعَلْتِ	تَسْتَفْعِلِينَ	تَسْتَفْعِلَنَّ	مخاطب مؤ
۱۱	أَنْتُمَا مَوْ	اسْتَفْعَلْتُمَا	تَسْتَفْعِلَانِ	اسْتَفْعَلْتُمَا	تَسْتَفْعِلَانِ	تَسْتَفْعِلَانِ	
۱۲	أَنْتُنَّ	اسْتَفْعَلْتُنَّ	تَسْتَفْعِلْنَ	اسْتَفْعَلْتُنَّ	تَسْتَفْعِلْنَ	تَسْتَفْعِلْنَ	
۱۳	أَنَا	اسْتَفْعَلْتُ	أَسْتَفْعِلُ	اسْتَفْعَلْتُ	أَسْتَفْعِلُ	أَسْتَفْعِلَنَّ	متكلم
۱۴	نَحْنُ	اسْتَفْعَلْنَا	نَسْتَفْعِلُ	اسْتَفْعَلْنَا	نَسْتَفْعِلُ	نَسْتَفْعِلَنَّ	

افعال معتل

مثال

فَعْلٌ - يَفْعُلُ	ش	ضمير	ماض معلوم	مضامعلوم	ماض مجهول	مضا مجهول	مضا معلوم مؤكّد	امر مخاطب
غايب مذ	١	هُوَ	وَعَدَ	يَعِدُ	وَعِدَ	يُوعِدُ	يَعِدَنَّ	
	٢	هُمَا	وَعَدَا	يَعِدَانِ	وَعِدَا	يُوعِدَانِ	يَعِدَانِ	
	٣	هُمْ	وَعَدُوا	يَعِدُونَ	وَعِدُوا	يُوعِدُونَ	يَعِدَنَّ	
غايب مؤ	٤	هِيَ	وَعَدَتْ	تَعِدُ	وَعِدَتْ	تُوعِدُ	تَعِدَنَّ	
	٥	هُمَا مَوْ	وَعَدَتَا	تَعِدَانِ	وَعِدَتَا	تُوعِدَانِ	تَعِدَانِ	
	٦	هُنَّ	وَعَدْنَ	يَعِدْنَ	وَعِدْنَ	يُوعِدْنَ	يَعِدْنَ	
مخاطب مذ	٧	أَنْتَ	وَعَدْتَ	تَعِدُ	وَعَدْتَ	تُوعِدُ	تَعِدَنَّ	عِدْ
	٨	أَنْتُمَا	وَعَدْتُمَا	تَعِدَانِ	وَعَدْتُمَا	تُوعِدَانِ	تَعِدَانِ	عِدَا
	٩	أَنْتُمْ	وَعَدْتُمْ	تَعِدُونَ	وَعَدْتُمْ	تُوعِدُونَ	تَعِدَنَّ	عِدُوا
مخاطب مؤ	١٠	أَنْتِ	وَعَدْتِ	تَعِدِينَ	وَعَدْتِ	تُوعِدِينَ	تَعِدَنَّ	عِدِي
	١١	أَنْتُمَا مَوْ	وَعَدْتُمَا	تَعِدَانِ	وَعَدْتُمَا	تُوعِدَانِ	تَعِدَانِ	عِدَا
	١٢	أَنْتُنَّ	وَعَدْتُنَّ	تَعِدْنَ	وَعَدْتُنَّ	تُوعِدْنَ	تَعِدْنَ	عِدْنَ
متكلم	١٣	أَنَا	وَعَدْتُ	أَعِدُ	وَعَدْتُ	أُوعِدُ	أَعِدَنَّ	
	١٤	نَحْنُ	وَعَدْنَا	نَعِدُ	وَعَدْنَا	نُوعِدُ	نَعِدَنَّ	

اجوف

فَعْلٌ - يَفْعُلُ	ش	ضمير	ماض معلوم	مضامعلوم	ماض مجهول	مضامجهول	مضا معلوم مؤكّد	امر مخاطب
غايب مذ	١	هُوَ	قَالَ	يَقُولُ	قِيلَ	يُقَالُ	يَقُولَنَّ	
	٢	هُمَا	قَالَا	يَقُولَانِ	قِيلَا	يُقَالَانِ	يَقُولَانِ	
	٣	هُمْ	قَالُوا	يَقُولُونَ	قِيلُوا	يُقَالُونَ	يَقُولَنَّ	
غايب مؤ	٤	هِيَ	قَالَتْ	تَقُولُ	قِيلَتْ	تُقَالُ	تَقُولَنَّ	
	٥	هُمَا مَوْ	قَالَتَا	تَقُولَانِ	قِيلَتَا	تُقَالَانِ	تَقُولَانِ	
	٦	هُنَّ	قُلْنَ	يَقُلْنَ	قِيلْنَ	يُقَلْنَ	يَقُلْنَ	
مخاطب مذ	٧	أَنْتَ	قُلْتَ	تَقُولُ	قُلْتَ	تُقَالُ	تَقُولَنَّ	قُلْ
	٨	أَنْتُمَا	قُلْتُمَا	تَقُولَانِ	قُلْتُمَا	تُقَالَانِ	تَقُولَانِ	قُولَا
	٩	أَنْتُمْ	قُلْتُمْ	تَقُولُونَ	قُلْتُمْ	تُقَالُونَ	تَقُولَنَّ	قُولُوا
مخاطب مؤ	١٠	أَنْتِ	قُلْتِ	تَقُولِينَ	قُلْتِ	تُقَالِينَ	تَقُولَنَّ	قُولِي
	١١	أَنْتُمَا مَوْ	قُلْتُمَا	تَقُولَانِ	قُلْتُمَا	تُقَالَانِ	تَقُولَانِ	قُولَا
	١٢	أَنْتُنَّ	قُلْتُنَّ	تَقُلْنَ	قُلْتُنَّ	تُقَلْنَ	تَقُلْنَ	قُلْنَ
متكلم	١٣	أَنَا	قُلْتُ	أَقُولُ	قُلْتُ	أَقَالُ	أَقُولَنَّ	
	١٤	نَحْنُ	قُلْنَا	نَقُولُ	قُلْنَا	نُقَالُ	نَقُولَنَّ	

فَعْلٌ - يَفْعُلُ	ش	ضمير	ماض معلوم	مضامعلوم	ماض مجهول	مضامجهول	مضا معلوم مؤكّد	امر مخاطب
غايب مذ	١	هُوَ	دَعَا	يُدْعُو	دُعِيَ	يُدْعِي	يُدْعُونَ	
	٢	هُمَا	دَعَا	يُدْعَوَانِ	دُعِيَا	يُدْعِيَانِ	يُدْعَوَانِ	
	٣	هُم	دَعَا	يُدْعُونَ	دُعُوا	يُدْعُونَ	يُدْعُونَ	
غايب مؤ	٤	هِيَ	دَعَتْ	تَدْعُو	دُعِيَتْ	تُدْعِي	تَدْعُونَ	
	٥	هُمَا مَوْ	دَعَتَا	تَدْعَوَانِ	دُعِيَتَا	تُدْعِيَانِ	تَدْعَوَانِ	
	٦	هُنَّ	دَعَوْنَ	يَدْعُونَ	دُعِينَ	يُدْعِينَ	يَدْعُونَانِ	
مخاطب مذ	٧	أَنْتَ	دَعَوْتَ	تَدْعُو	دُعِيْتَ	تُدْعِي	تَدْعُونَ	أُدْعُ
	٨	أَنْتُمَا	دَعَوْتُمَا	تَدْعَوَانِ	دُعِيْتُمَا	تُدْعِيَانِ	تَدْعَوَانِ	أُدْعُوا
	٩	أَنْتُمْ	دَعَوْتُمْ	تَدْعُونَ	دُعِيْتُمْ	تُدْعُونَ	تَدْعُونَ	أُدْعُوا
مخاطب مؤ	١٠	أَنْتِ	دَعَوْتِ	تَدْعُوينَ	دُعِيْتِ	تُدْعِينِ	تَدْعُونَ	أُدْعُوِي
	١١	أَنْتُمَا مَوْ	دَعَوْتُمَا	تَدْعَوَانِ	دُعِيْتُمَا	تُدْعِيَانِ	تَدْعَوَانِ	أُدْعُوا
	١٢	أَنْتُنَّ	دَعَوْتُنَّ	تَدْعُونَ	دُعِيْتُنَّ	تُدْعِينَ	تَدْعُونَانِ	أُدْعُونَ
متكلم	١٣	أَنَا	دَعَوْتُ	أَدْعُو	دُعَيْتُ	أُدْعِي	أَدْعُونَ	
	١٤	نَحْنُ	دَعَوْنَا	نَدْعُو	دُعِينَا	نُدْعِي	نَدْعُونَ	

أفعال مهموز

أمن/إفعال	ش	ضمير	ماض معلوم	مضامعلوم	ماض مجهول	مضامجهول	مضا معلوم مؤكّد	امر مخاطب
غايب مذ	١	هُوَ	أَمَنَ	يُؤْمِنُ	أُؤْمِنُ	يُؤْمِنُ	يُؤْمِنَنَّ	
	٢	هُمَا	أَمَنَا	يُؤْمِنَانِ	أُؤْمِنَا	يُؤْمِنَانِ	يُؤْمِنَانِ	
	٣	هُم	أَمَنُوا	يُؤْمِنُونَ	أُؤْمِنُوا	يُؤْمِنُونَ	يُؤْمِنُونَ	
غايب مؤ	٤	هِيَ	أَمَنْتِ	تُؤْمِنُ	أُؤْمِنْتِ	تُؤْمِنُ	تُؤْمِنَنَّ	
	٥	هُمَا مَوْ	أَمَنْتَا	تُؤْمِنَانِ	أُؤْمِنْتَا	تُؤْمِنَانِ	تُؤْمِنَانِ	
	٦	هُنَّ	أَمَنَّ	يُؤْمِنِينَ	أُؤْمِنَنَّ	يُؤْمِنِينَ	يُؤْمِنِنَانِ	
مخاطب مذ	٧	أَنْتَ	أَمَنْتَ	تُؤْمِنُ	أُؤْمِنْتَ	تُؤْمِنُ	تُؤْمِنَنَّ	أَمِنْ
	٨	أَنْتُمَا	أَمَنْتُمَا	تُؤْمِنَانِ	أُؤْمِنْتُمَا	تُؤْمِنَانِ	تُؤْمِنَانِ	أَمِنَا
	٩	أَنْتُمْ	أَمَنْتُمْ	تُؤْمِنُونَ	أُؤْمِنْتُمْ	تُؤْمِنُونَ	تُؤْمِنُونَ	أَمِنُوا
مخاطب مؤ	١٠	أَنْتِ	أَمَنْتِ	تُؤْمِنِينَ	أُؤْمِنْتِ	تُؤْمِنِينَ	تُؤْمِنِينَ	أَمِنِي
	١١	أَنْتُمَا مَوْ	أَمَنْتُمَا	تُؤْمِنَانِ	أُؤْمِنْتُمَا	تُؤْمِنَانِ	تُؤْمِنَانِ	أَمِنَا
	١٢	أَنْتُنَّ	أَمَنْتُنَّ	تُؤْمِنِينَ	أُؤْمِنْتُنَّ	تُؤْمِنِينَ	تُؤْمِنِنَانِ	أَمِنَّ
متكلم	١٣	أَنَا	أَمَنْتُ	أُؤْمِنُ	أُؤْمِنْتُ	أُؤْمِنُ	أُؤْمِنَنَّ	
	١٤	نَحْنُ	أَمَنْنَا	نُؤْمِنُ	أُؤْمِنْنَا	نُؤْمِنُ	نُؤْمِنَنَّ	



لغتنامه

أَمَنَ [أمن]: {ماضی، ۱ از افعال}، ایمان آورد ۱۷، تغابن: ۹

أَمَنْتَ [أمن]: ایمان آورد ۱۴، صَف: ۱۴

أَمْوَالٌ [مول]: ج. م مال ۱۳، صَف: ۱۱

أُمَّيِّينَ [أمم]: درس نخوانده‌ها، غیر اهل کتاب ۶، جمعة: ۲

أَنَّ [إن]: اینکه، که ۱۰، صَف: ۳

إِنَّ [إن]: قطعا، همانا ۶، جمعة: ۲

إِنْ [إن]: اگر ۸، جمعة: ۶

أَنَّا [من]: ۳، کافرون: ۴

إِسْتَشِرُوا [نشر]: پراکنده شوید، متفرق شوید ۹، جمعة: ۱۰

أَنْتُمْ [شما]: ۳، کافرون: ۳

أَنْزَلَ [نزل]: {ماضی، ۱ از افعال}، فرورستاد، نازل کرد ۱۷، تغابن: ۸

أَنْزَلْنَا [نزل]: {ماضی، ۱۴ از أَنْزَلَ} ۱۷، تغابن: ۸

أَنْصَارٌ [نصر]: ج. م ناصر ۱۴، صَف: ۱۴

أَنْعَمْتَ [نعم]: نعمت دادی ۱، حمد: ۷

أَنْفُسٌ [نفس]: جمع مکسر نفس ۱۳، صَف: ۱۱

انْفَضُّوا [فضض]: متفرق شدند، پراکنده شدند ۹، جمعة: ۱۱

انْفَقَ [نفق]: {ماضی، ۱ از افعال}، انفاق کرد، خرج کرد ۲۰، تغابن: ۱۶

انْفِقُوا [نفق]: {امر، ۹ از انْفَقَ} ۲۰، تغابن: ۱۶

إِنَّمَا [فقط]: ۱۸، تغابن: ۱۲

أَنْهَارٌ [نهر]: ج. م نهر ۱۳، صَف: ۱۲

إِهْدِ [هدی]: هدایت کن ۱، حمد: ۶

أَوْ [یا]: ۹، جمعة: ۱۱

أَوْلَادٌ [ولد]: ج. م وَلَدٌ ۱۹، تغابن: ۱۴

أَوْلِيَاءٌ [ولی]: ج. م وَلِيٌّ ۸، جمعة: ۶

أَوْلِيَاكَ: {اسم اشاره متوسط {دور} به جمع}، آن‌ها ۱۷، تغابن: ۱۰

آيَاتٍ [آیی]: نشانه‌ها ۶، جمعة: ۲

إِيَّاكَ [تو]: ۵، حمد: ۵

أَيَّدْنَا [آید]: تأیید کردیم، یاری دادیم ۱۴، صَف: ۱۴

أَيْدِي [یدی]: ج. م يَدٌ ۸، جمعة: ۷

ب - ت - ث

بِ: به، با، به سبب، نسبت به ۱، حمد: ۶

بَشِيرٌ [بشر]: بشارت ده، مژده بده ۱۴، صَف: ۱۳

بَصِيرٌ [بصر]: بینا ۱۵، تغابن: ۲

بَعَثَ [بعث]: {ماضی، ۱ فَعَلَ يَفْعَلُ}، برانگیخت، مبعوث کرد ۶، جمعة: ۲

بَعْدَ [بعد]: پس از ۱۱، صَف: ۶

بَلَاغٌ [بلغ]: رساندن، تبلیغ ۱۸، تغابن: ۱۲

بَلَى: بله، آری ۱۶، تغابن: ۷

بُنْيَانٌ [بنی]: بنا، ساختمان ۱۰، صَف: ۴

بَيْنَ [بینو]: ج. م بَيْنٌ ۱۱، صَف: ۶

بِئْسَ [بأس]: چه بد است ۷، جمعة: ۵

بِيعَ [بیع]: معامله، خرید و فروش ۹، جمعة: ۹

بَيْنَ [بین]: میان ۱۱، صَف: ۶

بَيِّنَاتٌ [بین]: ج. م بَيِّنَةٌ ۱۱، صَف: ۶

بَيِّنَةٌ [بین]: دلیل روشن، روشن ۱۱، صَف: ۶

تَأْتِي [آتی]: {مضارع، ص ۴ آتی} ۱۶، تغابن: ۶

تُبْعَثُونَ [بعث]: {مضارع مجهول، ۹ از بَعَثَ} ۱۶، تغابن: ۷

تِجَارَةٌ [تجر]: تجارت، معامله، داد و ستد ۹، جمعة: ۱۱

تُجَاهِدُونَ [جهاد]: جهاد می‌کنید، (با مشقّت) تلاش می‌کنید ۱۳، صَف: ۱۱

تُجْرَى [جری]: جاری می‌شود، جاری است ۱۳، صَف: ۱۲

تُحِبُّونَ [حبب]: دوست می‌دارید ۱۴، صَف: ۱۳

تَحْتَ [تحت]: زیر ۱۳، صَف: ۱۲

تُرَدُّونَ [ردد]: بازگشت داده می‌شوید، بازگردانده می‌شوید ۸، جمعة: ۸

تَرَكُوا [ترک]: ترک کردند، رها کردند ۹، جمعة: ۱۱	تَقْرُضُونَ [قرض]: { مضارع، ۹، از أَقْرَضَ } ۲۰، تغابن: ۱۷
تُسِرُّونَ [سررا]: پنهان می کنید، مخفی می کنید ۱۵، تغابن: ۴	تَقُولُونَ [قول]: می گویند ۱۰، صف: ۲
تَصَفِّحُونَ [صفح]: { مضارع، ۹، از صَفَحَ } ۱۹، تغابن: ۱۴	تَمَنُّوا [منی]: آرزو کنید، تمنا کنید ۸، جمعة: ۶
تَعْبُدُونَ [عبد]: عبادت می کنید، بندگی می کنید، می پرستید ۳، کافرون: ۲	تُسَبِّحُونَ [نبا]: { مضارع مجهول، ۹، از تَبَّأَ } ۱۶، تغابن: ۷
تَعْفُونَ [عفو]: { مضارع، ۹، از عَفَا } ۱۹، تغابن: ۱۴	تُنَجِّي [نجوا]: نجات می دهد ۱۳، صف: ۱۰
تَعْلَمُونَ [علم]: می دانید ۹، جمعة: ۹	تُؤْذُونَ [أذی]: اذیت می کنید، آزار می دهید ۱۱، صف: ۵
تُعْلِنُونَ [علن]: آشکار می کنید، علنی انجام می دهید ۱۵، تغابن: ۴	تُورَاةُ [توراة]: تورات، کتاب آسمانی حضرت موسی عليه السلام ۷، جمعة: ۵
تَعْمَلُونَ [عمل]: انجام می دهید، عمل می کنید ۸، جمعة: ۸	تَوَكَّلْ [وکل]: { ماضی، ۱، از تَفَعَّلَ }، توکل کرد، اعتماد کرد ۱۸، تغابن: ۱۳
تَغَابِنَ [غبن]: خسارت دیدن، زیان دیدن ۱۷، تغابن: ۹	تَوَلَّوْا [ولی]: { ماضی، ۳، تَوَلَّى } ۱۶، تغابن: ۶
تَغْفِرُونَ [غفر]: { مضارع، ۹، از غَفَرَ } ۱۹، تغابن: ۱۴	تَوَلَّى [ولی]: { ماضی، ۱، تَفَعَّلَ }، پشت کرد، روی گرداند ۱۶، تغابن: ۶
تَفِرُّونَ [فررا]: فرار می کنید، می گریزید ۸، جمعة: ۸	تَوَلَّيْتُمْ [ولی]: { ماضی، ۹، از تَوَلَّى } ۱۸، تغابن: ۱۲
تَفْعَلُونَ [فعل]: انجام می دهید ۱۰، صف: ۲	تُؤْمِنُونَ [أمن]: ایمان می آورید ۱۳، صف: ۱۱
تُفْلِحُونَ [فلح]: رستگار می شوید، کامیاب می شوید ۹، جمعة: ۱۰	تَمَّ [سپس ۷، جمعة: ۵]

ج - ح - خ

جَاءَ [جاء]: { ماضی، ۱، فَعَلَ - يَفْعَلُ }، آمد ۱۱، صف: ۶	جَاءَ [جاء]: { ماضی، ۱، فَعَلَ - يَفْعَلُ }، آمد ۱۱، صف: ۶
جَمَعَ [جمع]: { ماضی، ۱، از فَعَلَ - يَفْعَلُ }، جمع کرد ۱۷، تغابن: ۹	جَمَعَ [جمع]: { ماضی، ۱، از فَعَلَ - يَفْعَلُ }، جمع کرد ۱۷، تغابن: ۹
جَمَعَ [جمع]: جمع کردن، جمع آوری ۱۷، تغابن: ۹	جَمَعَ [جمع]: جمع کردن، جمع آوری ۱۷، تغابن: ۹
جُمُعَةٌ [جمع]: جمعه ۹، جمعة: ۹	جُمُعَةٌ [جمع]: جمعه ۹، جمعة: ۹
جَنَّتْ [جنن]: جمع سالم جَنَّةٌ ۱۳، صف: ۱۲	جَنَّتْ [جنن]: جمع سالم جَنَّةٌ ۱۳، صف: ۱۲
جَنَّةٌ [جنن]: باغ، بهشت ۱۳، صف: ۱۲	جَنَّةٌ [جنن]: باغ، بهشت ۱۳، صف: ۱۲
جِنَّةٌ [جنن]: جنیان، جماعت جن ۵، ناس: ۶	جِنَّةٌ [جنن]: جنیان، جماعت جن ۵، ناس: ۶
حَاسِدٌ [حسد]: حسادت کننده، حسود، تنگ نظر ۴، فلق: ۵	حَاسِدٌ [حسد]: حسادت کننده، حسود، تنگ نظر ۴، فلق: ۵
حَذَرَ [حذر]: { ماضی، ۱، از فَعَلَ - يَفْعَلُ }، حذر کرد، احتیاط (پرهیز) کرد ۱۹، تغابن: ۱۴	حَذَرَ [حذر]: { ماضی، ۱، از فَعَلَ - يَفْعَلُ }، حذر کرد، احتیاط (پرهیز) کرد ۱۹، تغابن: ۱۴
حَسَدٌ [حسد]: حسادت کرد، حسد ورزید ۴، فلق: ۵	حَسَدٌ [حسد]: حسادت کرد، حسد ورزید ۴، فلق: ۵
حَسَنٌ [حسن]: نیکو، نیک ۲۰، تغابن: ۱۷	حَسَنٌ [حسن]: نیکو، نیک ۲۰، تغابن: ۱۷
حَقٌّ [حقق]: حق، درست، راستین، سزاوار ۱۲، صف: ۹	حَقٌّ [حقق]: حق، درست، راستین، سزاوار ۱۲، صف: ۹
حِكْمَةٌ [حکم]: حکمت، قدرت تشخیص و انجام حق ۶، جمعة: ۲	حِكْمَةٌ [حکم]: حکمت، قدرت تشخیص و انجام حق ۶، جمعة: ۲
حَكِيمٌ [حکم]: حکیم، با حکمت، کاردان ۶، جمعة: ۱	حَكِيمٌ [حکم]: حکیم، با حکمت، کاردان ۶، جمعة: ۱
حَلِيمٌ [حلم]: بردبار ۲۰، تغابن: ۱۷	حَلِيمٌ [حلم]: بردبار ۲۰، تغابن: ۱۷
حَمَارٌ [حمر]: خر، الاغ ۷، جمعة: ۵	حَمَارٌ [حمر]: خر، الاغ ۷، جمعة: ۵
حَمْدٌ [حمد]: ستایش، ستایش کردن ۱، حمد: ۲	حَمْدٌ [حمد]: ستایش، ستایش کردن ۱، حمد: ۲
حَمَلُوا [حمل]: بردوش شان گذاشته شد، برآنان نهاده شد، مکلف شدند ۷، جمعة: ۵	حَمَلُوا [حمل]: بردوش شان گذاشته شد، برآنان نهاده شد، مکلف شدند ۷، جمعة: ۵
حَمِيدٌ [حمد]: ستوده ۱۶، تغابن: ۶	حَمِيدٌ [حمد]: ستوده ۱۶، تغابن: ۶
حَوَارِيٌّ [حورا]: حواری، نام یاران پاکدل حضرت مسیح عليه السلام ۱۴، صف: ۱۴	حَوَارِيٌّ [حورا]: حواری، نام یاران پاکدل حضرت مسیح عليه السلام ۱۴، صف: ۱۴
حَوَارِيُّونَ [حورا]: ج.س حَوَارِيٌّ ۱۴، صف: ۱۴	حَوَارِيُّونَ [حورا]: ج.س حَوَارِيٌّ ۱۴، صف: ۱۴
حَوَارِيَّيْنِ [حورا]: ج.س حَوَارِيٌّ ۱۴، صف: ۱۴	حَوَارِيَّيْنِ [حورا]: ج.س حَوَارِيٌّ ۱۴، صف: ۱۴
خَالِدٌ [خلد]: جاودانه، ماندگار ۱۷، تغابن: ۹	خَالِدٌ [خلد]: جاودانه، ماندگار ۱۷، تغابن: ۹
خَالِدِينَ [خلد]: ج.س خَالِدٌ ۱۷، تغابن: ۹	خَالِدِينَ [خلد]: ج.س خَالِدٌ ۱۷، تغابن: ۹

خَبِير [خبر]: با خبر، آگاه، ۱۷، تغابن: ۸

خَلَقَ [خلق]: آفرید، خلق کرد ۴، فلق: ۲

خَنَاس [خنس]: (بسیار) پنهان شونده، (بسیار) پنهانی ۵، ناس: ۴

خَيْر [خیر]: بهتر، بهترین، خوب (ی) ۹، جمعة: ۹

ذ - د

دُون [دون]: غیر، بدون، ۸، جمعة: ۶

دِين [دین]: جزا، دین، آیین، ۱، حمد: ۴

ذَات [ذات]: ذات، درون، ۱۵، تغابن: ۴

ذَاقَ [ذوق]: {ماضی، ص ۱ فَعَلَ - يَفْعَلُ}، چشید ۱۶، تغابن:

ذَاقُوا [ذوق]: {ماضی، ص ۳ ذَاقَ}، ۱۶، تغابن: ۵

ذَالِك: [اسم اشاره مفرد مذکر دور]، آن ۷، جمعة: ۴

ذُرُوا [وزر]: رها کنید ۹، جمعة: ۹

ذَكَرَ [ذکر]: ذکر، ذکر کردن، یاد، یادآوری کردن ۹، جمعة: ۹

ذَلِكُمْ: آن ۹، جمعة: ۹

ذَنْب [ذنب]: گناه ۱۳، صف: ۱۲

ذُنُوب [ذنب]: ج. م. ذنب ۱۳، صف: ۱۲

ذُو صاحب ۷، جمعة: ۴

ز - ر

رَازِق [رزق]: رزق دهنده، روزی دهنده ۹، جمعة: ۱۱

رَازِقِينَ [رزق]: ج. س. رازق ۹، جمعة: ۱۱

رَأَوْا [رای]: دیدند ۹، جمعة: ۱۱

رَبِّ [رب]: پروردگار، پرورش دهنده، مالک و مدبّر ۱، حمد: ۲

رَحْمَن [رحم]: بخشنده ۱، حمد: ۱

رَحِيم [رحم]: مهربان ۱، حمد: ۱

رُسُل [رسل]: ج. م. رُسُول ۱۶، تغابن: ۶

رُسُول [رسل]: فرستاده ۶، جمعة: ۲

رَأَعُوا [زیغ]: منحرف شدند ۱۱، صف: ۵

زَعَمَ [زعم]: {ماضی، ۱ فَعَلَ - يَفْعَلُ}، گمان کرد، پنداشت ۱۶، تغابن: ۷

زَعَمْتُمْ [زعم]: پنداشتید، گمان کردید ۸، جمعة: ۶

زَوْج [زوج]: زوج، همسر ۱۹، تغابن: ۱۴

س - ش

سَبَّحَ [سبح]: تسبیح کرد، پاک و منزّه دانست ۱۰، صف: ۱

سَبِيل [سبل]: راه ۱۰، صف: ۴

سِحْر [سحر]: جادو ۱۱، صف: ۶

سِفْر [سفر]: کتاب ۷، جمعة: ۵

سَمَاوَات [سمو]: آسمان ها ۶، جمعة: ۱

سَمِعَ [سمع]: {ماضی، ۱ فَعَلَ - يَفْعَلُ}، شنید، گوش کرد ۲۰، تغابن: ۱۶

سَيِّئَات [سوأ]: ج. س. سَيِّئَةٌ ۱۷، تغابن: ۹

سَيِّئَةٌ [سوأ]: {کار} بد، گناه ۱۷، تغابن: ۹

شُحَّ [شحح]: بخل، حرص ۲۰، تغابن: ۱۶

شَرَّ [شر]: شرّ، بدی ۴، فلق: ۲

شَكَوْر [شکر]: پاداش دهنده، شکرگزار ۲۰، تغابن: ۱۷

شَهَادَةٌ [شهد]: آشکارا ۸، جمعة: ۸

شَيْء [شیأ]: چیز ۱۵، تغابن: ۱

ص - ض - ط - ظ

صَاحِب [صحب]: ملازم، یار، رفیق ۱۷، تغابن: ۱۰

صَادِق [صدق]: صادق، راستگو ۸، جمعة: ۶

صَادِقِينَ [صدق]: ج. س. صادق ۸، جمعة: ۶

صَالِح [صالح]: صالح، شایسته ۱۷، تغابن: ۹

صُدُور [صدر]: سینه‌ها، دل‌ها ۵، ناس: ۵

صِرَاط [صراط]: راه ۱، حمد: ۶

صَف [صف]: صف کشیدگان ۱۰، صف: ۴

صَفَح [صفح]: {ماضی، ۱ از فَعَلَ - يَفْعَلُ}، نادیده گرفت، چشم پوشی کرد ۱۹، تغابن: ۱۴

صَلَاة [صلی]: نماز ۹، جمعة: ۹

صَمَد [صمد]: بی‌نیاز، مقصود ۲، توحید: ۲

صَوَّر [صور]: صورت داد، شکل داد ۱۵، تغابن: ۳

صُور [صور]: ج. م. صُورَة ۱۵، تغابن: ۳

صُورَة [صور]: صورت، شکل ۱۵، تغابن: ۳

ضَاعَف [ضعف]: {ماضی، ۱ مُضَاعَلَة}، دوچندان کرد، زیاد کرد ۲، تغابن: ۱۷

ضَالِّينَ [ضلل]: گمراهان ۱، حمد: ۷

ضَلَّال [ضلل]: گمراهی ۶، جمعة: ۲

طَائِفَة [طوف]: طائفه، گروه، دسته ۱۴، صف: ۱۴

طَيِّبَة [طیب]: پاک ۱۳، صف: ۱۲

ظَالِم [ظلم]: ظالم، ستمکار، ستمگر ۷، جمعة: ۵

ظَالِمِينَ [ظلم]: ج. س. ظالم ۷، جمعة: ۵

ظَاهِر [ظهر]: پیروز - غلبه کننده، آشکار، بیرون ۱۴، صف: ۱۴

ظَاهِرِينَ [ظهر]: ج. س. ظاهر ۱۴، صف: ۱۴

ع - غ

عَابِد [عبد]: عبادت کننده، پرستش کننده ۳، کافرون: ۴

عَابِدُونَ [عبد]: عبادت کنندگان، پرستش کنندگان ۳، کافرون: ۳

عَالِم [علم]: عالم، دانا ۸، جمعة: ۸

عَالَمِينَ [علم]: جهانیان، جهان‌ها ۱، حمد: ۲

عَبْدُكُمْ [عبد]: عبادت کردید، بندگی کردید، پرستیدید ۳، کافرون: ۴

عَدَن [عدن]: همیشگی، دائمی ۱۳، صف: ۱۲

عَدُو [عدو]: دشمن ۱۴، صف: ۱۴

عَذَاب [عذب]: شکنجه ۱۳، صف: ۱۰

عَزِيز [عز]: با عزت، شکست ناپذیر، نفوذناپذیر ۶، جمعة: ۱

عَظِيم [عظم]: عظیم، بزرگ ۷، جمعة: ۴

عَفَا [عفو]: {ماضی، ۱ فَعَلَ - يَفْعَلُ}، عفو کرد، بخشید ۱۹، تغابن: ۱۴

عُقَد [عقد]: گره‌ها ۴، فلق: ۴

عَلَى [علی]: بر، بر عهده ۱، حمد: ۷

عَلِيم [علم]: (بسیار) دانا ۸، جمعة: ۷

عَمِلَ [عمل]: {ماضی، ۱ از فَعَلَ - يَفْعَلُ}، عمل کرد، انجام داد ۱۶، تغابن: ۷

عَمِلْتُمْ [عمل]: {ماضی، ۱ از عَمِلَ} ۱۶، تغابن: ۷

عَنْ [عن]: از ۱۷، تغابن: ۹

عِنْد [عند]: نزد ۹، جمعة: ۱۱

عِيسَى [عیسی]: حضرت عیسی عليه السلام ۱۱، صف: ۶

عَاسِق [عسق]: تاریکی، شب تاریک ۴، فلق: ۳

عَفَّر [غفر]: {ماضی، ۱ فَعَلَ - يَفْعَلُ}، پوشاند، آمرزید (بخشید) ۱۹، تغابن: ۱۴

عَفُور [غفر]: {بسیار} آمرزنده، بخشنده ۱۹، تغابن: ۱۴

عَنَى [غنی]: بی‌نیاز، ثروتمند، توانگر ۱۶، تغابن: ۶

عَنِيْب [غیب]: غیب، نهان ۸، جمعة: ۸

عَيْن [عین]: به جز ۱، حمد: ۷

ف - ق

ف [ف]: پس، در نتیجه، تا ۸، جمعة: ۶

فَاسِق [فسق]: فاسق، نافرمان، بیرون رفته از ایمان ۱۱، صف: ۵

فَاسِقِينَ [فسق]: ج. س فاسق ۱۱، صف: ۵

فَاه [فوه]: دهان ۱۲، صف: ۸

فَتَح [فتح]: پیروزی، گشایش ۱۴، صف: ۱۳

فِتْنَةٌ [فتن]: امتحان، وسیله امتحان ۱۹، تغاین: ۱۵

فُضِّل [فضل]: فضل، بخشش ۷، جمعه: ۴

فَلَقَ [فلق]: سپیده صبح، (هر چیز) شکافته شده ۴، فل: ۱

فُوزًا [فوز]: رستگاری، کامیابی ۱۳، صف: ۱۲

فِي: در، درباره ۴، فل: ۴

قَالَ [قول]: (ماضی، ۱، فَعَلَ - يَفْعُلُ)، گفت ۱۱، صف: ۵

قَالُوا [قول]: گفتند ۱۱، صف: ۶

قَائِمٌ [قوم]: ایستاده ۹، جمعه: ۱۱

قَبْلَ [قبل]: قبل، گذشته، پیش از ۶، جمعه: ۲

قَدَّ [قطعاً، همانا ۱۱، صف: ۵

قَدَّمَتْ [قدم]: پیش فرستاد، تقدیم کرد ۸، جمعه: ۷

قُدُّوسٌ [قدس]: بسیار مقدس، کاملاً پاک ۶، جمعه: ۱

قَدِيرٌ [قدر]: توانا ۱۵، تغاین: ۱

قَرَضَ [قرض]: قرض، وام، قرض (وام) دادن ۲۰، تغاین: ۱۷

قَرِيبٌ [قرب]: نزدیک، اندک زمان ۱۴، صف: ۱۳

قُضِيَ [قضی]: پایان یافت، تمام شد ۹، جمعه: ۱۰

قُلٌّ [قول]: بگو، توحید: ۱

قَلْبٌ [قلب]: قلب، دل ۱۱، صف: ۵

قُلُوبٌ [قلب]: ج. م قلب ۱۱، صف: ۵

قَوْمٌ [قوم]: قوم، گروه ۷، جمعه: ۵

ک - ل

كُ: مانند، شبیه ۷، جمعه: ۵

كَ [ک]: {ضمیر متصل مفرد مذکر مخاطب}، تو، ت ۹، جمعه: ۱۱

كَافِرٌ [کفر]: انکارکننده (حق)، پوشاننده، کشاوری ۱۵، تغاین: ۲

كَافِرُونَ [کفر]: کافران، افراد کافر ۳، کافرون: ۱

كَانَ [کون]: (ماضی، ۱، فَعَلَ - يَفْعُلُ)، بود، شد ۱۶، تغاین:

كَانَ: گویی، مانند اینکه ۱۰، صف: ۴

كَانَتْ [کون]: (ماضی، ص ۴، كَانٌ) {۱۶، تغاین: ۶

كَانُوا [کون]: بودند ۶، جمعه: ۲

كَبُرَ [کبر]: بزرگ شد ۱۰، صف: ۳

كِتَابٌ [کتاب]: کتاب (آسمانی)، نوشته شده ۶، جمعه: ۲

كَذَبَ [کذب]: دروغ ۱۲، صف: ۷

كَذَّبُوا [کذب]: تکذیب کردند، دروغ شمردند ۷، جمعه: ۵

كَرِهَ [کره]: کراهت داشت، نپسندید، خوش نداشت ۱۲، صف: ۸

كَفَّرَ [کفر]: (ماضی، ۱، از تفعیل)، پوشاند ۱۷، تغاین: ۹

كَفَّرَ [کفر]: (ماضی، ۱، فَعَلَ - يَفْعُلُ)، کفروزی، کافرشد ۱۶، تغاین: ۵

كَفَّرَتْ [کفر]: کافرشد، کفروزی ۱۴، صف: ۱۴

كَفَّرُوا [کفر]: (ماضی، ۳، كَفَّرَ) {۱۶، تغاین: ۵

كَفُّوا [کفو]: همتا، همانند ۲، توحید: ۴

كَمَّ: شما، تان ۳، کافرون: ۶

كُنْتُ [کون]: بودید ۸، جمعه: ۶

كُونُوا [کون]: باشید ۱۴، صف: ۱۴

لَ: قطعاً، حتماً، (لام قسم) ۶، جمعه: ۲

لِ: برای، به، برای اینکه ۱، حمد: ۲

لَا: (حرف نفی)، نه، نیست ۱، حمد: ۷

لَعَلَّ: شاید، به امید اینکه، تا (اینکه) ۹، جمعه: ۱۰

لَمْ: (حرف نفی) ۲، توحید: ۳

لَمَّا: (حرف نفی)، زمانی که ۷، جمعه: ۳

لَنْ: (حرف نفی ناصبه)، هرگز ۱۶، تغاین: ۷

هُنُو [لهو]: لهو، سرگرمی، ۹، جمعة: ۱۱

لُو [لوا]: اگرچه، هرچند، اگر ۱۲، صف: ۸

لَيْتَوَكَّل [وكل]: {امر، از توکَّل}، ۱۸، تغابن: ۱۳

م-ن

مَا: آنچه - هرچه، چه چیزی؟ (حرف نفی) ۳، کافرون: ۲

مَال [مول]: دارایی، ۱۳، صف: ۱۱

مَالِك [ملک]: مالک، صاحب، ۱، حمد: ۴

مُبَشِّر [بشرا]: بشارت دهنده، مژده دهنده، ۱۱، صف: ۶

مُبِين [بین]: آشکار، ۶، جمعة: ۲

مُتَمِّم [تمم]: تمام کننده، کامل کننده، ۱۲، صف: ۸

مَثَل [مثل]: مثل، حال، وصف، ۷، جمعة: ۵

مَرْصُوص [رصاص]: مستحکم، سربی، ۱۰، صف: ۴

مَرْيَم: حضرت مریم عليها السلام، ۱۱، صف: ۶

مَسَاكِن [سکن]: ج. م. مسکن، ۱۳، صف: ۱۲

مُسْتَقِيم [قوم]: مستقیم، راست، ۱، حمد: ۶

مَسْكَن [سکن]: خانه، محل آرام گرفتن، ۱۳، صف: ۱۲

مُشْرِك [شرک]: مشرک، کسی که برای خدا شریک قائل است، ۱۲، صف: ۹

مُشْرِكُونَ [شرک]: ج. م. مشرک، ۱۲، صف: ۹

مُصَدِّق [صدق]: تصدیق کننده، تأیید کننده، ۱۱، صف: ۶

مُصِيبَةٌ [صوب]: مصیبت، آنچه (به انسان) می رسد، ۱۸، تغابن: ۱۱

مَصِير [صیرا]: بازگشت، سرانجام، محل بازگشت، ۱۵، تغابن: ۳

مَغْضُوب [غضب]: غضب شده، مورد غضب، ۱، حمد: ۷

مُفْلِح [فلح]: رستگار، کامیاب، ۲۰، تغابن: ۱۶

مُفْلِحُونَ [فلح]: ج. م. مفلح، ۲۰، تغابن: ۱۶

مَقْت [مقت]: خشم، ۱۰، صف: ۳

مُلَاقِي [لقى]: ملاقات کننده، ۸، جمعة: ۸

مَلِك [ملک]: فرمان روا، پادشاه، ۵، ناس: ۲

مُلْك [ملک]: فرمانروایی، پادشاهی، ۱۵، تغابن: ۱

مَنْ: کسانی کهچه کسی (کسانی)؟، ۷، جمعة: ۴

مِنْ: از، بعضی، هیچ، ۴، فلق: ۲

مَوْت [موت]: مرگ، ۸، جمعة: ۶

مُوسَى: حضرت موسی عليه السلام، ۱۱، صف: ۵

مُؤْمِن [أمن]: مومن، فرد با ایمان، ایمنی بخش، ۱۴، صف: ۱۳

مُؤْمِنُونَ [أمن]: ج. م. مؤمن، ۱۸، تغابن: ۱۳

مُؤْمِنِينَ [أمن]: ج. م. مؤمن، ۱۴، صف: ۱۳

نَا: ما، ۱، حمد: ۶

نَار [نورا]: آتش، ۱۷، تغابن: ۱۰

نَاس: مردم، آدمیان، ۵، ناس: ۱

نَاصِر [نصر]: یار، یاری کننده، ۱۴، صف: ۱۴

نَبَأُ [نبأ]: {ماضی، ۱، تفعیل}، خبر داد، آگاه کرد، ۱۶، تغابن: ۷

نَبَأُ [نبأ]: خبر، خبر مهم، ۱۶، تغابن: ۵

نَحْنُ: {ضمیر منفصل متکلم مع الغیر}، ما، ۱۴، صف: ۱۴

نَسْتَعِينُ [عون]: به کمک می گیریم، کمک می خواهیم، ۱، حمد: ۵

نَصْر [نصر]: یاری، کمک، ۱۴، صف: ۱۳

نَعْبُدُ [عبد]: عبادت می کنیم، بندگی می کنیم، می پرستیم، ۱، حمد: ۵

نَفَاثَات [نفث]: دمندگان، ۴، فلق: ۴

نَفْس [نفس]: جان، خود، فرد، ۱۳، صف: ۱۱

نَهْر [نهر]: رود، ۱۳، صف: ۱۲

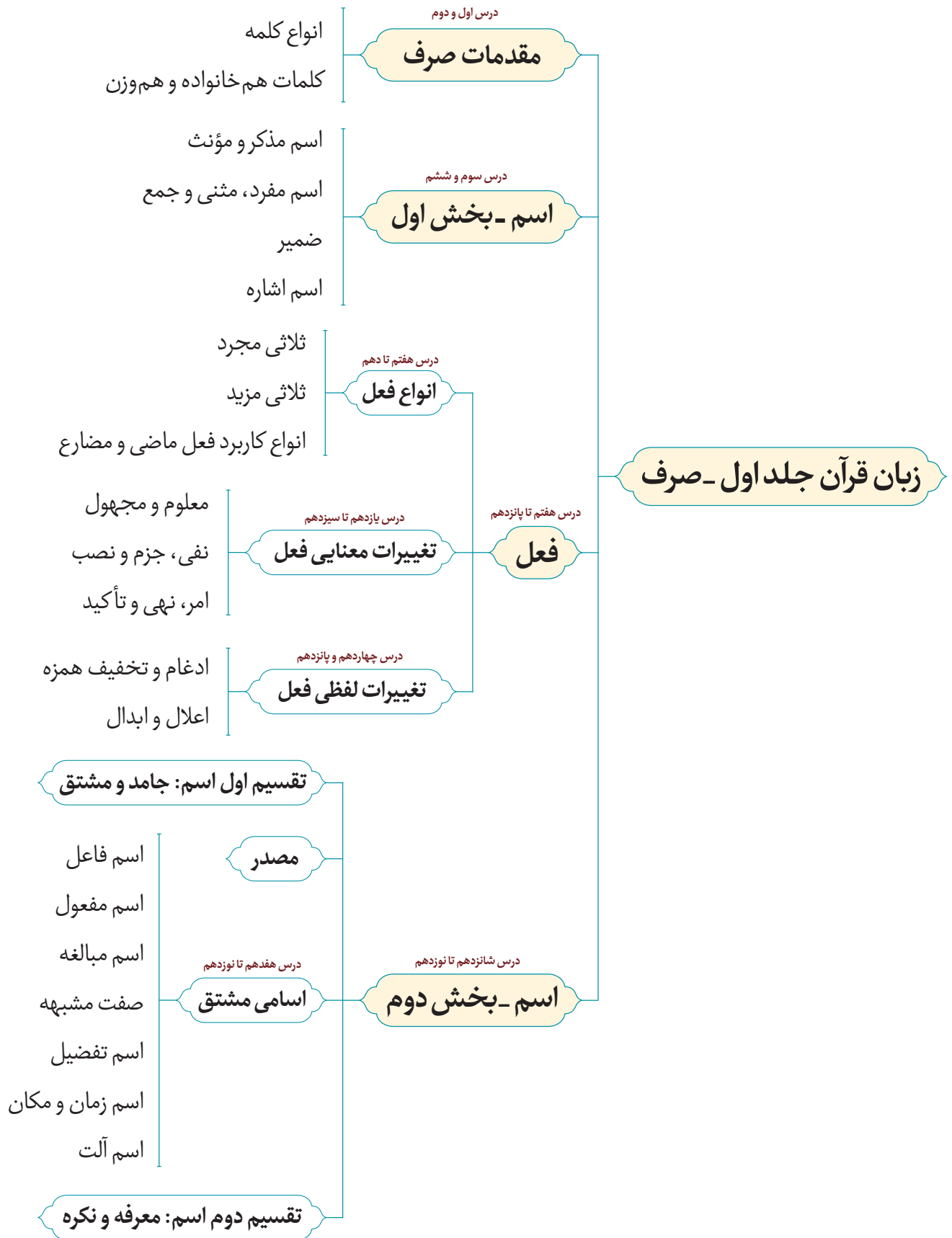
نُودِي [ندو]: ندا داده شد، ۹، جمعة: ۹

نُور [نورا]: نور، روشنایی، ۱۲، صف: ۸

هَادُوا [هود]: یهودی شدند ۸، جمعة: ۶	يُرِيدُونَ [رود]: می خواهند، اراده می کنند ۱۲، صف: ۸
هَدَى [هدی]: [ماضی، ۱ از فَعَلَ - يَفْعَلُ]، هدایت کرد، راهنمایی کرد ۱۶، تغابن:	يُرْكَبُ [زکی]: پاک می کند، ترکیه می کند ۶، جمعة: ۲
هَدَى [هدی]: هدایت، رهنمود ۱۲، صف: ۹	يُسَبِّحُ [سبح]: تسبیح می کند، پاک (و منزه) می داند ۶، جمعة: ۱
هُمَّ: آن ها، آنان، شان ۱، حمد: ۷	يَسِيرُ [یسرا]: آسان، سهل ۱۶، تغابن: ۷
هُ - هُ: او، آن، اش ۲، توحید: ۴	يَشَاءُ [شیا]: می خواهد ۷، جمعة: ۴
هُوَ: او، آن ۲، توحید: ۱	يُضَاعَفُ [ضعف]: {مضارع، ۱ از ضَاعَفَ} ۲۰، تغابن: ۱۷
وَ: و، ۱، حمد: ۵	يُظْفِرُونَ [ظفا]: خاموش می کنند ۱۲، صف: ۸
وَبَالَ [وبل]: کيفر، عقوبت ۱۶، تغابن: ۵	يُظْهِرُ [ظهر]: پیروز می کند، غلبه می دهد، آشکار می کند ۱۲، صف: ۹
وَسَوَّاسٍ [وسوس]: وسوسه گر، وسوسه ۵، ناس: ۴	يُعَلِّمُ [علم]: می آموزد، تعلیم می دهد ۶، جمعة: ۲
وَقَبٌ [وقب]: آمد، فراگرفت ۴، فلق: ۳	يَعْمَلُ [عمل]: {مضارع، ۱ از عَمِلَ} ۱۷، تغابن: ۹
وَقَى [وقی]: [ماضی، ۱ از فَعَلَ - يَفْعَلُ]، حفظ کرد ۲۰، تغابن: ۱۶	يَغْفِرُ [غفر]: می آمرزد، می بخشد ۱۳، صف: ۱۲
وَلَدٌ [ولد]: فرزند ۱۹، تغابن: ۱۴	يُقَاتِلُونَ [قتل]: مبارزه می کنند، پیکار می کنند، جنگ می کنند ۱۰، صف: ۴
وَلِيٌّ [ولی]: دوست، سرپرست ۸، جمعة: ۶	يُكْفِرُ [كفر]: {مضارع، ۱ از كَفَرَ} ۱۷، تغابن: ۹
ي: من، ام ۳، کافرون: ۶	يَكُونُ [کون]: هست، می باشد ۲، توحید: ۴
يَا أَيُّهَا: ای ۳، کافرون: ۱	يَلْحَقُونَ [لحق]: ملحق می شوند، می پیوندند، پیوسته می شوند ۷، جمعة: ۳
يَأْتِي [أتی]: می آید ۱۱، صف: ۶	يَلِدُ [ولد]: می زاید، تولید می کند ۲، توحید: ۳
يُعَثُّونَ [بعث]: {مضارع مجهول، ۳ از بَعَثَ} ۱۶، تغابن: ۷	يُنَبِّئُ [نبا]: آگاه می کند، خبر می دهد ۸، جمعة: ۸
يَتْلُونَ [تلو]: تلاوت می کند، می خواند ۶، جمعة: ۲	يَهْدُونَ [هدی]: هدایت می کند، راهنمایی می کند ۱۶، تغابن: ۶
يَتَمَنَّوْنَ [منی]: آرزو می کنند ۸، جمعة: ۷	يَهْدِي [هدی]: هدایت می کند، راهنمایی می کند ۷، جمعة: ۵
يَجْمَعُ [جمع]: {مضارع، ۱ از جَمَعَ} ۱۷، تغابن: ۹	يُؤْتِي [أتی]: می دهد ۷، جمعة: ۴
يُحِبُّ [حبب]: دوست می دارد ۱۰، صف: ۴	يُؤَسِّسُ [وسوس]: وسوسه می کند ۵، ناس: ۵
يُحْمَلُ [حمل]: حمل می کند ۷، جمعة: ۵	يُوقَى [وقی]: {مضارع مجهول، ۱ از وَقَى} ۲۰، تغابن: ۱۶
يُحْمَلُونَ [حمل]: حمل می کنند، زیربار می روند، عمل می کنند ۷، جمعة: ۵	يُولَدُ [ولد]: زاییده می شود، تولد می یابد ۲، توحید: ۳
يَدٌ [یدی]: دست ۸، جمعة: ۷	يَوْمٌ [یوم]: روز، دوره، مرحله ۱، حمد: ۴
يُدْخِلُ [دخل]: داخل می کند ۱۳، صف: ۱۲	يُؤْمِنُ [أمن]: {مضارع، ۱ از آمَنَ} ۱۷، تغابن: ۹
يُدْعَى [دعو]: دعوت می شود، خوانده می شود ۱۲، صف: ۷	
يَدِينُ [یدی]: مثنای ید ۱۱، صف: ۶	



نمودار زبان قرآن



مقدمات صرف

انواع کلمه

درس اول

علم صرف

تعریف: درباره ساختار کلمه مفرد (قبل از ورود به جمله) و تغییرات آن بحث می‌کند.

تعریف فعل، اسم و حرف

فعل: کلمه‌ای که معنای مستقلی در زمان خاصی دارد. نَعْبُدُ = عبادت می‌کنیم

اسم: کلمه‌ای که معنای مستقلی (بدون زمان) دارد. عَابِدٌ = عبادت کننده

حرف: کلمه‌ای که دلالت بر معنای مستقلی نکند.
بِ = به

علائم اسم

ال: مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

جز: مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

تنوین: قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ

جمع و مثنی: غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

اضافه: مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

تشخیص فعل، اسم و حرف

علائم فعل: برخی حروف مانند: قَدْ، لَمْ و...
وَ قَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللهِ إِلَيْكُمْ

علامت حرف: نپذیرفتن علائم اسم و فعل

درس دوم

کلمات هم خانواده و هم وزن

کلمات هم خانواده

هم جنس: شبیه، هم خانواده در فارسی
رَحِيمٌ، رَحْمَانٌ، رَحْمَةٌ

ریشه: حروف اصلی که در کلمات هم جنس تکرار می‌شوند. ر-ح-م

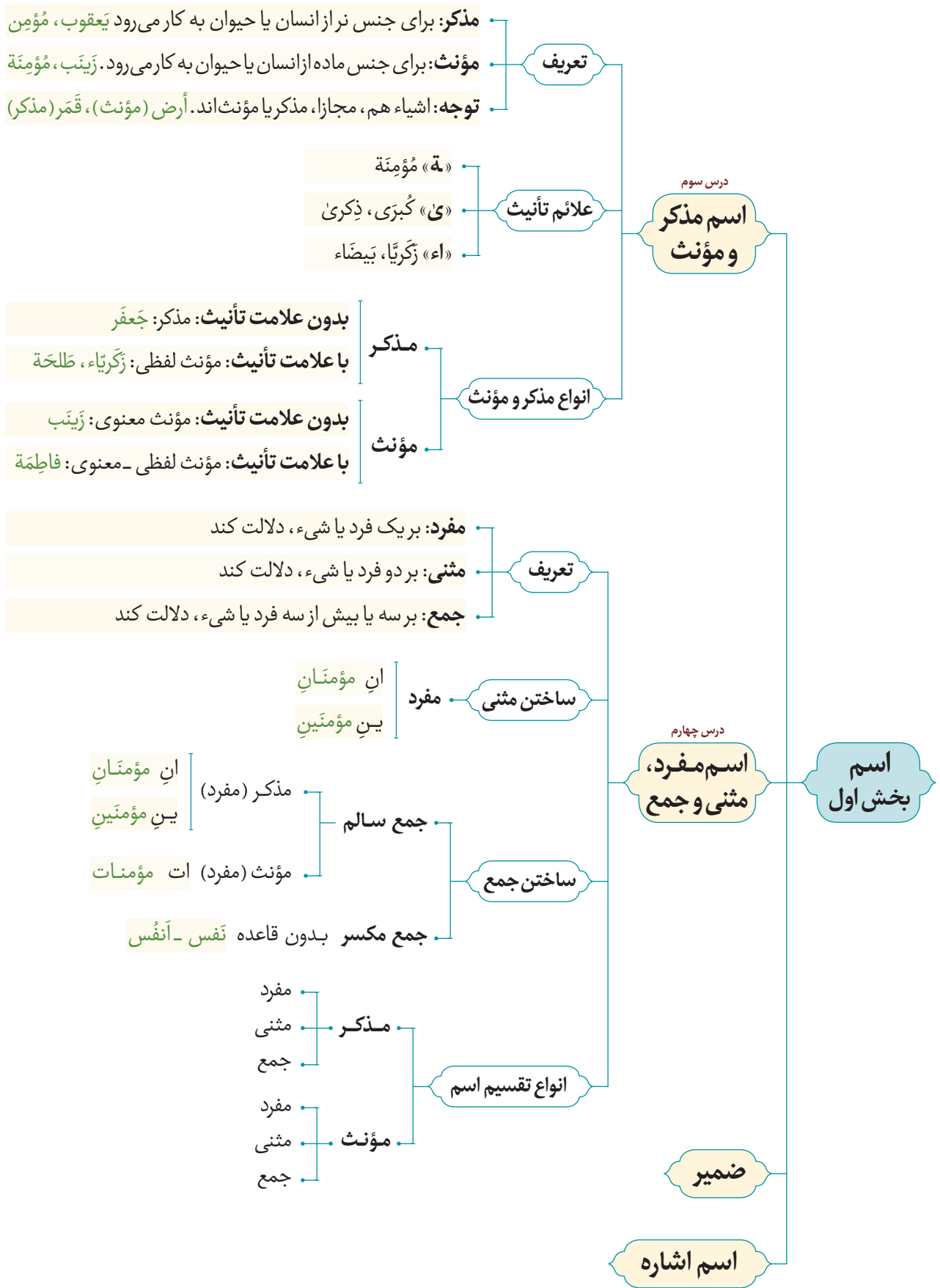
حروف زائد: حروف غیر از حروف اصلی
کلمه. بِ-ا-ة

کلمات هم وزن

کلمات هم وزن: حرکات حروف و حروف زائد در آن‌ها یکسان است. رَحِيمٌ، عَلِيمٌ، بَصِيرٌ

وزن کلمه

وزن کلمه: جایگزین کردن (ف-ع-ل) به جای حروف اصلی کلمه. فَعِيلٌ، فَعْلَانٌ، فَعْلَةٌ



اسم بخش اول

اسم مذکر
و مؤنث

اسم مفرد،
مثنی و جمع

درس پنجم

ضمیر

تعریف

اسمی که جانشین اسم می شود و از تکرار آن جلوگیری می کند.

غایب
مخاطب
متکلم

ضمیر منفصل

غایب
مخاطب
متکلم

ضمیر متصل

هُوَ هُما هُم مذکر

هِيَ هُما هُنَّ مؤنث

أنت أنتما أنتم مذکر

أنت أنتما أنتن مؤنث

أنا نحن

هُ هُما هُم مذکر

ها هُما هُنَّ مؤنث

كُ كُما كُم مذکر

كِ كُما كُنَّ مؤنث

ی نا

تعریف

اسمی که برای اشاره کردن به شخص یا مکان یا چیز معینی به کار می رود.

اسم اشاره به نزدیک

مذکر هذا = این هؤلاء = اینها - ایشان

مؤنث هذِهِ = این هؤلاء = اینها - ایشان

اسم اشاره به دور

مذکر ذلِكَ = آن أولئِكَ = آن ها

مؤنث تِلْكَ = آن أولئِكَ = آن ها

اسم اشاره به مکان

مکان نزدیک هُنَا = این جا

مکان دور هُنَالِكَ، ثَمَّ = آنجا

درس ششم

اسم اشاره

انواع فعل

درس هفتم و هشتم

ثلاثی مجرد

درس هفتم

فعل ماضی

اوزان

- فَعَلَ: خَلَقَ
- فَعِلَ: شَهِدَ
- فَعُلَ: حَسَنَ

تعریف: فعل مربوط به زمان گذشته
صیغه‌ها: مطابق جدول کتاب

درس هشتم

فعل مضارع و مستقبل

اوزان فعل مضارع

- يَفْعَلُ: يَعْلَمُ
- يَفْعِلُ: يَغْفِرُ
- يَفْعُلُ: يَحْسُنُ

تعریف: فعل مربوط به زمان حال یا آینده
مضارع
صیغه‌ها: مطابق جدول کتاب

- فَعَلَ - يَفْعَلُ: بَعَثَ - يَبْعَثُ
- فَعَلَ - يَفْعِلُ: صَرَبَ - يَصْرِبُ
- فَعَلَ - يَفْعُلُ: عَبَدَ - يَعْبُدُ
- فَعَلَ - يَفْعَلُ: عَلِمَ - يَعْلَمُ
- فَعَلَ - يَفْعُلُ: حَسَنَ - يَحْسُنُ

ابواب افعال ثلاثی مجرد

فعل مستقبل

تعریف مربوط به زمان آینده است
ساخت
آینده نزدیک: س + فعل مضارع سَيَعْلَمُ: بزودی خواهد دانست
آینده دور: سوف + فعل مضارع سَوْفَ يَعْلَمُ: خواهد دانست

درس نهم

ثلاثی مزید

فعل ثلاثی مجرد و مزید

مجرد: فعلی که صیغه اول ماضی آن حرف زائدی ندارد
مزید: فعلی که صیغه اول ماضی آن حرف زائدی دارد

ابواب ثلاثی مزید

- أَفْعَلَ
- فَعَّلَ
- فَاعَلَ
- إِفْتَعَلَ
- تَفَعَّلَ
- إِسْتَفْعَلَ
- يُفْعِلُ
- يُفْعِلُ
- يُفَاعِلُ
- يُفْتَعِلُ
- يُتَفَعَّلُ
- يَسْتَفْعِلُ

- يَعْلَمُ: می داند
- يُعَلِّمُ: آموزش می دهد
- يَتَعَلَّمُ: می آموزد

تغییر معنا در ابواب مزید

مثال: ع - ل - م

درس دهم

انواع کاربرد فعل ماضی و مضارع

ماضی استمراری

صیغه مناسب از کان + فعل مضارع فَيَتَّبِعُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ... انجام می دادید

ماضی نقلی

قَدْ + فعل ماضی قَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ... (خدا) از شما پیمان گرفته است

ماضی در اسلوب شرط

إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ... فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ: اگر می پندارید

ماضی در معنای قطعیت

كَانَ اللهُ عَلِيمًا حَكِيمًا: خداوند دانا و باحکمت است

مضارع التزامی

- پس از ادوات شرط مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ... پس کسی که روی گرداند
- پس از لَعَلَّ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ: به امید اینکه رستگار شوید
- پس از أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ... اینکه بگویید



تغییرات معنایی فعل

درس یازدهم

معلوم و مجهول

ساخت مجهول

- مجرد
 - ماضی: **فَعَلَ خَلَقَ: وَ خَلِقَ الْإِنْسَانَ صَعِيفًا**
 - مضارع: **يُفَعِّلُ يَأْخُذُ: فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ**
- مزید
 - ماضی عین الفعل را مکسور و حروف متحرک قبل از آن را مضموم می‌کنیم. **أَخْرَجُوا: الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ**
 - مضارع حرف اول مضارع معلوم را مضموم کرده و عین الفعل را مفتوح می‌کنیم. **يُضَاعَفُ: إِنَّ الْمُضَاعَفِينَ... يُضَاعَفُ لَهُمْ**

درس دوازدهم

نفی، جزم و نصب

جزم

- ساخت از مضارع
 - در صیغه‌هایی که آخر آن‌ها «ن» داریم، «ن» را حذف می‌کنیم.
 - در صیغه‌هایی که آخر آن‌ها «ن» نداریم، حرف آخر اساکن «ت» می‌کنیم.
- موارد جزم
 - برخی تغییرات معنایی: نفی، امر و نهی **لَمَّا**
 - برخی تغییرات نحوی: اسلوب شرط **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ**

نصب

- ساخت از مضارع
 - در صیغه‌هایی که آخر آن‌ها «ن» داریم، «ن» را حذف می‌کنیم.
 - در صیغه‌هایی که آخر آن‌ها «ن» نداریم، حرف آخر امر مفتوح «ت» می‌کنیم
- حروف ناصبه
 - أَنْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ**
 - لَنْ زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا**
 - كَيْ لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ**

نفی

- لَا** لا أَعْبُدُ = نمی پرستم
- مَا** ما رَعَوْهَا = رعایت نکردند آنرا
- إِنْ** إِنْ يَدْعُونَ إِلَّا = نمی خوانند مگر
- لَمْ** لَمْ يَحْمِلُوها = حمل نکردند
- لَمَّا** لَمَّا يَلْحَقُوا = هنوز نپیوسته‌اند
- لَنْ** لَنْ تُؤْمِنَ = هرگز ایمان نمی آوریم

درس سیزدهم

امر، نهی و تأکید

امر

- ساخت از فعل مجزوم
 - در غایب و متکلم، «ل» قبل از حرف اول **وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مِمَّا قَدَّمتْ لِغِي**
 - در مخاطب، همزه وصل به جای حرف اول **وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا**

نهی

- ساخت از فعل مجزوم
 - لا+فعل مجزوم **لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ**

تأکید فعل مضارع

- فعل مضارع + نْ
 - آخر فعل «ون» است → اتصال «نْ» به لام الفعل **تَعْلَمُونَ - تَعْلَمَنَّ**
 - آخر فعل «ون» نیست → مفتوح کردن لام الفعل واتصال «نْ» به آن **تَعْلَمُ - تَعْلَمَنَّ**

تغییرات لفظی فعل

درس چهاردهم

ادغام

دو حرف همانند، تبدیل به یک حرف مشدد

حذف حرکت حرف اول
 حذفتوا: وَ طَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِّنَ اللَّهِ
 انتقال حرکت حرف اول به ما قبل
 يُحِبُّ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ

درس چهاردهم

تخفیف همزه

تبدیل همزه به الف

أَمْتُوا: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

تبدیل همزه به واو

أَتُوا: وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلُ

تبدیل همزه به یاء

إِيمَان: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ

درس پازدهم

اعلال

حروف عله: و-ی-الف

انواع معتل

- مثال: حرف اول ریشه عله است و-ل-د
- اجوف: حرف دوم ریشه عله است ق-و-ل
- ناقص: حرف سوم ریشه عله است د-ع-و

انواع اعلال

سکون يَقُولُ - يَقُولُ

قلب قَوْلٌ - قَالَ

حذف يُولِجُ - يَلِجُ

دو مورد از حذفیات

- معتل ناقص مجزوم يَهْدِي: وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ
- جزم موجب التقاء ساكنين شود يَكُونُ: وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

درس پازدهم

ابدال

تبدیل حرفی به حرف دیگر (غیر از موارد اعلال) مثال: مُتَّصِدِقٌ - مُصَدِّقٌ

